

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات همایش

صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد اول

جامعه المصطفی العالمیه



دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی
مسئول همایش: محمدجواد زارعان
مدیر اجرایی همایش: محمدصادق دهقان نژاد

*** اعضای شورای علمی (به ترتیب الفبا):**

رسول عبداللہی
علی نقی خدایاری
قاسم جوادی (صفری)
محمدجواد زارعان
محمدعلی رضایی اصفہانی
محمد عظیمی
مہدی قائمی امیری
ناصر باقری بیدہندی
ناصر رفیعی محمدی

*** مراکز همکار:**

جامعۃ الزہراء علیہا السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الہدی، پژوهشگاہ قرآن و حدیث

فهرست اجمالی

- سخن دبیر علمی همایش ۱۵
- بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری ۱۶
- سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ۲۰
- سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی ۲۷
- سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی ۳۸
- سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری ۴۳
- زیست نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام ۴۹
- سیدعلیرضا عالمی
- سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۷۵
- محمد امینی
- بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام ۹۰
- حمیده صرفی
- بستگان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۱۸
- فاطمه کرمی
- معرفی کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکه المکرمه ۱۴۴
- رضا مختاری
- حضرت خدیجه کبری علیها السلام تندیس درایت، نجابت، عطوفت، اخلاق و فضایل ۱۵۲
- غلامرضا گلکی زواره
- مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۶۹
- مهتاب شورمیچ، فاطمه جوربندی ثانی
- بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی) ۲۰۶
- نعمت الله صفری فروشانی، داوود کاظم بیور
- سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲۳۷
- حسین تهرانی

- منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج ۲۶۷
محمد رضا خادمیان
- کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب ها و راه کارها ۲۷۶
مهدیه چیت ساز، احمد عابدی
- کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام ۳۰۵
سید رضا هاشمی شاه قبادی
- کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان های فارسی، عربی، اردو، ترکی، اسپانیولی،
انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی) ۳۲۴
مریم اسماعیلی (سما)

فهرست مطالب

۱۵	سخن دبیر علمی همایش
۱۶	بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری
۲۰	سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
۲۷	سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی
۳۸	سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی
۴۳	سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری
۴۹	زیست نامه مستند حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۴۹	خانواده و ولادت
۵۱	حیات خدیجه <small>علیها السلام</small> قبل از ازدواج با حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۵۶	حیات خدیجه <small>علیها السلام</small> پس از ازدواج
۶۰	ایمان به رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۶۴	حمایت از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و اسلام
۶۵	فضایل و مناقب
۶۹	درگذشت
۷۰	منابع
۷۵	سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> قبل از ازدواج با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۷۵	مقام و منزلت حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۷۷	پیش از ازدواج
۷۷	عمر حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۷۹	ازدواج های سابق
۷۹	الف) ابوهاله
۸۱	ب) عتیق
۸۱	زمان ازدواج
۸۱	فرزندان

۸۲.....	ازدواج فرزندان.....
۸۵.....	دوشیزه بودن خدیجه <small>علیها السلام</small>
۸۷.....	منابع.....
۹۰.....	بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۹۱.....	ازدواج پیش از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۹۱.....	الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی.....
۹۵.....	ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت.....
۹۷.....	راز علاقه حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> به حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۹۷.....	۱. سفر تجارتي میسر به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۹۸.....	۲. پیش‌گویی پسرعموی دانشمند حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۹۸.....	۳. پیش‌گویی راهب یهودی.....
۱۰۰.....	۴. خواب دیدن حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۰۰.....	اقوال مختلف درباره خواستگاری.....
۱۰۰.....	۱. خواستگاری پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> از خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۰۰.....	۲. خواستگاری خود خدیجه <small>علیها السلام</small> از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۰۱.....	۳. خواستگاری خدیجه <small>علیها السلام</small> به واسطه نفیسه دختر منیه.....
۱۰۱.....	۴. خواستگاری خدیجه <small>علیها السلام</small> به واسطه خواهرش هاله.....
۱۰۲.....	مراسم ازدواج.....
۱۰۲.....	تهمت‌های ناروا به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۰۲.....	۱. تنگ‌دستی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۰۳.....	۲. دوستی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و خدیجه <small>علیها السلام</small> قبل از ازدواج.....
۱۰۳.....	۳. شراب خوردن پدر خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۰۳.....	۴. انگیزه ازدواج پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> با خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۰۴.....	۵. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج.....
۱۰۶.....	شیوه شوهرداری خدیجه <small>علیها السلام</small>

۱۰۶	۱. محبت به همسر
۱۰۸	۲. برترین همسر
۱۱۰	۳. احترام و تکریم بستگان همسر
۱۱۰	۳-۱- تکریم ابوطالب
۱۱۰	۳-۲- محبت به امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۱۱	فرزندان خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۱۳	سن دختران پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۱۵	منابع
۱۱۸	بستگان حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۱۹	مقدمه
۱۲۰	پدر و مادر حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۰	الف) بستگان پدری حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۰	۱. پدربزرگ و مادر بزرگ پدری حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۱	بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۱	۲. برادران حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۱	۳. خواهران حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۲	۴. عموهای حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۳	۵. عمه های حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۴	ب) بستگان مادری حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۴	۱. پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۵	سیر تطور منابع در گذر زمان
۱۲۶	تفاوت ها و اشکالات مذکور در منابع
۱۲۷	چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین
۱۲۸	شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۲۸	الف) برادران حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>

۱۳۱ (ب) خواهران حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۳۲ (ج) عموهای حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۳۶ عمه‌های حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۳۷ موضع بستگان خدیجه <small>علیها السلام</small> در برابر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۳۸ نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۴۰ نمودار بستگان حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۴۱ نتیجه
۱۴۲ منابع
۱۴۴ معرفی کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد <small>علیها السلام</small> فی مکة المکرمة
۱۵۱ منبع
۱۵۲ حضرت خدیجه کبری <small>علیها السلام</small> تندیس درایت، نجابت، عطوفت، اخلاق و فضایل
۱۵۲ مقدمه
۱۵۳ از نسل باصلا بت
۱۵۴ القاب شایسته
۱۵۵ بر کرانه کمالات
۱۵۷ پارسایی و پایداری
۱۵۸ پیوندی پاک
۱۵۸ در وصف نبی اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۵۹ از منظر منظر منور
۱۶۰ در نگاه بزرگان دنیای اسلام
۱۶۱ از دید زنان نامور
۱۶۲ از زبان و قلم نویسندگان غیرمسلمان
۱۶۳ کارفرمای کارآفرین
۱۶۶ بیت بابرکت
۱۶۷ جهاد اقتصادی

۱۶۹.....	مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small>
۱۷۰.....	مقدمه
۱۷۱.....	فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small>
۱۷۱.....	فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره
۱۷۳.....	فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات
۱۷۷.....	فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع
۱۸۲.....	تعداد فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small> در کتب سیره
۱۸۳.....	تعداد فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small> در کتب طبقات
۱۸۴.....	تعداد فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small> در کتب انساب
۱۸۵.....	تعداد فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small> در سایر منابع
۱۸۷.....	بررسی قدیم‌ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small>
۱۸۷.....	بررسی قدیم‌ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small>
۱۸۸.....	بررسی قدیم‌ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small>
۱۸۸.....	بررسی قدیم‌ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه <small>ع.ا.س.</small>
۱۸۹.....	ارتباط درون‌گروهی نمودارها
۱۹۴.....	جدول مقایسه فراوانی
۱۹۵.....	تجزیه و تحلیل
۱۹۹.....	نتیجه
۲۰۱.....	منابع
	بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر <small>ص.ا.ع.</small> (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی)
۲۰۶.....	مقدمه
۲۰۷.....	رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم
۲۰۷.....	تعریف منابع متقدم
۲۰۸.....	سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام

- سن یائسگی در زنان ۲۱۰
- واکاوی امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت ۲۱۵
۱. فاخته دختر ابی طالب (ام هانی) ۲۱۵
۲. غزیه ۲۱۶
- فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۲۲۰
۱. سیره ابن هشام (م ۲۱۳ ق) ۲۲۲
۲. محمد بن سعد (۲۳۰ ق) ۲۲۳
۳. بلاذری (۲۷۹ ق) ۲۲۶
۴. یعقوبی (۲۸۴ ق) ۲۲۹
۵. محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق) ۲۳۱
۶. مسعودی (۳۴۶ ق) ۲۳۲
- نتیجه ۲۳۳
- منابع ۲۳۴
- سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله** ۲۳۷
- حضرت خدیجه علیها السلام، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد ۲۴۳
- ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام، با مبانی اعتقادی تشیع ۲۵۱
- عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ ۲۵۴
- ناقلان ازدواج‌های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام ۲۵۶
۱. هشام بن محمد بن سائب کلبی ۲۵۶
۲. زبیر بن بکار ۲۵۶
۳. قتاده بن دعامة ۲۵۷
- باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام ۲۵۹
۱. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام ۲۶۰
۲. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام ۲۶۰
۳. مادر گرامی امام رضا علیه السلام ۲۶۱

۲۶۳ بیان عایشه درباره حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۲۶۴ کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۲۶۷ منزل و مقبره حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> بر اساس سفرنامه های حج
۲۶۸ الف) منزل حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۲۷۱ ب) مقبره حضرت خدیجه
۲۷۵ منبع
۲۷۶ کتاب شناسی حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> : آسیب ها و راه کارها
۲۷۷ مقدمه
۲۷۹ بیان مسأله
۲۷۹ اهمیت پژوهش
۲۷۹ الف) هدف اصلی
۲۸۰ ب) هدف فرعی
۲۸۰ روش پژوهش
۲۸۱ پیشینه پژوهش
۲۸۳ یافته ها و نتایج
۲۸۳ کتاب های فارسی
۲۹۱ مقالات فارسی
۳۰۱ مقالات روزنامه ها
۳۰۴ منابع
۳۰۵ کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری <small>علیها السلام</small>
 کتاب شناسی حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> (به زبان های فارسی، عربی، اردو، ترکی، اسپانیولی،
۳۲۴ انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی)
۳۲۴ مقدمه
۳۲۵ الف) فارسی
۳۲۷ مقالات فارسی

۳۲۸.....	ب) عربی
۳۳۲.....	مقالات عربی
۳۳۶.....	ج) ترکی
۳۳۸.....	د) اردو
۳۳۹.....	ه) انگلیسی Khadija Bint Khuwaylid
۳۴۱.....	Online Books
۳۴۱.....	Articles
۳۴۱.....	و) اسپانیولی
۳۴۳.....	ز) فرانسوی
۳۴۴.....	ح) ایتالیایی
۳۴۷.....	ط) آلمانی

سخن دبیر علمی همایش

بررسی ابعاد شخصیت أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است. مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می‌دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل، اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لیبیک‌گوی رسالت، همسر و هم سَر رسول خدا، انیس تهی‌دستی، کاشانه أم‌أبیها و مادر امت بود. نقش مهم او در پیش‌برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی‌دریغش از اندیشه‌های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظله می‌فرمایند:

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است. به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است. دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج‌هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن‌ها مبتلا بودند، ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را، دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

علی‌رغم تلاش‌های درخور ستایشی که در معرفی این شخصیت آسمانی ارائه شده، پژوهش‌های جدید، جامع و پویا هم چنان ضروری است تا ابعاد بیش‌تری از زندگی این شخصیت بزرگوار روشن شود و اندکی از غبار مظلومیت و غربت چهره نورانیش زدوده گردد. آن‌چه به مناسبت برگزاری همایش ملی صدف کوثر ارائه می‌شود گامی است کوچک در شناساندن حضرت خدیجه علیها السلام که شامل عناوین ذیل است:

۱. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر، ۳ جلد
۲. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (فارسی)، ۲ جلد
۳. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی-انگلیسی)، ۱ جلد
۴. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، ۱ جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (ص) و همسر گرامیش ام‌الائمہ حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم. از همه اساتید، فضلا، و پژوهش‌گرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته‌اند قدردانی می‌کنم، به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری بیدهندی، مهدی قائمی امیری، محمدعلی رضایی اصفهانی، قاسم جوادی، رسول عبداللہی، محمد عظیمی و علی نقی خدایاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته‌اند. هم چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی، آقایان: مهدی بزرگر، علی جعفری‌منش، محمدمراد خان بابا، علی اصغر شریفی‌نیا، محمد عظیمی، محمداقرا متولی، ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می‌نمایم.

ربنا تقبل منا إنک انت السميع العليم
دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر
ناصر رفیعی محمدی
۱۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۹

بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری

اولاً خیلی تشکر می‌کنم از آقایان محترم، که به این فکر افتادید و این کار را با انگیزه دارید دنبال می‌کنید.

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است؛ به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان دارای یک ارزش مضاعف است؛ دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند لکن این رنج‌هایی را که پیغمبر در عمده دوران رسالت به آن‌ها مبتلا بودند ندیدند. ده سال در مدینه بود، خب عزت بود، احترام بود، و زندگی راحت بود نسبت به آن دوره؛ جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را، دوران سختی‌های پیغمبر را تحمل کردند و دیدند. اولاً خود این نفس ایمان آوردن به پیغمبر - که اولین کسی که ایمان آورد امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام بودند - یک امتیاز بزرگ است، یک ارزش بسیار بالایی است؛ عبور کردن و صرف نظر کردن از عقایدی که انسان سال‌هایتمادی با آن‌ها زندگی کرده آسان نیست، برای ما پیش نیامده یک چنین چیزی تا بفهمیم چقدر مشکل و مهم است. ایشان با آن فطرت پاک، صدق قضیه را، حقانیت قضیه را بلافاصله فهمید؛ تا پیغمبر را دید، با آن حال - با آن حالت معروف و مذکور در کتاب‌ها - که از جِرا برگشته بود فهمید که یک حادثه‌ای مهم اتفاق افتاده و قلب مبارکش مجذوب شد و ایمان آورد. بعد پای این ایمان ایستاد؛ حالا شما ثروت را می‌فرمایید. این یک کلمه به زبان آسان است؛ کاری است که خب، کسانی که پول دارند می‌توانند بالاخره یک پولی هم

۱. اشاره حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی به این که حضرت خدیجه علیها السلام همه اموالش را صرف اسلام کرد.

مصرف کنند، خرج کنند، اما این‌که انسان از همه زندگی راحت خارج بشود- یعنی همه پولش را مصرف کند، همه ثروتش را صرف کند- یک‌کار یک‌ذره و دودزه نیست؛ درباره امام حسن مجتبی علیه السلام مثلاً می‌گویند که ایشان چندبار از اموال خودشان خارج شدند یا چندبار از نصف مالشان خارج شدند؛ این جزو بزرگ‌ترین امتیازات است. این بزرگوار این امتیاز را دارد که از همه اموال خودش خارج شد و همه را صرف کرد در راه ترویج اسلام و تقویت پیغمبر. بعد هم دچار آن سختی‌ها و آن مشکلات طاقت‌فرسا [شد] که یکی‌اش همین مسأله شعب ابی‌طالب بود و آن سه‌سالی که آن‌جا بودند و آن سختی‌هایی که این بزرگ‌وار متحمل شد و این ایمان را محکم نگه داشت، خب قرآن درباره کسانی که قبل از فتح و بعد از فتح انفاق می‌کنند [می‌گوید] «یَسْتَوِی مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ»؛ این «قبل الفتح»، قبل از فتح مدینه است؛ یعنی قبل از آن‌که مدینه‌ای در اختیار پیغمبر قرار بگیرد و زندگی‌ای، راحتی، حکومتی، تسلطی، قدرتی در اختیار آن بزرگوار باشد؛ در حال نهایت شدت، ایشان انفاق کردند؛ هم مالشان را، هم جانشان را، هم راحتشان را، خب این‌ها واقعاً فضایل مهمی است؛ این‌ها مغفول‌عنه مانده؛ حضرت، مظلومه است؛ این بزرگوار واقعاً مظلومه است. تعبیر کردند جناب آقای اعرافی گفتند غریب، واقعاً همین جور است؛ جناب خدیجه علیها السلام غریب است. حالا شما^۱ می‌گویید مادر یازده امام، [اما] در واقع مادر دوازده امام؛ چون ایشان مادر امیرالمؤمنین علیه السلام هم هست. ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام را در آغوش خودش، در دامن خودش، در زندگی خودش پرورش داده تا چندسالگی. به هر حال این یک کار بسیار خوبی است و کار بسیار مهمی است و ان‌شاءالله برکات زیادی هم خواهد داشت.

۱. سوره حدید، بخشی از آیه ۰۱؛ «... کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده‌اند، [با

دیگران] یک‌سان نیستند...».

۲. حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی.

بله، همین طور که اشاره کردید،^۱ تعریض^۲ به سایر زوجات مطهرات پیغمبر نبایستی باشد؛ بالاخره زوجات پیغمبر محترمند؛ هر کسی به این ها اهانت کند- هر کدامشان باشد- به پیغمبر اهانت کرده؛ این را من عن اعتقاد و قاطعاً عرض می‌کنم؛ به پیغمبر نباید اهانت کرد. امیرالمؤمنین با جناب عایشه آن رفتار را کرد. عایشه به جنگ حضرت آمده بود، لشکرکشی کرده بود [اما] امیرالمؤمنین نگذاشت حرمت عایشه به هم بخورد. وقتی ایشان را می‌خواست بفرستد به مدینه، زن‌ها را لباس مردانه پوشاند و محمد بن ابی‌بکر را هم در رأس این‌ها قرار داد، یعنی برادر جناب عایشه را؛ این خیلی مهم است که امیرالمؤمنین با زنی که به جنگ او آمده، این جور با احترام [رفتار کند]؛ به خاطر این که [همسر پیغمبر بود]. والا امیرالمؤمنین که از کسی ملاحظه ندارد؛ لازم بود شلاق بزند، لازم بود گردن بزند، می‌زد؛ امیرالمؤمنین که از چیزی نمی‌ترسید؛ این معلوم می‌شود که به خاطر احترام به پیغمبر است. آن آیه شریفه سوره مبارکه احزاب ظاهراً این جوری است؛ وَلَا تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مَنْ بَعْدَهُ أَبَدًا أَنْ ذَالِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا^۳ این که کسانی حق ندارند بعد از پیغمبر با ازواج پیغمبر ازدواج کنند، به خاطر حرمت پیغمبر است، به خاطر احترام به پیغمبر است. بنابراین حتماً تعریض بایستی وجود نداشته باشد. حالا ما ممکن است به بعضی از زوجات پیغمبر ارادت بیشتری داشته باشیم، به بعضی به خاطر یک جهاتی نه، آن ارادت را نداشته باشیم؛ آن بحث دیگری است، اما نسبت زوجیت، به هر حال بایستی محفوظ باشد.

از جمله دیگر همسران پیغمبر هم که به نظر بنده مظلوم واقع شده‌اند، جناب ام‌سلمه؛ ایشان هم همین جور. ام‌سلمه خیلی مقام بالایی دارد، خیلی رتبه معنوی بالایی دارد که هم در زمان پیغمبر این را می‌شود فهمید و هم بعد از پیغمبر می‌شود این را فهمید؛ این بزرگوار هم ناشناخته است در دنیای اسلام و

۱. همان.

۲. اهانت.

۳. سوره احزاب بخشی از آیه ۳۵.

ایشان هم مورد توجه قرار نگرفته. حالا اگر کسانی همت کنند نسبت به جناب ام سلمه هم که امتیازاتی دارد- غیر از امتیاز زن پیغمبر بودن- و درباره ایشان هم کار بشود، تحقیق بشود، خیلی خوب است. به هر حال ما متشکریم از جناب آقای اعرافی، جناب آقای رفیعی و بقیه آقایانی که همکاری دارند در این قضیه و امیدوارم ان شاء الله اجرشان را از پیغمبر بگیرند؛ و مسلماً این کار مورد رضای رسول الله ﷺ است.

والسلام علیکم ورحمه الله

سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

«الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی خیر خلقه محمد صلی الله علیه و آله و علی آبائه الطیبین الطاهرین المعصومین لاسیما بقیه الله المنتظر - ارواحنا فداه - ولا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم».

در ابتدا از برگزارکنندگان این همایش تشکر و قدردانی می‌کنم.

بحث در مورد ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام، جهات مختلف و ابعاد زیادی دارد که باهم متفاوت هستند. از ویژگی‌های این همایش، این است که برای بانوی بسیار والامقام و مجاهدی تشکیل شده که برخی‌ها، خدمات برجسته او را به فراموشی سپرده‌اند. به همین جهت، می‌توان او را مظلومه نام نهاد، درحالی که زندگی او می‌تواند الگوی بسیار ارزنده‌ای برای همه مجاهدان راه خدا باشد. این بانوی بزرگوار، از جمله کسانی است که مصداق بارز کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در *نهج البلاغه* هستند؛ در آن جا که فرمودند: «لا تَسْتَوْحِشُوا فی طریقِ الْهُدَى لِغَلَّةِ أَهْلِهِ؛ اگر در مسیر هدایت، همراه کم داشتید، وحشت نکنید!».

خدیجه کبری علیها السلام در آغاز کار در حمایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله تک و تنها بود اما به مصداق این کلام، وحشتی به خود راه نداد و تا آخر محکم ایستاد. او می‌گفت: «خدا با ماست» و کسی که خدا با اوست، تنها نیست. این بانوی بزرگوار مصداق بارز همین موضوع هست. معروف است زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند، هر زمان به خانه می‌آمدند و بدن نازنیشان بر اثر سنگ‌های دشمنان مجروح بود و این بانوی بزرگوار، زخم‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله را می‌بست و آن حضرت را دل‌داری می‌داد.

یکی از نشانه‌های مظلومیت این بانوی بزرگوار این است که تنها دوران

مشقت بار زندگی پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دید.

او هرگز زنده نماند تا دوران عظمت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ببیند، زمانی را که اسلام تمام جزیره العرب را فرا گرفته و بانگ لا اله الا الله همه جا بلند بود. تمام دوران سختی پیغمبر را تا آخر عمر دید، مخصوصاً در آن زمان که پیغمبر و مسلمانان، سخت در حلقه محاصره دشمنان گرفتار بودند. حتی این بانوی بزرگوار، زمانی چشم از جهان فرو بست که مسلمانان در حلقه محاصره بودند و به این ترتیب، دوران پیروزی و عظمت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را که در جزیره العرب به اوج رسید و همه دشمنان در برابر او تسلیم شدند و بانگ توحید و الله اکبر تمام فضای حجاز را پر کرده بود را هرگز مشاهده نکرد. آری او با غم و اندوهی جانکاه چشم از جهان بر بست و پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دخترش فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را داغ دار ساخت؛ در حالی که وظیفه خود را در حمایت از اسلام و همسرش انجام داده بود.

زوایای زندگی این بانوی بزرگوار واقعاً مطالعه‌کردنی است و در هر زاویه‌اش، درس مهمی نهفته است. برخی تصور می‌کنند که او هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چهل سال داشت و پیش از آن حضرت، با دو نفر دیگر به نام‌های ابوهاله تمیمی و عتیق بن خالد ازدواج کرده و از آنان فرزندان نیز داشته، اما هر دو مسأله از نظر محققان و بزرگان تاریخ کاملاً منتفی و اشتباه هست. مطابق تحقیق دانشمندان بزرگ تاریخ، او هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوشیزه‌ای ۲۵ یا ۲۸ ساله بوده و آن دو نفر که نام برده شد، همسران خواهرش بودند و فرزندان هم که نام برده‌اند، فرزندان خواهرش بودند. بلاذری از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب *انصاب الاشراف* می‌گوید:

خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوشیزه‌ای ۲۸ ساله بود.^۱

دانشمند دیگری به نام ابن‌العماد حنبلی در کتاب *شذرات الذهب* نقل می‌کند:

خدیجه کبری صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۲۷ ساله بود.^۱ البته گروه زیاد دیگری هم از علمای اهل سنت و شیعه، به این حقیقت اذعان کرده‌اند که ذکر نام همه به درازا می‌کشد.

خدیجه کبری صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ در همان ایام جوانی، آینده روشنی را در چهره پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشاهده می‌کرد، که هنگام ازدواج با آن حضرت، علی‌رغم نکوهش زنان قریش که چرا زن باشخصیت و ثروتمندی هم چون او باید با فردی یتیم و به ظاهر فقیر ازدواج کند، با افتخار خواستگاری ابوطالب برای پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پذیرفت و نکته جالب این‌که مهریه او نود مثقال طلا بود که حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ فرمود:

من نود مثقال طلای مهریه‌ام را خودم به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدیه می‌کنم که او به عنوان مهریه به من بدهد.

جالب‌ترین که وقتی یکی از حاضران در مجلس، زبان به انتقاد گشود و گفت: «مگر مهریه را خود زن هم به خودش می‌پردازد؟» ابوطالب که مراسم خواستگاری را دنبال می‌کرد، خشمگین شد و گفت: «اگر دامادی مثل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد، سزاوار است بیش از این هم فداکاری و افتخار کنند».

این بانوی بزرگوار، در تمام دوران زندگانش بعد از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که حدوداً ده سال بود، دائماً مظلوم و در فشار بود. داستان تولد حضرت زهرا صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ را همگی شنیده‌اید که در هنگام وضع حمل، هیچ‌یک از زنان به کمک حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ نیامدند تا این‌که چهار زن بهشتی در لباس انسان جدید به یاری او آمدند.

اضافه بر این‌ها فضایل بسیار زیادی برای خدیجه کبری صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ ذکر کرده‌اند که گاهی ۱۲۰ فضیلت نیز شمرده‌اند که بنده به سه تای آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱. پاک‌دامنی و عفاف او در عصر جاهلیت زبان زد خاص و عام بود. این دوره، عصر آلودگی زنان و داستان‌های زیادی در این باره وجود دارد.
- ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: «کانت تدعی قبل البعثت الطاهرة».

ابن هشام هم می‌گوید: «... و كانت تدعى فالجاهلیة بالظاهرة لشدة عفافها و صیانتها».

۲. فضیلت دیگری که ذهبی از علما و تاریخ‌نگاران اهل سنت در کتاب *سیر اعلام النبلا* آورده، این است: «حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ ام المؤمنین و سرور سیده زنان عالم در زمان خود بود. مناقبش بسیار است. او صاحب کمال، عاقل، جلیل‌القدر، پرهیزکار، سخاوتمند و از اهل بهشت است، کسی که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را ستوده و بردیگرزنانش برتری داده و او را بسیار بزرگ شمرده، به طوری که عایشه می‌گفت: «من به هیچ زنی مثل خدیجه رشک و حسد نبردم، به جهت این که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بعد از وفات خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ بسیار از او یاد می‌کرد». از جمله کراماتش این است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیش از او با زنی ازدواج نکردند و تا هنگامی هم که خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ زنده بود، با دیگری ازدواج نکردند و هم چنین فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از او هستند و او بهترین هم‌نشین برای حضرت بود»^۱. بنابراین او را ام‌الائمہ نیز می‌توان نامید؛ زیرا مادر حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بود.

۳. عایشه بنت‌الشاطی، از نویسندگان معروف اهل سنت، در کتاب *زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ* *قهرمان کریملا* می‌گوید:

خدیجه دختر خویلد، برترین زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و نزدیک‌ترین آن‌ها به ایشان و عزیزترین آن‌ها نزد آن بزرگوار بود. بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قرار داشت (۱۵ سال قبل و ۱۰ سال بعد از بعثت) و هیچ زنی با او در این افتخار شریک نیست.

آن بانو در سال‌های پر مشقت نخستین اسلام، در کنار حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود و کمک حال و حامی‌شان بود و دشواری‌هایی را که حضرت از جانب قریش در راه رسالتشان می‌دیدند، این بانو آسان می‌ساخت.

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ پیش از همه، به نبوت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ایمان آورد و چنان به حضرت علاقه داشت که حاضر بود در راه او جان خود را فدا کند.

مخالفت قریش بر اطمینان او می‌افزود. ایمانش هم‌چون کوه استوار بود و هنگامی که دشمنان پیامبر ص.ا.ع. را ساحر و یا مجنون می‌خواندند، او با تمام وجود پیغمبر ص.ا.ع. را دوست می‌داشت و راست‌گویی دانست و از او حمایت می‌کرد.

هنگامی که حضرت خدیجه ع.ا.س. در موقعیت سخت و پیچیده شعب ابی‌طالب قرار گرفت، دیده از جهان فروبست و بعد از آن مرحله سخت‌تری از مبارزه با دشمن برای رسول خدا ص.ا.ع. شروع شد و حضرت نتوانستند در مکه بمانند و هجرت کردند، در حالی که خاطراتی از نخستین همسر خود برجای گذاشتند و هیچ‌یک از زنان بعد از او، نتوانستند محبت این یادگار عزیز پیغمبر ص.ا.ع. را از قلب آن حضرت بیرون کنند و یا اندکی از آن بکاهند.

در این جا لازم می‌دانم به دو نکته مهم اشاره کنم:

۱. متعصبان با تاریخ بازی کردند، مخصوصاً عمال بنی‌امیه این مسأله را به

حد اعلای رسانده‌اند. مرحوم علامه امینی می‌فرمایند:

تمام کسانی که به نوعی با علی بن ابی‌طالب ع.ا.س. از تباط، دوستی و علاقه داشتند عمال بنی‌امیه سعی کردند که لکه ننگی به آن‌ها بچسبانند. از جمله ابوذر غفاری که مقامش در اسلام معلوم است و پیامبر ص.ا.ع. به راست‌گویی و درست‌کاری اش شهادت داده‌اند. این‌ها می‌گفتند که ابوذر اشتراکی و کمونیست است؛ چون در سخنانش از کلمه «مال الله» استفاده می‌کند.

علامه امینی در ادامه می‌فرماید:

این بی‌خبران نمی‌دانند که این تعبیر در قرآن مجید آن جا که خداوند درباره بردگان می‌فرماید: «... وءاتوهم من مال الله الذی ءاتاکم» (نور ۳۳). اگر این کلمه نشانه اشتراکیت و کمونیسم هست، پس چرا در قرآن آمده؟ سپس ایشان با تحقیق در کتب مختلف، سخنان بسیاری از پیامبر ص.ا.ع. و دیگر شخصیت‌های برجسته را جمع‌آوری و عرضه نموده‌اند که از کلمه مال‌الله استفاده کرده‌اند؛ چون ابوذر غفاری علاقه خاصی به

امیرالمؤمنین علیه السلام داشت، خواستند با چسباندن این وصله به ایشان، او را بدنام کنند.

در مورد خدیجه کبری علیه السلام نیز چنین کرده‌اند، آن‌هایی که می‌خواستند برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را براین بانوبرتری دهند، وصله چهل سالگی به ایشان چسبانده‌اند و این‌که قبلاً دوبار ازدواج کرده است؛ در حالی که پژوهش‌گران می‌گویند: آن روایات چهل سالگی و دو ازدواج قبلی ساختگی و دروغ است؛ ولی چون قصد داشتند برخی زنان دیگر حضرت را براین بانوی بزرگوار برتری دهند، سعی در ترویج چنین دروغ‌هایی داشته‌اند.

البته آن‌ها با این کار می‌خواستند وصله‌ای هم به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بچسبانند و آن این‌که حضرت به خاطر مال و ثروت خدیجه کبری علیه السلام تن به ازدواج با زن چهل ساله‌ای داده که قبلاً دوبار ازدواج کرده است. عمال بنی‌امیه با این دروغ‌ها هم قصد ضربه زدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم قصد ضربه زدن به خدیجه علیه السلام را داشتند.

۲. زندگانی خدیجه کبری علیه السلام واقعاً الگوبرای همه زنان و مردان است. این‌که گفته می‌شود برای زنان و مردان، هر دو الگوست، تبعیت از قرآن مجید است. خداوند متعال در آیه ۱۱ و ۱۲ سوره مبارکه تحریم می‌فرماید:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الْقَانِتِينَ؛

«و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثل می‌زند آن‌گاه که گفت: "ای پروردگار من، برای من در بهشت نزد خود خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستم‌کاره برهان" و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ و او کلمات پروردگار خود و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و او از فرمان‌برداران بود».

همسر فرعون به موسی علیه السلام ایمان آورد. لذا او را تهدید کردند و در بیابان زیر آفتاب سوزان خواباندند و روی سینه اش تخته سنگ قرار دادند، ولی تا آخر از ایمان به موسی علیه السلام دست برنداشت. قرآن می فرماید: زندگی آسیه زن فرعون برای مؤمنان اعم از زن و مرد الگوست.

مریم علیها السلام نیز الگوی دیگری برای مردان و زنان است و آن به دلیل استقامت وی در مقابل دشمنان بود. بنابراین زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام واقعاً سرمشقی برای همه مردان و زنان مؤمن است. او در دوران تنهایی اسلامی و تنهایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همه دار و ندارش را تقدیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم کرد و این درسی برای ماست که اگر روزی دشمنان، جامعه ما را در فشار و تحریم های گوناگون سیاسی و اقتصادی قرار دادند، ایستادگی کنیم.

سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی جمیع الانبیاء والمرسلین و سیما خاتمهم و افضلهم و اهل بیته العطیبین الانجبین، سیما بقیة الله فی العالمین، بهم نتولی و من اعدائهم نتبرأ الی الله».

مقدم شما آیات، حجج و بزرگواران این همایش را گرامی می‌دارم و از برگزارکنندگان این همایش عظیم حق شناسی می‌کنم. از خردمندانی که با ایراد مقال و یا ارائه مقاله بروزن علمی این همایش افزوده‌اند، سپاس گزارم و از ذات اقدس الهه مسألت می‌کنیم به برکت ولی‌اش، خیر و صلاح و فلاح امت اسلامی مخصوصاً شما عزیزان را به برکت دعای ولی‌اش مستجاب بکند و خیر دنیا و آخرت به همه شما مرحمت نماید.

این همایش گذشته از این که دارای صبغه دینی است، صبغه علمی و هم چنین صبغه حقوقی نیز دارد؛ زیرا حقوق متقابل مادر و فرزند، ایجاب می‌کند که فرزند مادرش را بشناسد و بشناساند و براین پیوند مادر و فرزند فخر کند. اگر فرمود: «وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِكُمْ» و اگر فرمود: «حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ» و اگر حکومت توسعه موضوع در این جا سهم تعیین کننده دارد که دارد، و اگر نبود آیه «لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ» همین آیه کافی بود. اگر توسعه موضوع در بخش‌های فراوان سهم تعیین کننده دارد، در حقوق و عقوق متقابل فرزند و مادر هم سهمی دارد؛ و اگر «أَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِكُمْ» هست که هست و اگر عقوق مادر مشروع نیست و اگر حقوق مادر لازم است و اگر اولین حق شناخت پاک دامنی مادری مادر هست، ما در گرایش و همایش این کنگره عظیم دیر جنبیده ایم.

اما آن چه می‌توان در این گونه محاضر به عرضتان رساند اموری است:

اولاً: جاهلیت را عقلانیت کردن کاری سهل نیست؛ کار هر حکیم و هر متکلمی نیست. آدم نمی‌تواند این فرهنگ را در فضای جاهلی به فرهنگ عقلانی تبدیل کند. فرهنگ جاهلی را فرهنگ عقلانی کردن، کار هر عالم و فقیهی نیست.

معیار تصدیق و تکذیب در جاهلیت، قبول و نکول پدران بود. اگر می‌خواستند چیزی را بپذیرند و بگویند آری، سندشان «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ» و اگر می‌خواستند سلب و نفی و تکذیب کنند، برهانشان «مَا سَمِعْنَا مِنَ الْأَبَائِنَا الْأُولِينَ» بود. خوب اگر ملتی تصدیق و تکذیبش به قبول و نکول گذشته وابسته است، این ملت مرده است.

حضرت خدیجه علیها السلام در چنین فضایی آمده و برهان عقلی اقامه نموده و قبل از بعثت، موحدانه خدا را عبادت کرده است. قبل از بعثت، به نبوت عامه اعتقاد داشت و به نبوت انبیاء ابراهیمی معتقد بود. این برمبنای «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ» و «مَا سَمِعْنَا مِنَ الْأَبَائِنَا الْأُولِينَ» نبود.

حضرت خدیجه علیها السلام موحد بود. او قبل از بعثت، موحدانه خدا را عبادت می‌کرد. هرگز نمی‌گفت: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ»، هرگز نمی‌گفت: «مَا سَمِعْنَا مِنَ الْأَبَائِنَا الْأُولِينَ». اگر می‌گفت: «آباننا»؛ یعنی ابراهیم و اسماعیل و یعقوب و اسحاق. آیا این ارزش ندارد که ما چنین مادری را بشناسیم؟ ما فرزندان این مادریم.

وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمود: «شما اگر می‌خواهید عالمانه زندگی کنید...». دو طرف بسته هست؛ هم ورود ممنوع است و هم خروج؛ اگر بخواهی سرتکان دهی و سررا بالا ببری و نفی کنی، باید برهان دستت باشد و اگر بخواهی سرخم کنی و تصدیق نمایی و فتوا دهی، باید برهان دستت باشد. این از هنرروایات امام صادق علیه السلام است که مرحوم کلینی نقل کرده است: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ قَدْ حَصَّنَ إِيَّاهُ وَحَصَّنَ إِيَّاهُ حَصِّنًا وَمِنْ حَصِّنَاتِهِ أَنْ لَا يَبْقَىٰ فِيهَا عِبَادَةٌ بآيَاتٍ مِنْ كِتَابِهِ».

یعنی دو قلعه و دو دژ است که هر دو هم دربان و دژبان دارد؛ دو طرف حصر

است و بسته؛ کجا می‌خواهی بروی؟ می‌خواهی تصدیق کنی، باید برهان دستت باشد «أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ». می‌خواهی تکذیب کنی باید برهان دستت باشد. چون ذات اقدس اله فرمود: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ». این اشاره به کفار است؛ چون با این‌که برهان دستش نیست، تصدیق می‌کند و بدون برهان تکذیب می‌نماید.

مؤمن دو طرفش بسته است و هر دو طرف دژ و دژبان دارد و آن دژبان این آیه است «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا». این «مسئولاً» همین دژبان است. «أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ» همین است. اگر بخواهی بگویی نه، باید برهان دستت باشد وگرنه مشمول آیه کریمه «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ» می‌شوی.

این عصر، عصر جاهلیت است و فرهنگ، فرهنگ تقلید است و دلالی، نه تحقیق و استدلال، در چنین عصری حضرت خدیجه کبری ع عالمه، عابده، زاهده و موحده بود. ما به چنین مادری فخر می‌کنیم، درست است او دوازده معصوم و معصومه به بار آورده است، ولی خود مادر ما هم هست؛ زیرا «ازواجه امهاتکم» هست.

خوب چه کسی آن روز او را موحد کرد؟ در کدام مکتب درس خواند؟ این حنفاء قبلاً این‌طور بودند. این بخش، همان فرهنگی است که وجود مبارک مادرمان خدیجه کبری ع آمد و فرهنگ عقلانیت را در فضای جاهلی اجرا کرد. چون آن فرهنگ، فرهنگ جاهلی بود، پس اقتصاد جاهلی هم داشتند؛ اقتصاد جاهلی در محدوده ربا دور می‌زند.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: «فَأَذْنُوبِي حَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ». برای مثال، بانک ربوی حرب با خداست ولی کسی به آن اهمیت نمی‌دهد. خوب این جاهلیت است دیگر. خداوند در سوره احزاب به ما گفته: نه جاهلیت مدرن و نه جاهلیت کهنه: «لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». در دوران جاهلیت، ربا از یک سویک پیمان تجاری و اقتصادی رسمی بود و از سوی دیگر، و دامن‌فروشی یک تجارت

رسمی بود؛ لذا فرمود: «لَا تُكْرَهُوا فَتْيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا».

حضرت خدیجه علیها السلام بر هر دو این‌ها خط بطلان کشید. ایشان که تجارت و مال فراوان داشت، هم ربا را تحریم کرده بود و هم بغاء را؛ این کار مادر ماست. ایشان با وجود آن ثروت کلان، نیازی نداشت که کالا مال التجاره از شام به مکه و حجاز ببرد، چون با ربا می‌توانست آسوده زندگی کند؛ ولی هم جلوربا را گرفت و هم به این آیه نیامده عمل کرد. پس هم فرهنگ را عوض ساخت و هم اقتصاد و طهارت را عوض کرد و به تحریم ربا عمل نمود. این کار مادر ما بود.

اگر این همه خضوع ائمه علیهم السلام در پیشگاه مادر را می‌بینید، نه این‌که مادر دوازده معصوم و معصومه هست؛ نه زیرا فاطمه بنت اسد نیز مادر دوازده امام بود، ولی این مقام را ندارد. این سلام و عرض ادب خاصی که ائمه علیهم السلام نسبت به حضرت دارند، ما را به کرنش در مقابل این بانو موظف می‌کند. بنابراین اگر بخواهیم ره‌آوردش چیست و ما نیز باید آن را امروزه انجام دهیم، تبدیل فرهنگ جاهلیت به فرهنگ عقلانی است: تحریم بانک‌های ربوی و تحریم مراکز فساد در فضای مجازی و غیرمجازی. اگر بخواهیم این مادر از ما راضی باشد، باید راه او را طی کنیم. عقوق یعنی چه؟ مگر مرده و زنده دارد؟ همه به لطف الهی می‌دانید پدر و مادر حقی دارند و راهی را که رفته‌اند باید آن راه را ادامه دهیم تا عاق آن‌ها نشویم باید باور کنیم که «ازواجه امهاتکم» تنها این نیست که به زیارت برویم و «السلام عیلک» بگوییم؛ باید راه آن‌ها را برویم. وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام ویژگی‌های خاصی داشت، مثلاً طرف مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ مأموریت داشت منزل را نگه دارد و روزها غذا برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به غار حراء ببرد.

او مال التجاره فراوانی را به برکت اشراف خویش (نه کارگری و کارمندی) به سودآوری تبدیل کرد. همان مردمی که آیه «إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا» آن‌ها را رام کرد. «لهو» در آیه، زمینه تجارت است و لذا ضمیر «الیها» مفرد آمده نه تثنیه و به تجارت باز می‌گردد، پس اصل تجارت است و خدیجه علیها السلام کل

جریان را در زمان جاهلیت رهبری کرد و عده‌ای هدایت شدند. او برای ما یک مریم ثانی است که در قرآن خداوند می‌فرماید: «اذْكَرْفِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ». وجود مبارک خدیجه علیها السلام برای ما نه تنها مادر بلکه الگوست؛ زیرا کمال انسان در روح است. این روح اولاً مجرد است، ثانیاً مجرد، نه مذکر است نه مؤنث، ثالثاً می‌تواند این مجرد را شکوفا کند لذا فرمود: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ». در آیه «لِلَّذِينَ» آمده نه «لِلآتِي»، الگوی جامعه بد (نه زنان بد)، زن نوح علیها السلام است و الگوی جامعه بد- اعم از زن و مرد- زن لوط علیها السلام است؛ معلوم می‌شود که ذکوریت و انوئیت در کار نیست و مریم علیها السلام الگوی جامعه خوب است: اعم از زن و مرد.

هیچ کمالی در اسلام، مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست. رسالت و نبوت و رهبری، کار اجرایی است و کمال نیست. ولایت پشتوانه رسالت و نبوت است و همه محققان این را با برهان ثابت کرده‌اند. این ولایت، مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست؛ لذا می‌شود صدیقه کبری علیها السلام. مرحوم کلینی در جلد اول اصول کافی نقل می‌کند که جبرئیل بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت زهرا علیها السلام نازل می‌شد و مطالبی می‌گفت و وجود مبارک حضرت به خاطر می‌سپرد. وقتی حضرت امیر علیها السلام به خانه می‌آمدند، برای ایشان املا می‌کرد و این می‌شد مصحف فاطمه علیها السلام. حضرت امیر علیها السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «لقد إنقطع بموتک ما ینقطع بموت أحد». بله وحی تشریحی بعد رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قطع شد، ولی وحی تکوینی، و علم به غیب و ... مرتب هستند و ادامه دارند. آن وحی و آن علم، تمام شدنی نیست؛ لذا ائمه علیهم السلام می‌فرمودند: «که علم ما تمام شدنی نیست». با این که خود وجود محدودی داشتند، علمشان نامحدود بود. ولی خدا به علم الهی و به لدن وابسته است: «إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ». این علم لدنی، فقه و اصول و فلسفه و کلام نیست. انسان این علوم را یا از استاد یاد می‌گیرد که لدنی نیست یا از کتاب یاد می‌گیرد که لدنی نیست یا از فرشته‌ها یاد می‌گیرد که لدنی نیست. لدن یعنی نزد. اگر برود و برود

بالا تا نزد خدا و هیچ واسطه‌ای نباشد، همه حجب نورانی خلق بشود «إِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ». این دیگر تمام شدنی و خطاب‌بردار نیست؛ خطیئه‌بردار هم نیست. درچنین فضایی، وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام آن راه‌ها را طی کرد. وجود مبارک امام صادق علیه السلام این سخنان را فرموده و ائمه ما این راه‌ها را به ما نشان داده‌اند. ذات مبارک اقدس اله در مورد زن فرعون هم چنین تعبیراتی دارد.

هیچ کمالی در دین مقدس اسلام، مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست. مرجعیت یک کار اجرایی است آن چه فضیلت است، فقاقت هست و اجتهاد. زن می‌تواند در حد صاحب جواهر و یا حتی بالاتر باشد و شاگردانی تربیت کند که همگی مرجع شوند. ولایت چیزی است که هم صدیقه کبری علیها السلام دارد، و هم فاطمه معصومه علیها السلام، البته با تفاوت مراتب. مادر ما ولی الله هست، پس چرا به او اقتدا نکنیم و او را اسوه قرار ندهیم؟

این که ذات اقدس اله به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود به این‌ها بگو: «وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِكُمْ»؛ یعنی شما بچه‌های یک چنین مادر هستید، نه این که فقط به زیارت بروید. این یک هشدار به عظمت بیت است، شما از این بیت تربیت شده‌اید و شناسنامه دارید. چرا بچه‌های شیرخوارگاه به جایی نمی‌رسند؟ چون نمی‌دانند والدینشان کیست؟ چرا غالباً بچه‌های بیوت علمی به درجات علمی می‌رسند؟ چون شناسنامه دستشان هست.

این آیه به ما می‌گوید: شناسنامه دارید و مادرتان این است. از آن طرف هم به ما شناسنامه داده‌اند. هر کس به دنیا می‌آید، والدینش برای او شناسنامه می‌گیرند، ولی وقتی بالغ شد، باید خودش شناسنامه جدیدی برای خودش بگیرد و شناسنامه طبیعی به درد او نمی‌خورد. حضرت اعلام کردند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ»؛ یعنی ما حاضریم شما را به فرزند پی‌بیریم؛ حالا وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام مادر ماست؛ پس خدیجه علیها السلام از دو منظر مادر ماست: یکی به حکم خدا در آیه «وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِكُمْ» و دیگری این که حضرت فرمود بیاید

بچه‌های ما باشید. خوب اگر حضرت را به پدری قبول کردیم، مادر ما که خواهد بود؟ ما مادر خود را باید انتخاب کنیم همان طور که پدرمان را انتخاب کردیم. پیامبر ﷺ مثل قرآن و بلکه حقیقت قرآن بودند که دواثر دارد: یک عده گمراه را همراه ترویک عده به راه را به راه ترمی کند: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا». چطور قرآن عده‌ای را کورتر می‌کند. مگر این شمس، اعشا را کورتر نمی‌کند؟ کسی که مشکل گوارشی دارد، گلابی هرچه شیرین‌تر و آبدارتر باشد، داد او را بیش‌تر درد می‌آورد. حال این تقصیر گلابی است یا تقصیر دستگاه گوارشی او؟ طبیب به او می‌گوید: «دستگاه گوارشت ایراد دارد. خوب میوه شیرین نخور! این میوه درد تو را بیش‌تر می‌کند». ما اختیاریان به دست خودمان است که کدام یک از نه همسر پیامبر ﷺ را به مادری انتخاب کنیم. آن اولی به اختیار ما نبود، ولی این اختیار با خودمان است.

ما در پذیرفتن «أنا وعلی أبواه هذه ألامة» آزاد هستیم؛ اما با جان و دل قبول کردیم که ایشان پدر ما باشد. وقتی وجود مبارک حضرت امیرالعلی را به پدری انتخاب کردیم، مادری که باید انتخاب بکنیم، صدیقه کبری علیها السلام است و اگر حضرت رسول ﷺ را به پدری انتخاب کردیم، مادری که باید انتخاب کنیم باید خدیجه کبری علیها السلام باشد. آن اولی در اختیار ما نبود و گفتیم: «أمتنا و سلمنا» ولی این دومی به اختیار خودمان است.

ما هر لحظه باید این حقوق فرزند و والدینی را بررسی کنیم و این‌که می‌فرماید: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا»، همین است.

وجود مبارک حضرت امیرالعلی علیها السلام از جهاتی فرزند حضرت خدیجه علیها السلام محسوب می‌شوند؛ هم از جهت «وَأزواجهم أمهاتکم» که حضرت خدیجه علیها السلام أم المؤمنین است و هم این‌که فرزند ایشان محسوب می‌شد؛ چون در مقطعی از زندگی، در پرورشگاه ایشان تربیت شد، البته حضرت تربیت الهی داشتند. در کتاب صوت *العدالة الانسانية* آمده که در زمان جاهلیت، یک گرانی در مکه رخنه کرد و زندگی بر جناب ابوطالب فشار آورد. وجود مبارک پیامبر ﷺ به عموهایشان فرمودند:

«گرانی به خیلی‌ها آسیب زده از جمله عمویم ابوطالب، بهتر است نزد ایشان رفته، به وی کمی کنیم و کمی از بار سنگین مخارج را از دوش ایشان برداریم». وقتی این مسأله را با ابوطالب مطرح کردند فرمود: «دعی لی عقیلاً و خذوا من شئتم؛ عقیل پسر بزرگ و کمک حال من است پس بهتر است برای کمک به من در کنارم باشد. از دیگر فرزندان هر کدام را که خواستید همراه خود ببرید تا از این بار سنگین اقتصادی عائله کاسته شود».

اول کسی که سخن گفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند که فرمودند: «من علی را با خود می‌برم». البته این خواست خداوند است و ما نمی‌دانیم که گرانی و ارزانی برای چیست؟

زراره یکی از شاگردان ویژه امام صادق علیه السلام بود. جمعی به محضر حضرت رسیدند و حضرت در حضور آنان از زاره بد گفتند. وقتی خبر به او رسید، خدمت حضرت آمده، عرض داشت: باین رسول الله! من که شاگرد مخصوص شما هستم و هر وقت بخواهم خدمت می‌رسم سبب این‌که در حضور آن جمع از بنده بد گفتید چه بود؟» حضرت فرمودند: «زراره، من در غیاب تو جانم را حفظ کردم. در بین آن اشخاص، عمال بنی عباس حضور داشتند و منتظر بودند تا از تو تعریف کنم و بهانه‌ای برای آسیب رساندن به توبه دست آنها بدهم. شنیده‌ای که خضر علیه السلام کشتی را سوراخ کرد تا از گزند دشمنان سالم بماند؟ کار ما هم چنین است؛ گاهی آسیب می‌رسانیم که بماند و گرنه شما که پیش ما محترم هستی».

وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام از همان ابتدا تحت تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. وقتی به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد، کودکی بیش نبود که تمام امور داخلی به عهده مادرمان خدیجه کبری علیها السلام بود. ما وقتی در تهران اولین سال درس خارج را از محضر آیت الله محمد تقی آملی استفاده می‌کردیم (ایشان شخصی بود که مرحوم آقاضیاء در اجازه اجتهادشان، از ایشان به کف المجهتهدین العظام و از مرحوم نایینی به صفوة المجهتهدین العظام نام برده بودند)، برای اولین بار این

مطلب را از ایشان شنیدم که شخصی خدمت امام صادق ع رسید و عرض کرد: «یابن رسول الله ع چرا به پیامبر ص ابوالقاسم می گفتند؟» حضرت فرمودند: «چون پسری داشتند که نامش قاسم بود و به همین سبب کنیه ایشان ابوالقاسم بود». عرض کرد: «یابن رسول الله زدن بیانا؛ شما می دانید این جواب سؤال بنده نیست و من برای شنیدن این پاسخ نیامده ام». حضرت فرمودند: «حال که آماده شنیدن جواب هستی، بگو ببینم مگر نه این است که علی ع تربیت شده مکتب پیغمبر ص است؟» عرض کرد: «بله». فرمود: «مگر نه این است که شاگرد فرزند استاد هست؟» عرض کرد: «بله». فرمود: «مگر نه این است که علی ع قسیم النار والجنة است؟». عرض کرد: «بله» فرمود: پس پیامبر ص ابوالقاسم می شود».

خدیجه ع نه تنها ام المؤمنین فقهی است، ام المؤمنین فرهنگی، ام المؤمنین اقتصادی و ام المؤمنین عفاف و حجاب نیز است. وقتی این ها را داریم، دنبال چه می گردیم؟ شما عزیزان باید بدانید که خداوند سبحان، هر شخصی را استعدادی داده است. از آیه «ما مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ» معلوم می شود که تنها برای فرشته ها نیست؛ زیرا «الناس معادنٌ كمعادن الذهب والفضة». این اصل اول. اصل دوم این که خداوند هر اندازه به ما نعمت داده، ما مسئول هستیم: «لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». ما هم به اندازه ای که می فهمیم، مسئول هستیم و به میزانی که نمی فهمیم، مسئولیتی نداریم. اگر به ما یک استعدادی داد و احساس کردیم که گاهی با صاحب جوهر کلنجار برویم و گاهی با صاحب کفایه و گاهی با شیخ انصاری و هر حرفی را به سادگی قبول نکنیم، پس در این صورت روحیه دلالی در ما نیست و روحیه تحقیق در ماست و معلوم می شود که مسئولیم. هم چنین اگر طلبه ای امام جماعت، امام جمعه، وکیل و یا قاضی بشود، بعید می دانم در قیامت بتواند جواب گو باشد.

این نهال فروشی غده ایست برای حوزه. مراجع حوزه را تأمین می کنند. قبلاً مراجع ۸۰-۹۰ ساله چند نفر بودند و حوزه ها پراز محققانی بود که تالی تلو

مرجع بودند. حوزه نجف و غیره را مرجعیت دینی حفظ می‌کند. دین مردم به مرجعیت است. اگر طلبه‌ای این هوش را در خود می‌بیند، باید این هوش را ارزان نفروشد. طلبه باید بداند که امام جماعت شدن، امام جمعه شدن و قاضی شدن واجب کفایی است و وظیفه همه ماست که این‌ها و نظام و احتیاجات نظام را تأمین کنیم؛ ولی اگر کسی «الناس معادنٌ کمعادن الذهب والفضة» بود او هیچ جوابی در قیامت در پیشگاه خداوند نخواهد داشت. چنین شخصی باید در حوزه بماند و فقط و فقط تألیف و تدریس کند و شاگرد و مجتهد تربیت نماید. حوزه باید چنین باشد. باید بین خود و خدای خود این راه را داشته باشید و گرنه صفوة المجتهدین العظام و كهف المجتهدین العظام تربیت نمی‌شود. ما الان غرق در نعمت هستیم. این انقلاب صدها سؤال برای ما آورده که باید پاسخ دهیم. همه شما با تفسیر آشنا هستید. آن چه مرحوم طوسی در *تبیان* آورده، مرحوم امین الاسلام با یک تنظیم خاصی در *مجمع البیان* آورده و کم‌تر چیز تازه‌ای در آن است. چند قرن بعد از امین الاسلام، مرحوم فیض تفسیر نوشت. بعد از فیض چهارصد سال حوزه خاموش بود. وقتی قرآن مهجور باشد، چه چیز می‌تواند جامعه را اداره کند؟ نگذاشتند یا نخواستیم یا غافل بودیم که چهارصد سال این قرآن متروک بود. بعد هم که مرحوم علامه آمد، اگر جنگ‌های جهانی اول و دوم و جریان مشروطه نبود، ایشان هم حداکثر یک مقدار بیش‌تر از *صافی* می‌نوشتند، اما و ما ادریک المیزان. *المیزان کجا و صافی کجا*؟

جنگ‌های جهانی اول و دوم چقدر برکت آورد؟ این‌ها یک غده سرطانی هستند. غده سرطانی چقدر برکت می‌آورد؟ صدها دانشکده پزشکی به برکت سرطان تأسیس شده. ما که در عالم شرّ بالذات نداریم، این‌ها شرّاً بالعرض هستند. اگر مرض نبود، این همه سازمان پزشکی و وزارت درمان تأسیس نمی‌شد.

این انقلاب صدها مسأله دارد و صدها جواب می‌خواهد. دادن این جواب‌ها از طلبه‌ای که تنها امام جماعت و امام جمعه و... باشد، ساخته نیست. تنها از

طلبه زرین فکر برمی آید. اگر استعدادی در خود دیدید، جواب خدا را باید بدهید. البته با قناعت هم می شود زندگی آبرومندانه داشت. ما بر زندگیمان باید مسلط باشیم. این پیام مادر ماست. آن شعب ابی طالب را مادرمان طی کرد. اگر گفتیم کنگره بین المللی خدیجه علیها السلام یعنی این؛ یعنی با تحریم ساختن، با دین ساختن و علیه تحریم قیام کردن. خدا رحمت کند شهید مطهری را که گفته بود: قاتل حسین بن علی علیه السلام تنها شمر نبود. همان طور که می گوییم: خدایا لعنت کن قاتل الحسین و شایعت و بایعت و تابعت، اینها را هم می گوییم. امروز شبهه علمی، شبهه عبائیه نایینی نیست. آن شبهه رخت بر بست. امروز شبهه مطرح، شبهه کانت و هگل است که جوانان ما با سجاده وارد دانشگاه می شوند و بی نماز خارج می گردند. این سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس»، عکس نقیض هم دارد. دیگر خود استدلال به عکس نقیض در کافیه از وجود مبارک حضرت هست آن جا که می فرماید: «من هَجَمَت علیه اللوابس فلیس بعالم». بنابراین امیدواریم از این گونه کنگره ها علم صائب و عمل صالح نصیب همه ما بشود.

سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی

«والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد صلى الله عليه و آله و سلم و على آله العطيبين، لاسيما بقية الله في العرضين».

خدا را شاكرم كه به دوستانمان توفيق عطا فرمود كه در راهي بسيار مقدس قدم گذارند و از همه برادران و خواهران ارجمند و نهادهاي فاخرقم كه در برگزاري اين همایش سهيم بودند متشكرم. حوزه خواهران، جامعه الزهراء، جامعه المصطفی و مؤسسات تابعه اين نهادها همه سهيم بودند. نويسندگان مقالات از خواهران و برادران، اساتيد بزرگوار، مراجع عظام، رهبر عاليقدر و محققان و نويسندگان ارجمند، هیأت علمی، داوران و تهیه کنندگان اين جلسه فاخر در صبح و بعد از ظهر و همه دوستانی كه در يك سال در كسوت ها و كوشش های مختلف در خدمت اين احیای مقدس بودند بايد تشكر كرد. به ویژه از برادر عزيز و بزرگوارمان جناب آقای دكتر رفیعی كه خیلی زحمت كشیدند و خیلی همت ورزیدند و دوستان بزرگوارى كه با ایشان بودند و پشتیبانی كردند. همه انشاء الله اجرشان با خداوند تبارك و تعالی. اين پدیده مبارك و زنده داشت نام مادر مؤمنان و مادر امامان و پرچم دار دفاع از رسالت را بايد به شما تبريك گفت؛ به همه شما برادران و خواهرانی كه همراه اين كاروان حرکت كردید.

حضرت خدیجه كبری علیها السلام دارای زندگی پرفروغ و شخصیتی بسیار ممتاز و كم نظیر است. کسی كه نام او در لیلۃ الاسراء و در معراج و در پیشگاه خدا به میان می آید و در آن گفت و گوی رویاروی پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم با عالم غیب و لاهوت و ملكوت نامش ذكر می گردد كه همین بالاترین افتخار هست. کسی كه به واسطه جبرئیل و پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم، مخاطب سلام خداوند قرار می گیرد و نام زیبای او در شب معراج،

طنین می افکند و کروبیان و ملکوتیان از او یاد می کنند، این نشانه عظمت است. در محور اول سخنانم، به چند نکته درباره زندگی و ویژگی های خدیجه کبری علیها السلام و در محور دوم به چند نکته از زاویه دیگر اشاره خواهم کرد. در محور اول، نخستین نکته، درجه معرفت ناب ایشان است. عصر جاهلیت بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال عمر داشت؛ این دوره یعنی فروریزی تمام ارزش های متعالی و زیرورو شدن ارزش های الهی و انسانی؛ یعنی به انحراف گراییدن همه گروه های اجتماعی و سقوط تمام آن چه از ابراهیم خلیل الرحمان و انبیای الهی به ارث رسیده بود؛ آن هم کجا؟ در پایگاه توحید و خانه خدا.

افراد معدودی در این دوره «حنفا» خوانده می شدند، که غالباً از دودمانی پاک بودند و طوفان و امواج سهمگین جاهلی، آن ها را غرق نکرد و چرخ های بی رحم انحراف ها و بت پرستی ها و آلودگی ها، آن ها را پایمال ننمود؛ مانند حضرت خدیجه علیها السلام که در برابر امواج سهمگین شرک و کفر و بت پرستی و فساد و فحشا و آلودگی ها ایستاد؛ زیرا دارای لایه های عمیق معرفتی و فکری بود.

قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى». این قیام فرادای این بانوی بزرگ، جلوه معرفت ناب و گذر از همه تحلیل های سطحی عالم بود. آن بانو در میان حنفای عصر جاهلیت، مانند خورشید می تابید و معرفت او در حدی بود که بوی رسالت را استشمام می کرد، ازدواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج ساده ای نبود؛ نشانه ها و کدهای تاریخی اش را از قبل می دید. این روح خیلی بلند و نگاه عمیق آسمانی و راهبردی می خواهد که از این لایه ها عبور کرده، ژرفای تاریخ را ببیند و بوی رسالت را استشمام کند. استشمام بوی رسالت کار هر کسی نبود. این استشمام، معرفت عمیق و تحلیل ناب می خواست؛ دست مایه ای از عالم ملکوت که باید در این وجود تجلی بکند تا بوی رسالت را استشمام نماید و وزش یک باد جدید از عالم ملکوت و عالم ملک را احساس کند.

نکته دوم، این که خدیجه علیها السلام نقطه گذر از این جاهلیت به عصر نور و تمدن جدید و نقش آفرین این گذار است. آن بانو عنصر منفعل در این گذار نبود بلکه عنصر فعال بود؛ یعنی علاوه برداشتن شمع معرفت و عمق نگاه و تحلیل عمیق خود،

عصری فعال در گذر از جاهلیت به دنیای جدید و جهان بعثت به شمار می‌آمد. او پرچم دار دوره گذار و انتقال از تاریکی‌ها به روشنایی‌ها بود و در گذر از فسادها و آلودگی‌ها به بعثت پرفروغ پیامبر ص، عنصر فعال و نقطه وصل و اثرگذار بود.

این انتقال تاریخ بشر از جاهلیتی که بر جزیره العرب حاکمیت داشت و همه تمدن‌های عصر پیامبر ص را در خود هضم کرده بود، یک انقلاب عظیم به شمار می‌آمد. انتقال از این جاهلیت به دنیای جدید، یک زایمان فوق‌العاده تاریخی محسوب می‌شد و امر ساده‌ای نبود. عظمت پیامبر ص، توفیقات الهی و پیدایش معدود انسان‌هایی بود که در آن دوره گذار و گذر جان‌فشانی کردند و عمل راهبردی از خود نشان دادند؛ لذا بشر اصلاً از یک وضعی به وضع دیگر منتقل شد: انتقال تاریخ بشر از یک مرحله پست به یک مرحله بسیار باشکوه و پایه‌ریزی یک تمدن نوآن هم از بدترین نقطه عالم و منحط‌ترین جامعه.

حضرت خدیجه کبری ع قهرمان این میدان نیز بود، گزارش‌های دقیقی از سال‌های قبل از بعثت در دست نیست، ولی کدهایی وجود دارد که به ما می‌گوید خدیجه ع خود را آماده این انتقال می‌کرد. انتخاب ازدواج آن بانو با حضرت رسول ص خیلی هوشمندانه و آگاهانه بود. این ازدواج برای آماده‌سازی جامعه برای یک تحول بزرگ به شمار می‌آمد. پس خدیجه ع یک پرچم برافراشته دوره گذار و حلقه انتقال بود. ایشان نگاه عمیق ملکوتی و راهبردی داشت، در عصری که کسی هیچ نشانی حس نمی‌کرد.

نکته سوم این‌که خدیجه ع الگوی جدیدی از زن و خانواده بود؛ الگوی خانواده‌ای کاملاً متفاوت با دیگر خانواده‌ها. من این نوع خانواده‌ها را آرمانی می‌نامم؛ یعنی خانواده‌ای که در این شاخصه‌های معمولی و سطحی هضم نشده است. حضرت خدیجه ع و فاطمه ع و زینب ع سه حلقه و نگین درخشان تاریخ اسلام و الگوهایی از پاکی و عصمت در عصری بودند که همه چیز ناپاک بود. این طهارت و عصمت در خانه خدیجه ع تجلی یافت که فراتر از خانه‌های عادی بود.

نکته چهارم این که حضرت خدیجه علیها السلام الگوی دارایی و حکمت، الگوی دارایی و معرفت و الگوی دارایی و جهاد و مقاومت بود. اصولاً تجمع ثروت و مال و همراه شدنشان با دانش و معرفت و مقاومت و جهاد، مصادیق کمی دارد؛ ولی خدیجه کبری علیها السلام در سخت ترین دوران، الگوی بی مثالی در جمع بین ثروت و معرفت و حکمت و جهاد و مقاومت به شمار می رفت. جمع این ارزش ها دشوار است؛ زیرا طبیعت ثروت، معمولاً تن آسایی و گریزاز معرکه هاست. طبیعت تعلق به تمتعات مادی دور شدن از معرفت های آسمانی است، ولی این تضادها در این بانوی بزرگوار در آن زمان جمع شده بود.

نکته آخرین که خدیجه علیها السلام جلوه گاه انوار امامت بود و میراث همه انبیا و اولیای الهی، از این زن پاک به عالم منتقل شده است. این یک طهارت ذاتی و طهارت اکتسابی می خواهد که هر دو در آن بانو جمع بود. ایشان در کنار رسالت قرار گرفت و پایگاه امامت و مادر مؤمنان شد.

ما زنده داشت برای بانوی بزرگوار گرفته ایم که تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در چنین جایگاه رفیعی قرار گرفت و قله بلندی را احراز کرد. این زنده داشت چند جهت دارد: یکی عرض سپاس و ادب و شکر است. همه ما مدیون این بانوی بزرگ هستیم و بر سر سفره این مادر نمونه نشسته ایم، پس باید سپاس گزار باشیم. مردان و زنان امروز در هر جای عالم باید از این بانو الهام بگیرند. این گرمی داشت تنها برای شیعیان نیست بلکه همه امت اسلام به شناخت ویژگی های این بانو نیاز دارند.

نکته مهم دیگر این که بحث اعتقاد یا عدم اعتقاد به امامت در شیعه و سنی بسیار مهم است و با این که با همه وجود مدافع اصل نورانی امامت هستیم، اولیاء ما به ما آموخته اند که این را ابزاری برای خون ریزی و درگیری قرار ندهیم بلکه کار فرهنگی بکنیم.

متأسفانه در دنیای امروز، کسانی می خواهند این دو جبهه را برهم منطبق کنند، ولی به اعتقاد ما، این دو جبهه بندی از هم جدا هستند. یکی جبهه بندی فکری و اعتقادی و بر اساس مسأله امامت است که در این جا باید آرام سخن

گفت و بحث کرد. دیگری جبهه عنودانه و کینه ورزانه اقلیت کفرآلود و منحرف در برابر اصالت رسالت و گرایش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ در حالی که همه مسلمانان آگاه، به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عشق ورزیده و برای اهل بیت جایگاه رفیعی قائل بوده‌اند.

این دو جبهه‌گیری امروز دوباره فعال شده و قدرت‌های بیگانه قصد دارند این دو معادله را برهم منطبق کنند و ما می‌گوییم که این دو منطبق نیستند. آن‌هایی که امروز در برابر مسلمانان چه شیعه و چه سنی ایستاده‌اند، دارای افکار انحرافی اموی هستند که گاهی در تاریخ ما جلوه‌گری می‌کند. البته گاهی کارهای علمی بسیار خطرناکی انجام می‌دهند.

گرایشی که امروز در جبهه‌های داعشی تجلی یافته، انحراف از مسیر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تحریف فضیلت‌های اهل بیت علیهم السلام و تهمت زدن و بدل سازی است. امروز آنان در غالب پایان نامه‌ها، رساله‌ها و تحقیقات کذایی در ام‌القرای، مدینه و جاهای مختلف دنیای اسلام فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند تا فضایل این خاندان را کم‌اهمیت جلوه دهند.

این هرچهار ترفند شیطانی از این گروه اقلیت نادان را در برابر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز خدیجه کبری علیها السلام شاهدیم؛ مثل طرح بالا بودن سنشان هنگام ازدواج با حضرت و یا این‌که قبلاً دوبار ازدواج کرده بودند و... آنان قصد دارند شأن این بانوی بزرگوار را پایین بیاورند و با زدن تهمت‌ها و بدل‌سازی‌ها، سعی در کم‌فروغ کردن شخصیت ایشان دارند و نهایتاً قصدشان این است که این خورشید را در پس ابرها مخفی کنند؛ لذا با برگزاری چنین همایش‌هایی، این ابرها را باید کنار بزنیم.

آفرین بر شما و بر همه تلاش‌گران این عرصه که با همت خود در این زمینه کوشیدید. چنین همایش‌هایی باید در سطح ملی و فراملی و با مشارکت همه مسلمانان معتقد به جایگاه این مادر مؤمنان انجام بشود. بنابراین کار بزرگی انجام شده، ولی راه درازی در پیش است و از خداوند می‌خواهیم که به ما در این زمینه کمک بکند.

سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری

«الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا محمد ﷺ و آله الطيبين الطاهرين لاسيما بقية الله الاعظم ارواحنا فداء».

قبل از هر سخن، از برگزارکنندگان و مجریان این همایش نورانی تشکر می‌کنم؛ به ویژه از برادر عزیزم جناب آقای دکتر رفیعی که از مدت‌ها قبل در تدارک این محفل نورانی بودند.

تکریم و تعظیم ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری عليها السلام، کار بجا و شایسته‌ای است.

این بانویکی از شخصیت‌های ممتاز، بافضیلت و بسیار تأثیرگذار در تاریخ اسلام است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تجلیل از این شخصیت، در کنار سه بانوی دیگر، تعبیرهای بلندی دارند؛ تعبیری که شیعه و سنی نقل کرده‌اند: «افضل النساء العالمين». وقتی حضرت می‌خواهند بهترین زنان جهان و جهانیان را نام ببرند، ابتدا از حضرت خدیجه کبری عليها السلام و بعد دختر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا عليها السلام، سپس مریم کبری و بعد آسیه یاد می‌کنند. هم‌چنین این چهار بانورا برترین زنان بهشت می‌دانند: «افضل النساء اهل الجنة...».

نیز در برخی منابع اهل سنت مثل *معجم طبرانی* و *مجمع البیان* آمده که حضرت می‌فرمایند: «كامل من الرجال كثيرا و من النساء اربعة». این چهار زن در تاریخ بشریت، کامل‌ترین زنان جهان هستند. جالب این‌که منابع اصلی اهل سنت، صدر حدیث را آورده‌اند، ولی اسامی مبارک حضرت خدیجه عليها السلام و حضرت فاطمه عليها السلام را از آخر حدیث حذف کرده‌اند.

این احادیثی که اشاره شد، خصوصاً حدیث اول و دوم، نشانه این است

که چهار زن در تاریخ بشریت به قله رفیع انسانیت دست یافته‌اند: حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم علیها السلام و آسیه علیها السلام.

کمالات شخصیت‌های بزرگ، به دو بخش تقسیم می‌شود: کمالات اختیاری و کمالات غیر اختیاری. کمالات اختیاری نیز خود به دو بخش اختیاری اختصاصی و غیراختصاصی تقسیم می‌گردد.

کمالات غیراختیاری مثل فضایل ذاتی شخصیت‌های بزرگ است. شماری از شخصیت‌های بزرگ دارای فضایل ذاتی هستند؛ حالا ریشه این کمالات کجاست بحث مفصلی دارد که البته به تحلیل بنده، از کمالات اختیاری سرچشمه می‌گیرد. برای نمونه، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ثلاث خصال من رزقها کان کامل». «العقل والجمال والفصاحة»؛ سه ویژگی وجود دارد که اگر این سه روزی فردی شود، او فرد کاملی است:

یکی قدرت درک و عقل، دیگری داشتن جمال زیبا و سومی داشتن بیان فصیح و بلیغ. این‌ها طبیعی، ذاتی و سرشتی هستند. داشتن این فضایل دست خود شخص نیست که زیبارو باشد و یا قدرت درک بالایی داشته باشد؛ البته ممکن است با خوردن فلان غذا یا انجام دادن فلان کار، حافظه را تقویت کرد، ولی کسی که قدرت درک ذاتی بالایی ندارد، با این کارها نمی‌شود قدرت درک او را مثلاً تا حدّ قدرت درک بوعلی سینا بالا برد. این امکان پذیر نیست. فصاحت نیز همین‌گونه است.

البته مراد آن حضرت از این‌که می‌فرمایند: کسی که سه ویژگی عقل، جمال و فصاحت را با هم داشته باشد، به کمال رسیده»، کمال صفات غیراختیاری فرد است، نه مطلق کمالات اختیاری و غیراختیاری.

دسته دیگر از کمالات اختیاری است و انسان می‌تواند آن‌ها را کسب کند و یا کسب نکند؛ مانند عقاید درست، اخلاق نیکو و اعمال نیک. این‌ها کمالات اختیاری هستند؛ ولی همین کمالات، به دو دسته اختصاصی و غیراختصاصی تقسیم می‌شود و آن‌چه قصد داریم در مورد آن صحبت کنیم، مربوط به کمالات

اخپاری و غیراخیاری خدیجه کبری علیها السلام است. در مورد کمالات غیراخیاری آن بانو، به همان ویژگی‌هایی که امام صادق علیه السلام برشمردند، می‌توان اشاره کرد؛ یعنی کمال عقل و جمال و فصاحت. در روایات آمده است:

«کانت من أحسن النساء جمالاً وأكملهن عقلاً وأتمهن رأياً»؛ ایشان دارای زیبایی و عقل کامل بوده‌اند. در مورد فصاحت و بلاغت نیز گفته شده که ایشان سروده‌های زیبایی در وصف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داشته‌اند؛ سروده‌هایی که منسوب به ایشان است.

حضرت خدیجه علیها السلام یک سری کمالاتی نیز داشتند که اکتسابی و اختصاصی ایشان بود؛ مثل این که ایشان اولین زن مسلمان بود. خوب اسلام آوردن ایشان اختیاری بود، ولی این‌طور نیست که هرکسی بتواند اولین زن مسلمان باشد. این کمال اختیاری، به آن بزرگوار اختصاص دارد.

امام کاظم علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

«سئلتُ ابي عن بدء الاسلام؛ از پدرم در مورد آغاز اسلام پرسیدم». ایشان فرمودند:

جبرئیل بر حضرت نازل شد در حالی که خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام نزد ایشان حضور داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رو کرد به خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام و فرمودند: «إن جبرئیل عندی ویدعوکما بیعت الاسلام»؛ یعنی دعوت این دو بزرگوار، به دعوت خود خداوند و به واسطه جبرئیل بوده است؛ «فأسلما، تسلما وأطیعا و تهدیا». این اولین بیعت در تاریخ اسلام بود که جبرئیل آن را بیعت الاسلام نامید.

حضرت علی علیه السلام اولین مرد مسلمان و حضرت خدیجه علیها السلام اولین زن مسلمان بودند که در اسلام بر دیگر زنان سبقت داشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «لم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام وأنا ثالثهما». این از ویژگی‌های خدیجه کبری علیها السلام به شمار می‌آید که به اختیار بوده و به ایشان اختصاص دارد.

کمال اختیاری اختصاصی دیگر این است که آن بانو، بزرگترین ثروتمند بود که تمام ثروتش را در راه خدا و برای ترویج اسلام هزینه کرد. در تاریخ داریم: «کانت اکثر قریش مالاً» و در آیه «ایلافهم رحلة الشتاء والصیف». این کاروانی که در دو فصل رفت و آمد و تجارت داشتند، بخش اعظمش به حضرت خدیجه علیها السلام تعلق داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«ما نفعنی مال قط ما نفعنی مال خدیجة؛ هیچ مالی به اندازه مال خدیجه علیها السلام برای من نفع نداشت.»

این که مال آن بانو تماماً صرف ترویج اسلام شد، درست است؛ ولی این که گاهی شنیده می شود که اگر مال خدیجه علیها السلام و شمشیر حضرت علی علیه السلام نبود اسلام رواج نمی یافت، درست نیست؛ زیرا مفهوم این سخن این است که اسلام به قدرت مال و زور شمشیر رواج یافت و این درست نیست؛ زیرا اسلام، با منطق رواج یافته است. بلکه شمشیر حضرت علی علیه السلام موانع را از سر راه برداشت و مال حضرت خدیجه علیها السلام هم به ترویج اسلام کمک کرد.

پس این که خدیجه کبری علیها السلام به عنوان بزرگترین ثروتمند قریش، تمام اموال خود را در راه خدا و برای ترویج اسلام هزینه کرد، از کمالات اختیاری اختصاصی آن بانو به شمار می آید.

خدیجه علیها السلام تنها زن یا نخستین زنی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با او مشورت می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود عقل کل بودند و کسی که به عقل کل مشورت می دهد باید خیلی اهل نظر و اهل فکر باشد. در *تذکرة الخواصر* آمده:

کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یؤدها ویحترمها ویشاورها فی اموره کلها؛

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان علاقه داشتند و به او احترام می گزاردند و در تمام امور از ایشان مشورت می گرفتند.

«و کانت وزیره صدق»؛ یعنی دستیار صادقی برای حضرت بودند و این خیلی مهم است. هم چنین در تعبیر دیگری آمده: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یسکن الیها»؛ یعنی سبب آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

فضیلت اختصاصی دیگر این که ایشان تنها زنی است که ادامه دهنده نسل پیامبر ﷺ به شمار می‌روند. حضرت فاطمه علیها السلام مادر همه امامان علیهم السلام و ادامه دهنده نسل پیامبر ﷺ فرزند این مادر بودند.

آن بانو کمالات اختیاری غیر اختصاصی هم داشتند که بیش‌تر به درد ما می‌خورد؛ زیرا قابل‌الگو برداری هستند. از کمالات ذاتی و اختصاصی نمی‌توان الگو گرفت هر چند از جهاتی می‌توانند به انسان الهام‌بخش باشند، اما آن کمالات، به خود خدیجه کبری علیها السلام اختصاص دارند.

اما از کمالات غیر اختصاصی ایشان یکی طهارت و پاکی آن حضرت است: «كانت تدعى فى الخاهلية طاهرة لتركها ما كنت تفعله نساء الجاهلية». هم‌چنین در زیارت ائمه علیهم السلام می‌خوانیم:

«أشهد أنك كنت نوراً فى الاصلاّب الشامخة والارحام المطهرة».

این پاکی قابل‌الگوگیری است و مردان و زنان جهان می‌توانند از این ویژگی اختیاری الگو بگیرند.

صداقت و راست‌گویی یکی دیگر از ویژگی‌های خدیجه کبری علیها السلام بود. در روایات آمده است که جبرئیل خدمت رسول الله ﷺ نازل شد و هنگامی که در نزد ایشان حضور داشت، حضرت خدیجه علیها السلام از جلو آن‌ها عبور کرد. جبرئیل پرسید: «من هذه يا محمد؟» حضرت پاسخ دادند: «هذه صدیقة امتی» صدیقه مبالغه در صدق است. جبرئیل گفت: «عند معى رسالة من ربى، تقرأها السلام وتبشرها بأن لها بيت فى الجنة»؛ «شما از طرف خدا به او سلام برسان و خانه‌ای در بهشت را نیز به ایشان بشارت بده». صدیقه از صداقت می‌آید و صداقت قابل‌الگوگیری است.

هم‌چنین به ایثار و نفاق می‌توان اشاره کرد. اموال آن بانو را تا هشتاد هزار شتر گفته‌اند و هم‌چنین چهار هزار غلام و کنیز داشته که همه این اموال و غلامان را در راه خدا دادن کار ساده‌ای نیست. این نیز قابل‌الگوگیری است، البته هر کس به اندازه توانش.

دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی، کمال اختیاری دیگر ایشان است. در آن دوران غربت، دفاع از اسلام، ارزش‌های اسلامی و فرهنگ و عقاید اسلامی بسیار اهمیت داشت که در این روزگار وانفسای فرهنگی، می‌توانیم از آن الگو بگیریم. مدیریت اقتصادی خوب و دقیق ایشان نیز از فضایل غیر اختصاصی به شمار می‌آید که این منافاتی با زن بودنش ندارد.

مسأله دیگر ازدواج حضرت (نوع ازدواج و شرایط انتخاب همسر) است که از فضایل اکتسابی غیر اختصاصی این بانوی بزرگوار به شمار می‌آید. ایشان در مورد انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همسری خود عرض می‌کند: «یا بن عمّ، إنّی قد رغبت فیک لقربتک و شرفک فی قومک و أمانتک عندهم و حسن خلقک و صدق حدیثک».

وقتی زنی می‌خواهد فردی را به شوهری خود انتخاب کند، باید این‌ها از میزان‌ها و معیارهایی باشد که در انتخاب خود لحاظ می‌کند. البته این چنین نبود که او خواستگاری نداشته، بلکه در تاریخ آمده است: «و کلّ قومها قد کان حریصاً علی تزویجها».

ولی ایشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید که به این دلیل این ویژگی‌هایی که داشتید، انتخاب کردم. این شاخص‌ها می‌تواند در انتخاب همسر الگو باشد.

زیست‌نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام

سیدعلیرضا عالمی

چکیده

با وجود اهمیت جایگاه و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، پژوهش‌گران کم‌تر به تدوین حیات و زندگانی آن حضرت توجه کرده‌اند؛ شاید دلیل عمده آن، پراکندگی و کمبود گزارش‌ها درباره ایشان باشد. با توجه به این کاستی، این نوشتار با استناد به منابع و متون متقدم تاریخی، حدیثی و تفسیری - اغلب پیش از قرن هفتم هجری - حیات و زندگانی این بانورا کاوش و بررسی می‌کند. سعی شده تا حد امکان، دوره‌های مختلف حیات آن حضرت با روش تاریخی، در ساختاری به ترتیب تاریخی و منسجم، گردآوری شود تا تصویری مستند برای پی‌گیری حیات آن حضرت و تدوین سیره آن بزرگوار به دست آید.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، زیست‌نامه، پیامبر اسلام، دختر خویلد.

خانواده و ولادت

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بود.^۱ پدرش از بزرگان و اشراف طایفه بنی‌اسد، یکی از طوایف مشهور قریش، به شمار می‌آمد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد، خویلد در میان قریش دارای نفوذ بوده است. او در حوادثی مانند مقابله با حاکم یمن که درصدد بود حجرالاسود را از

۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۶.

مکه به یمن منتقل کند، نقش بارزی ایفا کرد و در مقابل او ایستاد.^۱ هم چنین خویلد در حفرو احیای زمزم، عبدالمطلب را یاری رساند.^۲ گفته شده که وی قبل از جنگ فجار^۳ از دنیا رفت.^۴ برخی هم گفته اند در این جنگ کشته شد.^۵ مادر حضرت خدیجه علیها السلام فاطمه دختر زائده بنت اصم^۶ از قبیله بنی عامر بود.^۷ خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمد.^۸ او دو خواهر به نام های هاله و رفیقه و سه برادر به نام های عوام، حزام و نوفل داشت. نوفل به «اسد قریش» معروف بود.^۹ ورقه بن نوفل و حکیم بن حزام، برادرزاده های او نیز شخصیت های معروف بنی اسد در صدر اسلام به شمار می رفتند. ورقه که کیش مسیحی داشت.^{۱۰} همان کسی بود که طبق منابع سیره، به خدیجه علیها السلام خبر داد که همسرش به نبوت خواهد رسید.^{۱۱} حکیم بن حزام از اعضای دارالندوه قریش به شمار می رفت.^{۱۲} همو دارالندوه را در زمان حکومت معاویه از وی خرید.^{۱۳} برادرزاده دیگر خدیجه یعنی زبیر بن عوام (م ۳۶) که پسر عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز بود، جزو مسلمانان پیشگام به شمار می رفت. دو فرزند وی به

۱. البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۶؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۴۹.

۳. جنگ فجار یا جنگ گناه یا فسق، مجموعه جنگهایی بود بین کنانه و قریش از یک سو و قیس الغیلان از سوی دیگر در ماههای حرام اتفاق افتاد. این جنگها در هنگام نوجوانی و جوانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد (رک: السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۴).

۴. البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۶.

۵. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۸.

۶. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۶؛ الدرریه الطاهره، ص ۴۴؛

الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

۷. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۶؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۷۶۰.

۸. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۵؛ تذکره الخواص، ص ۲۷۱.

۹. جمهره انساب العرب، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۱۰. بیهقی، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۲۷.

۱۱. اسد الغابه، ج ۴، ص ۶۷۱.

۱۲. انساب، ج ۱، ص ۲۱۴.

۱۳. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۶۲.

نام‌های عبدالله و عروه نیز افراد سرشناس در قرن اول هجری به شمار می‌رفتند. عبدالله برای مدتی خلافت زبیریان را در حجاز و عراق برپا کرد و عروه (م ۹۹) از فقهای طراز اول مدینه بود.^۱

حیات خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

بررسی‌های تاریخی، نشان می‌دهد گزارشی در مورد حیات حضرت خدیجه علیها السلام در دوران کودکی و جوانی وجود ندارد. در مجموع گزارش‌های حیات آن حضرت قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به ازدواج‌ها و پیشه ایشان محدود می‌شود. برپایه گزارش‌های سیره نویسان، آن بانو پیش از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوبار ازدواج کرده، اما میان ترتیب این ازدواج‌ها اختلاف نظر است؛ برخی گفته‌اند ابتدا همسرابی‌هاله هند بن نباش از تمیم بود که از او پسری به نام هند به دنیا آمد. بعد از وی با عتیق بن عائذ مخزومی ازدواج کرد و از وی طلاق گرفت.^۲ از وی نیز دختری به نام هند داشت.^۳ برخی گفته‌اند ابتدا همسر عتیق مخزومی بود.^۴ ابی‌هاله که در مکه از دنیا رفت،^۵ از قبیله تمیم^۶ از هم‌پیمانان بنی‌عبدالدار بود.^۷ البته بعضی معتقدند که خدیجه علیها السلام پیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با کسی ازدواج نکرده‌اند؛ مانند ابن شهر آشوب به نقل از بلاذری، کوفی و سید مرتضی. (ان‌النبی تزوج به و کانت عذراء)^۸ ابوالقاسم کوفی می‌گوید:

۱. الانساب، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۷.

۲. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۶، المحبر، ص ۷۸: ۴۵۲.

۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۷؛ تذکره الخواص، ص ۲۷۱.

۴. المعارف، ص ۱۳۳، المعرفة والتاریخ، ج ۳، ص ۲۶۸، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۵؛ البدء والتاریخ، ج ۵،

ص ۱۰؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۲۷۴؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۷۹.

۵. المعارف، ص ۱۳۳؛ الدررید الطاهره، ص ۴۶.

۶. جمهره انساب العرب، ص ۲۱۰.

۷. الدررید الطاهره، ص ۴۶.

۸. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۸.

خدیدجه علیها السلام خواهری به نام هاله داشت که با مردی از طایفه مخزوم ازدواج کرد و دختری به نام هاله آورد. سپس با مردی از بنی تمیم ازدواج کرد به نام ابوهند که برای او هند را به دنیا آورد. آن مرد تمیمی زن دیگری داشت که زینب و رقیه را به دنیا آورد و سپس درگذشت. پس از مرگ مرد تمیمی، فرزندش هند به قبیله تمیم پیوست، ولی هاله خواهر حضرت خدیجه و دو فرزندش که تنها مانده بودند، نزد خدیجه علیها السلام زندگی می‌کردند، پس از ازدواج خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هاله از دنیا رفت و خدیجه علیها السلام دو دختر او را عهده‌دار شد و چون عرب‌ها ریبیه (دخترخوانده) را در حکم دختر می‌دانستند، از این رو به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشهور شدند.^۱

درباره پیشه حضرت خدیجه علیها السلام نیز گزارش‌هایی در منابع به صورت گذرا وجود دارد و به فراوانی مال و دارایی و تجارت پیشگی او اشاره شده است.^۲ گزارشی که نشان دهد وی خود به مسافرت‌های تجاری می‌رفته در دست نیست، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد که مال و کارگزارانش را در خدمت تاجران قرار می‌داد تا بدین‌گونه به صورت مضاربه، از اموال و مال‌التجاره‌اش کسب درآمد کند. هم‌کاری تجاری خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز با توجه به همین پیشه خدیجه علیها السلام شروع شد. وقتی او از راست‌گفتاری، امانت‌داری و اخلاق نیکوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اطلاع یافت، به آن حضرت پیشنهاد هم‌کاری داد و آن حضرت نیز پذیرفتند.^۳ برخی گفته‌اند ابوطالب این پیشنهاد را مطرح کرد.^۴

یعقوبی، این هم‌کاری را نفی می‌کند. به گفته وی، این‌که مردم می‌گویند خدیجه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را اجیر گرفته بود درست نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز برای کسی اجیر نشد.^۵ به همین دلیل یعقوبی، گزارشی از تجارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خدیجه علیها السلام گزارشی نیاورده است. البته از سوی پژوهش‌گران معاصر نیز به

۱. الاستغاثه، ج ۱، ص ۶۴.

۲. الذریه الطاهره، ص ۴۷.

۳. الذریه الطاهره، ص ۴۷، اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۰.

۴. الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۱۴۰؛ متاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۶.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

این سفرها تردید وارد کرده‌اند.^۱

به گفته حکیم بن حزام، اولین هم‌کاری تجاری بین خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به دعوت آن بانو صورت گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همراه میسره غلام خدیجه علیها السلام به بازار حبشه برای خرید البسه نظامی رفتند که از آن سود زیادی کسب شد.^۲ سفر تجاری دوم همراه با میسره به شام بود. این مسافرت در ماه ذی حجه سال ۲۵ عام الفیل در حالی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵ ساله بودند اتفاق افتاد.^۳ این سفر به دلیل اتفاقاتی که در آن رخ داد، دارای اهمیت است. در این سفر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زیر درختی نشستند. راهب نسطوری که احتمالاً راهب بصری^۴ بود به میسره گفت که وی نبی است؛ زیرا پیش از آن کسی غیر از عیسی بن مریم علیها السلام زیر آن درخت ننشسته بود.^۵ طبق برخی گزارش‌ها این بشارت نبوت زمانی به میسره داده شد که راهب ابری را مشاهده نمود که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم سایه می‌کرد.^۶ در برخی از گزارش‌ها، از دو ملک سخن رفته است که بر آن حضرت سایه افکنده بودند.^۷ از دیگر اتفاقاتی که میسره در این سفر گزارش داده، این بود که در هنگام هم‌طعام شدن با حضرت، هردو سیر می‌شدند اما از غذا چیزی کاسته نمی‌شد.^۸ میسره هنگام بازگشت، آن‌چه را از ویژگی‌های اخلاقی^۹ مانند صداقت گفتار، امانت‌داری و اخلاق کریمانه^{۱۰} حضرت دیده بود، برای خدیجه علیها السلام بازگو کرد.^{۱۱} آن بانو گفته‌های میسره را برای

۱. اخبار و آثار ساختگی، ص ۲۵۲.

۲. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۵-۱۶.

۳. همان، ص ۱۷.

۴. همان.

۵. المحبر، ص ۷۷-۷۸.

۶. التنبيه والاشراف، ص ۱۹۷.

۷. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۸. المحبر، ص ۷۷-۷۸.

۹. اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۰.

۱۰. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۷.

۱۱. ابن اسحاق، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۲۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۶؛ التنبيه والاشراف، ص ۱۹۷؛

ورقه بن نوفل بازگفت و از ورقه این بشارت را شنید که حضرت محمد صلی الله علیه و آله نبی خواهد بود.^۱

گزارش‌ها نشان می‌دهد که توصیفات میسره در علاقه‌مندی خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دخیل بوده است؛ از این رو، خدیجه علیها السلام به آن حضرت پیشنهاد ازدواج داد.^۲ تفصیلی‌ترین گزارش در این باره از آن عمار یاسراست. وی در این گزارش، خود را آگاه‌ترین فرد به ماجرای این ازدواج معرفی می‌کند. عمار می‌گوید:

من و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حزوره (بازار کنار کعبه) بودیم که خواهر خدیجه علیها السلام نزد من آمد و گفت: «آیا رفیقت به ازدواج با خدیجه تمایل دارد؟» وقتی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان گذاشتم، ایشان تمایل نشان دادند.^۳

یعقوبی که هم‌کاری تجاری بین خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را قبول ندارد، این ماجرا را از زبان عمار با محتوای مذکور نقل کرده است.^۴ گزارش‌هایی در منابع تاریخ و سیره وجود دارد که گویا خدیجه علیها السلام می‌دانسته که پدرش با این ازدواج موافق نیست؛ لذا سعی کرده به گونه‌ای موافقت وی را حاصل کند. گزارشی که در آن خدیجه علیها السلام برای جلب رضایت پدرش بدو مشروب خوراند تا با ازدواج او با حضرت محمد صلی الله علیه و آله موافقت کند، با توجه به این‌که پدرش در قید حیات نبود، درست نیست.^۵ مقریزی هم این گزارش را نمی‌پذیرد؛ چون خویلد در فجار کشته شده بود.^۶

۱. اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۰؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۷؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹.

۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۸؛ البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۶.

۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۶؛ التنبیه و الاشراف، ص ۱۹۷؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۶؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۰؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۷.

۴. دلائل النبوه، ج ۲، ص ۷۱.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۶. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۳.

۷. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۸.

برخی گزارش‌های دیگر، نشان می‌دهد که خدیجه ع.ا.س. به حضرت محمد ص.ا.ع. پیشنهاد داد که وی را از عمویش عمرو بن اسد خواستگاری کند. ^۱ بنابراین در این‌که خواستگاری از پدر یا عموی خدیجه ع.ا.س. صورت گرفته، اختلاف گزارش وجود دارد. ^۲ گزارش‌ها در این خصوص که برای خواستگاری نزد عموی او رفتند، فراوانی بیش‌تری دارد. ^۳ برخی از تاریخ‌نویسان و سیره‌پژوهان با یادآوری کشته شدن خویلد در جنگ‌های فجار، معتقدند خواستگاری نزد عموی خدیجه ع.ا.س. صورت گرفت. ^۴

این‌که چه کسی با حضرت محمد ص.ا.ع. به خواستگاری خدیجه ع.ا.س. رفت، اسامی دو تن از عموهای آن حضرت یعنی ابوطالب و حمزه در روایات آمده است. ^۵ برخی هم گفته‌اند که عموهای آن حضرت و بزرگان بنی‌هاشم حضور داشته‌اند. ^۶ حضرت محمد ص.ا.ع. و حمزه، گوسفندی را برای جلسه خواستگاری ذبح کردند. ^۷ گزارش‌ها حاکی از آن است که خطبه عقد را ابوطالب خواند. ^۸ متن خطبه در منابع ذکر شده است. ^۹ در پی آن ابوطالب مردم را اطعام کرد. ^{۱۰} مهریه حضرت خدیجه دوازده اوقیه بود. ^{۱۱} برخی هم گفته‌اند مهریه وی دوازده و نیم اوقیه (چهل درهم) است؛ ^{۱۲} بنابراین مهریه ایشان ۴۸۰ یا پانصد درهم بوده و بنا بر گزارش دیگری، بیست شتر (بکره) بوده است. ^{۱۳} رسول خدا ص.ا.ع. پس از ازدواج با

۱. المحبر، ص ۷۸.

۲. الکامل، ج ۲، ص ۴۰.

۳. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۸.

۴. تذکره الخواص، ص ۲۷۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

۵. ابن حبیب، المحبر، ص ۷۸؛ کافی، ج ۵، ص ۳۷۴؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۰.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ تذکره الخواص، ص ۲۷۲.

۷. المحبر، ص ۷۸.

۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۹. کافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

۱۰. همان، ص ۳۷۵.

۱۱. الدرریه الطاهره، ص ۵۲؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۷-۱۸.

۱۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ج ۲، ص ۶۴۳؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۷-۱۸.

۱۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ج ۲، ص ۶۴۳.

خدیجه علیها السلام به خانه وی نقل مکان کردند.^۱

زمان دقیق ازدواج مشخص نیست، ولی برخی از تاریخ نویسان، ماه صفر سال ۲۶ عام الفیل را زمان ازدواج دانسته‌اند.^۲ از برخی گزارش‌ها استنباط می‌شود که روز ۲۵ صفر بوده است.^۳ خدیجه علیها السلام بنا بر اغلب گزارش‌ها، هنگام ازدواج چهل سال داشت.^۴ اما قول ۲۸ ساله بودن ایشان نیز در منابع معتبر اولیه آمده است؛ از جمله دولابی که به آن اشاره می‌کند.^۵ درباره سن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز بیش‌تر گزارش‌ها بر ۲۵ سالگی ایشان تأکید دارند.^۶

حیات خدیجه علیها السلام پس از ازدواج

گزارش‌های اندکی درباره حیات حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج تا زمان بعثت وجود دارد. منابع سیره و تاریخ نیز به صورت عموم در این مورد سکوت کرده‌اند. از لابه لای گزارش‌ها، به بخش‌هایی از حیات حضرت خدیجه علیها السلام در این دوره تاریخی می‌توان دست یافت. قابل‌اعتنا ترین گزارش‌ها درباره فرزندان ایشان است که اغلب در این دوره به دنیا آمدند. این‌که چه تعداد فرزندان قبل از بعثت به دنیا آمده‌اند اتفاق نظری وجود ندارد.^۷ برخی به قبل از بعثت و^۸ برخی به پس از بعثت اشاره کرده‌اند.^۹ در این‌که اولین فرزند چه کسی بوده اتفاق نظر نیست؛ برخی زینب و برخی دیگر قاسم را گفته‌اند.^{۱۰} اختلافی در تعداد

۱. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۵؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۷.

۳. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۷.

۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۷؛ المحبر، ص ۹؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵. الدرریه الطاهره، ص ۵۲.

۶. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۷؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵؛ الاستیعاب،

ج ۱، ص ۳۸.

۷. الدرریه الطاهره، ص ۶۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۵؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۱۸.

۸. الدرریه الطاهره، ص ۶۷.

۹. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۱۸.

۱۰. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

و اسامی دختران وجود ندارد، اما در تعداد و اسامی پسران اختلاف نظر است. این اختلاف شاید از آن جا ناشی شود که پسران همگی در خردسالی از دنیا رفتند. در مجموع، گزارش‌های تاریخی متفقند که پسری به نام قاسم^۱ داشته که حضرت محمد ص کنبه خود را از آن گرفتند.^۲ حتی برخی گفته‌اند خدیجه پسری جزا و نداشت.^۳ قاسم کم‌تر از دو سال یا تا زمانی که شروع به راه رفتن کرد،^۴ زنده بود^۵ و بنابراین گزارش‌ها، پیش از بعثت از دنیا رفت.^۶ اما به روایت دولابی^۷ و کلینی،^۸ او بعثت را درک کرده است. پسردیگر عبدالله نام داشته که در طفولیت^۹ و در پی قاسم درگذشت.^{۱۰} به گفته بلاذری عبدالله، «طیب و طاهر» خوانده شده چون در اسلام به دنیا آمد.^{۱۱} ابن عبدالبرمی گوید:

این قول که طیب و طاهر همان عبدالله هستند، قول زیبر و اکثر اهل نسب است، بنابراین او داری سه اسم عبدالله، طیب و طاهر بوده است.^{۱۲}

بر اساس گزارش‌ها، عبدالله پس از بعثت به دنیا آمد.^{۱۳} برخی طیب و طاهر را اسامی دو فرزند دیگر خدیجه ع دانسته‌اند.^{۱۴} ابن اسحاق بدون نام بردن از عبدالله، از دو فرزند به نام‌های طیب و طاهر نام برده^{۱۵} و برخی هم یکی از این

۱. البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۱۶: الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

۲. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۶.

۳. اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

۵. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۶.

۶. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۰: الدرریه الطاهره، ص ۶۷.

۷. الدرریه الطاهره، ص ۶۷.

۸. کافی، ج ۳، ص ۲۱۸.

۹. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

۱۰. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

۱۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۵.

۱۲. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۹.

۱۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۵: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۱۴. ابن اسحاق، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۳۰: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۰: تاریخ طبری، ج

۲، ص ۲۸۱.

۱۵. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۹.

دو را در شمار پسران خدیجه ذکر کرده‌اند.^۱ برای مثال کلینی، روایتی آورده که تنها در آن از طاهر در کنار قاسم به عنوان پسران خدیجه علیها السلام یاد شده است.^۲ سرگذشتی برای طاهر و طیب در منابع وجود ندارد جز این که گفته شده در مکه از دنیا رفتند.^۳ برخی از تاریخ‌نویسان مشهور، فرزندان به نام طاهر و طیب برای خدیجه علیها السلام را اشتباه قلمداد کرده و آن دو را نامی برای عبدالله دانسته‌اند.^۴ ناگفته نماند که دولابی در یکی از گزارش‌هایش، عبدمناف را نخستین فرزند نام برده^۵ که با توجه به این که در دیگر منابع نامی از وی به میان نیامده، صحت آن محل تردید جدی است. هیچ تاریخی در منابع، برای سال ولادت پسران خدیجه علیها السلام ثبت نشده است.

در مورد دختر اول خدیجه علیها السلام نیز اختلاف وجود دارد؛ برخی زینب را اولین دختر می‌دانند^۶ اما تعدادی، حضرت رقیه را بر دیگر دختران مقدم کرده‌اند.^۷ گفته شده رقیه پیش از بعثت، به عقد عتبه پسر ابولهب درآمد.^۸ اما او پس از بعثت، رقیه را طلاق داد^۹ و بعد از آن رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد.^{۱۰} شاید بیش‌ترین گزارش‌ها درباره دختران خدیجه علیها السلام پیش از اسلام، درباره زینب باشد. خدیجه مایل بود که زینب با ابوالعاص بن ربیع خواهرزاده‌اش (پسر هاله بنت خویلد) ازدواج کند. این ازدواج با موافقت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفت.^{۱۱} از این ازدواج، دختری متولد شد به نام امامه که بعد از شهادت

۱. الهدایه الکبری، ص ۳۹؛ المعارف، ص ۱۴۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶، تاریخ اهل البیت، ص ۹۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۸.

۳. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۹.

۴. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۳۳، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۷۵؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۵۰.

۵. الذریه الطاهره، ص ۶۶.

۶. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

۷. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۰؛ الذریه الطاهره، ص ۶۹.

۸. هدایه الکبری، ص ۳۹.

۹. الذریه الطاهره، ص ۸۳.

۱۰. الذریه الطاهره، ص ۸۳؛ هدایه الکبری، ص ۳۹.

۱۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۵۱؛ الذریه الطاهره، ص ۷۰.

حضرت زهرا علیها السلام با امام علی علیه السلام ازدواج کرد.^۱ خدیجه در روز عروسی زینب و ابوالعاص، گردن بندی به وی هدیه داد که بعدها زینب آن را همراه اموالی برای آزادی همسرش در جنگ بدر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد و آن حضرت به احترام خدیجه علیها السلام، ابی العاص را آزاد کردند^۲ و او نیز در مقابل، زینب را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه فرستاد. وقتی ابوالعاص بعد از شش سال ایمان آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زینب را بدون عقد جدید نزد ابوالعاص فرستاد.^۳

برخی تاریخ نویسان، رقیه و زینب را فرزندخواندگان و ربیبه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند و دلیل آن را قبح ازدواج این دو با ابوالعاص و عتبه بن ابولهب می دانند؛ هر چند ازدواج ها، در دوره جاهلیت صورت گرفته است.^۴ ام کلثوم سومین دختر خدیجه نیز قبل از بعثت به دنیا آمد. نام وی آمنه بود.^۵ وی در عقد عتبه بن ابی لهب بود که پس از بعثت، وی را طلاق داد و همسر عثمان شد. بعد از فوت رقیه، ام کلثوم با عثمان ازدواج کرد.^۶

اغلب گزارش ها، نشان می دهد که حضرت فاطمه علیها السلام کوچک ترین فرزند خدیجه علیها السلام بوده اند.^۷ در مورد این که حضرت فاطمه علیها السلام پیش یا پس از بعثت به دنیا آمدند، بین تاریخ نویسان اختلاف نظر است. برخی تاریخ نویسان اهل سنت گفته اند پیش از بعثت به دنیا آمده^۸ و دسته ای گفته اند که پس از بعثت به دنیا آمده است.^۹ منابع شیعه اتفاق دارند که ایشان پس از بعثت به دنیا آمده اند^{۱۰} به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، گوهر وجودی حضرت فاطمه علیها السلام از میوه های بهشتی

۱. الذریه الطاهره، ص ۶۹-۷۰.

۲. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۶۵۳.

۳. همان، ص ۶۵۹.

۴. الاستغاثه، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۵. هدایه الکبری، ص ۳۹.

۶. الذریه الطاهره، ص ۸۳.

۷. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۰؛ الذریه الطاهره، ص ۶۹.

۸. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۳.

۹. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۹۱، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۳.

۱۰. کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، مفید، مسار الشیعه، ص ۵۴.

است. ایشان می‌فرمایند:

جبرئیل از بهشت خرما برایم آورد، آن را خوردم و به نطفه‌ای در صلب من تبدیل شد. آن‌گاه خدیجه علیها السلام باردار شد.^۱
 هم‌چنین خدیجه علیها السلام در هنگام بارداری، با جنین صحبت می‌کرده است.^۲ روایت شده هنگام وضع حمل، از بهشت چهار قابله (مریم علیها السلام دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، کلثوم خواهر موسی، و ساره همسر ابراهیم) فرستاده شدند.^۳ خدیجه علیها السلام تمام فرزندانش را به دایه‌ای داد که شیر دهد غیر از حضرت فاطمه علیها السلام که از کسی جز مادر شیر نخوردند.^۴

ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

منابع تفسیری، حدیثی و تاریخی اهل سنت، وقتی از مقدمات و نشانه‌های بعثت صحبت به میان می‌آورند، اظهار می‌دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ابتدا نشانه‌های بعثت را با همسرش در میان می‌گذاشتند.^۵ پس از بعثت نیز اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بازگفتن چگونگی آن به خدیجه بود.^۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام خواستند که او را بپوشاند. مفسران می‌گویند که اولین آیات سوره مدثر در اینجا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد.^۷ طبق گزارش برخی از سیره‌نویسان، خدیجه علیها السلام به آن حضرت تبریک گفته و ایشان را به ثبات قدم در این امر تشویق کرده است.^۸ پس از آن خدیجه علیها السلام به خانه ورقه بن نوفل نصرانی رفت

۱. التوحید، ص ۱۱۸، معجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۰۱، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۶.

۲. الامالی، ص ۶۹۰.

۳. همان، ص ۶۹۱.

۴. منتخب تاریخ کبیر، ج ۱، ص ۲۹۳؛ البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۳۰۷.

۵. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۶۱؛ الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۲۴۳؛ معالم التنزیل، ج ۵، ص ۲۸۰.

۶. جامع البیان، ج ۲۹، ص ۹۰؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۴۸۹-۴۹۰؛ الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۶۸.

۷. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۴۸۹؛ جامع البیان، ج ۲۹، ص ۹۰؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۷۹.

۸. الکشاف، ج ۴، ص ۶۴۵.

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.

که از محتوای کتاب‌های عبرانی و انجیل آگاهی داشت و جریان را شرح داد، ورقه گفت که جبرئیل همان «ناموس اکبر» است که به نزد موسی می‌آمد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر این امت است. سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمجید نمود و او را تشویق کرد.^۱ طبق برخی گزارش‌ها، خدیجه و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر دو نزد ورقه رفتند.^۲ ورقه پیش‌گویی کرد که مردم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تکذیب کرده، آزار می‌دهند و از شهر بیرون کرده، با او خواهند جنگید. ورقه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وعده داد که اگر آن روز را درک کند، یاریش خواهد کرد.^۳ دسته‌ای دیگر نیز ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ورقه و گفتگوی آن‌ها درباره چگونگی بعثت را در دیداری گزارش کرده‌اند که به طور اتفاقی در هنگام طواف کعبه صورت گرفت. طبق این گزارش‌ها، ورقه از آغاز بعثت باخبر شده بود و می‌خواست چگونگی آن را به صورت مستقیم از خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بشنود.^۴ در برخی از منابع، از فردی به نام عداس نام برده شده که خدیجه علیها السلام پیش او نیز رفته بود.^۵

ناهماهنگی و گاهی تضاد، در گزارش‌های مربوط به ورقه در منابع اهل سنت وجود دارد. سخن از مراجعه به ورقه، در مواردی در زمان مشاهده علایم بعثت و قبل از نزول فرشته وحی به میان آمده و در مواردی دیگر در وقایع پس از بعثت ذکر شده است.^۶ طبق پاره‌ای گزارش‌ها، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه هر دو به دیدار ورقه رفتند،^۷ در حالی که برخی روایات مدعی‌اند که خدیجه علیها السلام به تنهایی رفت.^۸ بعضی گفته‌اند که ابوبکر نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.^۹ گزارش‌هایی هم

۱. السیره النبویه، ص ۲۳۸، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۸.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳.

۳. همان.

۴. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۳۸.

۵. سعد السعود، ص ۲۱۵؛ حیات القلوب، ج ۳، ص ۶۸۰-۶۸۱.

۶. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۳.

۷. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۸؛ الذریه الطاهره، ص ۵۸.

۸. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۹-۵۰.

۹. تفسیر معلی، ج ۱۰، ص ۲۴۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۳، ص ۷.

وجود دارد که ورقه به صورت اتفاقی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در طواف دید و از ماقع جویا شد.^۱ محتوای گزارش‌هایی نیز با واقعیات تاریخی در تضاد است. برخی گفته‌اند او هنگام بعثت مرد، اما در برخی روایات آمده که ورقه در اسلام آوردن ابوبکر نقش داشته^۲ و شاهد شکنجه شدن بلال بوده و او را به صبر دعوت کرده است؛^۳ اما نام او جزو کسانی نیست که مسلمان شده باشد. از سوی دیگر، عمده کسانی که درباره ورقه روایت نقل کرده‌اند، زبیری‌ها و حزب ایشان هستند.^۴ ایشان نه تنها عمده گزارش‌های مربوط به بعثت را نقل کرده‌اند، بلکه کسانی مانند عروه بن زبیر در تطهیر ورقه، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت نقل کرده‌اند.^۵ به گفته زبیر بن بکار، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از سب کردن ورقه نهی فرموده و از بهشتی بودن او خبر داده‌اند.^۶

آل زبیر جریان دیگری نیز نقل کرده‌اند که طبق محتوای آن، خدیجه با تدبیری، دست به آزمایش آورنده وحی زد. او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواست که چون جبرئیل بر آن حضرت نازل گشت، حضرت به خدیجه اطلاع دهد. چون جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد، خدیجه روپوش از سرو صورت برداشت و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد که آیا جبرئیل محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ترک کرده یا حاضر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید که او ترک کرده. خدیجه می‌گوید: «ثابت قدم باش و مزده باد تو را که او فرشته است و شیطان نیست!»^۷ برخی در نقد این گزارش گفته‌اند که در این زمان حجاب واجب نشده بود، از سویی

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۳، ص ۱۳.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۰، ص ۳۳-۳۴.

۳. سیره ابن اسحاق، ج ۴، ص ۱۷۰؛ العثمانیه، ص ۳۲؛ الانساب، ج ۲، ص ۲۷۵؛ الاصابه، ج ۶، ص ۴۷۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴. الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۳۱۳.

۵. تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۳، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۲۴.

۷. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۶؛ ابی نعیم اصفهانی، دلائل النبوه، ص ۱۴۹.

فرشتگان مکلف نیستند و مذکرو مؤنث ندارند.^۱

از نظر تاریخی، اخبار مربوط به ورقه و نقش او در قوت قلب دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز بعثت را باید با توجه به جایگاه تاریخی خاندان زیرو امکان فضیلت تراشی برای بنی اسد در نظر گرفت که آل زیرو ورقه و خدیجه علیها السلام از آن طایفه بودند. از بین مفسران، علامه طباطبایی داستان ورقه و مراجعه خدیجه به وی و آرامش رسول خدا از صحبت های او را نادرست می داند.^۲ در بعضی از منابع شیعی نیز از رفتن خدیجه علیها السلام نزد ورقه و عداس سخن به میان آمده،^۳ اما به نظر می رسد این اخبار از متون اهل سنت به این منابع راه یافته باشد. در این منابع، گزارشی درباره مراجعه به ورقه وجود ندارد. یعقوبی در ماجرای بعثت، گزارشی را آورده که در آن نام ورقه است، ولی بحثی از این که خدیجه یا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای پرس وجود درباره بعثت پیش آورفته باشند، وجود ندارد. تنها او گزارش کرده که ورقه از خدیجه می پرسد: «آن کسی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آید جبرئیل است یا میکائیل؟»^۴ برخی از پژوهش گران شیعی، ذکر نام ورقه در جریان بعثت را که در منابع شیعی آمده، نقد نموده و بر نادرستی آن تأکید کرده اند.^۵

در خصوص خدیجه در برانگیخته شدن همسرش به رسالت، این موضوع اهمیت دارد که خدیجه در همان روز نخست بعثت ایمان آورد^۶ و اولین زن مؤمن بود.^۷ ابن خلدون می گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، خدیجه علیها السلام را به اسلام دعوت

۱. بعثت نامه، ص ۲۴۸.

۲. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۶۷.

۳. سعد السعود، ص ۲۱۵.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳.

۵. النص والاجتهاد، ص ۴۲۱ و ۴۲۲؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۳۱۳؛ راز بزرگ رسالت، ص ۳۹۳-۳۹۴.

۶. تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۴۲.

۷. السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۵۲؛ تفسیر الحبری، ص ۳۹۴؛ ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۲۶۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶-۳۷.

نکرد، بلکه با نزول وحی و شنیدن جریان وحی او خود به صدق گفتار ایشان باور یافت.^۱

حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام

تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اولین و مهم‌ترین حمایت حضرت خدیجه علیها السلام از آن حضرت بود؛ امر با اهمیتی که همواره از آن یاد می‌کردند. آن حضرت روزی به عایشه درباره فضیلت و تمجید از خدیجه علیها السلام فرمودند:

زمانی که همه مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق کرد.^۲

باایمان آوردن خدیجه، دختران او نیز ایمان آوردند.^۳ مردم مکه تا مدتی، تنها وی و حضرت علی علیه السلام را از مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام می‌شناختند. عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این سه بزرگوار را در کنار کعبه در حال نماز دید و به دیگری گفت: «غیر از این سه نفر، کسی به این دین نیست.»^۴

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسالت خود را اظهار نمودند و مردم را به اسلام دعوت فرمودند، قریشیان مخالفت کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شعب‌ها در خفا نماز می‌خواندند. از این رو، خدیجه از آسیب‌های احتمالی به جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیمناک بود. او نگرانی‌اش را به ابوطالب اطلاع داد. وقتی ابوطالب با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره صحبت کرد، آن حضرت از ایمنی‌اش توسط خداوند خبر دادند و خدیجه اظهار شادی کرد.^۵ وقتی رسول خدا در منزل بود، خدیجه برای محافظت از ایشان هنگام ارتباط با مسلمانان، تدابیری سنجدیده بود^۶ و سعی می‌کرد در خانه با حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل آزار و اذیت‌های مشرکان،

۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۱۶؛ دلائل النبوه، مقدمه، ص ۱۸.

۲. الدرریه الطاهره، ص ۵۳-۵۴.

۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۵۲.

۴. الارشاد، ج ۱، ص ۳۰.

۵. حسین بن همدان خصیبی، هدایه الکبری، بلاغ، ۱۴۱۹، ص ۶۵.

۶. مفید، الاختصاص، ص ۱۸۲.

رفتارهای آن‌ها را در مقابل دعوت رسول خدا ص کم‌اهمیت و بی‌نتیجه جلوه دهد.^۱

کمک‌های مالی، بخش دیگری از حمایت‌های حضرت خدیجه ع از پیامبر ص و مسلمانان بود. این حمایت‌ها، زمانی که مسلمانان سه سال در شعب ابی‌طالب در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار گرفتند، حضرت خدیجه ع در این مدت، مالش را انفاق کرد،^۲ به گونه‌ای که چیزی از آن باقی نماند.^۳ آیه هشتم سوره ضحی «ووجدک عائلاً فاغنی» درباره بی‌نیازی رسول خدا ص به دلیل اموال خدیجه نازل شد.^۴ نقش حمایتی خدیجه از مسلمانان تحت محاصره، تنها به این مورد منحصر نبود. زمانی که تهیه مایحتاج برای محاصره‌شدگان با قیمت‌های گزاف نیز میسر نبود، خدیجه با فرستادن پیام برای اعضای حلف الفضول، از این اقدام آنان انتقاد کرد.^۵ هم‌چنین توسط برادرزاده‌اش، حکیم بن حزام، سعی می‌کرد مخفیانه مایحتاج غذایی محاصره‌شوندگان را تهیه کند.^۶

فضایل و مناقب

حضرت خدیجه ع در جاهلیت «طاهره» خوانده می‌شد.^۷ القاب خدیجه

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱؛ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۸۵.

۴. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۴.

۵. انساب‌الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۱.

۶. همان، ص ۲۷۲.

۷. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۷۸.

۸. اسدالغابه، ج ۶، ص ۷۸.

نزد اهل بیت علیهم السلام، الطاهره،^۱ الکبری^۲ و الغراء^۳ بوده است. برخی از منابع نیز لقب «صدیقه» را برای وی ذکر کرده‌اند.^۴ این القاب، نشان از فضیلت و منزلت اجتماعی وی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از کنیه ام‌هند را برای وی استفاده می‌کردند.^۵ فعالیت‌های تجاری‌اش نشان می‌دهد که وی زنی پرکار و باهوش بوده است. ازدواج وی با فرد امینی مانند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نشان می‌دهد که به فضایل اخلاقی اهمیت فراوانی می‌داده است.

درباره دین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام، در منابع سخنی به میان نیامده، ولی گفته شده که وقتی همسرش برای عبادت به غار حرا می‌رفت، خدیجه نیز همراه او در غار معتکف می‌شد.^۶ این امر، از گرایش‌های معنوی خدیجه پیش از بعثت حکایت دارد. این واقعیت که او اولین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، به خوبی از فضیلت و خداجویی آن حضرت حکایت دارد. خانه خدیجه از اماکن مقدس شهر مکه، محل عروج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مهبط جبرئیل امین و ملائک و محل زندگی رسول خدا بود. هم‌چنین محل زندگی حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام به شمار می‌رفت.

این‌که با فرزندش حضرت فاطمه علیها السلام در رحم بود صحبت می‌کرد^۷ و قابله‌های بهشتی هنگام وضع حمل او را یاری دادند^۸ نیز جزو فضایل و کراماتی است که شامل حال وی شد. به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل حامل سلام خداوند به خدیجه بوده است^۹ و خداوند هر روز چندین بار به فرشتگانش در

۱. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۹۷، تجارب الامم، ج ۳، ص ۳۹۵.

۲. العزیز الکبیر، ص ۴۶۳-۴۹۷.

۳. همان، ص ۵۷۹.

۴. البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۷۴.

۵. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۲۰.

۶. دلائل النبوه، ص ۲۱۵.

۷. الامالی، ۶۹۰.

۸. همان، ص ۶۹۱.

۹. الدررید الطاهره، ص ۶۱؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۱.

مورد او مباحثات می‌کند.^۱

خدیجه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بسیار دوست می‌داشت و کسانی را که به آن حضرت محبت کرده بودند نیز دوست می‌داشت؛ برای نمونه، ثویبه کنیز ابولهب را که در طفولیت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شیر داده بود، تکریم می‌کرد و از ابولهب خواست او را به خدیجه بفروشد تا آزاد کند ولی ابولهب سرباز زد. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه مهاجرت کردند، ابولهب او را آزاد کرد.^۲ در مورد حلیمه هم گفته‌اند که بعد از ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد آن حضرت آمد و از تنگ‌دستی شکایت کرد؛ خدیجه به او بیست رأس گوسفند و تعدادی شتر داد.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز علاقه فراوانی به خدیجه داشتند. به گفته عایشه، آن حضرت به گونه‌ای از خدیجه صحبت می‌کردند که گویی در زمین زنی غیر از خدیجه علیها السلام وجود ندارد.^۴ پیامبر درباره محبتش به خدیجه فرمودند: «خداوند محبت او را روزی من کرده است».^۵ پیامبر او را احترام می‌کردند و در امور با او مشورت می‌نمودند.^۶

پس از رحلت خدیجه نیز از او بسیار یاد می‌کردند و بستگان و دوستانش را بسیار گرامی می‌داشتند. هرگاه گوسفندی ذبح می‌کردند، سهمی را برای دوستان خدیجه کنار می‌گذاشتند و به در خانه آن‌ها می‌فرستادند.^۷ اگر چیزی به دستشان می‌رسید، می‌فرمودند که برای فلان زن از آن ببرید؛ زیرا او خدیجه علیها السلام را دوست می‌داشت.^۸ روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از زن سیاه‌چرده‌ای که با او برخورد

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۳.

۲. السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳. همان، ص ۱۵۱.

۴. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۸.

۵. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۴.

۶. تذکره الخواص، ص ۲۷۲.

۷. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۷-۱۸.

۸. الدرریه الطاهره، ص ۶۶.

می‌کردند،^۱ به شدت استقبال نمودند و به او لطف کردند، به گونه‌ای که اصحاب در شگفت شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «او در ایام زندگی ام با خدیجه، نزد ما می‌آمد». ^۲ به گفته عایشه «هیچ کدام از زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد وی عزیزتر از خدیجه نبود. ^۳ هیچ‌گاه به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند خدیجه حسادت نکردم». ^۴ روزی عایشه به رسول خدا گفت: «خدیجه غیر از پیرزنی بود؟ خدا بهتر از او را به شما داده است». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به گونه‌ای از این سخن ناراحت شدند که عایشه می‌گوید: «نه پیش از آن و نه پس از آن رسول خدا را آن‌گونه ندیدم». ^۵ و فرمود:

به خدا بهتر از او را به من نداده است. او زمانی که مردم کفرورزیدند، ایمان آورد، زمانی که دیگران مرا دروغ‌گو گفتند تصدیق کرد، زمانی که بقیه مرا تحریم مالی کردند، او انفاق کرد و برای من فرزند آورد، در حالی که دیگر زنان چنین نکردند.

عایشه می‌گوید: «به خود گفتم دیگر هیچ‌گاه از وی بد نخواهم گفت». ^۶
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد جایگاه و منزلت خدیجه علیها السلام فرمود:

بهترین زنان بنی اسرائیل، مریم دختر عمران بود و بهترین زنان این امت، خدیجه دختر خویلد است. ^۷

در جای دیگر می‌فرماید:

بهترین زنان جهان مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه علیها السلام دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. ^۸

۱. انساب الاشراف، ص ۴۱۲.

۲. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۰.

۳. تذکره الخواص، ص ۲۷۲.

۴. اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۴.

۵. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۲۰.

۶. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۱۱۷؛ الدرریه الطاهره، ص ۵۳-۵۴؛ معجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۱۳؛ تذکره الخواص، ص ۲۷۳.

۷. الدرریه الطاهره، ص ۶۲؛ تذکره الخواص، ۱۴۱۸، ص ۲۷۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۳.

۸. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۶۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۶ و ۱۸۲۱.

در جای دیگر نیز این چهار زن را بهترین زنان اهل بهشت دانسته‌اند.^۱
هم‌چنین در مورد خدیجه می‌فرماید:
به خدیجه خانه‌ای از دُر و گوهر در بهشت بشارت داده شده که رنج و سرو
صدایی در آن نیست.^۲

درگذشت

خدیجه علیها السلام بعد از برداشته شدن تحریم مسلمانان و خروج آن‌ها از وضعیت سخت شعب ابی‌طالب، بیمار شد.^۳ در هنگام بیماری، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد وی رفتند و به او بشارت دادند که در بهشت همسروی خواهند بود.^۴ اغلب منابع گفته‌اند که حضرت خدیجه علیها السلام در ۶۵ سالگی^۵ در سال دهم بعثت از دنیا رفت،^۶ سالی که پیامبر آن را به دلیل درگذشت خدیجه و عمویش ابوطالب - که با فاصله اندکی از خدیجه درگذشت «عام الحزن»^۷ نامیدند.^۸ برپایه برخی منابع، او در ماه رمضان از دنیا رفت.^۹ شیخ مفید و سبط بن جوزی، گزارش دقیق‌تری داده و رحلت وی را در دهم ماه رمضان سال دهم بعثت ثبت کرده‌اند.^{۱۰} پیکر پاک خدیجه علیها السلام در قبرستان حجون مکه دفن شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای دفن وی خود داخل قبر شدند.^{۱۱} گفته شده در آن زمان نماز جنازه سنت نبود.^{۱۲}

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۹۳؛ اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲. الذریه الطاهره، ص ۶۱؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۱؛ شرح‌الانخبار، ج ۳، ص ۱۷.

۳. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۷۵.

۴. اسدالغابه، ج ۶، ص ۸۵.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ التنبیه و الاشراف، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ تذکره الخواص، ۱۴۱۸، ص ۲۷۳.

۶. الذریه الطاهره، ص ۶۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ انساب الاشراف، ص ۴۰۵؛ التنبیه و الاشراف، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ مسار الشیعه، ص ۲۲-۲۳؛ تذکره الخواص، ص ۲۷۳.

۷. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۵.

۸. اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۵۳؛ حلبی، ج ۲، ص ۴۱؛ قصص الانبیاء، ص ۳۱۴؛ السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۱.

۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ مسار الشیعه، ص ۲۲-۲۳.

۱۰. مسار الشیعه، ص ۲۲-۲۳؛ تذکره الخواص، ۱۴۱۸، ص ۲۷۴.

۱۱. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸؛ تذکره الخواص، ص ۲۷۳.

۱۲. تذکره الخواص، ص ۲۷۳.

منابع

١. ابن ابی الثلج، محمد بن احمد *تاریخ اهل بیت عليهم السلام*، قم، آل البيت، ١٤١٥ ق.
٢. ابن اثیر، محمد بن علی، *الکامل*، بیروت، دارصادر، ١٣٨٦ ق.
٣. ابن اسحاق، محمد، *سیره ابن اسحاق*، معهد الدراسات والابحاث للتعریف، بی تا.
٤. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
٥. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، *جمهره انساب العرب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٥٣ ق.
٦. ابن سعد ق. محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارصادر، بی تا.
٧. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب*، بیروت، دارالجمیل، ١٤١٢ ق.
٨. ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ ق.
٩. ابن عساکر، علی بن حسن، *منتخب تاریخ کبیر*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ ق.
١٠. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *المعارف*، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ١٩٩٢ م.
١١. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایه والنهایه*، بیروت، دارالفکر، ١٤٥٧ ق.
١٢. ابن هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
١٣. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابه*، بیروت، دارالفکر، ١٤٥٩ ق.
١٤. ابن حبیب، محمد بن حبیب، *المحبر*، بیروت، دارالافاق الجدیده، بی تا.
١٥. ابن حزم اندلسی، علی بن محمد، *جمهره انساب العرب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٧ ق.
١٦. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دارالفکر، ١٤٥٨ ق.

۱۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *المعارف*، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۱۹۹۲ م.
۱۸. ازرقی، محمد بن عبدالله، *اخبار مکه وما جاء فيها من الآثار*، قم، شریف رضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. اصفهانی، ابو نعیم اسماعیل محمد، *دلائل النبوه*، بیروت، دارالفنایس، ۱۴۰۶ ق.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۲۱. بسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفه والتاریخ*، بیروت، الرساله، ۱۴۰۱ ق.
۲۲. بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۳. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. بیهقی، احمد بن حسین، *دلائل النبوه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، *تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۶. الجاحظ، عمرو بن بحر، *العثمانیه*، مصر، دارالکتب العربی، ۱۳۷۴ ق.
۲۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *مستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۲۸. حبری کوفی، حسین بن حکم، *تفسیر الحبری*، آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۲۹. حسنی، معروف، *اخبار و آثار ساختگی*، ترجمه حسین صابری، آستان قدس، ۱۳۷۲ ش.
۳۰. حلبی، ابوالفرج علی بن برهان، *السیره الحلبیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ق.
۳۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.

۳۲. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایه الکبری*، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۳۳. دوانی، علی، *بعثت نامه، آغاز وحی و بعثت پیامبر در تاریخ و تفسیر طبری*، قم، صبح صادق، ۱۳۸۳ ش.
۳۴. دولابی، محمد بن احمد، *الذریه الطاهره النبویه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. دولابی، محمد بن احمد، *الذریه الطاهره*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، مصر، شرکه حلبی، ۱۳۸۶ ق.
۳۸. سبحانی، جعفر، *راز بزرگ رسالت*، قم، انتشارات توحید، ۱۳۸۶ ق.
۳۹. سبط بن الجوزی، یوسف بن حسام الدین، *تذکره الخواصر*، قم، رضی، ۱۴۱۸ ق.
۴۰. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، *الانساب*، حیدرآباد، مجلس دایره المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ق.
۴۱. سهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله، *روض الانف فی شرح السیره النبویه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. سید بن طاووس، علی بن موسی، *سعد السعود*، قم، رضی، ۱۳۶۳ ش.
۴۳. شرف الدین العاملی، سید عبدالحسین، *النصر و الاجتهاد*، قم، ابوالمجتبی، ۱۴۰۴ ق.
۴۴. شیبانی، احمد بن حنبل، *مسند بیروت*، دارصادر، بی تا.
۴۵. صدوق، محمد بن علی، *مالی*، قم، بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۴۶. صدوق، محمد بن علی، *توحید*، قم، نشر اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۴۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، قم، نشر اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۴۸. طباطبایی، محمد حسین، *سنن النبی*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۸ ش.

۴۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، *معجم الکبیر*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ ق.
۵۱. طبرسی، فضل بن حسن، *تاج الموالید*، بیروت، دارالقار، ۱۴۲۲ ق.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ ق.
۵۳. طبری، محب الدین محمد بن عبدالله، *فخائر العقبی*، قم، دالکتاب الاسلامی، بی تا.
۵۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامه*، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۵۵. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۵۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، *الصحيح من سيره النبي الاعظم*، بیروت، درالهادی، ۱۴۱۵ ق.
۵۷. علوی، علی بن محمد، *المجدي فی انساب الطالبین*، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۲۲ ق.
۵۸. قرطبی، محمد بن احمد، *تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۵۹. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، *الخرائج والجرائح*، قم، مدرسه المهدی، ۱۴۰۹ ق.
۶۰. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، *قصص الانبیاء*، قم، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۳ ق.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۶۲. کوفی، علی بن احمد، *الاستغاثه*، تهران، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۷۳ ش.
۶۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶۴. مجلسی، محمدباقر، *حیات القلوب*، قم، سرور، ۱۳۷۶ ش.

٦٥. مسعودی، علی بن حسین، *التنبيه والاشراف*، قاهره، دارالاصاوی، بی تا.
٦٦. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
٦٧. مسکویه، احمد بن محمد، *تجارب الامم*، تهران، سروش، ١٣٧٩ ش.
٦٨. مشهدی، محمد بن جعفر، *المنازل الكبير*، قم، قیوم، ١٤١٩ ق.
٦٩. مغربی، نعمان بن محمد، *شرح الاخبار*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
٧٥. مفید، محمد بن محمد، *الاختصاص*، قم، نشر اسلامی، ١٤١٤ ق.
٧١. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
٧٢. مفید، محمد بن محمد، *مسار الشیعه*، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
٧٣. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٤ ق.
٧٤. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البلدء والتاریخ*، بورسعید، مکتبه الثقافه الدینیّه، بی تا.
٧٥. مقریزی، احمد بن علی بیروت، *امتاع الاسماع*، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٥ ق.
٧٦. نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
٧٧. واقدی، محمد بن عمر، *المعازی*، بیروت، الاعلمی، ١٤٥٩ ق.
٧٨. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٣٩٩ ق.
٧٩. یعقوبی، علی بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.

سیری در احوال ام‌المؤمنین حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ قبل از ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

محمد/مینی

چکیده

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ اولین و برترین همسر پیامبر گرامی اسلام است. مقام او چنان بود که جبرئیل سلام خدا را بر او رساند. زندگی پیش از ازدواج او چنان‌که باید در تاریخ گزارش نشده، اما مسأله سن آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دوشیزه بودن او، از مسائل قابل توجه است. از میان اقوال مختلفی که در مورد سن آن حضرت مطرح شده، به نظر می‌رسد سن ۲۵ یا ۲۸ سال به واقع نزدیک‌تر باشد. از نظر ازدواج قبل از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز اقوال جمع زیادی از تاریخ‌نویسان دال بر دوشیزه بودن او هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و شواهد گوناگونی در تأیید این مطلب وجود دارد.

واژگان کلیدی

ام‌المؤمنین، حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

مقام و منزلت حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ

خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ از میان خانواده‌ای خوش اصل و نسب که همیشه به پاکی و اخلاق بزرگوارانه از آن‌ها یادشده^۱، در شهر مکه دیده به جهان گشود. از اشتها آن حضرت به القابی چون طاهره^۲ استفاده می‌شود که آن حضرت از نظر دیانت،

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۷۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ الروض

به دین حنیف حضرت ابراهیم خلیل ع تمایل داشته و چه بسا احترام پیامبر ص به خدیجه، به جهت اعتقاد او به یکتاپرستی بوده است.^۱ او اولین همسر پیامبر ص بود و آن حضرت در زمان حیاتش، همسر دیگری اختیار نکردند^۲ و جز ابراهیم، تمام فرزندان دیگر پیامبر ص از خدیجه هستند.^۳ در عظمت او همین بس که وقتی جبرئیل بر پیامبر ص وارد می شد، عرض می کرد: «به خدیجه سلام پروردگارش را برسان».^۴

پدرش خویلد به جهت اعتقاداتی که داشت، از حمل حجرالاسود به یمن جلوگیری کرد و با پادشاه یمن به منازعه پرداخت و زیادی یاران او، خویلد را از دفاع از اعتقادات و اعمال دینی اش بازداشت و سرسختانه از معتقدات خود دفاع کرد.^۵

اسد بن عبدالعزی جد خدیجه ع از شخصیت های برجسته پیمان «حلف الفضول» به شمار می آمد که برای یاری ستم دیدگان بنا نهاده شده بود و رسول خدا ص نیز به خاطر اهمیت این پیمان، خود در آن حضور یافتند و عملاً کار آنان را ارج نهادند.^۶

پسر عموی خدیجه ع ورقه بن نوفل نیز از افرادی بود که با بزرگان یهود و نصارا معاشرت داشت و کتاب های آن ها را مطالعه کرده بود.^۷

الذیف، ج ۱، ص ۲۱۵؛ الاصابه، ج ۴، ص ۲۸۲-۲۸۱؛ البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۲۹۴؛ تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱. وفاه الزهراء، ج ۷.

۲. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳. همان.

۴. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۵۹؛ ابی مغازی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۴۹.

۵. سیره حبلی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۶. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۸۷.

۷. سعد السعود، ص ۲۱۵؛ تاریخ خلدون، ج ۲، ص ۴۰۶.

پیش از ازدواج

تاریخ از زندگی حضرت خدیجه ع.ا.س. پیش از ازدواج با پیامبر اکرم ص.ا.ع. خبرهای دقیقی نمی‌دهد و تنها از او به عنوان یک شخصیت سرمایه‌دار متشخص یاد می‌کند که ظاهراً پیش از ازدواج با حضرت محمد ص.ا.ع. با دو نفر به نام «عتیق بن عائد مخزومی» و «ابوهاله تمیمی» ازدواج کرده است. ولی برای روشن شدن مطلب و شناخت شخصیت واقعی پیش از ازدواج او، باید دو موضوع مهم را بررسی کرد:

۱. حضرت خدیجه ع.ا.س. هنگام ازدواج چند ساله بوده است؟
۲. آیا پیش از ازدواج با پیامبر ص.ا.ع.، شوهر یا شوهران دیگری هم داشته یا نه؟

عمر حضرت خدیجه ع.ا.س.

اقوال مختلفی درباره سن حضرت خدیجه ع.ا.س. هنگام ازدواج در کتب تاریخی وجود دارد. قول مشهور به چهل ساله بودن ایشان اشاره می‌کند؛ لذا طبری از کلبی به این موضوع اشاره کرده،^۱ ولی یعقوبی^۲ و مسعودی^۳ و سبط ابن الجوزی، به این مطلب تصریح نکرده و گفته‌اند او در شصت و پنج سالگی وفات یافته که در این صورت او هنگام ازدواج چهل ساله بوده است. ولی اقوال دیگری نیز وجود دارند که قابل چشم‌پوشی نیستند و حتی اگر از این نظریه قوی‌تر نباشند، ضعیف‌تر نیستند و عبارتند از:

الف) ۲۵ سالگی: ابن‌کثیر (متوفای ۷۷۴ ق) می‌گوید که خدیجه به ۶۵ سالگی رسید و گفته می‌شود که او به ۵۰ سالگی رسید و قول دوم صحیح است.^۴ در این صورت خدیجه هنگام ازدواج ۴۰ ساله یا ۲۵ ساله بوده و نویسنده ۲۵ سالگی را درست می‌داند.

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۵.

۳. التنبییه والأشراف، ص ۲۰۰-۱۹۹.

۴. البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۳۵۹.

ب) ۲۸ سالگی: محمد بن سعد (متوفای ۲۳۰ ق) از هشام بن محمد از سائب از پدرش از ابن عباس روایت می‌کند: «روزی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه ازدواج کرد، آن بانو ۲۸ ساله بودند و مهرش هیچ‌ده اوقیه بود.^۱ ابن عماد حنبلی نیز می‌گوید:

«پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در ۲۵ سالگی با خدیجه ازدواج کردند و خدیجه بنا بر قول صحیح، چهل ساله بود ولی بسیاری بیست و هشت سالگی را ترجیح داده‌اند.^۲ ج) ۳۰ سالگی: ابن عساکر روایت دیگری از ابوبکر بن عثمان و عالمان دیگر نقل می‌کند که آن حضرت هنگام ازدواج ۳۰ ساله بوده است.^۳

این‌ها مجموع اقوالی بود که در مورد سن حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا بیان شده و اقوال دیگری هم وجود دارد که در مجموع عبارتند از: ۲۵ سالگی، ۳۰ سالگی، ۳۵ سالگی، ۴۰ سالگی و ۴۵ سالگی.

مشهورترین قول از میان اقوال مذکور، قول به ۲۸ و ۴۰ سالگی است؛ ولی حدود دوازده سال اختلاف نظر در سن یک شخصیت برجسته تاریخی که از خانواده‌ای اصیل و مشهور بوده، بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ ضمن این‌که همه تاریخ‌نویسان معتقدند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در بیست و پنج سالگی ازدواج کرده‌اند پس باید توجه خود را از میان افرادی انتخاب کنند که از نظر سنی کم‌تراز آن حضرت یا هم‌سن ایشان باشد و یا اگر به دلایلی با فرد خاصی قصد ازدواج دارند، باید تفاوت سنی در کم‌ترین حد خود باشد. بنابراین اگر نتوانیم ثابت کنیم که حضرت خدیجه در ۲۵ سالگی ازدواج کرده که بعید هم نیست، پذیرفتن چهل سالگی برای آن حضرت مشکل است و به نظر می‌رسد همان نظریه‌ای اولویت دارد که می‌گوید حضرت خدیجه هنگام ازدواج ۲۸ ساله بوده است.^۴ ابن عماد

۱. طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷.

۲. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴.

۳. تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۱۹۱.

۴. انساب الأشراف، ص ۹۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۷۵؛

بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۲؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۸۲؛ سیره مقلطای، ص ۱۲؛ المحبر، ص

۷۹؛ تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۴؛ تهذیب الاسماء، ج ۲، ص ۳۴۲؛ سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۴۰.

حنبلی هم می‌گوید:

«بسیاری ۲۸ سالگی را در موقع ازدواج برای آن حضرت ترجیح داده‌اند».^۱

ازدواج‌های سابق

از مسائل دیگری که در تاریخ به غلط شهرت یافته، این است که حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دو نفر دیگر نیز ازدواج کرده است. طبری نقل می‌کند:

او قبل از ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزد عتیق بن عابد مخزومی بود، سپس او فوت کرد و بعد ابوهاله بن زراره بن نباش با او ازدواج کرد. سپس او نیز فوت نمود و آن‌گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با او ازدواج کرد.^۲

برای رسیدن به حقیقت، لازم است چند مطلب درباره «عتیق بن عابد» و «ابوهاله» بررسی گردد.

الف) ابوهاله

از این‌که کنیه او ابوهاله بوده است همه اتفاق نظر دارند، ولی در میان عرب کنیه اسم محسوب نمی‌شود؛ چون اسم، آن نامی است که به صورت طبیعی بعد از تولد، پدر و مادر برای فرزند خود انتخاب می‌کنند؛ ولی کنیه شهرتی است که کسی بعد از ازدواج و فرزنددار شدن، به نام فرزندش مشهور می‌شود؛ مثلاً ابوهاله یعنی کسی که نام فرزندش هاله بوده و لذا به ابوهاله یعنی پدر هاله شهرت یافته و حتی ممکن است یک نفر میان عرب‌ها به تناسب فرزندانش کنیه‌های متعددی داشته باشد، ولی هیچ‌گاه یک نفر دارای دو اسم یا بیش‌تر نخواهد بود.

بنابراین هرچند او به ابوهاله شهرت داشته، نام اولیه او که پدر و مادر برای

۱. *شذرات الذهب*، ج ۱، ص ۱۴.

۲. *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۴۱۱.

او انتخاب کرده‌اند، معلوم نیست و اسما متعدهی برای او ذکر کرده‌اند. زییر می‌گوید:

«او مالک بن نباش بن زراره است»^۱.

فیروزآبادی برای او چهار اسم نقل می‌کند:

«نباش بن زراره»، «مالک بن زراره بن نباش»، «ابوهاله بن نباش بن زراره» و

«زراره بن نباش بن زراره»^۲.

ابن ماکولا نیز از ابن کلبی نقل می‌کند که او «هند بن نباش بن زراره بن

وقدان» است.^۳

علامه مجلسی نیز می‌گوید:

خدیجه با دو نفر ازدواج کرده؛ اسم یکی از آنان: ابوشهاب عمروکندی (یا

ابوهاله مالک بن نباش بن زراره) بود.^۴

بالاخره معلوم نیست که اسم او «نباش» بوده یا «مالک» یا «زراره» یا «هند» و

یا «عمروکندی».

و معلوم نیست «زراره» خود ابوهاله است یا پدر او و یا پدر بزرگ او. هم چنین

معلوم نیست نباش خود ابوهاله است یا پدر او یا پدر بزرگش.

و معلوم نیست هند نام خود اوست یا نام فرزند او!! در حالی که برخی هند

را فرزند او می‌دانند نه خود او؛ بنابراین برای ابوهاله پنج اسم را مطرح کرده‌اند که

عبارتند از:

۱. نباش؛ ۲. مالک؛ ۳. زراره؛ ۴. هند؛ ۵. ابوشهاب عمروالکندی.^۵

۱. *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۷۱.

۲. سید علی بن معصوم، *الدرجات الرفیعه*، ص ۴۰۷.

۳. *اکمال الکمال*، ج ۱، ص ۵۲۳؛ *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۷۱؛ *فتح الباری*، ج ۷، ص ۱۰۹.

۴. *بحار النوار*، ج ۱۶، ص ۲۲ و ج ۱۰۸، ص ۲۱۵.

۵. *مجمع الزوائد*، ج ۸، ص ۴۷۵؛ *المعجم الکبیر*، ج ۲۲، ص ۱۵۹.

ب) عتیق

در مورد عتیق هم اختلافاتی وجود دارد؛ برخی او را «عتیق بن عامرالمخزومی»^۱، برخی «عتیق بن عائد بن عبدالله»^۲ و برخی نیز او را «عتیق بن عابد بن عبدالله»^۳ می‌نامند.

اختلاف در مورد اسم پدر عتیق است و معلوم نیست که آیا پدر او عامر بوده یا عابد یا عائد!!

زمان ازدواج

زمان ازدواج این دو نفر هم با حضرت خدیجه ع مشخص نیست و نمی‌دانیم آیا عتیق مقدم بوده است یا ابوهاله.

علی بن عبدالعزیز جرجانی و زبیر می‌گویند: ابوهاله اولین شوهر خدیجه ع بوده، ولی قتاده، و یونس بن بکیرو ابونعیم، عتیق را اولین شوهر خدیجه ع می‌دانند.^۴

فرزندان

در مورد فرزندان عتیق از حضرت خدیجه ع اختلافات ذیل وجود دارد:

۱. برخی می‌گویند: فرزند عتیق از خدیجه یک دختر بوده به نام هند که مادر محمد بن صیفی مخزومی است.^۵
۲. برخی می‌گویند: یک دختر بوده به نام حارثه.^۶
۳. برخی می‌گویند: فرزند او پسر بوده به نام هند.^۷

۱. قاضی نعمان بن مغربی، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۵؛ الإصابه، ج ۶، ص ۱۴.

۲. مقاتل الطالبیین، ص ۳۰؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۴.

۳. هشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۱۹؛ الدررید الطاهره، ص ۲۵.

۴. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۴.

۵. شرح الأخبار، ج ۱، ص ۱۸۳؛ طبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۳۴.

۶. شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۵.

۷. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۱۹؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۴۹.

۴. ابن هشام برای او علاوه بر یک دختر، فرزند دیگری از خدیجه یاد کرده به نام عبدالله^۱.

در مورد فرزندان ابوهاله از خدیجه نیز اختلافات فراوانی وجود دارد:
۱. بیش ترمی گویند: او دو فرزند داشته به نام‌های هند و هاله که هر دو پسر بوده‌اند.

۲. برخی هند را دختر می‌دانند.^۲

۳. کتاب *نسب ترمس* (ص ۲۲) نیز هاله را دختر دانسته است.^۳

۴. ابن هشام بعد از این که هند را پسر می‌داند، برای ابوهاله دختری ذکر می‌کند به نام زینب نه هاله.^۴

ازدواج فرزندان

در مورد ازدواج هند دختر عتیق نیز برخی می‌گویند: او با پسرعموی خود صیفی بن امیه بن عائذ بن عبدالله ازدواج کرد و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد.^۵ ولی ابن عساکر از محمد بن عمرو اقدی نقل کرده که عتیق از خدیجه دختری داشت که مالک بن زراره ابوهاله اسدی با او ازدواج کرد.^۶ اگر بپذیریم کسی به نام عتیق با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده و آن چه دنیا آمده دختر بوده نه پسر، سؤالات ذیل مطرح می‌شود:

۱. چگونه ممکن است آن دختر و مادرش خدیجه طبق نقل ابن عساکر، بعد از عتیق، هر دو با شخصی به نام ابوهاله ازدواج کنند؟! مگر جمع بین مادر و دختر جایز بوده است؟

۱. *سیره ابن هشام*، ج ۴ ص ۱۰۵۸.

۲. *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۴۳۴: *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳. محمد حبیب بغدادی، پاورقی کتاب *المنمق*، ص ۲۴۷.

۴. ابن هشام الحمیری، *سیره النبی*، ج ۴ ص ۱۰۵۸.

۵. *طبقات الکبری*، ج ۸ ص ۱۵، *والبدایه والنهایه*، ج ۵ ص ۳۱۴.

۶. *تاریخ دمشق*، ج ۳ ص ۱۹۰.

۲. با توجه به شخصیت با عظمت خدیجه که در مکه به پاک‌دامنی و زیبایی و ثروت و عقلانیت و حکمت و کیاست مشهور بوده و به نام سیده قریش و طاهره خوانده می‌شده، و برخی او را ملکه بطحا می‌گفته‌اند، چگونه ممکن است تاریخ این‌گونه در مورد او به تناقض‌گویی افتاده باشد؟
 ۳. چگونه مدت عمر او را با ۱۲ سال اختلاف نقل می‌کنند؟
 ۴. چگونه ممکن است خدیجه سران قریش مثل ابوسفیان، ابوجهل و عقبه بن ابی معیط را جواب رد گفته باشد، ولی با دو نفر از افراد مجهول و گمنام مانند عتیق و ابوهاله ازدواج کرده باشد که هنوز یک نام مشخص برای آنان و پدرانشان در تاریخ پیدا نشده است؟!
 ۵. چگونه زمان ازدواج‌های این شخصیت معروف تاریخ معلوم نیست که آیا ابتدا با عتیق ازدواج کرده و سپس با ابوهاله و یا بالعکس؟!
 ۶. چرا فرزندان او این همه گمنامند که بالاخره معلوم نیست هند دختر عتیق بوده یا پسرا و نامش هند بوده یا حارثه و آیا برادر دیگری به نام عبدالله داشته یا نه و اگر او دختر بوده، با صیفی مخزومی ازدواج کرده یا با ابوهاله که شوهر مادر اوست؟
 ۷. چرا معلوم نیست هند و هاله فرزندان ابوهاله نیز پسر بوده‌اند یا دختر و یا خواهر دیگری به نام زینب داشته‌اند یا نه؟
- پس روشن می‌گردد که حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ تنها با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ازدواج کرده‌اند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از نظر حسب و نسب، شریف‌ترین فرد زمان خود در مکه بودند ایشان فرزند عبدالله بن عبدالمطلب بن هشام بن عبدمناف بودند که اجدادش همگی از رهبران و بزرگان قریش به شمار می‌آمدند و خود آن حضرت در دوران جوانی به «محمد امین» شهرت داشتند.
- خدیجه از احوال آن حضرت بی‌خبر نبود و همیشه از ورقه بن نوفل و از علمای

۱. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۷۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ الروض الأذنف، ج ۱، ص ۲۱۵؛ الاصابه، ج ۴، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۴؛ تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۲۶۴.

دیگر علایم نبوت را می‌پرسید. ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

روزی خدیجه با جمعی از زنان در منظری از غرفه‌های سرای خود نشسته بود. یکی از احبار یهود نیز با او بود. در این هنگام محمد صلی الله علیه و آله از آن جا عبور کرد. مرد یهودی به خدیجه گفت: «آیا می‌شود این جوان را به این غرفه دعوت نمایی؟» خدیجه کنیز خود را به سوی آن حضرت فرستاد و او را به غرفه دعوت کرد. آن حضرت اجابت فرمودند و در جمع آنان نشستند. مرد یهودی تقاضا کرد که آن حضرت کتف خود را بگشاید. حضرت پذیرفتند. وقتی چشم مرد یهودی به مهر نبوت افتاد، گفت: «به خدا سوگند این مهر پیغمبری است!» خدیجه گفت: «اگر عموهای او حاضر بودند، تو نمی‌توانستی بر بدن او نظر کنی؛ چون عموهای او از یهودیان نسبت به او می‌ترسند.» مرد یهودی گفت: «هیچ‌کس نمی‌تواند به او آسیبی برساند. قسم به موسی بن عمران که او پیغمبر آخرالزمان است!» آن حضرت وقتی از آن جا خارج شدند، مهرش در دل خدیجه افتاد و به یهودی گفت: «تواز کجا می‌دانستی که او پیغمبر است؟!» گفت: «سورات مرا از این امر باخبر ساخته که او خاتم انبیاست و پدر و مادرش در کودکی از دنیا می‌روند و جد و عمویش کفالت او را بر عهده می‌گیرند.» سپس به سوی خدیجه اشاره کرد و گفت: «او با زنی از قریش ازدواج می‌کند که بزرگ قبیله و سیده عشیره است. این سخن را نگاه دار» و چون خواست بیرون رود گفت: «مواظب باش تا محمد را از دست ندهی» و این سخن در ذهن خدیجه هم چنان باقی بود.^۱

در یک روز عید نیز خدیجه با جمعی از زنان قریش در مسجد الحرام بودند. یکی از یهودیان به زنان رسید و گفت: «به زودی در میان شما پیغمبری مبعوث می‌گردد و هر کدام از شما می‌توانید با او ازدواج کنید». آن زن‌ها او را سنگ‌باران کردند و از خود دور ساختند، اما خدیجه به فکر فرورفت.^۲

این قبیل حوادث، خدیجه را چشم‌انتظار یار خود نشانده بود. پس با توجه

۱. ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. الاصابه، ج ۸، ص ۱۰۱.

به شناختی که خدیجه از آن حضرت داشت و آوازه امانت‌داری ایشان زمزمه همگان بود، از او خواست مالی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد تا به عنوان تجارت به سرزمین شام برود و به صورت مضاربه‌ای با هم کار کنند؛ یعنی سرمایه از خدیجه و کار از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد تا اموالش تباہ نگردد و سود بیش‌تری عاید او شود. لذا یعقوبی می‌گوید: «هرگز او برای کسی به عنوان اجیر کار نکرد».^۱ وقتی از سفر تجاری شام بازگشتند، میسره غلام خدیجه، کمال امانت‌داری و راست‌گویی پیامبر صلی الله علیه و آله را به اطلاع خدیجه رساند. او از شنیدن حکایت سفر پیامبر صلی الله علیه و آله از قبیل حکایت بحیرا و دیگر کرامات، و از دیدن آن همه سود، از این تجارت شگفت‌زده شد و میل به ازدواج خود با حضرت را ابراز نمود. زنی که سران قریش را از خود ناامید کرده بود، پیشگام ازدواج با حضرت شد. خواهرش هاله با عمار یاسر صحبت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خواستگاری خدیجه برود.^۲

بنابراین گویا خدیجه چشم‌انتظار چنین روزی بوده و اگر دست رد هم به سینه خواستگاران زده، به این امید بوده که روزی به وصال محبوب خود نایل شود. پس چگونه می‌توان باور کرد که او سران قریش را از خود براند ولی به ازدواج با دو مرد گمنام تمیمی و مخزومی تن در دهد؟

دوشیزه بودن خدیجه رضی الله عنها

برهمن اساس، بسیاری از دانشمندان می‌گویند که خدیجه هنگام ازدواج دوشیزه بوده و ازدواج او با عتیق و ابوهاله را منکر می‌شوند. ابوالقاسم کوفی (متوفای ۳۵۲ ق) می‌گوید:

اجماع عام و خاص اهل آثار و نقل خبرها بر این است که از اشراف و بزرگان قریش و طایفه داران، کسی نبود مگر آن‌که از خدیجه خواستگاری کرده بود و

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

۲. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۳۷.

تمایل به ازدواج با او داشت، ولی او از ازدواج با آن‌ها امتناع ورزید. اما وقتی با رسول خدا ازدواج کرد، زنان قریش بر او غضبناک شدند و او را از خود راندند و به او گفتند: «سران و فرمان‌روایان قریش از تو خواستگاری کردند، تو با هیچ‌کس از آنان ازدواج نکردی، ولی با یتیم ابوطالب (محمد) ازدواج کردی که فقیر است و سرمایه‌ای ندارد؟»

پس از نظر اهل فهم، چگونه ممکن است که یک بیابانی تمیمی با خدیجه ازدواج کند، ولی از بزرگان و اشراف قریش سرباز زند؟ آیا صاحب‌نظران نمی‌دانند که این امر از روشن‌ترین محالات و از کم‌ارزش‌ترین سخنان است.^۱ این شهر آشوب می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی با خدیجه ازدواج کرد، او دوشیزه بود. آنچه در دو کتاب *الانوار والبدع* آمده است که رقیه و زینب، دو تا از دختران هاله خواهر حضرت خدیجه بوده‌اند، این مطلب را تأیید می‌کند.^۲

اصفهان‌ی هم می‌گوید: «خدیجه زن باکره‌ای بود».^۳

آنچه در مورد دو دختر منسوب به خدیجه گفته می‌شود، واقع این است که هاله خواهر حضرت خدیجه، با مردی مخزومی ازدواج کرد و از او صاحب دو دختر شد به نام زینب و رقیه: آن‌گاه که مخزومی از دنیا رفت، حضرت خدیجه علیها السلام سرپرستی آن‌ها را بر عهده گرفت. سپس بعد از مرگ هاله، زینب و رقیه تحت تربیت و سرپرستی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفتند.^۴ عادت عرب نیز این بوده که اگر کسی در خانه آنان پرورش یابد یا هم‌پیمان آنان باشد، او را فرزند می‌خواندند. مثلاً به زید بن حارثه می‌گفتند: زید بن محمد و مقداد بن عمرو را مقداد بن اسود می‌خواندند در حالی که اسود حلیف و هم‌پیمان مقداد بود نه فرزند او.^۵

۱. الاستغاثه، کوفی، ج ۱، ص ۷۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. دلائل النبوه، ص ۱۷۸.

۴. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۲۳۹.

۵. نجاح الطائی، ازدواج النبی و بناته، ص ۱۲۱.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، *اسد الغابه*، بیروت، دارالکتاب العربی، تهران، اسماعیلیان، بی تا.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، تحقیق، خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارصادر، بی تا.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق: اساتید نجف اشرف، مطبع الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *سعد السعود*، قم، دارالذخائر، بی تا.
۶. ابن عبدالبر، ابی عمر یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبه الله، *تاریخ دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۸. ابن عماد حنبلی، عبدالحی العسکری الدمشقی، *شذرات الذهب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۹. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل ابن کثیر، *البدایه و النهایه*، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. ابن ماکولا، *اکمال الکمال*، قاهره، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۱. ابن مغازلی، علی بن محمد بن محمد الوسطی، *المناقب*، انتشارات سبط النبوی، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. ابن هشام، *السیره النبویه*، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ ق.
۱۳. ابی فداء، عماد الدین اسماعیل، *المختصر فی الاخبار البشری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبین*، تحقیق: کاظم المظفر، قم، موسسه

دارالکتاب، ۱۳۸۵ ق.

۱۵. بغدادی، محمد بن حبیب، *المنمق*، تحقیق: خورشید احمد فارق، خطی.

۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق: محمد حمیدالله، مصر، دارالمعارف، ۱۹۵۹ م.

۱۷. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۲۲ ق.

۱۸. تیمی الاصفهانی، اسماعیل بن محمد بن الفضل، *دلائل النبوه*، ریاض، طیبه، بی تا.

۱۹. حاکم نیشابوری، حافظ ابی عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت، دارالوفاء، بی تا.

۲۰. حلبی، *السیره الحلبیه*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ق.

۲۱. خثعمی السهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله، *الروض الانف*، تحقیق: طه عبدالرؤوف سعد، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.

۲۲. دولابی، محمد بن احمد بن حماد، *الذریه الظاهره*، تحقیق: سیدمحمدجواد حسینی جلالی، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ ق.

۲۳. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام*، تحقیق: دکتر عمرعبدالسلام ترمزی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۹ ق.

۲۴. ذهبی، محمد ابن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۲۵. الطائی، نجاح، *ازدواج النبی وبناته*، بیروت، دارالهدی لإحیاء التراث، ۱۴۲۲ ق.

۲۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، بی تا.

۲۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. عسقلانی، ابن حجر، *الاصابه*، تحقیق: شیخ عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. عسقلانی، شهاب الدین ابن حجر، *فتح الباری*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۳۱. الکوفی، علی بن احمد بن موسی، *الاستغاثه*، بی جا، بی تا.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. محلاتی، ذبیح الله، *ریاحین الشریعه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۴. مدنی شیرازی، سیدعلی خان، *الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه*، سیدمحمد صادق بحرالعلوم، قم، بصیرنی، ۱۳۹۷ ق.
۳۵. مسعودی، *التنبیه والاشراف*، بیروت، دارصعب، بی تا.
۳۶. مغربی، قاضی نعمان بن محمد، *شرح الاخبار*، تحقیق: سیدمحمد حسینی جلالی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. موسوی المقرم، عبدالرزاق، *وفاه الزهراء*، قم، بصیرتی، بی تا.
۳۸. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۳۹. یعقوبی، احمد بن یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بیروت، دارصادر، بی تا.

بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

حمیده صرفی

چکیده

موضوع این پژوهش، نگرش کوتاهی بر گوشه‌ای از زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام است. با مطالعه زندگانی بانوان بزرگ اسلام، ملاحظه می‌شود که درباره زندگی این بانو در منابع و متون فارسی، آن‌چنان‌که شایسته و بایسته است - چه در مورد نگرش و شخصیت ایشان و چه نقش حساس ایشان در تاریخ اسلام - کم‌تر مطالب یافت می‌شود. لذا ضرورت دارد زندگی‌نامه بانوی اول و مدافع اسلام پیش‌تر بررسی گردد. این نوشتار در جهت شناساندن این بزرگ بانوی اسلام تهیه شده و درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام بحث می‌کند. هم‌چنین به علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌شود که ایشان زنی آگاه به کتب آسمانی و دانشمند بودند. لذا بر اساس پیش‌گویی‌هایی که در زمان خود شنید، منتظر همسر ایده‌آل بود تا با مردی ازدواج کند که به زودی به عنوان آخرین پیامبر در سرزمین حجاز مبعوث خواهد شد. همین‌طور به مراسم خواستگاری و مسائل قبل و بعد از ازدواج و تهمت‌های ناروایی می‌پردازد که در تاریخ به ایشان زده‌اند. هم‌چنین به شیوه شوهرداری، فداکاری‌ها و محبت‌های وی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام اشاره می‌گردد و به اختلاف شدیدی می‌پردازد که در متون تاریخی در مورد فرزندان ایشان وجود دارد.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، ازدواج، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام.

ازدواج پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

هرگاه سخن از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه علیها السلام به میان می آید، این سؤال مطرح می شود که آیا خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرده بود یا نه؟

مشهور منابع اهل سنت، این است که ایشان قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، دو بار ازدواج کرده اند. این نظر در بعضی از منابع شیعی مثل *بحار الانوار* و *کشف الغممه* نیز وجود دارد، ولی به نظر می رسد با دلایلی چند می توان به نقل مشهور تشکیک وارد کرد.

الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی

بیش تر منابع تاریخی دوره اول اسلام، روایات را از زبیری ها نقل کرده اند که راوی آن ها بیش تر عایشه است. او وقتی به فضایل امام علی علیه السلام و وابستگان آن ها می رسد، نفرت خویش را نشان می دهد. لذا هرگاه درباره خدیجه علیها السلام فضایی نقل می شد، او برای این که حضرت خدیجه علیها السلام را تخطئه کند و خود را بالا برده، ارج و مرتبتی برای خویش دست و پا کند، بارها بیوه بودن خدیجه علیها السلام و ازدواج او با غیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن هم دو بار و داشتن فرزندان غیر از حضرت فاطمه علیها السلام از مردانی دیگر را مطرح می کرد.

کسانی مثل ابن اسحاق و ابن هشام به این موضوع اشاره کرده اند. قبل از ابن اسحاق (م ۱۵۱)، ابن شهاب زهری سیره نوشت او شاگرد عروه بن زبیر، پسرخواهر عایشه بود و عروه نیز بیش تر از عایشه روایت کرده و او تقریباً شاگرد ممتاز عایشه بوده است. لذا ابن اسحاق، و عروه و دیگران، در نقل اکثر منابع سیری خود مسنداً یا بدون مسند، از ابن شهاب نقل کرده اند و این منابع هم مملو از مطالبی است که عایشه را از خدیجه علیها السلام بالاتر نشان می دهند. برای

نمونه، ویژگی‌هایی برای او مطرح نمودند مثل باکره بودن^۱ و زیبا بودن^۲ و این که عایشه، تنها زن محبوب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ بوده است.^۳

ابتدا در منابع نقل شده که ایشان دوبار ازدواج کردند و دارای فرزندان از دو همسر قبلی خود شدند، بعد هم خواستگاران فراوانی از رؤسا و ثروتمندان مکه داشتند ولی او آن‌ها را رد می‌کرد تا این که بالاخره تن به ازدواج با یتیم قریش داد! با دقت در این مطلب، جز آشفته‌گی چیز دیگری نمی‌بینیم. آیا می‌شود زنی ثروتمند که مردانی را به خدمت می‌گماشته تا در اطراف و اکناف جهان برایش تجارت کنند، ابتدا با مردان گمنام ازدواج نمایند، سپس مردان مشهور را رد کند؟ کسانی که مقاصد خاصی در نقل تاریخ دارند نوعاً دچار چنین اشتباهات فاحشی می‌گردند والا اگر تاریخ درست نقل شود، هرگز دچار لغزش و آشفته‌گی نیست. از سوی دیگر اقوال ضد و نقیضی دیگری نیز در تاریخ موجود است؛ از جمله:

۱. در مناقب ابن شهر آشوب به نقل از سیر و صحیح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ آمده است:

احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی هریک در کتاب خود و مرتضی در شافی و ابوجعفر در تلخیص روایت می‌کنند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ در حالی با خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ ازدواج می‌کردند که عذرا (باکره) بود. همین مطالب در کتاب *الانوار والبدء* آمده که رقیه و زینب دختران هاله خواهر خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ بودند.^۴

۲. گفته‌اند اول شهید صدر اسلام حارص بن ابی هاله فرزند خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ است؛ در حالی که این با روایت صحیح از قتاده که گوید: سمیه مادر عمار اول شهید صدر اسلام بود، مخالف است.^۵

۳. خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ خواهری به نام «هاله» داشت که با مردی از طایفه مخزوم

۱. همان، ص ۸۱.

۲. همان، ص ۹۵.

۳. همان.

۴. جعفر مرتضی عاملی، *سیر و صحیح پیامبر اسلام*، ج ۱، ص ۱۵۱.

۵. ابن حجر، *الاصابه*، ج ۱، ص ۱۹۳.

۶. *استیعاب حاشیه الاصابه*، ج ۴، ص ۳۳۱.

ازدواج نمود و دختری به نام «هاله» به دنیا آورد. بعد هم این خواهر با مردی از طایفه بنی تمیم ازدواج نمود که به او ابوهند می گفتند و از او فرزندی به دنیا آمد که نامش را «هند» گذاشت. مرد تمیمی از همسر دیگرش صاحب دو فرزند به نام «زینب» و «رقیه» بود. هند بعد از درگذشت مرد تمیمی و همسرش، نزد قوم پدرش رفت و «هاله» خواهر خدیجه رضی الله عنها و دو دختر آن مرد را نزد خدیجه رضی الله عنها آورد و خدیجه آن ها را بزرگ کرد. بعد از ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، هاله خواهر خدیجه رضی الله عنها از دنیا رفت و آن دو دختر در دامن خدیجه رضی الله عنها و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بزرگ شدند و فرزند خوانده های آنان گردیدند؛ چون عرب معتقدند «ربیع» یا فرزند خوانده دخترانسان است، لذا آن دو دختر را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منصوب کردند، همان طور که زید را پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند.^۱

۴. مقدسی از سعید بن ابی عروه از قتاده آورده اند که اگر گفته: «خدیجه رضی الله عنها برای رسول خدا دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد. پسران ابوالقاسم و عبدالله در کودکی از دنیا رفتند و چهار دختر هم در دوران اسلام به دنیا آمدند، چطور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو تا از دخترانش شامل «رقیه» و «ام کلثوم» را به ازدواج فرزندان ابولهب و بعد به ازدواج با عثمان در آورده اند؟ مگر می شود دخترانش را به ازدواج کافر در آورده باشد؟ بعد هم عثمان که رقیه را گرفت، دو بار او را به حبشه ببرد در حالی که اولین هجرت به حبشه پنج سال بعد از بعثت است، چطور ممکن است رقیه قبل از بعثت با فرزند ابولهب ازدواج نماید، بعد هم از او جدا شود و در زمان اسلام با عثمان ازدواج نماید و از آن طرف هم رقیه بعد از بعثت به دنیا آمده باشد!

این مسائل نشان می دهد، رقیه ای که با عثمان ازدواج نموده، غیر از آن رقیه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشته که شاید همان دختر «هاله» خواهر خدیجه رضی الله عنها بوده است.^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. لذا عثمان همسر ربیعیه دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (جعفر مرتضی عاملی، سیر صحیح پیامبر، ج ۱، ص ۱۵۴) و پسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دختران او نمودند الا فاطمه. کسانی که می خواستند در مقابل امام علی رضی الله عنه برای خود فضیلت بتراشید چنین وانمود می کنند که عثمان ذوالنورین است و دو تا از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را گرفته ولی

درباره زینب هم اقوال تاریخی مشوش است. عمرو بن دینار روایت کرده که حسن بن محمد بن علی علیه السلام به او (عمرو) خبر داد که «ابوالعاص ابن ربیع ابن عبدالغزّاء بن عبدالشمس بن عبد مناف» شوهر دختر خدیجه علیها السلام بوده که او را دست بسته نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آورند و بعد زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را آزاد می کند.

این که نخست به دختر خدیجه علیها السلام تعبیر کرد، اشاره به این دارد که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبوده است. هر چند بعد از آن او را با عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر نمود، شاید هدف او این باشد که چون خدیجه علیها السلام زینب را تربیت کرده، واجب حق پدری گشته، والا چرا باید ابتدا او را دختر خدیجه علیها السلام بخواند؟ یا در بعضی از منابع آمده که زینب در سی سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا آمده و ابوالعاص بن ربیع قبل از بعثت با او ازدواج نموده و دو فرزند به نام «علی» که در کودکی درگذشت و «امامه» را به دنیا آورد که هنگام ایمان آوردن مادر در ابتدای بعثت او هم ایمان آورده، در حالی که این منطقی نیست. چگونه دختر در ده سالگی ازدواج کند و دختری به دنیا آورد، او هم بزرگ شود و در اوایل بعثت همراه مادرش اسلام آورد. مادر ده ساله و دخترش با هم اسلام می آورند؟ مورد بعدی از این دلایل مغشوش، سخن ابن بکار است که می گوید:

سه تن از فرزندان پیامبر (قاسم که بزرگترین فرزند بود و زینب که قبل از اسلام به دنیا آمد و عبدالله) اینها بعد از نبوت به دنیا آمده اند و عبدا... در کودکی از دنیا رفت سپس ام کلثوم، فاطمه علیها السلام و رقیه بعد از اسلام به دنیا آمدند.^۲

این مسندات تاریخی مشوش است و به قول بزرگان، برای رقابت بر سر برتری امام علی علیه السلام جعل شده است.^۳

امام علی علیه السلام یک دختر را. این حرفی باطل است.

۱. همان، ج ۱، ص ۵۶.

۲. هیشمی، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، ج ۹، ص ۲۱۷.

۳. برخی تاریخ نگاران، نسبت های ناروایی به امام علی علیه السلام داده اند مانند آن که با حضرت فاطمه علیها السلام رفتار

ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت در زیارت هفتم از زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام از قول امام صادق علیه السلام معروف به زیارت وارث می خوانیم:

گواهی می دهم تونوری بوده ای که در پشت های فرازنده و بلندبالا و در ارحام پاک قرار گرفتی که به پلیدی های دوران جاهلیت نیالوده است.^۱ یا در بخشی از زیارت جامعه می خوانیم:

ارواح شما و نور شما و طینت شما یکی است؛ پاک و پاکیزه؛ و بعضی از شما از بعضی دیگر گرفته شده است.^۲

هم چنین:

شما را از چرک ها پاک کرده و پلیدی را از شما دور گردانیده است.^۳

در خطبه ۹۴ نهج البلاغه از امام علی علیه السلام درباره اصالت خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام چنین آمده است:

خداوند پیامبران را در بهترین جایگاه به ودیعه گذاشت و در بهترین مکان ها استقرارشان داد. از صلب کریمانه پدران به رحم پاک مادران منتقل فرمود. هرگاه یکی از آنان درگذشت، دیگری برای پیشبرد دین خدا به پا خاست. تا این که کرامت اعزاز نبوت به محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسید. نهاد وجود او را از بهترین معادن استخراج نمود و نهال وجود او را در اصیل ترین سرزمین ها کاشت...

عترت او از بهترین عترت ها و خاندان او از بهترین خاندان ها و درخت وجودش از بهترین درختان است... ساختمان های بلند آن سر به آسمان

ناشایستی داشته یا خواسته دختر ابوجهل را هووی فاطمه قرار دهد که با خشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روبه رو شده است. این گونه برای این خاندان پاک عیب می تراشیدند. همان گونه که برای تولد حضرت علی علیه السلام در کعبه، چنین جعل کردند حکیم بن حزام اولین کسی بوده که در کعبه تولد یافته و تولد امام علی علیه السلام در کعبه را قوی ضعیف می دانند. (ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، ج ۱، ص ۳۴۹)

۱. «اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه و الارحام المظلهة لم یتخسک الجاهلیة بانجابها»؛

۲. «ان ارواحکم و نوزکم و طینتکم واحده طابت و طهورت بعضها من بعض»؛

۳. «طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیراً»؛

کشیده که دست هرکسی به میوه آن نمی‌رسد.

منظور از شاخه‌ها و میوه، اهل بیت علیهم السلام هستند که این‌جا شاهد مثال ما کلمه «کرائم الاصلاب الی مطهرات الارحام» است. این‌جا چند تفسیر دارد: قول اول این‌که منظور از «ارحام المطهرات» یعنی دوری از زنا و به وسیله ازدواج عرفی نسل‌های آن‌ها ادامه دارد.

که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

خداوند من و حسن و حسین و علی و فاطمه را هفت هزار سال پیش از خلقت آفرید. سپس ما را در صلب آدم قرار داد. سپس آن‌ها را در صلب‌های پدران و رحم‌های مادرانی جای داد که هیچ‌گاه پلیدی و شرک و زشتی کفر با ما تماس نگرفت.^۱

این‌جا ارحام مطهره، به این معنا نیست که ازدواج آن‌ها به صورت شرعی و عرفی بوده نه زنا، بلکه منظور این است که این‌ها از پلیدی دور بوده‌اند و می‌دانیم که کفر، نجس و پلیدی است و کسی که ازدواج بکند و کافر باشد، هرگز او را مطهر نگویید چون طبق آیه شریفه قرآن «انما المشرکون نجس» بی‌شک مشرکان پلید و ناپاک هستند.^۲ لذا به مادران ائمه علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطهره می‌گویند؛ زیرا آن‌ها موحد بوده‌اند.

طبق روایات، می‌دانیم که عصمت امری موهبتی بوده که خداوند در امامان علیهم السلام قرار داده است و آبا و اجدادشان همگی معصوم و دور از پلیدی جاهلیت - اعم از پلیدی ظاهری و باطنی - بوده‌اند. همان‌طور که پدر امامان معصوم منزّه از پلیدی بودند، چگونه مادر حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند زنی باشد که در دوران بت‌پرستی و جاهلیت ازدواج کرده و از مردان بت‌پرست صاحب فرزند شود، بعد با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کند و از او فرزندی به دنیا بیایند که ام‌الائمه گردند. در حالی که قائلیم مادران ائمه هم پاک بوده‌اند چگونه ام‌المؤمنین مثل زنان ناپاک بوده که از او فاطمه علیها السلام به دنیا آمده است؟

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۸۰.

۲. سوره توبه، آیه ۲۸.

خدیجه رضی الله عنها در زمان جاهلیت به طاهره شهرت داشت؛ زیرا زنی پاک و منزّه به شمار می‌آمد که قبل از بعثت هم او به پاک بودن معروف شده بود. لذا بی‌شک می‌توان گفت که حضرت خدیجه رضی الله عنها زن پاک و منزّه بودند که به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مفتخر گشتند. زنی باهوش که با احساسات و خواب‌هایی که دیده و یا پیش‌گویی‌هایی که شنیده بود، منتظر آن مرد بزرگ بود که وقتی ایشان را شناخت، خود مستقیماً از حضرت خواستگاری کرد. پس طبق احادیث ائمه رضی الله عنهم نقل شده که هرگاه حدیثی با سخن قرآن مخالف باشد، آن سخن را پاره کنید و به دیوار بزنید.

لذا سخنانی را که درباره ازدواج حضرت خدیجه رضی الله عنها با مردانی غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، نمی‌پذیریم؛ چون طبق نقل قرآن و احادیث ائمه رضی الله عنهم این‌ها طینت و جوهرشان پاک و منزّه و ارواحشان از یک‌دیگر و از ارحام مطهره و اصلاّب شامخه است نه از پدر و مادران پلید یا کافر.

راز علاقه حضرت خدیجه رضی الله عنها به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

یکی از موضوعاتی که باید به بحث و بررسی درباره آن پرداخت، شناخت عوامل مؤثر در علاقه حضرت خدیجه رضی الله عنها به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. حضرت خدیجه رضی الله عنها چطور با داشتن موقعیت اجتماعی و علاقه‌مندان بسیار به ازدواج ایشان، همه را نادیده گرفتند و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علاقه‌مند گردیدند؟ آیا سرچشمه این ازدواج آسمانی بوده یا زمینی؟ الهی و قدسی بوده یا طبیعی و جسمانی؟ کتب سیره و تاریخ، نظراول را تأیید می‌کند. پاره‌ای از این گزارش‌ها عبارتند از:

۱. سفر تجارتی میسر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

وقتی ایشان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برای سفر تجاری فرستاد، همراه اموال خود غلامش میسر را هم راهی سفر کرد. او که در سفر مواظب اموال حضرت خدیجه رضی الله عنها و نحوه رفتار تاجران با اموال بود، حرکات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را زیر نظر داشت؛ لذا هنگام

بازگشت از سفر، تمام جزئیات را برای حضرت خدیجه علیها السلام تعریف کرد،^۱ او گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از هیچ درخت و سنگی رد نمی شدند مگر این که به ایشان خطاب می کردند: السلام علیک یا رسول الله! وقتی فروشندگان او را به لات و عزی قسم می دادند او می فرمود: «منفورترین چیز نزد من اینان هستند!» هنگامی که ابربر سرایشان سایه افکند،^۲ بحیرا با مشاهده آن، علایم نبوت را به ایشان بشارت داد.

وقتی میسره این مطالب را گزارش داد، حضرت خدیجه علیها السلام که از سال های قبل مترصد چنین فرصتی بود و خواستگاران زیادی را به علت چنین آرزویی رد کرده بود، بی درنگ دست به کار شد و مقدمات ازدواج را آماده کرد.

۲. پیش گویی پسرعموی دانشمند حضرت خدیجه علیها السلام

ورقه بن نوفل پسرعموی حضرت خدیجه علیها السلام یکی از کاهنان قریش بود. او *تورات* و *انجیل* را مطالعه می کرد و همیشه می گفت که مردی از قریش در آخرالزمان برمی خیزد و جامعه را اصلاح خواهد کرد و با زنی از قریش که سیده قومش است، ازدواج خواهد کرد. این حرف همیشه در خاطر حضرت خدیجه علیها السلام بود.^۳ لذا از علایم آن مرد آخرالزمانی از پسرعمویش سؤال می کرد؛ بنابراین هنگام ازدواج، نخست از مهر نبوت پرسید و با خردمندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد.^۴

۳. پیش گویی راهب یهودی

در یکی از اعیاد دوران جاهلیت که زنان در مسجد الحرام جمع شده بودند، مردی غریب از کنار آن ها گذشت که او را یهودی کاهن یا راهب یهودی می گفتند. وقتی او گروهی از زنان را دید که با لباس های رنگارنگ به شادی

۱. احمد زینی دحلان، *سیره حلبیه*، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. هر چند اصل این قضیه پذیرفتنی نیست؛ چون ظاهراً براساس منابع، فقط بحیرا می بیند و از همراهان او هیچ کس ندیده یا نقلی نشنیده است.

۳. احمد زینی دحلان، *سیره حلبیه*، ج ۱، ص ۱۴۰.

۴. همان.

پرداخته بودند با بانگ رسا آن‌ها را خطاب قرار داد و گفت:

ای جماعت زنان قریش!! مردی به زودی از بین شما قریشیان مبعوث خواهد شد که پیامبر صلی الله علیه و آله شما خواهد بود؛ پس هرکس از شما بخواهد، می‌تواند زن او باشد. حتماً افتخار همسری او را برای خود کسب کنید. ناگهان زنان با نگاه به یک‌دیگر گفتند: «این مرد یهودی چه چیزهای غریبی می‌گوید! می‌خواهد خدایان ما را مسخره کند! لذا او را هو کرده، با پرتاب سنگ و فحش او را از آن‌جا دور ساختند. در این میان فقط یک زن سخنان او را جدی گرفت، چون حرف‌های آن مرد با پیش‌گویی‌هایی که قبلاً شنیده بود، جور درمی‌آمد. خوب به حرف‌هایش فکر کرد^۱ و در انتظار آن بود که این افتخار نصیب او گردد.^۲ این شخص کسی نبود جز حضرت خدیجه علیها السلام.

هم‌چنین روزی یکی از راهبان یهودی نزد حضرت خدیجه علیها السلام نشسته بود و برای ایشان سخن می‌گفت که در این هنگام مردی از زیر پنجره آن‌ها رد شد. تا چشمان آن عالم یهودی به آن مرد افتاد، از حضرت خدیجه علیها السلام تقاضا نمود او را به حضورش بیاورد. هنگامی که آن مرد وارد شد، راهب از نام و تبارش پرسید و از او خواست که لباسش را کنار زده تا علایم نبوت را مشاهده کند. او وقتی تمام نشانه‌ها را دید گفت: «این همان پیامبر آخرالزمان است. من نشانه‌های او را در *تورات* خوانده‌ام! او زنی از قریش را به همسری برمی‌گزیند که سالار زنان است!» بعد با اشاره به حضرت خدیجه علیها السلام گفت: «خوش به حال زنی که در این راه مقدس با او همراه شود و همسر او گردد!»^۳

۱. ابن هشام، *سیره*؛ احمد زینی دحلان، *سیره حلبیه*، ج ۱، ص ۱۴۰؛ *ابن شهر آشوب*، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۴۱.

۲. البته علامه جعفر مرتضی عاملی این‌گونه راهبان یهود و نصارا را تأیید نمی‌کند و اعتقاد دارد این از جعلیات بنی اسرائیلی است که در تاریخ اسلام وارد نموده‌اند تا مسلمانان احساس نزدیکی به آن‌ها نکنند و نفرتشان را کم‌رنگ کند. البته خود قرآن، به موضوع آشنا بودن یهود و نصارا با نشانه‌های پیامبر آخرالزمان اذعان دارد. (سوره بقره، آیات ۱۴۶/۱۷۴؛ سوره انعام، آیه ۲۰)، کسانی که ما به آن‌ها کتاب داده‌ایم می‌شناسند او را هم چنان که می‌شناسند فرزندان ایشان را، و همانا گروهی از آن‌ها پنهان می‌کنند حق را در حالی که حق را می‌دادند.

۳. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۲.

۴. خواب دیدن حضرت خدیجه علیها السلام

روزی حضرت خدیجه علیها السلام خوابی عجیب دید و برای ورقه بن نوفل چنین بیان کرد: «در خواب دیدم ماه از آسمان فرود آمد و در کنار من افتاد و سپس هفت پاره شد». همومی گوید: «در خواب دیدم خورشید در بالای کعبه چرخید و کم کم پایین آمد و در خانه من فرو نشست». بار دیگر در عالم رؤیا دید که ماه از آسمان مکه آرام آرام در سرای او فرود آمد. او از این نوع خواب‌ها شگفت زده می‌گردید و آن‌ها را برای تعبیر به پسرعمویش می‌گفت. و ورقه هم بعد از شنیدن این خواب‌ها، همراهی و همسری آخرین پیامبر خدا را به او نوید می‌داد.^۱

اقوال مختلف درباره خواستگاری

رابطه تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام، باعث شد این دو بیش ترهم دیگر را بشناسند. لذا در امر خواستگاری چند قول گفته شده که عبارتند از:

۱. خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام

برخی گفته‌اند که ابتدا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خواستگاری خدیجه علیها السلام رفتند زن پیشگویی آن جا نشسته بود. آن زن تا حضرت را دید گفت: «او نیامده مگر برای خواستگاری!» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم شرم کردند و منکر سخن زن شدند. ولی بعد وقتی آن زن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دید، گفت: «هیچ زنی شایسته تراز خدیجه نمی‌توانی پیدا کنی!» لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برگشتند و موضوع را به خدیجه علیها السلام گفتند.^۲

۲. خواستگاری خود خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

همان طور که گفته شد، وقتی میسره گزارش سفر خود را به خدیجه علیها السلام

۱. سید محسن امین، مجالس السنیه، ج ۵، ص ۶.

۲. سهیلی، روض الازنف، ج ۲، ص ۱۲۴؛ طبری، سمط الثمین، ص ۳۶.

داد و او از امانت داری، و پاکی و عدم بت پرستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله سخن گفت، خدیجه رضی الله عنها خود مستقیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری نمود و گفت: «ای پسرعمویم! به سبب خویشاوندیت با من، بهترین کس بودن در قوم خود و حسن خلق و امانت داری و راستگویی به تو علاقه مندم».

بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله هم این موضوع را با بنی هاشم در میان گذاشتند و آن‌ها هم با حمزه برای خواستگاری نزد عموی خدیجه (عمرو بن اسد) آمدند و حضرت خدیجه رضی الله عنها را از او خواستگاری نمودند.^۱

۳. خواستگاری خدیجه رضی الله عنها به واسطه نفیسه دختر منیه خواهر یعلی بن منیه می‌گوید:

خدیجه رضی الله عنها که از بهترین زنان قریش از جهت نسب و ثروتمندترین آن‌ها از جهت مال و بسیار زیرک و باهوش بود، بعد از بازگشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله از سفر تجارتهی شام، مرا پیش حضرت فرستاد. من به ایشان گفتم: «ای محمد صلی الله علیه و آله چه چیزی مانع ازدواج شماست؟» جواب داد: «دستم خالی است.» گفتم: «اگر زنی صاحب مال و جاه و شریف و زیبایی را پیدا کنم قبول می‌کنید؟» پیامبر صلی الله علیه و آله جواب دادند: «بلی.» من هم به خدیجه رضی الله عنها خبر دادم و او چگونگی خواستگاری از خویش را به عرض پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید. لذا عمرو بن اسد آمد و ازدواج صورت گرفت.^۲

۴. خواستگاری خدیجه رضی الله عنها به واسطه خواهرش هاله عمار یاسر نقل کرده است:

من با پیامبر صلی الله علیه و آله دوست بودم. داشتیم بین صفا و مروه راه می‌رفتیم که خدیجه رضی الله عنها و خواهرش هاله را دیدیم. هاله به من گفت: «چرا دوستت زن نمی‌گیرد. آیا به خدیجه رضی الله عنها تمایل ندارد؟» گفتم: «نمی‌دانم» و خبر را

۱. احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲. احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۱۳۸.

به محمد ص گفتم حضرت هم فرمود: «برو و با آن‌ها روز خواستگاری را تعیین کن تا ما بیاییم.» بعد به خواستگاری او رفتیم؛ دیدیم خدیجه ع گاوی ذبح کرده و پدرش را لباس فاخری پوشانده و او را مست کرده بود!!^۱

مراسم ازدواج

حضرت محمد ص در خانه ابوطالب بزرگ قریش زندگی می‌کرد و طبق وصیت عبدالمطلب او سرپرست حضرت بود و حتی با تشویق عمویش با اموال خدیجه ع به تجارت پرداخت. حال آیا ممکن است پیامبر ص عمو و بزرگ قوم و سرپرست خود را رها کند و عمویش حمزه^۲ را که تقریباً هم‌سن خودش بود، برای خواستگاری بزرگ بانوی قریش، فرستاده باشد؟ رسم است که بزرگان فامیل به خواستگاری می‌روند. از این‌جا معلوم می‌شود کسانی که با پسرش (امام علی ع) دشمنی دارند سعی می‌کنند که حتی کم‌ترین خوبی هم برای ابوطالب ع ذکر نشود.

تهمت‌های ناروا به پیامبر ص و خدیجه ع

۱. تنگ‌دستی پیامبر ص

نقل شده که وقتی خدیجه ع از پیامبر ص چنین سؤال کرد: «ای محمد ص نمی‌خواهی ازدواج کنی؟» حضرت فرمودند: «با چه کسی؟» خدیجه ع گفت: «با من»، حضرت فرمودند: «من با تو؟ تو کجا و من کجا! توایم^۳ قریش وزنی هستی که بزرگان را رد کرده‌ای و من که یتیم و تنگ‌دست قریش هستم».

بی‌شک این حرف‌ها دور از شأن پیامبر ص است که چنین خویش را زار و حقیر بنماید. همان‌طور که گفته شد، خدیجه ع به سبب قرابت و اخلاق و رفتار نیکوی پیامبر ص با ایشان ازدواج کرد.

۱. همان؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.

۲. ابن هشام، سیر، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱ و ۲، ص ۱۴۰، مرد چه ازدواج کرده باشد یا نه و زنی که باکره باشد یا بیوه به هر دو مورد اُمّ گویند و به زنان ائمه نگویند، چون تعداد زنان ائم، نسبت به مردان بیش‌تر است.

۲. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه رضی الله عنها قبل از ازدواج

یکی دیگر از مسائل بسیار تأسف بار، تهمت های زشتی است که برصاحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد کرده و ایشان را هم چون جوانان لاابالی معرفی نموده و ادعا کرده اند که ایشان قبل از ازدواج، رابطه هایی با حضرت خدیجه رضی الله عنها داشته اند. این تهمت ها همه از ساحت وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دور است. چگونه امکان دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از بعثت خودش خبر نداشته ولی قبل از او حضرت خدیجه رضی الله عنها از این مطلع بوده و به او بگوید: «امیدوارم به زودی به پیامبری مبعوث بشوی؟» و این قصه جزاستهزاء پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزی دیگری نیست.

۳. شراب خوراندن پدر خدیجه رضی الله عنها

در منابع تاریخی دسته اول آمده که پدر خدیجه رضی الله عنها (خویلد ابن اسد) بیست سال قبل از این ازدواج، در جنگ فجار کشته شده است. اما دسیسه بازان گفته اند چون پدرش با این ازدواج مخالف بود، خدیجه رضی الله عنها حيله کرد و به او شراب نوشانید و بعد لباسی حریر به او پوشاند بعد که پدر به هوش آمد و علت لباس را سؤال کرد، گفت: «تو مرا به ازدواج محمد صلی الله علیه و آله و سلم درآورده ای!» پدر انکار کرد و گفت: «من تو را به یتیم ابوطالب بدهم؟!» آیا این گونه در تاریخ دست بردن جز قصد اهانت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه رضی الله عنها چیز دیگری می تواند باشد و چنین بانوی باکرامتی به خاطر عشق به چنین کارهایی دست بزند؟!!

۴. انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه رضی الله عنها

در آینده، در خطبه حضرت خواهیم دید که ایشان عرض می کند: «خودم و مالم از آن توست.» این را طی سال های زندگی با حضرت نشان داد، طوری که سال ها بعد از مرگش، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او یاد می کرد، اشکش جاری می شد

۱. احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر، ج ۱، ص ۱۵۴.

و با دیدن دوستان او شاد می‌گردید. این‌ها نشان می‌دهد که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر مال با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده بودند، شاید در طول زندگی یک سری مسائلی پیش می‌آمد که حداقل مواردی از آن در تاریخ ذکر می‌شد. آن دو آن قدر عاشق هم بودند که بین خانواده‌های قریش، به زن و شوهری خوش بخت شهرت داشتند.

هرگز در تاریخ نمونه‌ای از اختلاف بین آن دو نداریم؛ به همین علت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام احساس بی‌یاوری و تنهایی می‌کردند. تا خدیجه علیها السلام زنده بود، اگر در بیرون از خانه دچار مشکلی می‌شدند، همسر مهربانش ایشان را دلداری و به او آرامش می‌داد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشکلات را به خاطر محبت‌های بی‌دریغ همسرش بر خود هموار می‌کردند.^۱

۵. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج

وقتی حضرت خدیجه علیها السلام تصمیم به ازدواج گرفت، قاصدی را سوی ورقه بن نوفل یا عمویش عمرو بن اسد فرستاد و گفت: «به او بگو که وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیش تو آمد، مرا به او تزویج کن». پس از آن که ابوطالب علیه السلام نزد خدیجه علیها السلام آمد، خدیجه علیها السلام به او گفت: «نزد عمویا عموزده‌ام بروید تا مرا به تزویج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم درآورد و من در این مورد با او سخن گفته‌ام». آن‌ها پیش عموزاده یا عمویش رفتند و ابوطالب، خدیجه علیها السلام را از او خواستگاری نمود.^۲ نیز هنگام ازدواج ابوطالب چنین خطبه خواند:

سپاس خدای این خانه، همان کسی که ما را از ذریه ابراهیم و اسماعیل قرار داد و ما را در حرم امنی فرود آورد و بر ما برتری داد و به این سرزمین برکت و نعمت بخشید. ما و این برادرزاده را بر تمام مردان قریش برتری داد و قابل قیاس نیست مگر این که وی بهتر از اوست و در میان مردم کسی مانند

۱. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۴۳۷.

۲. احمد زینی دحلان، *سیره حلبیه*، ج ۱، ص ۱۳۷.

او نیست. گرچه از لحاظ مال تهی دست است، مال عاریه‌ای است که پایدار نمی‌ماند و سایه‌ای است که زایل می‌شود. او به خدیجه علیها السلام راغب و خدیجه علیها السلام هم به او راغب است و ما آمده‌ایم با رضایت خدیجه علیها السلام او را از شما خواستگاری کنیم و کابینش برعهده من است. اگر او بخواهد، پرداخت می‌کنم و قسم به خدای این خانه که محمد صلی الله علیه و آله و سلم دارای اقبالی بزرگ و دینی شایع و فردی بی‌کم‌وکاست است و اندیشه‌ای کامل دارد.^۱ وقتی ابوطالب سکوت نمود، ورقه یا عمرو به سخن آمد ولی در سخن گفتن دچار لکننت شد و از ادامه دادن سخن درماند. در این هنگام خدیجه علیها السلام به سخن درآمد و خطاب به عمویش گفت:

ای عمو! اگرچه در مجلس بر من مقدم هستی، ولی از جانم بر من مقدم نیستی. ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم! من خود را به عقد ازدواج تو درآوردم و مهریه آن را خودم برعهده گرفتم. به عمویت دستورده تا شتری قربانی کند و جشن عروسی برقرار سازد. تو صاحب اختیار همسر و اموال او هستی.

در این هنگام ابوطالب به حاضران گفت:

گواهی دهید که خدیجه علیها السلام ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفت و مهریه آن را خود برعهده گرفت.

یکی از حاضران که ظاهراً ابوجهل بود گفت: «عجبا! تاکنون ندیده بودیم که زنی مهریه ازدواج خویش را خود برعهده بگیرد!» ابوطالب با حالت خشم برخاست و گفت: «آری، اگر مردانی همانند برادرزاده‌ام باشد، او را با گران‌بهاترین چیز و سنگین‌ترین مهریه بربایند، ولی اگر امثال شما باشد، جز با مهریه سنگین با شما ازدواج نخواهد کرد.» آن‌گاه ابوطالب شتری را قربانی کرد و ولیمه عروسی را برقرار نمود. براساس بعضی از منابع، مهریه خدیجه علیها السلام دوازده اوقیه و یا بیست شتر یا پانصد درهم و دینار بوده است.^۲

۱. احمد زینی دحلان، *سیره حلبیه*، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۳.

شیوه شوهرداری خدیجه صَلَّی اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ

۱. محبت به همسر

او همسری مهربان و یاری خردمند برای پیغمبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. آن قدر محبت نثار شوهر می کرد که پس از گذشتن سال ها از مرگش، هروقت نام او را ذکر می کردند، اشک در چشمان پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حلقه می زد. هر گاه دوستان خدیجه صَلَّی اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ را می دید، احترام می کرد، طوری که حسادت زنان دیگر پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در می آمد.^۱ با داشتن ثروت زیاد بر کسی مخصوصاً همسر خود فخر فروشی نمی کرد، بلکه می گفت: «من کنیز تو هستم و اموالم در اختیار توست». او تمام آداب جاهلی را که مخصوص همسران متمکن بود زیر پا گذاشت. ملاک همسر برای او صداقت، نیکی، امانت و معنویت بود. مال برای او مهم نبود و با حسن انتخاب خود خوش بختی دنیا و آخرت را به دست آورد.

«او به راستی بانوی باخرد و شریف و خیر و از نظر شرافت، پرشکوه ترین آن ها بود. از نظر مال، ثروتمندترین و از نظر زیبایی، خوب صورت ترین آن ها بود.»^۲

پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا وقتی ابوطالب و خدیجه صَلَّی اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ زنده بودند، بی واهمه توانایی مقابله با کفار مکه را داشتند اما بعد از درگذشت این دو، تاب مقاومت را از دست دادند و از مکه هجرت نمودند. ایشان که در خانه یاری هم چون خدیجه صَلَّی اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ و در خارج از خانه ابوطالب را داشتند، توانسته بودند بار سنگین رسالت را به دوش بکشند. بعد از دست دادن این دو یار باوفا و صدیق، نتوانستند در مکه به تبلیغ امر رسالت ادامه دهند لذا مدینه را که پایگاه یارانی باوفا بود، محل تبلیغ خود قرار دادند.

سبک معاشرت خدیجه صَلَّی اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ با پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه بر اساس حقوق متقابل و نه حتی اخلاق والای انسانی، بلکه بر اساس عشق و شیفتگی و شعور انسانی بود؛ زیرا خدیجه صَلَّی اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ در اندیشه ثروت معنوی بود و فضایل انسانی را جست جو

۱. بخاری، فضایل، باب تزویج خدیجه، ج ۲، ص ۳۱۵، حاشیه سندی.

۲. احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۱۳۷.

می‌کرد و در شاهراه پاکی گام برمی‌داشت و در این راه، همراه و هم‌دمی و جوان مرد را از خدا خواسته بود. به همین جهت، در زندگی مشترک خویش با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه بهترین یاور و مونس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. علامه مجلسی می‌نویسد:

خدیجه رضی الله عنها نخستین زنی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و قرآن و برنامه‌های او را به عنوان وحی خدا پذیرفت و با همه وجود و توان، بار گران وزارت و همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در راه حق و عدالت به دوش کشید و بدین وسیله خداوند متعال، بار گران رسالت را با هم‌اندیشی و هم‌کاری شجاعانه حضرت خدیجه رضی الله عنها بر پیامبرش آسان ساخت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرین روزهای زندگی خدیجه رضی الله عنها او را یاری غم‌خوار، هم‌کاری چاره‌ساز و آرام‌بخش دل خویش می‌دیدند. و هر سخن گزنده و موضع‌گیری‌های اهانت‌آمیز که در راه رساندن پیام خدا از تاریک فکرات می‌شنید و دل نازنینش را از اندوه آکنده می‌کرد، با شریک دغدغه‌هایش در میان می‌نهادند و با او درد دل می‌کردند. خداوند به وسیله سخن و تدبیر حکیمانه آن شیرزن، درد و اندوه را از دل پیامبرش می‌زدود؛ زیرا آن شریک بزرگوار، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را غمگین می‌دید، با زبان و عمل ایشان را به استواری و مقاومت برمی‌انگیخت و با هم‌دردی و هم‌زبانی، از فشارها می‌کاست و با آسان شمردن کار بزرگ هدایت جامعه، چشم اندازه‌های موفقیت را نزدیک می‌ساخت. او نخستین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و هر چه را از طرف خداوند آمده بود، تصدیق کرد. در اموری که به عهده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، او را همراهی کرد و خداوند به وسیله خدیجه بار رسالت را بر پیامبرش سبک ساخت.^۱

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیرون خانه برای دعوت مردم به اسلام، با انواع مشکلات و زخم‌زبان‌ها مواجه می‌گشتند، خدیجه رضی الله عنها مرهم زخم‌های

۱. «کانت خدیجه اول من آمنت بالله و رسوله و صدقت بماء جاء من الله و وازرته علی امره فخنفت الله بذلك عن رسول الله» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۰؛ ابن هشام، سیر النبویه، ج ۱، ص ۲۵۹).

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود.^۱

۲. برترین همسر

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «برترین زنان بهشت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا، فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا، مریم و آسیه هستند».^۲

نویسنده *ریاحین الشریعه* می نویسد:

مقام خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا باید از مریم و آسیه برتر باشد؛ به لحاظ آن که ملاک فضل، بذل مال، علم، عبادت، معرفت و صبر و شکیبایی، حضانت اولاد، تدبیر منزل و خوب شوهرداری نمودن است. این همه خصائص پسندیده که ملاک فضل زنان است؛ آن چنان که در خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا جمع شده بود، برای مریم و آسیه فراهم نبوده است.^۳

ابن عباس گوید:

روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چهار خط کشیدند؛ آن گاه پرسیدند: «آیا می دانید این خط‌ها چیست؟» گفتم: «خدا و رسولش داناترند». فرمود: «بهترین زنان بهشت مریم دختر عمران، خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آسیه دختر مزاحم زن فرعون است».^۴

از این سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می توان فهمید که بهترین زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از پانزده زن خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا بود، به لحاظ سبقت ایمان، اولین زن نمازگزار، بخشش تمام اموال خود به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و داشتن فرزندانمانند فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا. لذا تا وقتی خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا زنده بود، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آبا زنی دیگر ازدواج نکردند، همیشه به یاد

۱. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*؛ ج ۴، ص ۳۸۱؛ ابن هشام، *سیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه امرأة فرعون» طبری، *سطر الشمین*، ص ۴۸؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۶، ص ۲.

۳. محلاتی، *ریاحین الشریعه*، ج ۲، ص ۲۰۳.

۴. خیر نساء الجنة مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون» (ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۲، ص ۷۲۰. سیوطی، *جامع الصغیر*، ج ۱، ص ۵۱؛ شیخ صدوق، *خصال*، ج ۱، ص ۲۰۶).

۵. *فروع کافی*، ج ۵، ص ۳۹۱.

او اشک می ریختند؛^۱ برای دوستان خدیجه علیها السلام هدیه می فرستادند و اگر کسی از دوستان او به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آمد، آن‌ها را احترام می کردند.^۲ در بهشت به او وعده کاخی از لؤلؤیا در دادند که تو خالی و از سرو صدا در امان است.^۳

به دلیل همین موارد، او برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و در این امر هیچ کسی اختلافی ندارد. شیخ الازهر مصر از سید شرف الدین (ره) سؤال کرد: «علت اعراض شما از حدیث افضلیت ام المؤمنین عایشه چیست؟» علامه با چند دلیل جواب می دهد:

۱. روزی که عایشه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «خداوند بهتر از آن را به تو ارزانی داشته»، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ما ابدلنی الله خیراً منها؛ خداوند بهتر از او را به من نداد».^۴

۲. عایشه خودش اعتراف می کند: «من به هیچ زنی به اندازه خدیجه علیها السلام حسادت نورزیدم».^۵ آیا زنی که افضل ام المؤمنات است، چنین صفت رذیله ای (حسادت) دارد؟

۳. طبق نظر خود اهل سنت، قیام مقابل خلیفه و امام وقت طغیان محسوب می شود، مگر امام علی علیه السلام را مردم زمان خودش نصب و با ایشان بیعت نکرده بودند؟ آیا عایشه جلو امام حاضر قیام نکرد؟ آیا او به خاطر همین، جزء طاغیان محسوب نمی گردد؟ با آن همه دشمنی که با امام علی علیه السلام داشت و با او کینه ورزی می کرد، آیا او از خدیجه علیها السلام افضل است؟ خدیجه در همان اوایل اسلام، دست بیعت به حضرت علی علیه السلام داده بود و حال آن که عایشه با امام علی علیه السلام دشمنی داشت.

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا خدیجه علیها السلام زنده بود، ازدواج نکردند و حال آن که بعد از عایشه

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸؛ قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

۲. همان.

۳. طبری، سمط السمین، ص ۴۸.

۴. سیلوی، انوار الساطعه، ص ۲۰۶.

۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۲.

هفت الی هشت زن دیگر اختیار کردند. آیا این احترام گزاردن به عایشه بود؟

۳. احترام و تکریم بستگان همسر

۳-۱- تکریم ابوطالب

وقتی حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تصمیم به ازدواج گرفتند، ایشان به احترام بزرگ خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به حضرت عرض کرد: «عمویت را نزد عمویم عمرو بن اسد بفرست و به او بگو که وقتی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیش تو آمد، مرا به تزویج او دریاور!» از این جا معلوم می شود که ایشان برای افراد خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احترام قائل بود و او را برای خواستگاری فراخواند.^۱

۳-۲- محبت به امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بارها از محبت و علاقه فراوان خود به حضرت علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ سخن می گفتند، لذا او نیز محبت و علاقه فراوان به امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشان می داد و توسط خدمتکارانش لباس و دیگر ملازمات زندگی برای او می فرستاد تا آن جا که مردم می گفتند: علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محبوب ترین افراد نزد خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ است.^۲ لذا وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمان قحطی مکه برای کمک به گذراندن زندگی عمویش، علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به خانه خود بردند و اداره زندگی و پرورش روح و جسم وی را بر عهده گرفتند، خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ هم از او حمایت کرد. او دوستی امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در امتداد محبت خدا و رسولش می دید؛ چون بارها از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیده بود که:

هر کس علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس مرا

دوست بدارد، خدا را دوست داشته است.^۳

محبت و مراقبت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ از علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خانه اش به حدی بود که مردم مکه را به شگفتی واداشت. هنگامی که از نسب و قرابت او با خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ سؤال

۱. احمد زینی دحلان، سیرو حلبیه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۴۳.

۳. «من احب علیا فقد احبنی و من احبنی فقد احب الله» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۲).

می‌کردند، نزدیکان خدیجه علیها السلام می‌گفتند:

او برادر محمد و دوست داترین خلق براو و نور چشم خدیجه علیها السلام و کسی است که آزمایش را برای آن‌ها می‌آورد.^۱

علاوه براین، خدیجه علیها السلام به ولایت امام علی علیه السلام و فرزندانش ایمان داشت با این که در آن زمان نسبت به این امر تکلیفی نبود. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه علیها السلام را سوی خود فراخواندند و فرمودند:

جبریل می‌گوید: «برای اسلام شروطی است: اول، اقرار به یگانگی خداوند؛ دوم: اقرار به رسالت پیامبران؛ سوم: گواهی به معاد و عمل به اصول و مهمات اسلام؛ چهارم: اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او و برائت از دشمنان آن‌ها». خدیجه علیها السلام به همه آن‌ها اقرار کرد.^۲

فرزندان خدیجه علیها السلام

کتب تاریخی دو پسر و چهار دختر را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام نام برده‌اند. ولی برای فرزندان خدیجه علیها السلام، سیر ولادتی خاصی را مشخص نکرده‌اند.

از این جهت، اخبار وارده مخدوش است که در ذیل به پاره‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

۱. قدامه بن عامه گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو پسر داشتند به نام‌های قاسم که راه می‌رفت و فوت کرد و عبدا... که در کودکی درگذشت و چهار دختر به نام‌های فاطمه علیها السلام، زینب، رقیه و ام کلثوم که در دوره اسلام به دنیا آمدند».^۳

۲. زهری گوید: «خدیجه علیها السلام چهار دختر به نام‌های فاطمه علیها السلام، زینب، ام کلثوم و رقیه و دو پسر به نام‌های قاسم و طاهر به دنیا آورد. زینب بزرگ‌ترین دخترانش بود».^۴

۱. «هو اخو محمد و احب الخلق الیه و قره عین الخدیجه و من ینزل السکینه علیه» (مسعودی، *تنبیات الوصیه*، ص ۱۴۴).

۲. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ص ۲۸۱؛ سیلاوی، *انوار الساطعه من الغراء الطاهره*، ص ۳۴۰.

۳. مقدسی، *البدء و التاریخ*، ترجمه کتاب او به نام آفرینش و تاریخ جزء دوم (شامل جزء ۴ و ۵ و ۶)؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۳۸۰.

۴. همان. ص ۳۸۱.

۳. ابن اسحاق گوید: «تمامی فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه رضی الله عنها هستند مگر ابراهیم. خدیجه رضی الله عنها همه آن‌ها را در زمان جاهلیت به دنیا آورد؛ شامل قاسم، طیب و طاهر، زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه رضی الله عنها همه پسران در جاهلیت فوت کردند و دختران همگی اسلام را درک نمودند.^۱ در حالی که در کتاب دیگر صفحه ۲۴۵ می‌گوید:

اول زینب بعد رقیه سپس ام‌کلثوم در آخر فاطمه رضی الله عنها و بعد از فاطمه رضی الله عنها، دو پسر به دنیا آمدند، اما هر دو در سن شیرخوارگی از دنیا رفتند.

بعد در سطر پایین‌تر گوید:

اول قاسم بعد عبدا... سپس فاطمه رضی الله عنها بعد ام‌کلثوم و سپس زینب رضی الله عنها و در آخر رقیه.

۴. واقدی از قول نفیسه دختر منیه گوید: «اول قاسم بعد عبدا... به دنیا آمدند و چون عبدا... در اسلام به دنیا آمد، لقب او طیب و طاهر شد. سپس به ترتیب زینب، ام‌کلثوم و فاطمه رضی الله عنها به دنیا آمدند و بین هر فرزندی دو سال فاصله بود».^۲

۵. مصعب زبیری گوید: «اول قاسم بعد زینب بعد عبدا... که در زمان نبوت به دنیا آمد، بعد از او ام‌کلثوم، رقیه و حضرت فاطمه رضی الله عنها چشم به جهان گشودند».^۳ از اقوال مختلف، این نتایج به دست می‌آید:

۱. حضرت خدیجه دارای دو پسر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند؛

۲. دو پسر او فوت کردند؛

۳. دختران همگی بزرگ و مسلمان شده بودند؛

۴. اختلاف شدیدی بین راویان در ترتیب سنی فرزندان و ترتیب ولادت آنان وجود دارد.

روایاتی نیز مدعی‌اند که پسران حضرت در زمان اسلام فوت کرده‌اند؛ از جمله:

۱. وقتی قاسم فوت کرد، خدیجه رضی الله عنها گفت: «یا رسول آ... سینه‌ام پراز شیر

شده، اگر او زنده می‌ماند، دوسالگی او تمام می‌شد». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر

۱. ابن اسحاق، السیر المغازی، ص ۸۲.

۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶.

۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۱.

بخواهی صدایش را به تومی رسانم». خدیجه رضی الله عنها گفت: «من خدا و رسولش را تصدیق می‌کنم»^۱.

۲. خدیجه رضی الله عنها به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: «ای کاش پسرم عبدا... زنده بود تا دو سال شیرخوارگی او تمام می‌شد. پسرم کجاست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در بهشت است». خدیجه رضی الله عنها گفت: «بدون عمل؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند عمل‌کنندگان را می‌شناسد»^۲.

۳. بعد از فوت پسران، کفار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شماتت می‌کردند که دیگر اولادی ندارد. لذا سوره کوثر در این باره نازل شد. این نشان می‌دهد که فرزندانش در دوره اسلام فوت نموده‌اند.

سن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بعضی از روی سن ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سن دختران آن حضرت را ذکر کرده‌اند. در مورد ازدواج حضرت اقبال مختلفی وجود دارد؛ بعضی ۲۱ سالگی، برخی ۲۵ سالگی و حتی سی سال هم آورده‌اند. از طرفی در بعضی روایات آمده که زینب، بزرگ‌ترین فرزند دختران‌ها بوده و بین فرزند حداقل دو سال فاصله زمانی وجود داشته^۳ و زینب در سی سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا آمد.^۴ و رقیه در ۳۳ سالگی^۵ این‌جا جای سؤال است که چگونه وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در چهل سالگی به نبوت رسیدند، دخترده ساله ایشان به عقد ابی‌العاص کافر و دختران هفت ساله و پنج ساله (رقیه و ام‌کلثوم)، به عقد پسران ابولهب کافر درمی‌آیند؟ وقتی خدیجه رضی الله عنها اسلام آورد، دخترش زینب هم مسلمان شد، ولی شوهر او ربیع بعد از جنگ بدر اسلام را پذیرفت، آیا روا بود که حضرت اجازه بدهد زن

۱. سهیلی، *روض‌الانف*، ج ۱، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.

۲. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۶ و ۱۸.

۳. ابن سعد، *طبقات*، ج ۸، ص ۱۶.

۴. ابن عبدالبر، *استیعاب*، ج ۴، ص ۴۱۰.

۵. ابن عبدالبر، *استیعاب*، ج ۴، ص ۳۹۹.

مسلمان با مرد کافر زندگی کند؟ یا رقیه و ام کلثوم که از زینب کوچک تر بودند، به عقد پسران ابولهب کافر دربیایند؟ آیا اسلام اجازه می داد زن مسلمان به عقد مرد کافر دربیاید؟ درحالی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دستور داده بودند «اگر زن، مسلمان شود و شوهر کافر گردد، از هم جدا نشوند، مگر این که شوهر هم مسلمان گردد». در تاریخ آمده که وقتی سوره مسد نازل شد، ابولهب به پسرانش دستور داد دختران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را طلاق دهند. این سوره باید بعد از سال سوم بعثت نازل شده باشد، زیرا تا سه سال دعوت حضرت علنی نبود و آزار و اذیت نمودن حضرت بعد از دعوت آشکارا به اسلام شروع گردید و سوره مسد در حق آن زن و مردی نازل شد که به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آزار می رساندند. بعد از آن گفته می شود که پسران ابولهب دختران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را طلاق داده اند. اگرچه عده ای گفته اند که سوره مسد زمان محاصره شعب ابی طالب نازل شده.^۱ که بعد از نزول این دو سوره ادعا می شود که دختران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را طلاق داده اند.^۲

از این مناقشات تاریخی، چنین استنباط می گردد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اگر بر فرض دخترانی غیر از فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ داشته اند، همگی در کودکی از دنیا رفته اند و خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ به جز حضرت فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ دخترزنده دیگری نداشته اند. همین طور خدیجه پسری به نام قاسم داشته اند که او هم در کودکی در دوره اسلام از دنیا رفته است.^۳ اما دختران دیگر احتمال دارد که فرزندان هاله دختر خواهر خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ بوده اند.^۴

۱. ابن اسحاق، السیر المغازی، ص ۱۵۶.

۲. ابن حبیب، المحبر، ص ۱۵۳.

۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ص ۳۸.

۴. جعفر مرتضی عاملی، سیر صحیح پیامبر بزرگ اسلام، ج ۱، ص ۱۵۶.

منابع

۱. *قرآن کریم*.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابن ابی الحسن شیبانی، (م ۷۷۴ ق) *اسد الغابه*، دارالاحیاء التراث، بیروت.
۳. ابن اسحاق، محمد، *سیره ابن اسحاق*، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۶۸ ش.
۴. ابن حبیب، محمد بن حبیب بن عمر هاشمی، *المحبر*، بیروت: مکتبه التجاری، ۱۳۶۱ ق.
۵. ابن حجر، احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲-۷۳۳ ق)، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، ۲۰۰۴ م.
۶. ابن سعد کاتب واقدی، محمد، *طبقات ابن سعد*، ترجمه محمود دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۶ ش.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی سروری، *مناقب آل ابی طالب*، قم، انتشارات علامه، بی تا.
۸. ابن کثیر، اسماعیل، *سیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۳ م.
۹. ابن هشام، محمد بن عبدالملک، *سیره النبویه*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۳۷ م.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه*، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، به حاشیه سندی، دارالصادر، بیروت.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۱۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن عثمان، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۳ م.
۱۴. زینی دحلان، احمد، *سیره حلبیه*، بیروت، انتشارات تراث العربی، بی تا.
۱۵. سهیلی خثعمی، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله ابن احمد، *الروض*

- الانف، مصر، مکتبه الکلیات الازهریه، ۱۹۷۱.
۱۶. سیلاوی، شیخ غالب، *انوار الساطعه من الغراء الطاهره*، چاپ اول، قم، بی‌نا، ۱۴۲۱ ق.
۱۷. سیوطی، جلال الدین بن عبدالرحمان بن ابی بکر، *جامع الصغیر*، بیروت، دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
۱۸. صدوق، شیخ محمد، *خصال*، ترجمه آیت الله کمره‌ای، تهران، انتشارات کتابچی، خیابان پامنار، بی‌تا.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۸.
- ۴.
۲۰. طبری؛ مجب الدین طبری، *سمط الثمین*، قاهره، مکتبه القیمه، بی‌تا.
۲۱. طریحی؛ فخرالدین، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. عاملی، جعفر مرتضی، *سیره صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم*، ترجمه حسن تاج‌آبادی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. عبدالبر، یوسف بن عبدالله القرطبی، *الاستیعاب*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۱ ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *فروع کافی*، بیروت، انتشارات دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. متقی هندی؛ علاءالدین بن علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرضا، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۳۸۳ ق.
۲۷. محسن امین، محمد امین، *مجالس السنیه*، ترجمه او به نام *شرح وصال*، محمدرضا جباران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. محلاتی، ذبیح‌الله، *ریاحین الشریعه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه بی‌تا.

۲۹. مسعودی، علی بن حسین بن علی، *اثبات الوصیه*، قم، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۳۰. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البداء و التاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. واقدی، محمد بن عمر بن واقع، (م ۸۰۷ هـ.ق) *المغازی*، انتشارات نشر دانش اسلامی، دارالمعرفه الاسلامیه.
۳۲. هیثمی، علی بن بکر، (م ۸۰۷)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۸ م.
۳۳. یعقوبی؛ احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

فاطمه کرمی^۱

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام در نزد خداوند، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام از جایگاه والایی برخوردار بود. و آشنایی با تمام ابعاد زندگی آن بانوی بزرگوار اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اما به برخی از ابعاد زندگی ایشان توجه کم‌تری شده است؛ برای مثال، در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام اطلاعات چندانی در منابع متأخر و پژوهش‌های معاصر وجود ندارد و در حقیقت، این بعد از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام (بعد خانوادگی) ناشناخته مانده؛ بنابراین پرداختن به این موضوع ضرورت و اهمیت زیادی دارد. البته دامنه پژوهش حاضر، به بررسی بستگان خدیجه علیها السلام به جز فرزندان ایشان محدود است؛ زیرا در مورد فرزندان آن بانوی بزرگوار کار بیش‌تری صورت گرفته است. پژوهش حاضر، با تکیه بر منابع متقدم و کهن انساب، نشان می‌دهد که منابع بسیار محدودی در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد و بیش‌ترین اطلاعات در مورد بستگان ایشان، به قرن سوم هجری و در دو کتاب **جمهره النسب** ابن کلبی (م. ۲۰۴ ق) و **نسب قریش** مصعب بن عبدالله زبیری (م. ۲۳۶ ق) مربوط می‌شود و این دو منبع، مأخذ اصلی اطلاعات دیگر منابع بوده است. این پژوهش، ابتدا به بستگان حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته، سپس سیر تطور منابع در طول تاریخ را بررسی نموده است. در ادامه، چگونگی تأثیر منابع متقدم بر منابع پسین را پی‌گیری کرده و سپس

۱. دانش پژوه سطح چهار، تاریخ اهل بیت علیهم السلام جامعه الزهراء علیها السلام؛ f.karami59@gmail.com.

شرح حال مختصری از برخی بستگان حضرت خدیجه علیها السلام آمده است در انتها نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان ایشان به ترتیب قدمت ترسیم شده و در نهایت موضع خویشاوندان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان گردیده است. آشنایی با بستگان نزدیک حضرت خدیجه علیها السلام و هم‌چنین آگاهی از نحوه برخورد و موضع‌گیری آن‌ها در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دستاوردهای این پژوهش است.

واژگان کلیدی

خدیجه علیها السلام، بستگان خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرزندان خویلد، فرزندان اسد، بنی اسد.

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مادر حضرت زهرا علیها السلام بود. وی نخستین زنی به شمار می‌آید که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و ایشان را تصدیق نمود و همواره پشتیبان حضرت بود و تمام اموال خود را در راه اسلام و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خرج کرد و در این راه سختی‌های زیادی را تحمل نمود. وی در سال دهم بعثت رحلت یافت.

با این‌که حضرت خدیجه علیها السلام از خاندان بزرگ و مشهور قریش بود، در مورد بستگان ایشان اطلاعات چندانی در پژوهش‌های معاصر وجود ندارد و منابع متقدم و کهن، اطلاعات بیش‌تری در این زمینه دارند؛ هرچند منابعی که در صدد بیان فرزندان خویلد و اسد (بستگان حضرت خدیجه علیها السلام) هستند، بسیار محدودند به گونه‌ای که فقط پنج منبع به نام‌های *جمهره النسب* ابن کلبی (م. ۲۰۴ ق)، *نسب قریش* مصعب بن عبدالله زبیری (م. ۲۳۶ ق)، *انساب الاشراف* بلاذری (م. ۲۷۹ ق)، *جمهره انسب العرب* ابن حزم (م. ۴۵۶ ق) و *امتاع الاسماع* مقریزی (م. ۸۴۵ ق) اطلاعاتی در این زمینه دارند. اطلاعاتی در مورد برخی از خواهران و برادران حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان آن‌ها به صورت پراکنده در

منابع وجود دارد، اما متمرکز و منسجم نیست. برای مثال، نام «زبیر بن عوام»، پسر برادر حضرت خدیجه و یا «امیمه» دختر خواهر حضرت خدیجه در منابع زیادی آمده است.

در این پژوهش و براساس منابع کهن انساب، آگاهی‌هایی در مورد بستگان حضرت خدیجه از جمله خواهران و برادران آن حضرت و عموها و عمه‌های ایشان گردآوری شده است.

پدر و مادر حضرت خدیجه علیها السلام

پدر حضرت خدیجه علیها السلام، خویلد پسر اسد پسر عبدالعزی پسر قصى بود.^۱ خویلد در زمان جاهلیت کشته شد و مادر آن حضرت، فاطمه دختر زائده بن اصم بن هرم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بود.^۲

الف) بستگان پدری حضرت خدیجه علیها السلام

۱. پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری حضرت خدیجه علیها السلام

پدر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام، اسد نام داشت و مادر بزرگ ایشان، زهره دختر عمرو بن حنتر بن رویه بن هلال از بنی کاهل بن اسد بن خزیمه بود.^۳

۱. ابن هشام، *سیر و النبویه*، ج ۱، ص ۱۸۹؛ مصعب بن عبد الله زبیری، *نسب قریش*، ص ۲۲۸؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۱.

۲. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۱۸۹؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ابن قتیبہ دینوری، *المعارف*، ص ۲۱۹.

۳. زبیری، همان، ص ۲۳۰؛ احمد بن یحیی بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۳۹۶.

۴. ابن کلی، *جمهره النسب*، ص ۶۸.

۵. ابن کلی به جای نام حنتر، حنثره و بلاذری، حنثر آورده است. (ابن کلی، همان، ص ۶۸؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۱۹).

۶. ابن کلی به جای نام رویه، ذؤیبه آورده است. (ابن کلی، همان، ص ۶۸).

۷. ابن کلی، همان، ص ۶۸؛ زبیری، همان، ص ۲۲۸؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۱۹.

بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه علیها السلام

بنی اسد یکی از ۲۵ تیره اصلی قریش بودند.^۱ آنان فرزندان اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب، جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می آمدند. بنی اسد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیوند نسبی دارند؛ زیرا «ام حبیب» دختر اسد، مادر بزرگ مادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.^۲

۲. برادران حضرت خدیجه علیها السلام

سه تن از برادران حضرت خدیجه علیها السلام در تمام منابع مذکور، به نام های عوام، حزام و نوفل آمده،^۳ اما مصعب بن عبدالله زبیری تعداد برادران آن حضرت را چهار نفر می داند و از «عدی» برادر دیگر حضرت خدیجه علیها السلام نام می برد که نسل وی از بین رفته است.^۴ مقریزی نیز تعداد برادران حضرت خدیجه علیها السلام را چهار تن می داند و از «عمرو» برادر دیگر حضرت یاد می کند که فرزندی نداشته،^۵ در حالی که «عمرو بن اسد» عموی حضرت خدیجه بوده و نه برادر آن حضرت و در منابع دیگر نام عمرو بن اسد ذکر شده نه عمرو بن خویلد. بنابراین می توان گفت: حضرت خدیجه علیها السلام چهار برادر به نام های عدی، عوام، حزام و نوفل داشتند. شاید نیامدن نام «عدی» در منابع، ناشی از نداشتن فرزند برای وی و منقرض شدن نسل او باشد.

۳. خواهران حضرت خدیجه علیها السلام

اتفاق نظر در مورد خواهران حضرت خدیجه در منابع وجود ندارد. ابن کلبی نامی از خواهران آن حضرت نیاورده، اما مصعب بن عبدالله و ابن حزم، به دو تن

۱. علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ۲، ص ۲۶۹.

۲. زبیری، همان، ص ۲۰۷.

۳. ابن کلبی، همان، ص ۷۰؛ زبیری، همان، ص ۲۲۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰؛ احمد بن علی مقریزی، *امتاع الاسماع*، ج ۶، ص ۱۹۵-۱۹۴.

۴. زبیری، همان، ص ۲۲۹.

۵. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۵.

از خواهران حضرت به نام‌های هاله و رقیقه اشاره کرده‌اند.^۱ بلاذری نیز هنگام نام بردن از فرزندان خویلد، هیچ اشاره‌ای به نام دختران او نمی‌کند؛ ولی در ذیل اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نام خواهران آن حضرت به نام‌های هاله، خالده و رقیقه اشاره می‌کند.^۲ مقریزی نیز هنگام ذکر نام فرزندان خویلد، دو خواهر برای حضرت خدیجه نام می‌برد^۳ و هنگام ذکر اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سه خواهران بانوا اشاره می‌کند.^۴

ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲) از «طاهره بنت خویلد» یاد می‌کند و می‌گوید که وی خواهر حضرت خدیجه است و آن را به زبیر بن بکار نسبت می‌دهد.^۵ اما ابن عبد البر (م. ۴۶۲)، ابن اثیر (م. ۶۳۰) و نویری (م. ۷۳۳) ذیل بیان نسب حضرت خدیجه علیها السلام می‌نویسند:

قال الزبیر: كانت تدعى فى الجاهلیة الطاهرة؛ «زبیر گفت: در جاهلیت طاهره خوانده می‌شد».^۶

حتى خود ابن حجر، ذیل شرح حال حضرت خدیجه علیها السلام می‌گوید:

قال الزبیر بن بکار: كانت تدعى قبل البعثة الطاهرة.^۷

بنابراین طاهره نام خود حضرت خدیجه بوده نه خواهر ایشان.

۴. عموهای حضرت خدیجه علیها السلام

تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام نیز در منابع متفاوت ذکر شده است.

۱. زبیری، همان، ص ۲۳۰، ۲۲۹؛ ابن حزم، *جمهره انساب العرب*، ص ۱۲۰. (البته ابن حزم به جای نام رقیقه، رقیقه می‌آورد.)

۲. بلاذری، همان، ج ۱، ص ۴۰۶.

۳. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۶، ۱۹۵.

۴. همان، ج ۶، ص ۱۳۵.

۵. ابن حجر عسقلانی، *الإصابة*، ج ۸، ص ۲۲۴.

۶. ابن عبد البر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۶، ص ۷۸؛ احمد بن عبد الوهاب،

نویری، *نهایه الأرب*، ج ۱۸، ص ۱۷۰.

۷. عسقلانی، همان، ج ۸، ص ۹۹.

ابن کلبی هنگام ذکر نام فرزندان اسد، از چهارده نفر یاد می‌کند که عبارتند از: نوفل، حبیب، صیفی، حویرث، عمرو، هاشم، مهشم، طالب، طلیب، خالد، مطلب، حارث، عبد و عثمان^۱. مصعب بن عبدالله زبیری، تعداد پسران اسد را سیزده نفر می‌داند و نام عثمان را حذف کرده و به جای نام عبد، عبدالله آورده است.^۲ بلاذری به نام دوازده نفر اشاره کرده و نام عبدالله و عثمان را ذکر نکرده است.^۳ ابن حزم نیز تنها به ذکر نام پنج تن از آن‌ها به نام‌های حارث، حویرث، حبیب، مطلب و نوفل اکتفا می‌کند،^۴ مقریزی می‌گوید: «تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام پانزده نفر است»؛ اما از چهارده نفر بیش‌تر نام نمی‌برد.

هر چند نسب قریش که کامل‌تر از *جمهره النسب* به ذکر انساب پرداخته، به ذکر نام سیزده نفر اکتفا کرده و به نام عثمان اشاره نکرده، از آن جایی که *جمهره النسب* اولین منبع در زمینه ذکر اسامی فرزندان اسد است، به نام عثمان نیز اشاره کرده، به علاوه ابن هشام نیز هنگامی که از اسرای جنگ بدر نام می‌برد، از عثمان بن اسد نام برده و یکی از فرزندان او را جزء اسرای بدر شمرده است.^۵ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عثمان نیز جزء فرزندان اسد بوده، بنابراین تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام چهارده تن هستند.

۵. عمه‌های حضرت خدیجه علیها السلام

منابع حاوی اطلاعات در مورد عمه‌های حضرت خدیجه علیها السلام، دو کتاب *نسب قریش و امتاع الاسماع* است. مصعب بن عبدالله زبیری از دو دختر اسد به نام‌های ام حبیب و رقیه یاد می‌کند و از بقیه دختران نام نمی‌برد و با کلمه

۱. ابن کلبی، همان، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۶۹؛ زبیری، همان، ص ۲۰۶.

۳. بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰.

۴. ابن حزم، همان، ص ۱۱۷.

۵. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۴.

«نسوه» از آن‌ها یاد می‌کند.^۱ وی در مواردی که تعداد دختران حداقل سه نفر باشند، از این کلمه استفاده کرده،^۲ بنابراین روشن می‌گردد تعداد عمه‌های حضرت خدیجه حداقل پنج نفر بوده‌اند، اما مقریزی می‌گوید: «تعداد آن‌ها هشت نفر بوده‌اند».

مقریزی از هشت نفر به نام‌های ام حبیب، نافضه، ام سفیان، ام مطاع، عاتکه، بره، رقیقه و رقیه، به عنوان عمه‌های حضرت یاد می‌کند.^۳ وی ام حبیب و عاتکه را دو نفر می‌داند، در حالی که به گفته ابن عساکرام حبیب همان عاتکه دختر اسد بن عبدالعزی است.^۴ از سوی دیگر، مقریزی ام سفیان را همسر عبد مناف بن کعب بن سعد بن تیم بن مره و مادر خالد بن عبد مناف معرفی کرده،^۵ در حالی که مادر خالد، سبیه دختر احب است،^۶ مقریزی هم چنین رقیقه را یکی از دختران اسد ذکر کرده، در حالی که در منابع دیگر رقیقه، دختر خویلد معرفی شده است.^۷ برخی منابع از «ارنب» به عنوان دختر اسد یاد کرده‌اند،^۸ اما نامی از او در کتب انساب برده نشده است. بنابراین بی‌شک دختران اسد حداقل پنج نفر بوده‌اند.

ب) بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام

۱. پدربزرگ و مادر بزرگ مادری حضرت خدیجه علیها السلام

پدر بزرگ مادری حضرت خدیجه، زائده بن اصم و مادر بزرگ ایشان هاله دختر عبدمناف بود.^۹

۱. زبیری، همان، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۲۳۶.

۳. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۳-۱۹۲.

۴. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۱۱.

۵. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۳.

۶. ابن کلی، همان، ص ۸۳؛ زبیری، همان، ص ۲۹۳.

۷. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۳.

۸. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۲۸۳؛ شمس الدین، ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ابن کثیر، همان،

ج ۳، ص ۱۵۳.

۹. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۱۸۹؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۱.

منابع تاریخی، از میان بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام تنها به دایی حضرت خدیجه به نام «قیس بن زائده» و پسر دایی ایشان به نام «ابن ام مکتوم» اشاره کرده‌اند. نام ابن ام مکتوم، «عمرو بن قیس بن زائده» بود. وی مؤذن رسول خدا بود،^۲ و در جنگ قادسیه حضور داشت و پرچم دار بود و به شهادت رسید.^۳

سیر تطور منابع درگذر زمان

بررسی سیر تطور منابع، نشان می‌دهد به مرور و درگذر زمان، اطلاعات مندرج در منابع در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام - هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی - روند کاهشی داشته، به گونه‌ای که منابع کهن و متقدم، حاوی اطلاعات بیش‌تر و گسترده‌تری در این زمینه هستند و بیش‌ترین منابع، مربوط به قرن سوم هجری است.

کهن‌ترین منبعی که اطلاعات در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد، *جمهره النسب ابن کلبی* است. ابن کلبی از خواهران و عمه‌های حضرت خدیجه یاد نمی‌کند و از میان برادران، به نام سه تن از ایشان به نام‌های عوام، حزام و نوفل اشاره می‌کند^۴ و بیش‌ترین آمار را در مورد عموهای آن حضرت ارائه می‌دهد و از چهارده نفر به عنوان پسران اسد یاد می‌کند.^۵

نسب قریش، دومین منبعی است که بیش‌ترین و گسترده‌ترین اطلاعات در زمینه خویشاوندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد. وی به نام دو دختر خویند به نام‌های رقیقه و هاله اشاره می‌کند.^۶ زییری تنها کسی است که برای آن حضرت علاوه بر عوام، حزام و نوفل، از برادری به نام عدی بن خویند یاد

۱. زییری، همان، ص ۴۳۴.

۲. ابن حزم، همان، ص ۱۷۱.

۳. زییری، همان، ص ۴۳۴.

۴. ابن کلبی، همان، ص ۷۰.

۵. همان، ص ۶۹.

۶. زییری، همان، ص ۲۳۰.

می‌کند.^۱ وی عموهای حضرت خدیجه را سیزده نفر می‌داند.^۲

انساب‌الاشرف بلاذری سومین منبع است. وی خواهران و برادران حضرت خدیجه را سه نفر می‌داند؛ نام خواهران آن حضرت هاله، خالده و رقیقه^۳ و نام برادران ایشان عوام، حزام و نوفل است.^۴ بلاذری از عمه‌های حضرت خدیجه کسی را ذکر نکرده و تعداد عموهای ایشان را دوازده نفر می‌داند.^۵

جمهره انساب‌العرب ابن حزم چهارمین منبع است. وی از دو دختر خویلد به نام‌های رقیقه^۶ و هاله^۷ و سه پسر به نام‌های عوام، حزام و نوفل یاد کرده^۸ و نامی از عمه‌های حضرت خدیجه علیها السلام نبرده و از بین عموهای آن حضرت، تنها به ذکر نام پنج تن از آن‌ها اکتفا کرده است.^۹

امتاع الاسماع مقریزی پنجمین منبع است. وی به نام سه تن از خواهران حضرت به نام‌های هاله، خالده و رقیقه اشاره کرده^{۱۰} و برادران ایشان را چهار نفر به نام‌های عوام، نوفل، عمرو و حزام می‌داند.^{۱۱} وی تعداد عموهای ایشان را پانزده نفر آورده اما از چهارده نفر بیش‌تر نام نبرده و تعداد عمه‌های آن حضرت را هشت نفر دانسته است.

تفاوت‌ها و اشکالات مذکور در منابع

ابن کلبی نام یکی از عموهای حضرت خدیجه را عبد می‌داند، در حالی که

-
۱. همان، ص ۲۲۹.
 ۲. همان، ص ۲۰۷. ۲۰۶.
 ۳. بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۷.
 ۴. همان، ج ۹، ص ۴۲۰.
 ۵. همان، ج ۹، ص ۴۲۰.
 ۶. در منابع دیگر نام رقیقه آمده است.
 ۷. ابن حزم، همان، ص ۱۲۰.
 ۸. همان، ص ۱۲۰.
 ۹. همان، ص ۱۱۷.
 ۱۰. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۳۵.
 ۱۱. همان، ج ۶، ص ۱۹۵. ۱۹۴.

زبیری نام او را عبدالله آورده است؛ البته این احتمال وجود دارد که این اشکال در هنگام نسخه برداری یا چاپ کتاب به وجود آمده باشد.^۱
 بلاذری زمانی که از فرزندان اسد (جد حضرت خدیجه) نام می برد، در مورد عمرو بن اسد می گوید:

اما عمرو بن اسد فهو زوج خدیجة بنت خویلد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کان ابن عمها.^۲

در حالی که عمرو بن اسد، عموی حضرت خدیجه می باشد نه پسر عموی ایشان.

اشکال دیگر بلاذری در ذکر نام افراد است، او به جای نام «م هشم»، مهاشم و به جای نام «طلیب»، طویلب می آورد.^۳ در برخی منابع نام مادر بزرگ آمنه، به اشتباه «ام سفیان» ذکر شده، در حالی که نام او «ام حبیب» بوده است.^۴

چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین

جمهوره النسب اولین منبع اطلاعات در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام است. دومین منبع **نسب قریش** به شمار می آید که اطلاعات وسیع تری نسبت به **جمهوره النسب** دارد. بنابراین **جمهوره النسب** نمی تواند تنها منبع اطلاعات مصعب بن عبدالله بوده باشد. **انساب الاشراف** سومین منبع است. عنوان مطالب، نحوه چینش و ترتیب آن و آگاهی هایی که در آن وجود دارد، بیان گر این است که **جمهوره النسب**، مأخذ اصلی بلاذری در کسب اطلاعات در این زمینه بوده است. **المحبر ابن حبیب** بغدادی، دومین منبع مورد استفاده بلاذری است؛ زیرا نام خواهران حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب **جمهوره النسب** نیامده، ولی در **المحبر** نام

۱. ابن کلی، همان، ص ۶۹؛ زبیری، همان، ص ۲۰۶.

۲. بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۶۵.

۳. همان، ج ۹، ۴۲۰-۴۱۹.

۴. یعقوب بن سفیان، بسوی، **المعرفة والتاریخ**، ج ۳، ص ۲۶۶؛ ابوبکر، **بیهقی، دلائل النبوه**، ج ۱، ص ۱۸۳.

سه تن از آن‌ها به نام‌های هاله، خالده و رقیقه ذکر شده است.^۱ آن‌چه باعث تقویت احتمال اخذ نام آن‌ها از کتاب *المحبر می* شود، این است که بلاذری هنگام ذکر نام فرزندان خویلد، به نام دختران وی اشاره نمی‌کند، ولی ذیل اسلاف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام آن‌ها را آورده^۲ همان‌گونه که ابن حیب ذیل عنوان اسلاف رسول خدا، به نام خواهران اشاره کرده است. دلیل دیگر این‌که در منابع پیشین مانند *نسب قریش* زبیری، تنها به نام‌های هاله و رقیقه اشاره شده، در حالی که نام خالده برای اولین بار در کتاب *المحبر آمده* است.

جمهره انساب العرب ابن حزم چهارمین منبع است. منبع و مأخذ اصلی اطلاعات وی مشخص نیست؛ زیرا با اطلاعات مندرج در هیچ‌کدام از منابع پیشین هم‌خوانی ندارد. هم‌چنین شیوه و سبک او، یعنی اختصار در آوردن مطالب، بردشواری این امر افزوده است.

امناع الاسماع مقریزی پنجمین منبع است وی از تمام منابع پیشین استفاده کرده؛ زیرا در هر منبع، مطالب اختصاصی وجود دارد که در دیگر منابع موجود نیست و مقریزی آن‌ها را گرد آورده است. منبع مورد استفاده او درباره خواهران حضرت خدیجه، *انساب الاشراف* و *المحبر* است؛ زیرا هم‌خوانی زیادی با این دو منبع هم از لحاظ مطالب و هم از لحاظ نحوه و چینش آن دیده می‌شود. منبع اطلاعات او در مورد عموهای حضرت خدیجه نیز *جمهره النسب* و *نسب قریش* و در مورد عمه‌های ایشان *نسب قریش* است.

شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

الف) برادران حضرت خدیجه علیها السلام

برادران ایشان که فرزند خویلد بودند، عبارتند از:

۱. عدی: نسل عدی منقرض شده است.^۳

۱. ابن حیب، بغدادی، *المحبر*، ص ۱۰۰، ۹۹.

۲. بلاذری، همان، ج ۱، ص ۴۰۶.

۳. زبیری، همان، ص ۲۳۱.

۲. عوام: وی در جنگ فجار کشته شد.^۱ او فرزندی داشت به نام‌های زبیر، عبدالرحمان، سائب، مالک، عیدالله، حارث، صفوان، بعکک، یملک، اصرم، اسدالله، بجیر، زینب (همسر حکیم بن حزام)^۲ و ام حبیب.^۳

- عبدالرحمان در زمان فتح مکه اسلام آورد. نامش در جاهلیت عبدالکعبه بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را عبدالرحمان نامیدند و در جنگ یرموک به شهادت رسید.^۴ نسل عوام به جزاز طریق عبدالرحمان و زبیر منقرض شده است.^۵

- سائب بن عوام، مادرش صفیه دختر عبدالمطلب بود. او در جنگ‌های احد، خندق و جنگ‌های بعد از آن حضور داشت و در جنگ یمامه در سال دوازدهم هجری در زمان حکومت ابوبکر به شهادت رسید و نسلی از او باقی نمانده است.^۶

- زبیر بن عوام، مادرش صفیه دختر عبدالمطلب، عمه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.^۷ او بعد از ابوبکر اسلام آورد و در حالی که شانزده سال داشت، دو بار به حبشه هجرت کرد.^۸ زبیر حواری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و در جنگ بدر حضور داشت و یکی از اصحاب شورا بود.^۹ او در جمادی الاول سال سی و شش در جنگ جمل کشته شد.^{۱۰}

۳. حزام: وی در جنگ فجار الآخر کشته شد.^{۱۱} او سه پسر به نام‌های حکیم،

۱. دینوری، همان، ص ۲۱۹؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۴.

۲. ابن حزم، همان، ص ۱۲۲. ۱۲۱.

۳. زبیری، همان، ص ۲۳۵.

۴. همان؛ ابن عبد البر، همان، ج ۲، ص ۸۴۴.

۵. زبیری، همان، ص ۲۳۵.

۶. ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۸۹؛ دینوری، همان، ص ۲۲۰؛ ابن عبد البر، همان، ج ۲، ص ۵۷۵؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۴، ص ۹۲.

۷. دینوری، همان، ص ۲۱۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰.

۸. ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۷۵؛ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ابن جوزی، همان، ج ۵، ص ۱۰۷.

۹. ابن کلی، همان، ص ۶۹؛ دینوری، همان، ص ۲۲۰.

۱۰. دینوری، همان، ص ۲۲۰.

۱۱. جنگی که بین قریش و همه کنانه و بین هوازن صورت گرفته است.

۱۲. ابن کلی، همان، ص ۷۰؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۴.

خالد و هاشم داشت.^۲

منینه دختر حارث بن جابر بن وهب از قبیله بنی مازن بن منصور، مادر عدی، عوام، حزام و رقیقه بود.^۳

- حکیم بن حزام: از شخصیت‌ها و اشراف قریش به شمار می‌آمد و در جنگ بدر با مشرکان بود و در زمان فتح مکه اسلام آورد^۴ و جزء صحابه و راویان بود.^۵ دوازده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده^۶ و شصت سال در جاهلیت و شصت سال در زمان اسلام زندگی کرد و در صدویست سالگی درگذشت.^۷ او چهار پسر به نام‌های هشام، خالد، یحیی و عبدالله داشت که همه جزء اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند.^۸ هشام در زمان فتح مکه اسلام آورد^۹ و از صحابه فاضل و برجسته بود.^{۱۰}

- خالد: از مسلمانان پیش‌گام در اسلام به شمار می‌آمد که در مکه مسلمان شد و در هجرت دوم مسلمانان به حبشه، به آن سرزمین رفت و در راه قبل از این‌که به حبشه برسد، درگذشت.^{۱۱}

- هاشم بن حزام، فرزندی نداشته است.^{۱۲}

فاخته دختر زهیر بن حارث بن اسد بن عبدالعزی مادر حکیم، خالد و هاشم بود.^{۱۳}

۱. زبیر بن بکار به جای نام هاشم، هشام آورده است. (زبیر بن بکار، *جمهره نسب قریش*، ج ۱، ص ۲۵۳).
۲. زبیری، همان، ص ۲۳۱.
۳. همان، ص ۲۲۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰.
۴. زبیری، همان، ص ۲۳۱؛ دینوری، همان، ص ۲۱۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۳.
۵. ابن حزم، همان، ص ۱۲۱.
۶. ابن جوزی، همان، ج ۵، ص ۲۶۸.
۷. زبیری، همان، ص ۲۳۱؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۱.
۸. زبیری، همان، ص ۲۳۱؛ دینوری، همان، ص ۲۱۹؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۱، ص ۳۶۲؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۱.
۹. محمد بن جریر، طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، ج ۱۱، ص ۵۵۵.
۱۰. ابن عبد البر، همان، ج ۴، ص ۱۵۳۸.
۱۱. ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۸۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۳؛ ابن عبد البر، همان، ج ۲، ص ۴۳۲. ۴۳۱.
۱۲. زبیری، همان، ص ۲۳۱.
۱۳. همان؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۳.

۴. نوفل: مادرش از قبیله عدی بن خزاعه بود. به نوفل شیرقریش می‌گفتند.^۲ علی بن ابی طالب در جنگ بدر او را کشت،^۳ اما ابن حزم می‌گوید: «او را پسر برادرش زبیر بن عوام در جنگ بدر کشت. عموم راویان می‌گویند علی رضی الله عنه او را کشت.»^۴ روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روز جنگ بدر فرمودند: «اللهم اکفنا ابن العدویة!»، یعنی نوفل.^۵ نوفل فرزندی به نام اسود داشت که از پیشگامان مسلمانان در مکه بود. او در هجرت دوم مسلمانان به حبشه، همراه آنان هجرت کرد و بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه آمد.^۶

ب) خواهران حضرت خدیجه رضی الله عنها

خواهران ایشان نیز از فرزندان خویلد بودند و عبارتند از:

۱. هاله: وی خواهر پدری و مادری حضرت خدیجه بود^۷ و مادرش، فاطمه دختر زائده بن جندب بود.^۸ هاله، همسر ربیع^۹ و مادر ابوالعاص بود و ابوالعاص همسر زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.^{۱۰} برخی منابع گفته‌اند اسم مادر ابوالعاص، هند بوده است.^{۱۱}

-
۱. بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۳؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۰.
 ۲. دینوری، همان، ص ۲۱۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۳؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۰؛ ابن عبد البر، همان، ج ۴، ص ۱۷۹۱.
 ۳. همان.
 ۴. ابن حزم، همان، ص ۱۲۰.
 ۵. همان؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۴.
 ۶. ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۹۰؛ زبیر بن بکار، همان، ج ۱، ص ۴۰۶؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۳؛ ابن عبد البر، همان، ج ۱، ص ۸۸.
 ۷. زبیری، همان، ص ۱۵۸؛ بغدادی، همان، ص ۹۹.
 ۸. همان، ص ۲۳۰؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۳۵.
 ۹. بلاذری، همان، ج ۱، ص ۴۰۶؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۳۵.
 ۱۰. زبیری، همان، ص ۲۳۰؛ بغدادی، همان، ص ۹۹؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۰.
 ۱۱. یحیی بن شرف، نووی، تهذیب الاسماء واللغات، ج ۲، ۲۴۹؛ ابن کثیر، همان، ج ۶، ص ۳۵۴.

۲. رقیقه: وی خواهرپدیری حضرت خدیجه^۱ و مادر امیمة دختر عبدالله بن بجاد بن عمیر از بنی تیم بن مره بود.^۲ امیمة دخترخاله حضرت فاطمه علیها السلام بوده^۳ و در دمشق سکونت داشت و دارای خانه و اموال زیادی بود. محمد بن منکدر از او روایت نقل کرده است.^۴ وی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت نمود^۵ و حدیثی را در مورد بیعت زنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.^۶

۳. خالده: ابن حبیب بغدادی، بلاذری و مقریزی، زمانی که از اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یاد می کنند، از علاج بن ابوسلمه نام برده، او را همسر خالده می دانند و تصریح می کنند که خالده خواهر حضرت خدیجه علیها السلام است.^۷

ج) عموهای حضرت خدیجه علیها السلام

عموهای ایشان که همگی فرزند اسد بودند، عبارتند از:

۱. نوفل: وی سه فرزند به نام های ورقه، عدی و صفوان داشت.^۸ او در جنگ فجار کشته شد.^۹

- ورقه بن نوفل پسرعموی خدیجه علیها السلام بود و کتاب های زیادی می خواند. از عبادت بت ها کراهت داشت و به مسیحیت گرایش یافت.^{۱۰} او نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به خدیجه علیها السلام بشارت داد.^{۱۱} حضرت خدیجه در آغاز و پیش از آن که کسی با

۱. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۳۶.

۲. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۲۰۱؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۰؛ ابن عساکر، همان، ج ۶۹، ص ۵۴؛ جمال الدین مزی، تهییب الکمال، ج ۳۵، ص ۱۳۰؛ عسقلانی، همان، ج ۸، ص ۳۱.

۳. ابن اثیر، همان، ج ۶، ص ۲۷.

۴. زبیری، همان، ص ۲۲۹؛ خلیل بن ابیک، صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۹، ص ۲۲۳.

۵. علی بن عمرو، دارقطنی، المیزان والمختلف، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ابن ماکولا، الإکمال، ج ۱، ص ۲۰۵.

۶. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۲۰۱؛ زبیری، همان، ص ۲۲۹؛ ابن عساکر، همان، ج ۶۹، ص ۵۴.

۷. بغدادی، همان، ص ۱۰۰؛ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۴۰۶؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۳۵.

۸. بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۷؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۰.

۹. ابن کلبی، همان، ص ۶۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۱۹.

۱۰. زبیری، همان، ص ۲۰۷؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۷.

۱۱. مسعودی، همان، ج ۱، ص ۸۷.

او ازدواج کند، نامزد پسرعموی خود ورقه بود، ولی ازدواج آن دو صورت نگرفت.^۱
- صفوان دختری به نام بسره داشت که جزء مهاجران بود. او از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
روایت نقل کرده و از بیعت‌کنندگان بوده است.^۲ نسلی برای صفوان به جزاز
طرف بسره باقی نمانده است.^۳

- عدی بن نوفل از مهاجران به شمار می‌رفت و از طرف عمریا عثمان والی
حضر موت بود.^۴

۲. حبیب: وی در جنگ فجار کشته شد.^۵ تویت فرزند او بود. نسل او در مصر
سکونت داشتند.^۶ تویت دختری به نام حولاء داشت که پس از هجرت مسلمان
شد و با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کرد.^۷

۳. صیفی: وی بدون این‌که فرزندی از خود باقی بگذارد، درگذشته است.^۸
خالده دختر هاشم بن عبد مناف بن قصی، مادر نوفل، حبیب، صیفی و
رقیه بوده است.^۹

۴. حویرث: مادر حویرث، ریطه دختر حویرث ثقفی بود.^{۱۰}
- حویرث فرزندی به نام عثمان داشت که می‌خواست از طرف قیصر بر
قریش حکومت کند، اما قریش مانع شدند، به همین دلیل، عثمان به شام
برگشت و بدون این‌که فرزندی از خود باقی بگذارد، درگذشت.^{۱۱}

۱. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۱.

۲. زبیری، همان، ص ۲۰۹.

۳. همان.

۴. زبیری، همان، ص ۲۰۹؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۰.

۵. ابن کلی، همان، ص ۶۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۱۹.

۶. ابن حزم، همان، ص ۱۱۸.

۷. بغدادی، همان، ص ۴۰۸؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۱۵.

۸. ابن کلی، همان، ص ۶۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۱۹.

۹. زبیری، همان، ص ۲۰۷؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۱۹.

۱۰. ابن کلی، همان، ص ۶۹؛ زبیری، همان، ص ۲۰۷؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۱۹.

۱۱. ابن حزم، همان، ص ۱۱۸.

- مطلب بن حویرث، دختری به نام «ام عبدالرحمان» داشت.^۱
 ۵. عمرو: وی حضرت خدیجه علیها السلام را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآورد.^۲ او در آن زمان پیرمردی فرتوت بود و از فرزندان اسد در آن زمان کسی غیر از او زنده نمانده بود. عمرو خودش فرزندی نداشت.^۳

۶. هاشم

۷. مهشم

نهیة^۴ دختر سعید بن سهم، مادر عمرو، هاشم و مهشم،^۵ بود. آن‌ها بدون این‌که نسلی از خود باقی گذارند، درگذشتند.^۶

۸. طالب

۹. طلیب

طالب و طلیب^۷ در جنگ فجار کشته شدند و فرزندی نداشتند^۸ و مادرشان از قبیله اوس بود.^۹

۱۰. خالد: مادر خالد ام ولد بود.^{۱۰}

۱۱. مطلب: وی دو فرزند به نام‌های اسود و ابوحبیش داشت،^{۱۱} کنیه اسود، ابوزمعه بود. ابوزمعه یکی از مسخره‌کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.^{۱۲}

- سائب^{۱۳} و فاطمه از فرزندان ابوحبیش بودند. فاطمه حدیث استحاضه را

۱. زبیری، همان، ص ۲۰۹.

۲. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۰۶؛ زبیری، همان، ص ۲۰۷؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۶۵.

۳. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۰۵.

۴. بلاذری به جای نام نهیة، ناهیه آورده است.

۵. بلاذری به جای نام مهشم، مهاشم آورده است.

۶. کلی، همان، ص ۶۹؛ زبیری، همان، ص ۲۰۷؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰.

۷. بلاذری به جای نام طلیب، طویلب آورده است.

۸. زبیری، همان، ص ۲۰۷.

۹. ابن کلی، همان، ص ۶۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰.

۱۰. همان.

۱۱. بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۷.

۱۲. زبیری، همان، ص ۲۱۸.

۱۳. همان، ص ۲۲۰.

روایت کرده است.^۱

- هبار بن اسود شاعر بود. وی زمانی که کافر بود در هجو پیامبر شعر می سرود اما زمانی که مسلمان شد، همه آن ها را با مدح پیامبر محو کرد^۲ و در زمره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت. زمعه و عقیل از دیگر فرزندان اسود، در جنگ بدر در حالی که کافر بودند، کشته شدند.^۳ زمعه چهار پسر به نام های عبدالله، حارث، یزید و وهب داشت. عبدالله جزء اصحاب بوده و از پیامبر روایت نقل کرده است. حارث در جنگ بدر با پدرش در حالی که کافر بودند، کشته شد و یزید که از مسلمانان پیش گام در اسلام بود، در مکه مسلمان شد و در هجرت دوم به حبشه به آن جا هجرت کرد و در جنگ طائف به شهادت رسید.^۴

۱۲. حارث: وی بزرگ ترین فرزند اسد بود.^۵ او در جنگ بدر در حالی که کافر بود، کشته شد. حارث سه فرزند به نام های زهیر، امیه و هاشم داشت.^۶

- امیه بن حارث فرزندی به نام عمرو داشت که از پیش گامان مسلمانان بود. او در مکه مسلمان شد و در هجرت دوم حبشه به آن سرزمین هجرت کرد و همان جا درگذشت و نسلی از او باقی نماند.^۷

- هاشم بن حارث پسری به نام ابوالبختری عاص بن هاشم داشت که در جنگ بدر در حالی که کافر بود، کشته شد. پسرش اسود در مدت زمان اختلاف بین حضرت علی رضی الله عنه و معاویه، امام جماعت مردم مدینه را بر عهده داشت.^۸

۱. ابن حزم، همان، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۱۱۹.

۳. همان، ص ۱۱۸.

۴. ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۹۰؛ ابو عبید قاسم بن سلام، *النسب*، ص ۲۰۶؛ زبیری، همان، ص ۲۲۲؛ ابن حزم، همان، ص ۱۱۹.

۵. زبیری، همان، ص ۲۰۶.

۶. بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۶۳.

۷. ابن حزم، همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۸. ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۹۰؛ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ابن حزم، همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۹. زبیری، همان، ص ۲۱۴؛ ابن حزم، همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

- حمید از فرزندان زهیر بن حارث، بود.^۱ وی فرزندی به نام عبدالله داشت که در جنگ احد به دست حضرت علی عَلِيٌّ کشته شد.^۲
 ۱۳. عبدالله
 ۱۴. عثمان

عبدالله^۳ و عثمان هم بدون فرزند درگذشتند؛^۴ اما ابن هشام هنگام نام بردن از که اسرای جنگ بدر، حویرث بن عبّاد بن عثمان بن اسد را جزء اسرای بدر ذکر می‌کند.^۵ بره دختر عوف بن عبید بن عویج بن عدی بن الحارث بن کعب مادر مطلب، حارث، عبدالله، ام حبیب و نسوه بود.^۶

عمه‌های حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا

عمه‌های ایشان که فرزند اسد بودند، عبارتند از:

۱. ام حبیب: وی مادر بزرگ مادر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود.^۷ او همسر عبدالعزی بن عثمان بن عبد الدار و مادر بره (مادر آمنه) بود.^۸
۲. ام المطاع: وی همسر عبدالعزی بن عبد شمس و مادر ربیع و ربیع بود. ربیع فرزندی به نام ابوالعاص داشت که همسر زینب دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود.^۹ مادر ابوالعاص، هاله دختر خویلد و خواهر حضرت خدیجه بود.^{۱۰}
۳. نافضه: او همسر عدی بن نوفل بن عبد مناف بن قصی و مادر مبارک

۱. ابن حزم، همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳. مصعب بن عبدالله زبیری به جای نام عبد، عبدالله آورده است.

۴. ابن کلی، همان، ص ۶۹.

۵. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۴.

۶. ابن کلی، همان، ص ۶۹؛ زبیری، همان، ص ۲۰۷. ۲۰۶؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۲۰.

۷. زبیری، همان، ص ۲۰۷.

۸. ابن کلی، همان، ص ۲۹؛ زبیری، همان، ص ۲۱ و ۲۵۱؛ طبری، همان، ج ۲، ص ۲۴۳؛ مقریزی، همان،

ج ۶، ص ۱۹۳.

۹. مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۳.

۱۰. زبیری، همان، ص ۱۵۷؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۳۷۹.

- (عبدالله)، صالح (عبیدالله) و فارعه بود.^۱
۴. بره: عائذ بن عبدالله بن عمرو بن مخزوم همسر بره بود. ابوسائب (صیفی)، ابورفاعه (امیه)، عتیق بن عائذ و زهیر بن عائذ فرزندان وی بودند.^۲
۵. رقیه: رقیه مادر بزرگ مادری حکم بن ابی العاص و مادر همسر ابوجهل بود.^۳

موضع بستگان خدیجه رضی الله عنها در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بستگان حضرت خدیجه رضی الله عنها در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واکنش یکسانی نداشتند؛ برخی در زمره پیش گامان و سابقین درآمدند و به سرعت در جبهه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفتند و به حمایت از آن حضرت پرداختند. عده‌ای مانند زبیر بن عوام، خالد بن حزام،^۴ اسود بن نوفل بن خویلد، عدی بن نوفل بن اسد،^۵ یزید بن زمعه بن اسود بن مطلب بن اسد و عمرو بن امیه بن حارث بن اسد جزء مهاجران به حبشه بودند.^۶ برخی دیگر مانند عبدالرحمان بن عوام بن خویلد، سائب بن عوام و یزید بن زمعه بن اسود در زمره شهدا قرار گرفتند؛^۷ اما گروهی در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در جبهه دشمن قرار داشتند؛ مانند حارث بن اسد، زمعه بن اسود بن مطلب بن اسد، حارث بن زمعه و عقیل بن اسود بن المطلب، ابوالبختری که نام او عاص بن هشام بن حارث بن اسد بود و نوفل بن خویلد، این شش نفر از بنی اسد جزء مشرکانی بودند که در جنگ بدر کشته شدند.^۸ سائب بن

-
۱. زبیری، همان، ص ۱۹۸؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۳. (مصعب بن عبدالله به جای نام نافضه، ناقصه آورده است.)
۲. ابن کلی، همان، ص ۹۰؛ زبیری، همان، ۳۳۳؛ مقریزی، همان، ج ۶، ص ۱۹۳.
۳. زبیری، همان، ص ۲۰۷ و ۳۱۲.
۴. ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۸۹؛ بلاذری، همان، ج ۹، ص ۴۵۳؛ ابن عبد البر، همان، ج ۲، ص ۴۳۲. ۴۳۱.
۵. زبیری، همان، ص ۲۰۹؛ ابن حزم، همان، ص ۱۲۰.
۶. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۳۲۴.
۷. ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۸۹؛ دینوری، همان، ص ۲۲۰؛ زبیری، همان، ص ۲۳۵؛ ابن عبد البر، همان، ج ۲، ص ۵۷۵.
۸. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۷۰۹؛ ابوعبید قاسم بن سلام، همان، ص ۲۰۶. ۲۰۵.

ابو حبیش بن مطلب بن اسد و حویرث بن عباد بن عثمان بن اسد نیز جزء اسرای جنگ بدر بودند.^۱ عبدالله بن حمید بن زهیر بن حارث بن اسد هم در جنگ احد کشته شد.^۲ اسود بن مطلب بن اسد (ابوزمعه) جزء مسخره‌کنندگان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود.^۳

برخی از زنان خویشاوند حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا نیز جزء پیش‌گامان و حامیان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودند؛ مانند امیمه (خواهرزاده حضرت خدیجه) که جزء بیعت‌کنندگان و راویان بوده؛^۴ بسره^۵ و حولاء (از نوادگان عموی حضرت خدیجه) که جزء مهاجران و بیعت‌کنندگان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودند.^۶

نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا

در نمودار ذیل منابعی که اطلاعات بستگان حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا را شامل می‌شود، به ترتیب قدمت آمده است:

نام کتاب	نویسنده	سال وفات	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۱	ابن‌کلبی	م. ۲۰۴ ق		۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. نوفل ۲. حبیب ۳. صیفی ۴. حویرث ۵. عمرو ۶. هاشم ۷. مهشم ۸. طالب ۹. طلیب ۱۰. خالد ۱۱. مطلب ۱۲. حارث ۱۳. عبد ۱۴. عثمان	

۱. همان، ج ۲، ص ۴. (ابن هشام به جای نام حویرث، حارث و به جای نام عباد، عائذ آورده است. حارث بن عائذ بن عثمان بن اسد)
۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۸.
۳. همان، ج ۱، ص ۴۰۹.
۴. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۲۰۱؛ زبیری، همان، ص ۲۲۹؛ ابن عساکر، همان، ج ۶۹، ص ۵۴.
۵. زبیری، همان، ص ۲۰۹.
۶. بغدادی، همان، ص ۴۰۸؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۱۵.

نام کتاب	نویسنده	سال وفات	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۲	نسب قریش	مصعب بن عبدالله زبیری	۱. رقیقه ۲. هاله	۱. عدی ۲. حزام ۳. عوام ۴. نوفل	۱. حارث ۲. مطلب ۳. عبدالله ۴. نوفل ۵. حبیب ۶. صیفی ۷. طالب ۸. طلیب ۹. خالد ۱۰. حویرث ۱۱. هاشم ۱۲. مهشم ۱۲. عمرو	۱. ام حبیب ۲. نسوه <small>علیها السلام</small> رقیه
۳	انساب الاشراف	بلاذری	۱. هاله ۲. خالد ۳. رقیه	۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. نوفل ۲. حبیب ۳. صیفی ۴. حویرث ۵. عمرو ۶. هاشم ۷. مهاشم ۸. طالب ۹. طویل ۱۰. خالد ۱۱. مطلب ۱۲. حارث	
۴	جمهره انساب العرب	ابن حزم	۱. هاله ۲. رقیه	۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. حارث ۲. حویرث ۳. حبیب ۴. مطلب ۵. نوفل	---
۵	امتاع الاسماع	مقریزی	۱. هاله ۲. خالد ۳. رقیقه	۱. عوام ۲. نوفل ۳. عمرو ۴. حزام	۱. حارث ۲. مطلب ۳. عبدالله ۴. عثمان ۵. نوفل ۶. حبیب ۷. صیفی ۸. طالب ۹. طلیب ۱۰. خالد ۱۱. حویرث ۱۲. عمرو ۱۳. هاشم ۱۴. مهشم	۱. ام حبیب ۲. ام المطاع ۳. نافضه ۴. رقیه ۵. بره ام فیان ۶.

نمودار بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

ردیف	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۱	هاله	عدی	نوفل	ام حبیب
۲	خالده	عوام	حبیب	ام مطاع
۳	رقیقه	حزام	صیفی	نافضه
۴		نوفل	حویرث	بره
۵			عمرو	رقیه
۶			هاشم	
۷			مہشم	
۸			طالب	
۹			طلیب	
۱۰			خالد	
۱۱			مطلب	
۱۲			حارث	
۱۳			عبدالله	
۱۴			عثمان	

نتیجه

منابع محدودی در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که بیش تر آن‌ها به قرن سوم هجری مربوط می‌شود و در پژوهش‌های معاصر، به این بعد از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام توجهی نشده است. منابع متأخر، بیش تر به شرح حال افرادی پرداخته‌اند که نقش مهمی در اسلام داشته‌اند؛ مثلاً *استیعاب*، *اسد الغابه*، *الاصابه*، *المتنظم* و دیگر منابع، به شرح حال فرزندان برادر حضرت خدیجه مانند حکیم بن حزام، خالد بن حزام، زبیر بن عوام، سائب بن عوام، عبدالرحمان بن عوام و اسود بن نوفل پرداخته‌اند؛ اما در همین منابع، شرح حال نسل قبل یعنی برادران حضرت خدیجه دیده نمی‌شود.

با بررسی منابع، می‌توان نتیجه گرفت حضرت خدیجه از خاندان بزرگ و مشهور قریش بودند، چهار برادر به نام‌های عدی، عوام، حزام و نوفل و سه خواهر به نام‌های هاله، خالده و رقیقه داشتند. عمه‌های آن حضرت بیش از دو نفر بودند و تعداد عموه‌های ایشان چهارده نفر بود. در مورد بستگان مادری حضرت خدیجه، اطلاعات زیادی در منابع وجود ندارد و فقط به پسردایی ایشان به نام «ابن ام مکتوم» اشاره شده است.

واکنش بستگان حضرت خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یکسان نبود؛ برخی در زمره پیش‌گامان و سابقین درآمدند و به دفاع و حمایت از آن حضرت پرداختند اما عده‌ای نیز در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در جبهه دشمن قرار گرفتند.

منابع

١. ابن اثیر، *اسد الغابہ*، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٩ ق.
٢. ابن جوزی، *التتظم*، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ١٤١٢ ق.
٣. ابن سعد، *طبقات الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ١٤١٠ ق.
٤. ابن عبدآلبر، *الاستیعاب*، بیروت، دارالجبل، ١٤١٢ ق.
٥. ابن عساکر، *تاریخ مدینہ دمشق*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ ق.
٦. ابن کثیر، *البدایہ والنہایہ*، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٧ ق.
٧. ابن کلبی، *جمہرہ النسب*، بیروت، عالم الکتب، ١٤٠٧ ق.
٨. ابن ماکولا، *الإکمال*، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ١٤١١ ق.
٩. ابن ہشام، *السیرہ النبویہ*، بیروت، دارالمعرفہ، بی تا.
١٠. ابو عبید قاسم بن سلام، *النسب*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
١١. بسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفہ والتاریخ*، بیروت، مؤسسہ الرسالہ، ١٤٠١ ق.
١٢. بغدادی، ابن حبیب، *المحبر*، بیروت، دارالآفاق الجدیدہ، بی تا.
١٣. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ق.
١٤. بیہقی، ابوبکر، *دلائل النبویہ*، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ١٤٠٥ ق.
١٥. دارقطنی، علی بن عمرو، *المؤتلف و المختلف*، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ١٤٠٦ ق.
١٦. دینوری، ابن قتیبہ، *المعارف*، قاہرہ، الہیئۃ المصریہ، ١٩٩٢ م.
١٧. ذہبی، شمس الدین، *تاریخ الإسلام*، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤١٢ ق.
١٨. زبیر بن بکار، *جمہرہ نسب قریش*، قاہرہ، دارالعروبہ، ١٣٨١ ق.
١٩. زبیری، مصعب بن عبد اللہ، *نسب قریش*، قاہرہ، دارالمعارف، بی تا.
٢٠. صفدی، خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٤٢٠ ق.
٢١. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، دارالتراث، ١٢٨٧ ق.

۲۲. عسقلانی، ابن حجر، *الإصابة*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. مزی، جمال الدین، *تهیّب الکمال*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۰ ق.
۲۴. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. مقریزی، احمد بن علی، *امتاع الاسماع*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۲۶. نووی، یحیی بن شرف، *تهذیب الاسماء واللغات*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲۷. نویری، احمد بن عبد الوهاب، *نهایه الأرب*، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۲۲ ق.

معرفی کتاب دارالسیّدة خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکة المکرمه

رضا مختاری

احمد زکی یمانی، وزیر نفت اسبق عربستان، مؤسسه‌ای به نام «مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی» تأسیس کرده است. این مؤسسه، تاکنون منشأ خدمات بسیاری بوده، از جمله نشر فهرست نسخه‌های خطی تعدادی از کتابخانه‌های افریقا، تدوین و نشرشش جلد رحلی *موسوعه مکة المکرمه والمدینه المنوره*، و از همه مهم‌تر، تصحیح بسیار دقیق و نشر فهرست ابن ندیم در چهار جلد با فهرست‌های گوناگون، با این‌که نویسنده آن ابن ندیم شیعه امامی اثناعشری است. این کتاب به عنوان کتاب سال جهانی جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. شعبه اصلی مؤسسه فوق لندن است و دو شعبه فرعی هم در جدّه و قاهره دارد.

زکی یمانی عنادی با شیعه ندارد و برخی از عالمان شیعه ایرانی در گروه‌های پژوهشی مؤسسه وی عضویت دارند؛ از جمله: حجت‌الاسلام جناب آقای سیدهادی خسروشاهی و آقای سیدکاظم موسوی بجنوردی، سر ویراستار *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. زکی یمانی در ماه رمضان در مسجد الحرام، به یکی از روحانیان ایرانی برخورد و به وسیله وی، برخی آثار مؤسسه الفرقان را برای کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی فرستاد. آیت‌الله زاده ایشان حجت‌الاسلام آقای سید محمود مرعشی می‌گفت: «ظاهراً ایشان سید است و مرا به منزلش در جدّه دعوت نمود و بسیار احترام کرد».

یکی از منشورات خوب مؤسسه کتاب *دارالسیّدة خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکة المکرمه: دراسة تاریخیة للدار وموقعها وعمارته* است که به قلم خود زکی یمانی

است. با توجه به مخالفت اساسی وهابیت با آثار تاریخی حرمین شریفین و احیاء آن‌ها، اقدام زکی یمانی می‌تواند نشانه‌ای از بی‌اعتنایی به وهابیت باشد. وی در پشت جلد کتاب، آن را این چنین معرفی می‌کند:

بررسی خانه خدیجه بنت خویلد علیها السلام درمکه مکرمه، از لحاظ تاریخی، علمی و معماری. خانه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با همسرش در آن زندگی کردند و فرزندانش در آن به دنیا آمدند و در آن وحی را تلقی کردند و از آن جا به سفر معراج و اسرافتند. خانه‌ای که طبری و دیگران درباره‌اش گفته‌اند: «برترین مکان‌ها در حرم بعد از مسجدالحرام، خانه خانم خدیجه علیها السلام است.

کتاب را یک مقدمه، پنج فصل، نتایج و خاتمه، فهرست‌ها و جداول تشکیل می‌دهد. عناوین فصل‌ها از این قرار است:

فصل اول: سرگذشت أم المؤمنین سیّدة خدیجه بنت خویلد علیها السلام؛

فصل دوم: جایگاه خانه سیده خدیجه علیها السلام و خانه‌های اطراف آن؛

فصل سوم: بنا و تعمیر خانه سید خدیجه علیها السلام در طول تاریخ از دیدگاه روایات تاریخ‌نگاران؛

فصل چهارم: خانه سیده خدیجه علیها السلام در سفرنامه‌های مکّه؛

فصل پنجم: خانه سیده خدیجه علیها السلام در حفاری‌ها و خاک‌برداری‌های سال ۱۴۱۰ ق.

گروهی ده نفره از مهندسان و کارشناسان، زکی یمانی را در این پژوهش یاری داده‌اند که در صفحه یازده نامشان ذکر شده است.

زکی یمانی در مقدمه به شکل گذرا، اشاره می‌کند که این خانه پربرکت حدود چهارده قرن برپا بود تا این‌که بعد از سال ۱۳۴۴ قمری آن را از بین بردند. - البته جرأت نکرده بگویند وهابیت و آل سعود آن را خراب کردند! - و اضافه می‌کند که جهانگرد معروف الدون ریترا در سفرنامه مکّه مکرمه به سال ۱۳۴۴، آن را دیده و وصف کرده است.

فصل چهارم و پنجم شاید، جالب‌ترین فصل کتاب باشد که گزارش سفرنامه‌های مسلمانان و شرق‌شناسان به زبان عربی و دیگر زبان‌هاست اما طبعاً سفرنامه‌های فارسی و شیعی را بررسی نکرده که خود می‌تواند موضوع مقاله‌ای مستقل باشد.

هم‌چنین مهم‌ترین حوادث و وقایعی که در این خانه اتفاق افتاده، در فصل اول بررسی شده و آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این خانه حدود بیست و هشت سال زندگی کردند: سیزده سال در مدت بعثت و پانزده سال قبل از آن. (ص ۲۵ - ۲۶).

هم‌چنین به نقل از کتاب *الأماكن المأثورة في مكة المكرمة*، آورده است که عده زیادی از علما و تاریخ‌نویسان از جمله ازرقی، فاکهی، ابن جوزی، محب‌الدین طبری، عزالدین ابن جماعة، تقی‌الدین فاسی، جمال‌الدین ابن ظهیره، محمد بن علان الصدیقی و صباغ، از اهمیت و فضیلت این خانه سخن گفته‌اند و قاضی عیاض (م ۵۴۴ ق) در کتابش، *الشفاهة بعرف حق المصطفى* صلی الله علیه و آله و سلم (ج ۲، ص ۶۲۱ - ۶۲۴) گفته است:

من إعظامه وإكباره، إعظام جميع أسبابه، وإكرام جميع مشاهدته، و أمكنته من مكة والمدينة، ومعاهده وما لمسه صلى الله عليه وآله أو عُرِفَ به... و جديراً لمواطن عمرت بالوحى والتنزيل، وتردد بها جبريل و ميكائيل، و خرجت منها الملائكة والروح، واشتملت تربتها على جسد سيد البشر، وانتشر عنها من دين الله و سنته رسوله ما انتشر، واول أرض مس جلد المصطفى ترابها، أن تعظم عرصاتها، وتنتسم نفحاتها، وتقبّل ربوعها و جدرانها.

زکی‌یمانی در پایان این فصل می‌افزاید:

این خانه، محاصره کفار و عزم آنان به قتل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را - هنگامی که آن حضرت تصمیم گرفتند به یشرب هجرت کنند - شاهد بوده است و علی بن ابی طالب علیه السلام در سال سیزدهم بعثت در این خانه به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوابیدند. (ص ۲۶)

در فصل دوم پس از مباحثی، نتیجه می‌گیرد: در روزگاری به این خانه، «مولد السیّده فاطمه علیها السلام» نیز اطلاق شده است و می‌نویسد:

از نصوص تاریخی استفاده می‌شود که خانه حضرت خدیجه علیها السلام در شمال شرق مسجد الحرام بوده و جای آن در حال حاضر، در ساحت و فضای باز شرق مسجد مقابل باب السلام فعلی به فاصله دوازده متر از آن است.

سپس می‌افزاید:

من شخصاً با برخی از مسئولان و اهل فن در ماه رمضان ۱۴۲۵ بررسی کردیم و معلوم شد برخلاف ادعای برخی که گفته‌اند: خانه در محدوده دست‌شویی‌های بیرون مسجد الحرام [نزدیک باب‌المروه] بوده،^۱ خانه همان جایی است که ما گفتیم؛ یعنی دوازده متری روبه‌روی باب السلام فعلی. (ص ۳۴ - ۳۵)

در فصل سوم، نتیجه‌گیری می‌کند که خانه‌های مکّه قبل از ظهور اسلام تا زمان فتنه عثمان، به احترام کعبه، دایره‌ای شکل بوده است نه مربع و طبعاً خانه حضرت هم در شکل اولیه خود مدور بوده است. (ص ۴۱) او می‌افزاید: این خانه تا نیمه قرن چهاردهم [یعنی زمانی که وهابیان آن را خراب کردند]، بسیار مشهور و آثار آن معلوم بود و به تواتر این شناخت برای اهل مکّه نسل‌بعد نسل و به برکت کتاب‌های تاریخ و مناسک و سفرنامه وجود داشت و علاوه بر اهمیت آن از دیدگاه اسلام، از لحاظ تاریخی و اجتماعی و آثار باستانی نیز مهم به شمار می‌رفت و پادشاهان و حاکمان حجاز، عنایت ویژه‌ای به آن داشتند. در نیمه دوم سده ششم هجری، ابن جبیر خانه را وصف نموده و از حجره قبه‌الوحی و حجره دیگری یاد کرده که محل ولادت حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. فاسی نیز در سده نهم گفته: معماری این خانه به شکل مسجد است، هرچند به خانه شهرت یافته است. (ص ۴۴ - ۴۵)

۱. سال‌ها پیش مرحوم سیدباقر نجفی در نامه‌ای به پادشاه عربستان اعتراض کرده که چرا جای خانه حضرت خدیجه علیها السلام و محل نزول وحی، دست‌شویی ساخته‌اند. این نامه در مجله *میقات حج* چاپ شده است.

نویسنده در این فصل، به تفصیل و با دقت، اندازه حجره مولد فاطمه علیها السلام و قبه الوحی و نیز مُحْتَباً را با ذراع مشخص کرده و با تصویر و نقشه نشان داده است.

هم چنین گزارش تاریخ نگاران در قرون متمادی از ویژگی های خانه، مانند اسفراینی (م ۷۸۶) در *زبده الاعمال*، محبّ طبری، ابن ظهیره، ابن فهد، صاحب *ارج مکی* و نویسنده *مرآة الحرمین* را آورده و جالب است که در دوره هایی، این خانه به اسم «مولد فاطمه» علیها السلام شهرت داشته است. سند تعمیر و بازسازی آن در سال ۶۰۳ قمری به امر ناصر عباسی (م ۶۲۲) بوده که بر لوحی سنگی نقش بسته آمده است:

أمر بعمارة مرید مولد الزهراء البتول فاطمة، سیّدة نساء العالمین، بنت الرسول محمد المصطفی المختار صلی الله علیه وآله وسلّم....

پس از این تاریخ، در عهد ممالیک در عهد سلطان اشرف و سپس در سال ۸۰۱ و نیز در عهد عثمانی ها به سال های ۹۳۱، ۱۰۲۰، ۱۰۴۲، ۱۱۲۲، ۱۳۴۱ - ۱۳۴۳ قمری، خانه تعمیر و بازسازی شد [تا این که در سال ۱۳۴۴ به دست وهابیان تخریب گردید]. هیکل که در سال ۱۳۵۴ از محل خانه بازدید کرده، درباره مولد فاطمه علیها السلام گفته است:

فهو اليوم فضاء لا أثر فيه، ولعلّ أولى الأمر فی الحجاز یفکرون فی تعمیره.

پس از وی، محمد لطفی جمعه در سفرنامه اش به سال ۱۳۷۰ گفته است:

ولذا قصدت دار خدیجه علیها السلام... فلم یهمّنی أن أراها قطعة أرض فضاء، مادمتُ أرى البقعة نفسها... ویکفنی أن تقول: «هنا عاش محمد و خدیجه و رزقا أولادهما جميعاً». (ص ۵۲ - ۵۸)

ملک عبدالعزیز پادشاه حجاز، در ماه جمادی الأولى سال ۱۳۷۰ زمین خانه حضرت خدیجه علیها السلام را برای ساخت مدرسه ای برای حفظ قرآن، و مولد رسول

۱. مُحْتَباً جایی در خانه بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای در امان ماندن از شرّ مشرکان مکه، در آن پناه می گرفته اند.

خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را برای ساخت کتابخانه‌ای بزرگ، به شیخ عباس قَطّان شهردار وقت مکّه واگذار کرد و به همت وی، مدرسه‌ای ساخته شد به نام «مدرسه السیّد [کذا] عباس فی دارُ أم المؤمنین خدیجه رضی الله عنها» که در سال ۱۴۱۰ قمری در طرح توسعه اطراف مسجدالحرام از سمت شرق، تخریب گردید (ص ۵۹ - ۶۰) نویسنده در فصل پنجم، به تفصیل به چگونگی این تخریب و آثار یافت شده هنگام خاک برداری محل خانه می‌پردازد. او در فصل چهارم، به تفصیل به سخن سفرنامه نویسان درباره خانه و تطبیق و مقایسه آن با سخن تاریخ‌نگاران پرداخته و از این سفرنامه نویسان یاد کرده است:

۱. ابن جبیر در اواخر سده ششم (سال ۵۷۹ ق)؛
 ۲. ابن بطوطه در ثلث اول سده هشتم؛
 ۳. عبدالله بن محمد عیاشی در نیمه سده یازدهم هجری (سال ۱۰۵۹ ق)؛
 ۴. اولیا چلیپی در سال ۱۰۸۲؛
 ۵. جهان‌گرد سوئسی برکهارت (Burckhardt) در سال ۱۲۲۹ که حتی نقشه مکّه مکرمه و محل خانه را در آن ترسیم کرده است؛
 ۶. جهان‌گرد انگلیسی برتون (Burton) در سال ۱۲۶۹؛
 ۷. ایوب صبری پاشا (م ۱۳۰۸) در اوایل سده چهاردهم؛
 ۸. جهان‌گرد هلندی سنوک (Snouk) در سال ۱۳۰۳؛
 ۹. بتنونی در سال ۱۳۲۷؛
 ۱۰. ابراهیم رفعت پاشا در اوایل سده چهاردهم؛
 ۱۱. ال‌دون ریتدر در سال ۱۳۴۴؛ وی از میان سفرنامه نویسان، آخرین کسی است که خانه را دیده و درباره آن گزارش کرده است. (ص ۶۴ - ۸۸)
- پس از آن هیکل در سال ۱۳۵۴، ابراهیم محمد حبیب در سال ۱۳۵۶ و محمد لطفی جمعه در سال ۱۳۵۹ قمری محل خانه و خرابه‌های آن را دیده‌اند و درباره چگونگی خانه، به نقل گزارش‌گران پیشین مانند بتنونی بسنده کرده‌اند.
- در سال ۱۴۱۰ در طرح توسعه فضای بیرون مسجدالحرام از سمت شرق، در

خاک برداری از محل خانه، آثار آن به صورتی واضح کشف گردید و مطابقت آن آثار با گفته‌های تاریخ‌نگاران و سفرنامه‌نویسان به خصوص بتنونی روشن شد. مسئولان حفاری با دقت زیاد از آثار خانه عکس برداری نمودند و سپس برای حفظ و بقای آن به حالت اول، آن را با خاک نرم و رمل پر کردند و روی آن را پوشاندند. فصل پنجم کتاب در حدود ۴۵ صفحه متضمن شرح این موضوع است.

زکی یمانی در فصل پنجم، به تفصیل از حفاری سال ۱۴۱۰ و کشفیات آن همراه با نقشه‌ها و تصاویر زیبا و فراوان آن سخن گفته است. وی می‌گوید: به مجرد این‌که آگاه شدم که در حین حفاری، آثاری از خانه به دست آمده است، شخصاً از خانه بازدید نمودم و همه امکانات را برای ثبت و ضبط دقیق و ترسیم نقشه‌های آن آثار، بسیج کردم. از گروهی از مهندسان و استادان فن استمداد جستم و این کار حدود یک ماه، از ۲۹ ربیع‌الآخر ۱۴۱۰ تا ۲۷ جمادی‌الأول ۱۴۱۰، به طول انجامید.

وی یافته‌های خود را در این فصل، به دقت با گزارش‌های تاریخ‌نویسان و مصادر تاریخی مقایسه کرده و با ترسیم نقشه‌ها و تصاویر رنگی بسیار زیبا و جذاب از محل خانه حضرت و حفاری‌ها و بررسی و موشکافی جزئیات خانه، مانند ورودی خانه، حجره قبه‌الوحی، حجره مُخْتَبَأ، رواق اول و دوم، صحن مابین آن‌ها و محل مرید مولد فاطمه علیها السلام، به این فصل اهمیت خاصی بخشیده است و به عنوان مسک‌الختم این فصل می‌گوید:

طی عملیات حفاری و خاک برداری، قطعه‌ای از آسیا یافتیم که گفته‌اند حضرت فاطمه علیها السلام با آن حبوبات را آسیا می‌کرده‌اند.

پایان بخش کتاب، نتایج این بررسی به شمار می‌آید که به طور خلاصه در پنج صفحه (ص ۱۳۷ - ۱۴۱) آمده است.

با این همه، کتاب از نقاط ضعف خالی نیست؛ اولاً معاویه در آن تکریم شده یعنی همه جا پس از نام او دعای «رضی الله عنه» دیده می‌شود. نیز در کل کتاب بر اساس فهرست اعلام، تنها سه بار از [امیرالمؤمنین] علی علیه السلام یاد کرده: یک بار

به مناسبت مکان ولادت آن حضرت، که آن را - برخلاف مشهور - مانند مولد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شعب بنی هاشم (شعب ابوطالب) ذکر کرده (ص ۸۴) و یک بار به مناسبت خوابیدن حضرت به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن خانه در شب هجرت (ص ۲۹) و بار دیگر که خالی از شیطنت نیست، به مناسبت این که حضرت امیر علیه السلام در این خانه اسلام آورد هم چنان که حضرت خدیجه علیها السلام، ولی با تعبیری که گویا حضرت امیر اولین مردی نبودند که اسلام آوردند. وی می نویسد:

وفيهما أسلمتُ خديجة عليها السلام فهي أول من آمن بدعوته صلی الله علیه و آله و سلم إلى الإسلام، كما أسلم فيها زيد بن حارثة - رضی الله عنه - مولی لخديجة عليها السلام وفيها أسلم علي بن أبي طالب عليه السلام الذي تربى في هذه الدار. (۲۵)

هم چنین به رغم اینکه از ابوسفیان، ابوجهل و ابوبکر نام برده، هیچ جای کتاب اسمی از حضرت ابوطالب علیه السلام - به شکل مستقل نه علی بن ابی طالب - نیست.

منبع

۱. زکی یمانی، أحمد، دارالسيدة خديجة بنت خويلد عليها السلام في مكة المكرمة: دراسة تاريخية للدار وموقعها وعمارتهما، الطبعة الأولى، لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامي، فرع موسوعة مكة المكرمة والمدینة المنورة، ۱۴۳۴ ق / ۲۰۱۳ م.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام تندیس درایت، نجابت، عطوفت، اخلاق و فضایل

علامه رضا گلی زواره

مقدمه

با نگاهی به تاریخ حیات زن در دوران‌های گذشته و بررسی و ارزیابی رویدادهای جوامع گوناگونی که بانوان نقشی را در آن‌ها عهده‌دار بوده‌اند، این نکته آشکار می‌گردد که هرگاه زنان به سوی پاکی درون، صفای قلب و تهذیب نفوس گام بردارند و به عوالم معنوی گرایش یابند، چنان منزلت و اراده‌ای به دست می‌آورند که می‌توانند در تاریخ هر سرزمینی تحول‌آفرین باشند.

خدیجه کبری علیها السلام در زمره بانوانی است که در جزیره‌العرب چون ستاره‌ای پرفروغ طلوع کرد؛ در سرزمینی آغشته به جاهلیت، شقاوت و ستم که مسیری پرانحطاط را می‌پیمود و شعله‌های ایمان و خرد در آن به خاموشی گراییده بود. خاندانی بااصالت به نام «قریش»، در مکه معظمه، روزگار می‌گذرانیدند. اگرچه در محیط آن روز به دلیل فاصله گرفتن از تعالیم پیامبران، از ارزش‌ها و موازین انسان‌ساز خبری نبود و دشمنی، تبعیض، نزاع و انواع خودخواهی و هرزگی، فضای تیره‌ای پدید آورده بود، این بانوبه دور از همه این آشفتگی‌ها، در مسیر حق‌جویی و راستی قرار داشت. به دلیل همین شرافت ذاتی و نسبی، اولین بانویی بود که شایستگی دریافت پیام توحید را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دست آورد و برای اعتلای آیین اسلام، فداکاری‌های ستودنی از خود بروز داد. بانویی جذاب و نورانی که در میان جامعه و مردم، بسیار شریف و محترم بود و

در امور خود از هوشمندی، درایت و کاردانی بهره داشت. خداوند متعال بر اثر درست‌اندیشی، اخلاص و صدق نیت خدیجه، این افتخار را به وی داد که تمامی توانایی‌های فکری و مادی خود را برای رونق دیانت و ترویج فرهنگ اسلامی و دفاع از فضایل و مکارم به کار گیرد و در حساس‌ترین و سخت‌ترین اوضاع، در استواری پایه‌های یکتاپرستی مشارکت نماید. در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، کدامین بانو غیر از خدیجه را می‌توان به جامعه معرفی کرد که با شوقی وصف‌ناپذیر، مهر و ایمانی استوار، بی‌آن‌که تردیدی به دل خویش راه دهد و یا ذره‌ای از باورش به تکریم همیشگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بکاهد، دعوت دین را پذیرا گردد و با آن همه ثروت، تنعم، نازپروردگی و زیستن در رفاه و امکانات فراوان، از تمامی دارایی‌های خود با خشنودی خاطر بگذرد و در هنگامه‌ای محنت‌زا در کنار همسر خود بایستد و شریک دشوارترین رنج‌ها و آزارها باشد؟ بنابراین شایسته است تمام مسلمانان جهان مقامش را تکریم نمایند و خدمات ایثارگرانه‌اش را ارج نهند.

از نسل باصلا بت

او دختر «خویند» فرزند «اسد بن عبدالعزی» فرزند «قصی» فرزند «کلاب» بود. قصی جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌آمد. با این وصف، خدیجه با چند واسطه، عموزاده پیامبر بود و ریشه خاندانش در قصی با خاندان حضرت ختمی مرتبت متحد می‌شد؛ از این رو گاهی آنان هم دیگر را پسرعمو و دخترعمو خطاب می‌کردند. اسد بن عبدالعزی جد پدری خدیجه، از شخصیت‌های برجسته عصر خود بود. بیست سال قبل از بعثت، عده‌ای از بزرگان مکه از جمله اسد برای حفظ امنیت مکه و توابع، جلسه‌ای مشورتی تشکیل دادند و هم‌پیمان گشتند تا به حقوق مظلومان و محرومان رسیدگی کنند و از ستم جفاکاران جلوگیری نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همان سال‌های تشکیل این محفل در بیست سالگی به آن پیوستند. میثاق مزبور در خانه «عبدالله بن جدعان» منعقد

گردید و پیامبر برای آن احترام شایان توجهی قائل بودند و بعد از بعثت تأکید می فرمودند:

اگر اکنون هم مرا به عضویت در آن پیمان فرا بخوانند می پذیرم، زیرا در پیمانی شرکت کرده ام که نمی خواهم آن را نقض کنم، اگرچه بهای آن شتران سرخ موی حجاز باشد.

عضویت اسد در کنار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این پیمان، به منظور دفاع از حقوق ستم دیدگان و بازداری ستم گران از شقاوت و شرارت، مؤید آن است که ایشان از خیرخواهان و خردمندان عصر خود بودند و در حفظ آرامش روانی جامعه می کوشید.^۱

خویند نیز از شجاعت و دلیری، بهره ای وافر داشت و در میان خاندانش به سلحشوری و قهرمانی معروف بود.^۲

نسب خدیجه از ناحیه مادر چنین است: دختر «فاطمه» دختر «زائده» فرزند «اصم»، فرزند «رواحه»، ادامه این سلسله به «لوی بن غالب» جد هشتم رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می رسد. از سوی دیگر «هاله»، مادر بزرگ خدیجه عليها السلام دختر «عبدمناف» جد سوم پیامبر بود و از این طریق سلسله نسب خدیجه با سومین جد پیامبر متحد می گردد.^۳

القاب شایسته

خدیجه عليها السلام قبل از ولادت (تولد او در ۶۷ یا ۶۸ سال قبل از هجرت بوده است). در کتاب آسمانی *انجیل* به عنوان بانوی مبارکه و همدم مریم در بهشت معرفی گردیده بود.^۴

در عصر جاهلیت و در آن فضای آلوده به فساد و انحراف که زن های پاک دامن

۱. *سیره ابن هشام*، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ *البدایه والنهایه*، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲. *الروض الانف*، ج ۱، ص ۲۱۳.

۳. حاج محمد هاشم خراسانی، *منتخب التواریخ*، ص ۸۲؛ *سیره ابن هشام*، ج ۱، ص ۲۰۱.

۴. *محدث قبی، کحل البصر*، ص ۷۰؛ *بحار الانوار*، ج ۲۱، ص ۳۵۲.

از نوادر به شمار می‌رفتند و بسیاری در ضلالت غوطه‌ور بودند، خدیجه به دلیل قداست و پاکی در تمامی ابعاد اخلاقی و رفتاری، «طاهره» خوانده می‌شد.^۱ شخصیت خدیجه در همان عصر چنان چشم‌گیر و محترم و مکرم بود که او را با عنوان «سیده نسوا» (سرور بانوان) مدح و تجلیل می‌کردند.^۲ در دعای ندبه از خدیجه با عنوان «غزّا» یاد شده است. براساس برخی روایات، ابوطالب در خطبه عقد ازدواج خدیجه، وی را کریمه و دارای مقام شامخ معرفی کرد. این لقب نیز از شرافت و مقام عالی این بانو حکایت دارد.^۳ خدیجه با آن که بانوی بانوان قریش و ملکه حجاز بود، نسبت به محرومان و یتیمان و سرپرستی و دستگیری از آنان توجه ویژه داشت. به همین دلیل، از عنوان «ام‌الایتام» (مادر یتیمان) لذت می‌برد و این لقب را بر سایر القاب ترجیح می‌داد. به همان میزان که به امور اینان اهتمام می‌ورزید، به ثروتمندان، سرداران نامی و رؤسای قبایل چندان اعتنایی نداشت.^۴ کنیه‌های خدیجه عبارتند از: «ام‌هند»، «ام‌الزهرّا» و «ام‌المؤمنین».^۵

بر کرانه کمالات

خدیجه در خانواده‌ای به رشد و شکوفایی رسید که از ریشه‌دارترین و اصیل‌ترین خاندان‌های جزیره‌العرب به شمار می‌رفتند. اما شرافت او، صرفاً به اصالت‌ها و نجابت‌های این محیط تربیتی خلاصه نمی‌گردد، بلکه خود، به صفات پسندیده و خلق نیکو، زبانزد همه گردیده بود. هر یتیمی که در حیات خود نقطه اتکایی به دست نمی‌آورد، هر پدری که قادر نبود برای فرزندان خود

۱. شیخ جعفر حائری، *خدیجه بیت خویلد*، ص ۱۱۹.

۲. ذبیح الله محلاتی، *ریاحین الشریعه*، ج ۲، ص ۲۰۷؛ محمد محمدی اشتهدادی، *حضرت خدیجه اسطوره ایشار و مقاومت*، ص ۲۹.

۳. *بحار الانوار*، ج ۱۶، ص ۶۹.

۴. غلام علی رحیمیان، *مادر نمونه اسلام*، ص ۵-۶.

۵. *خدیجه بیت خویلد*، ص ۵۶-۱۱۹.

لقمه نانی تهیه کند، هرزنی که به دنبال کشته شدن شوهرش بی پناه می ماند و هر محروم و رنج دیده ای که از حمایت های دیگران ناامید می گشت، راهی خانه خدیجه می شد و به سنگر عطوفت و مهربانی و گنج سرشار سخاوتش پناه می برد و به برکت لطف و عنایت او، زخم های زندگی را مرهم می نهاد.^۱

آوازه طهارت و سخاوت آن بانوی قریش تا بدان جا رسید که حتی جامعه عرب جاهلی که غرق در تباهی بودند، وی را «ملیکه العرب» نامیدند. گویا خداوند متعال برای سعادت، عزت و سربلندی او هر چه را که این بانو لازم داشت به وی عنایت فرموده بود.^۲

بر اساس منابع روایی، خدیجه جزء چهار بانوی عالم است که به عنوان برترین زنان روزگاران شناخته شده اند، بانوانی که با درایت، فراست، پارسایی و بررسی های درست و سنجیده و رویارویی خردمندانه با موانع و خطرها، از فرصت ها و امکانات و قوایی که در اختیار داشتند، در جهت تعالی فکری و اخلاقی و رشد معنوی بهره گرفتند و به فرازین قله های انسانی صعود کردند. مقام خدیجه در حدی است که فرشتگان مقرب درگاه الهی به این موضوع مباحثات می کنند که خدیجه سلام آنان را بپذیرد. ابوسعید خدری روایت کرده که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ فرموده اند:

در شب معراج هنگام بازگشت به زمین، از جبرئیل سؤال کردم: «آیا حاجتی داری؟» پاسخ داد: «تقاضایم آن است که از طرف خداوند و من به خدیجه درود بفرستی». موقعی که سلام خدا و فرشته وحی را به او ابلاغ کردم خدیجه گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و اليه السلام و علی جبرئیل السلام؛ به درستی که خداوند خود سلام است و سلام از اوست و به سوی اوست و بر جبرئیل سلام».^۳

بدیهی است علت علاقه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ به خدیجه صرفاً ارتباط زناشویی

۱. محمدتقی کمالی، شکوه زندگی، ص ۱۹.

۲. سید محمد صادق موسوی گرمارودی، آخرین پیام آور، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۲.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۳؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷.

نبود، بلکه این اشتیاق به دلیل کمالات ظاهری و معنوی و خدمات او در جهت ترویج توحید و فضیلت‌های قرآنی بود.

پارسایی و پایداری

به اتفاق تمام مسلمانان و تاریخ‌نگاران، حضرت خدیجه علیها السلام اولین بانویی بود که اسلام را پذیرفت. به گفته ابن حجر عسقلانی، از امتیازات خدیجه این بود که همواره مقام پیامبر خاتم را تکریم می‌کرد و سخنان آن حضرت را اعم از فرموده‌های قبل و بعد از بعثت تصدیق می‌نمود.^۱

آن بانو نه تنها به تعالیم پیامبرایمان آورد، بلکه در راه انتشار این انوار از خود فداکاری‌ها نشان داد. ایمان خدیجه، پیامبر را به آینده‌ای درخشان برای دعوت نوید می‌داد. هم‌کاری خدیجه در مجاهدت‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان را برای تحقق یافتن اهداف و آرمان‌هایش امیدوار می‌ساخت. البته بدیهی است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که مأموریت الهی داشتند، از پراکندگی جمعیت و افرادی که به ایشان می‌گردیدند، نگران نبودند و مطابق برنامه‌ای که خداوند برای آن وجود والامقام پی‌ریزی فرمود، گام برمی‌داشتند ولی وجود خدیجه که آن نیز نشانه‌ای از لطف الهی بود، در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل اخلاص و حب و فداکاری و ایثار دارایی‌اش، اهمیت و افری داشت. پیامبر سال‌های متوالی بعد از رحلت این بانو، از یادش غافل نمی‌گردیدند و در سوگش گریان بودند و خدمات او را در حصول پیروزی ارج می‌نهادند.

در آن دورانی که همه افراد با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از در مخالفت درآمدند و به اذیتش پرداختند، خدیجه رسالت ایشان را از عمق وجود تأیید کرد و برای حمایت از پیام توحید، به استقبال ناملایمات زیادی رفت؛ در حالی که امکانات یک زندگی آرام و آسوده و سرشار از تسهیلات برایش فراهم بود. خدیجه در نیمه دوم زندگی، این رنج‌ها را تحمل کرد و تنگی معیشت برایش مفهومی نداشت، درک

۱. الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۵.

محرومیت‌ها و پذیرش تلخ‌کامی‌ها بسیار دشوارتر است.

پیوندی پاک

خدیجه بانوی نام‌دار قریش تا آن هنگام که برای اولین بار نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را شنید، روزی نبود که از سوی سران قبایل، تاجران و نام‌داران دیگر از او خواستگاری نشود، اما او همه دست‌ها را پس زد؛ گویا گوهر ارجمند خود را برای چنین وجود مبارکی مراقبت و صیانت می‌کرد. علاقه او به ازدواج با این فرستاده الهی، از فضیلت جویی و اشتیاقش به درستی و راستی سرچشمه می‌گرفت. او با فراستی که در خویش شکوفا ساخته بود، در نهاد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم چیزی فراتر از انسان‌های پیرامونش می‌دید و احساس می‌کرد او می‌تواند زنجیرهای ضلالت را از هم بگسلد و به اسارت آدمی در زندان ستم، جهالت و انحراف خاتمه دهد. سرانجام آرزویش تحقق یافت و لیاقت همسری پیامبر را به خود اختصاص داد. زیستن بعد از این پیوند پاک، نیایش‌های شویب، رفت‌وآمد در غار حرا، اعتکاف در شکاف کوه، شب اول وحی، آن صبح نزول نخستین آیه قرآن و ایمان آوردن به تعالیم پیامبر و نمازخواندن با او، همه برایش کمال‌آفرین و سعادت‌بخش بود.

در وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر که به گواه قرآن و سخن راویان و تاریخ‌نگاران، دقیق، سنجیده و بدون گزافه و کاستی، وصف و نقد می‌کرد، در سخنی فرمودند:

به درستی که خداوند از میان بانوان چهار نفر را برگزید (اسوه انسان‌ها قرار داد) که عبارتند از: «مریم»، «آسیه»، «خدیجه» و «فاطمه».^۱

روزی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای فراهم آمدن مقدمات ازدواج فاطمه زهرا رضی الله عنها با حضرت علی رضی الله عنه، گرد آمدند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند:

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.

«والدین ما به فدایت ای فرستاده الهی! برای صحبت درباره موضوعی اجتماع کرده ایم اما اگر خدیجه در اینجا بود، چشمش بر آن روشن می‌گردید».
به گفته «ام سلمه»، تا نام خدیجه بر زبان آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریستند و فرمودند:

خدیجه! کجاست زنی هم چون خدیجه؟! در آن هنگام که مردم رسالت مرا تکذیب کردند، او مصدق من بود و برای رونق دین خدا با من هم‌کاری نمود؛ با دارایی خویش برای پیشرفت دیانت کمک کرد. خداوند به من فرمان داده است که خدیجه را به داشتن خانه‌ای در بهشت که زنجی در آن نخواهد بود، مژده دهم.^۱

از منظر منظومه منور

حضرت علی علیه السلام در «خطبه قاصعه» فرموده‌اند:

در آغاز بعثت و طلوع اسلام، هنوز اسلام به خانه‌ای راه نیافته بود مگر خانه رسول خدا و خدیجه؛ و من سومین نفر بودم.^۲
روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمودند: «تو همسری همچون فاطمه و مادر زنی هم چون خدیجه داری».^۳
امام حسن مجتبی علیه السلام که در زیبایی ظاهری در میان بنی هاشم ضرب‌المثل بود می‌فرمایند:

در آن هنگامی که خداوند صورت‌گری می‌کرد، من شبیه‌ترین افراد به خدیجه کبری بودم.^۴
در دعای ندبه خطاب به امام زمان (عج) می‌خوانیم: «کجاست فرزند خدیجه روشن جبین!»

۱. همان، ص ۱۳۱-۱۳۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳. بحار انوار، ج ۴۰، ص ۶۸.

۴. همان ج ۲۴، ص ۳۱۶.

در نگاه بزرگان دنیای اسلام

ابوطالب درباره خدیجه فرمود:

همانا خدیجه بانویی کامل، بابرکت و زیننده به شمار می آید و ساحت وجودش از هرگونه ننگی به دور است. بانویی باشخصیت و آبرومند است.^۱

ابن حجر عسقلانی می نویسد:

از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر را تکریم می کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت تصدیق می نمود.

هشام بن محمد گفته است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کارها با خدیجه مشورت می کردند. او یار صدیقی برای پیامبر بود و حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وی احترام می گذاشتند.

عبدالرحمان بن جوزی گوید:

چون امر نبوت آشکار گردید، خدیجه برگزیدن به پیامبر، از دیگران سبقت گرفت. همه فرزندان پیامبر به جز ابراهیم از خدیجه اند.

حافظ عبدالعزیز جنابذی در کتاب *معالم العترة النبوه* می نویسد: «

خدیجه از لحاظ نسب، پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آنان بود. تمامی افراد قومش سخت بر ازدواج با او، اصرار داشتند ولی او خودداری ورزید و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: «من به شما محبت دارم به دلیل خوش اخلاقی، راست گفتاری، امانت داری و خویشاوندی و شرف شما در میان قومت».

هم چنین عمر ابونصر گوید:

به خدیجه دختر خویلد بانوی جلیل القدر عرب، شرف نسب، کرامت گوهر، سروری قبیله، عزت عشیره و فراوانی مال ختم گردیده است. به همین دلیل نیاز محرومان را تأمین می کرد؛ گرسنه را اطعام می نمود و برهنه را می پوشانید. خدیجه در اخلاق و ثروت، میان همگان خویش منحصر به فرد بود.

۱. همان، ج ۴۴، ص ۱۶، ص ۵۷-۵۶.

عمر رضا کحاله نیز می نویسد:

خدیجه در خانه مجد و سروری متولد گردید و با اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دوران دیشی و پاک دامنی متصف گردید. هم چنین علامه سید عبدالحسین شرف الدین می گوید:

خدیجه، صدیقه این امت و از حیث ایمان به خداوند متعال و تصدیق وحی و یاری رسول او، نخستین کس است. او مدت بیست و پنج سال شریک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و با ایثار مال، به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار، از ایشان دفاع می کرد و آن چه کافران از عذاب در راه رسالت نصیبش می کردند، به او تسلی می داد. او با علی علیه السلام در غار حرا بود، هنگامی که اولین بار وحی نازل شد.^۱

علامه محمد باقر مجلسی می نویسد:

خدیجه یاور راستین و باعتبار اسلام بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله حمایت های بی دریغ و کارسازش، در رسیدن به هدف های بلند خود آرامش می یافت. به همین دلیل است که فرشته وحی از سوی خداوند متعال به او درود می فرستد.^۲

از دید زنان نامور

حضرت زینب کبری، نواده خدیجه، در یازدهم محرم سال ۶۱ هجری، هنگامی که در کنار پیکرهای شهیدان کربلا آمد، بعد از ذکر پیامبر و حضرت علی علیه السلام، از جد هاشم خدیجه یاد کرد و فرمود: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه کبری باد!»^۳

ام سلمه می گوید:

ای رسول خدا به راستی خدیجه همان گونه بلند مرتبه، با اخلاص،

۱. زنان بزرگ اسلام، ج ۱؛ علی محمد علی دخیل، خدیجه، ص ۳۱-۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۱.

۳. همان، ج ۴۵، ص ۵۹.

درست اندیشه و دارای کرداری شایسته بود که شما همواره وصفش می‌کردید.

دکتر بنت الشاطی می‌نویسد:

خدیجه اشرف امهات مؤمنین و نزدیک‌ترین همسران پیامبر به آن حضرت و عزیزترین آنان نزد آن بزرگوار چه در زندگی و چه پس از مرگ است. مدت بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داشت و هیچ زنی را در این افتخار با او شریک نیست. در سال نخستین اسلام که توأم با نرج و مشقت بود در کنار آن حضرت قرار داشت و به آن وجود گرامی، کمک و همراهی می‌رساند و دشواری‌هایی را که آن بزرگوار در راه رسالتش از جانب قریش می‌دید، آسان می‌کرد. روح پیامبر نزد خدیجه بیش از دیگران آرام می‌گرفت.^۱

از زبان و قلم نویسندگان غیرمسلمان

کنستانتین ویرژیل گئورگیو^۲ نویسنده رومانیایی می‌نویسد:

خدیجه برای محمد فقط یک زن نبود، بلکه صمیمی‌ترین دوست و مشاور او محسوب می‌گردید. پیامبر او را دوست می‌داشت و بیست و پنج سال مداوم به خدیجه وفادار ماند. هر موقع که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم راجع به برنامه‌های خود با خدیجه صحبت می‌کرد، خدیجه بهترین راه را که به نظر می‌رسید پیشنهاد می‌داد و در مواقعی، حضرت از دیدگاه‌های او استفاده می‌نمود. با این‌که خدیجه بازرگان بود و معمولاً تاجران صرفاً به کسب و کار خود توجه دارند، وقتی پیامبر، به رسالتی بزرگ مبعوث شد، به او ایمان آورد و بعد از آن هم تمام اموال خویش را در راه اسلام به مصرف رسانید، به طوری که وقتی از دنیا رفت هیچ ثروتی نداشت.^۲

«بودلی» در کتاب *الرسول* نوشته است:

فضای اطمینان بخشی را که عقیده و ایمان خدیجه در مراحل اولیه به

۱. دکتر بنت الشاطی، ترجمه سیدرضا صدر، *بانوی کریلا*، ص ۳۲-۳۳.

۲. کنستانتین ویرژیل گئورگیو، محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری که از نو باید شناخت، ص ۱۱۷-۱۱۸.

وجود آورده بود، امروز می‌توان با یک ششم سکنه عالم برابر دانست.^۱
هم چنین خانم آنه ماری شیمیل آلمانی می‌نویسد:

وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ۲۵ سالگی رسید، با بانویی ازدواج کرد که شیفته صداقت و درستی او گردیده بود. با آن‌که این زن بزرگ‌تراز شوهرش بود، پیوندشان توأم با خوش‌بختی بود. هم شیعه و هم سنی او را به‌عنوان بانویی پاک‌گهر بسیار ستایش می‌کنند و او را خدیجه کبری و طاهره، مام مؤمنان و عزیزتر از مادر معرفی نموده‌اند. موقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله در چهل سالگی مخاطب کلام وحی گردید، خدیجه بزرگ‌ترین حامی‌اش بود. محمد در سال دهم بعثت همسر باوفای خود، خدیجه را از دست داد که در روزگار رنج و آمیخته به ناراحتی و حرمان، نیرومندترین پشتیبانش بود.^۲

کارفرمای کارآفرین

در جامعه جاهلی سرزمین مکه، معیارها و امتیازات اجتماعی بر اساس موقعیت طایفه‌ای نسب و حسب، ثروت و خدمه و امکانات تعیین می‌گردید. افراد برای رسیدن به درجات مزبور، به خلاف روی می‌آوردند و به جان و مال اشخاص تعرض می‌نمودند و اموال ضعیفان را به‌زور غارت می‌کردند. در چنین محیط آشفته‌ای، بانویی ثروتمند به نام «خدیجه» زندگی می‌کرد. این زن به دلیل هوشمندی و فراست، دارایی‌های خود را به شکلی مدیریت و نظارت کرد که اولاً از راه نادرست افزایش نیابد و ثانیاً چنان به کار گرفته شوند که در چرخه اقتصادی جامعه، باری از دوش گرفتاران، بی‌کاران و نیازمندان بردارند. خدیجه ثروت خود را که بر اثر فعالیت‌های اقتصادی سالم به دست آورده بود، را کد نگذاشت؛ به‌گونه‌ای که هشتاد هزار شتر در قالب کاروان‌های متعدد، اموال تجاری او را به کانون‌های مهم اقتصادی جهان آن روز- همچون یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان، حبشه، فلسطین و نقاط دیگر- حمل و نقل می‌نمودند. مدیریت و نظارت بر

۱. محمدتقی کمالی، *تسکوه زندگی*، ص ۱۶.

۲. آنه ماری شیمیل، ترجمه حسن لاهوتی، محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا، ص ۱۶-۱۴.

این امور و حلقه ارتباط با کارگزاران، حساب رسی مرتب از دادوستدها و سودهای حاصل از آن، نوعی فراست، هوشیاری، توان مندی فکری و احاطه فوق العاده را می طلبد که خدیجه این اقتدار را به عالی ترین شکل دارا بود.

او با این همه دارایی و اموال فراوان، نمونه بارزی از زهد به شمار می آمد؛ زیرا به ثروت فراوان خویش دل بستگی نداشت و سرمایه خود را در گره گشایی از دشواری های توده جامعه، به کار می انداخت. افرادی که مأمور رسیدگی به امور تجاری اش بودند به عنوان کارگزار، حقوق دریافت می کردند و سود و زیان معاملات مربوط به او بود. این شیوه قرارداد که بیش تر با مردانی فاقد کار و معمولاً از طبقات فقیر منعقد می گردید، دو ویژگی عاقلانه در برداشت: نخست این که برای دیگران فرصت های شغلی به وجود می آورد و افرادی را که به دلیل فقدان سرمایه توان فعالیت های تجاری نداشتند، با پشتوانه مالی خویش به قوانین و راه و رسم بازرگانی درون مرزی و برون مرزی آشنا می ساخت تا آن ها بتوانند بعدها روی پای خود بایستند و با استقلال اقتصادی، به تلاش های خود در این قلمرو ادامه دهند. دوم، با توجه به این که تجارت در عصر جاهلیت کاری شرافت مندانه به شمار می آمد، خدیجه با به کارگیری صدها نفر از افرادی که در میان سالی بودند و فعال اقتصادی به شمار می آمدند، سعی داشت عادت های زشت درآمد های حرام و غارت گری را از آنان دور سازد و از این ره گذر، زندگی آنان را از آلودگی های گوناگون مصون نگه دارد. هم چنین با فرستادن آنان به سرزمین های یمن، شام و نواحی شرقی افریقا، مقدمات آمادگی آنان را در شناخت فرهنگ، آداب و رسوم و سنت های جوامع دیگر بهتر فراهم سازد.

خدیجه به خاندان عبدالمطلب بسیار علاقه مند بود؛ شرافت و تقوای آنان را می ستود و بسیاری از مردان و زنان «آل عبدمناف» را در کاروان های تجاری به کار واداشته بود. این کوشش و مساعدت دائم او، همیشه با نهایت عزت و احترام نسبت به بنی هاشم همراه بود.^۱

۱. با استفاده از منابعی چون *سیره ابن هشام*، ج ۱، ص ۲۰۰-۱۹۹؛ *بحار الانوار*، ج ۱۶ ص ۲۲.

بدیهی است اداره کردن این کاروان گسترده در سطح منطقه‌ای وسیع، آن‌هم در جزیره‌العرب که آغشته به جاهلیت، جور و جفا بود، آن‌هم با مدیریت یک زن، در زمانی که زنان از حقوق اجتماعی محروم بودند و بسیاری از مردان بی‌رحم، دختران بی‌گناه را زنده‌به‌گور می‌کردند- بیان‌گران است که حضرت خدیجه دارای خلاقیت ویژه و نبوغ ذاتی فوق‌العاده بوده و شخصیتی برجسته داشته است.

خدیجه بر اساس اسناد تاریخی و منابع روایی، کنترل‌های ویژه‌ای را در مورد وظایف هریک از کارکنان اعمال می‌کرد؛ برنامه‌ها، کارهای انجام‌شده و نیز محصول تلاش آنان را به صورت دقیق و پی‌گیر مقایسه و بررسی می‌کرد و در صورت صلاحدید، با اعمال اصلاحاتی، از خطا و انحراف‌هایی که در طرح‌ها و هدف‌ها پیش می‌آمد، جلوگیری می‌نمود. ماجرای گماشتن بازرس ویژه‌ای به نام «میسره» در کاروان تجارتی شام بر منش و رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ملزم گردیدن وی در تهیه گزارش جامع از تلاش‌های آن حضرت در این سفر بازرگانی، از درایت او حکایت دارد که منابع تاریخی آن را با دقت جالبی ضبط کرده‌اند. خدیجه می‌کوشید در برنامه اقتصادی‌اش، از تجربه‌ها و دانش‌های دیگران بهره‌برد و برای برنامه‌ریزی در امور تجاری، با افراد خبره و صاحب‌نظر به مشورت می‌پرداخت. انتخاب وقت سفر، نوع کالای موردنیاز در سرزمین مبدأ و نیز خرید اقلام از کشورهای دیگر، میزان محصولات صادراتی و یا وارداتی، ارتباط برقرار کردن کاروان با دیگر کانون‌های تجاری و چگونگی بازاریابی آنان، با کمک مشاوران کاردان تنظیم و تدبیر می‌گردید؛ به‌گونه‌ای که شگفتی همگان را برمی‌انگیخت. کاروان بزرگ بازرگانی او همواره در راه بود؛ از یمن به جانب حجاز و از آن سرزمین به سوی شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی آن عصر. این تشکیلات بعد از سفری موفق و سودی سرشار و عادلانه به سوی مقصد بازمی‌گشت.

بیت بابرکت

عمارتی که خدیجه در آن زندگی می‌کرد، از بهترین خانه‌های مکه به شمار می‌آمد؛ بنایی دوطبقه با ایوان‌های کوچک مشرف بر کعبه و برراه شام. سمت چپ درب خانه اش، سنگی بود به بزرگی یک ذراع و یک وجب که بعدها حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل تیرهایی که از منزل ابولهب می‌آمد، بدانجا پناه می‌بردند.^۱ خدیجه در این خانه، به آلام و درددل‌های بینوایان رسیدگی می‌کرد و درماندگان را پناه می‌داد. یتیمی که دیگر نقطه اتکایی برای خود نمی‌یافت، والدینی که برای تدارک معاش اهل خانواده دچار مشکل می‌شدند، زنی که بعد از به قتل رسیدن شوهرش پناهگاهی نداشت و هر فرد رنج‌دیده و محروم، خانه خدیجه را محل امنی برای خود می‌دید و با امید به امدادگری صاحب‌خانه، از غم و هراس‌های خود کم می‌کرد.^۲ مردم از قبه سبزی که برپام این منزل احداث گردیده بود و نیز ازدحام قشرهای گوناگون در مسیر آن، این منزل را می‌شناختند. خدیجه این خانه و تمامی امکانات و ملزومات آن را بعد از ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در راه اعتلای حق و ترویج معارف قرآنی صرف کرد. چون به خانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رفت، آن وجود مبارک خانه‌ای در کوچه‌ای سنگی برایش بنا کرد که به آن، کوچه عطارها می‌گفتند. این خانه بدان جهت قداست دارد و مبارک است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هنگام اقامت در مکه، آن را محل سکونت خود برگزیدند. به علاوه، این خانه زادگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود. در *رحله* بتانویی آمده است:

در صورتی که در خانه یادشده خوب دقت نمایی، جز سادگی چیزی نخواهی یافت. خانه‌ای که شامل چهار اتاق است. سه اتاق آن اندرونی است که یکی از آن‌ها برای دختران ایشان و دومی برای پیامبر و همسرش خدیجه و سومی برای عبادت آن حضرت بوده است. اتاق چهارم که در بیرون قرار دارد، برای ملاقات با پیامبر و مراجعات مسلمانان در نظر گرفته شده است که این ترتیب بسیار پرجاذبه و ابتکاری است.^۳

۱. زین العابدین رهنما، پیامبر، ص ۲۰۰-۱۹۹؛ *تسکوه زندگی*، ص ۲۰-۱۹.

۲. *تسکوه زندگی*، ص ۲۷-۲۶.

۳. محمد عبایی خراسانی و سیدرضا حسینی نسب، *گنجینه‌های ویران*، ص ۵۴-۵۳.

جهاد اقتصادی

خدیجه چنان‌که در بعد اقتصادی موفق بود و ثروت سرشاری در نهایت خوش‌نامی و پاکی به دست آورد، در انتخاب همسر نیز به توفیقی بزرگ دست یافت. او کسی را به شوهری خود برگزید که اشرف مخلوقات، اعظم ممکنات و مصطفای پیامبران و فرستادگان الهی بود. در همان روزهای اولی که این پیمان پاک برقرار گردید، به پسرعمویش ورقه بن نوفل گفت: «کلید انبارهایی که اموال من را در آن‌ها نگه‌داری می‌کنم به نزد حبیبم محمد صلی الله علیه و آله و سلم ببر و از جانب من به او بگو: تمامی این دارایی‌ها به پیشگاه شما تقدیم می‌گردد آن‌چه دارم ملک اوست؛ هرگونه تصرفی می‌خواهد در آن‌ها بنماید تا بدین وسیله ساحت مقدسش را تکریم و تعظیم کرده باشم». خود را نیز کنیز پیامبر معرفی کرد.^۱

خدیجه برای رشد فضیلت و گسترش اسلام، به جهاد مالی و مقاومت در اوضاع بسیار سخت روی آورد و می‌توان گفت او مصداقی از این آیه قرآن کریمه است: (یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب الیم، تومنون بالله ورسوله تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیر لکم ان کنتم تعملون).^۲

بهترین سند در عظمت جهاد مالی خدیجه، سخن زیبای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمودند:

ما قام ولا استقام دینی الا بشیئین؛ مال خدیجه و سیف علی بن ابی طالب؛^۳

دین من برپا نگردید و استقامت نوزید مگر به دو چیز: ثروت خدیجه و شمشیر امیرمؤمنان علیه السلام.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات این بانوی فداکار آن‌چه صلاح می‌دانستند از

۱. محدث قی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۳.

۲. سوره صف، آیه ۱۰-۱۱.

۳. سید محمد کاظم قزوینی، شجره طوبی شهادت، ص ۶۸.

بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱.

ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱؛ طوبی، ص ۲۲۳؛ شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۸۲.

دارایی او هزینه می‌کردند و بعد از رحلتش، باقی مانده دارایی اش را فرزندانش به ارث بردند.^۱

روزی حلیمه سعدیه (مادر رضاعی پیامبر) در مکه نزد ایشان آمد و از قحطی و خشکسالی شکوه کرد. پیامبر این ضایعه را با خدیجه در میان نهادند. او چهل گوسفند و چهل شتر به مادر رضاعی شوهرش بخشید و حلیمه با شادمانی به سوی قبیله خود بازگشت.^۲

در ماجرای شعب ابی طالب وقتی پیامبر و یارانش در محاصره شدید اقتصادی مشرکان قرار گرفتند، ثروت خدیجه محاصره‌شوندگان را از قحطی و گرسنگی نجات داد. در این مدت که چهار سال طول کشید، ابوالعاص بن ربیع به وسیله شتر، گندم و خرما حمل می‌کرد و در وضعی سخت و بسیار دردناک و با وجود تهدیدهای شدید دشمنان، خوراکی‌ها را به مسلمانان می‌رساند. خدیجه علیها السلام دارایی خود را چنان در این ماجرا مصرف کرد که دیگر از آن‌ها چیزی نماند و در پایان محاصره گفت:

چیزی جز دو پوست باقی نمانده است که هنگام استراحت یکی را زیر انداز و دیگری را روانداز خود قرار دهیم.^۳

علی محمد علی دخیل می‌نویسد:

محاصره اقتصادی، عظیم‌ترین خطر دوران رسالت پیامبر بود که اموال خدیجه کلید شکست این حصار اقتصادی است. او مواد خوراکی و مصرفی را به چندین برابر قیمت واقعی اش می‌خرید و به بنی‌هاشم و یاران پیامبر می‌رسانید که با تهدید مشرکان مواجه بودند تا این سال‌ها با سلامت و رهایی آن عزیزان سپری شد و حيله دشمنان با ناکامی توأم گردید.^۴

۱. سید محمد کاظم قزوینی، *فاطمه از ولادت تا شهادت*، ص ۶۸.

۲. *بحارالانوار*، ج ۱۵، ص ۴۰۱.

۳. ذبیح الله محلاتی، *ریاحین الشریعه*، ج ۲، ص ۲۱۱.

۴. علی محمد علی، *ترجمه فیروز حریرچی دخیل، خدیجه*، ص ۱۶.

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

مهتاب شورميج^۱

فاطمه جوربندی ثانی^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با مراجعه و بررسی ۳۸ کتاب سیره، طبقات، انساب، تاریخی و حدیثی، بین قرن سوم تا پانزدهم هجری، تمام فرزندان ذکر شده برای حضرت خدیجه علیها السلام را که چهار دختر و دو پسر و به روایتی سه تا چهار پسر و چهار دختر هستند، به تفکیک متون استخراج کرده و با ذکر منابع بیان نموده است. در ادامه، فراوانی هر فرزند در منابع گوناگون مشخص گردیده و سیر تاریخی و آماری فرزندان و مقایسه فراوانی فرزندان در کتابها بررسی شده است. در بخش پایانی، اطلاعات و آمار جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده و نویسنده اهتمام ورزیده که نظر بیان شده با واقعیت مطابقت داشته باشد.

هدف این مقاله، مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام با روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و آماری است. از آن جایی که به منظور شناخت فرزندان آن بانوی گرامی نیاز اجمالی به آشنایی با تاریخچه زندگانی آن بزرگوار است. در تحقیق پیش رو، درصدد برآمدیم تا اطلاعات مختصری از دوران حیات ایشان را به عنوان مقدمه در اختیار خوانندگان قرار دهیم.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، mahtabshourmeij@yahoo.com.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء علیها السلام، fateme.jourbandi@gmail.com.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب‌های انساب و طبقات.

مقدمه

خدیجه دختر اسد بن عبدالعزی ابن قصى بن كلاب بن مره بن كعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نصر بن کنانه، و مادرش فاطمه دختر زائده بن الأصم بن هزم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لؤی بن غالب بن فهم بن مالک بود. طبق گفتار اکثر سیره‌نویسان، حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با ابوهاله ازدواج کرد که اسمش هند بن التباش بن زراره بن وقدان از تمیم بود. و بعد از فوت او، با ابی هاله عتیق بن عابد بن عبدالله بن عمر بن مخزوم ازدواج نمود.^۱ گرچه تاریخ‌نویسانی چون ابن شهر آشوب، از احمد بلاذری، ابوالقاسم کوفی، شیخ مرتضی انصاری در *الشفای* و ابوجعفر در *التلخیص* نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند، او «عذرا» بود، یعنی دست نخورده بوده، با کسی ازدواج نکرده بود.^۲ البته در زیارات شیعیان نیز چنین آمده است:

السلام علیک یا بطل المسلمین یا مولای اشهد اَنَّک کنت نوراً فی
الأصلاب الشَّامخه و الارحام المطَّهره لم تنجسک الجاهلیَّه بانجاسها و لم
تلبسک ...

در زیارت امام حسین علیه السلام در عیدهای فطر و قربان می‌خوانیم:

سلام بر تو ای شجاع مسلمانان! ای مولای من! گواهی می‌دهم که تو در
پشت‌های بلندمرتبه و در رحم‌های پاک نوری بودی و دوران جاهلیت

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۸ (فی النساء)، ص ۱۱؛ ابن حزم، *جمهره الانساب العرب*، ص ۱۴۳؛ شیخ صدوق، *خصال*، ص ۳۰۸؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۲، ص ۵۰۵؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج اول، ص ۲۰۶؛ ابن اثیر، *سد الغابه*، ج ۷، ص ۸۹.

۲. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ص ۲۰۶.

با پلیدی هایش تو را آلوده نکرد و از تیرگی های جامه هایش براندام تو
نپوشانید...^۱

این زیارت، نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام نباید قبل از ازدواج با
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با کسی ازدواج کرده باشد؛ زیرا حضرت خدیجه علیها السلام مادر
حضرت فاطمه علیها السلام و آن بانوی بزرگوار هم مادر امامان شیعیان بودند. حضرت
خدیجه علیها السلام در چهل سالگی هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵ سال داشتند،
با مهریه دوازده اوقیه که خود ضمانت پرداخت آن را به عهده گرفت به نکاح
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآمد. آن بانوی بزرگ، اولین کسی بود که اسلام آورد و همواره
پشتیبان نبی مکرم اسلام بود.^۲

فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

منظور نگارنده از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در این پژوهش، همه آنانی
هستند که مادرشان حضرت خدیجه علیها السلام بود. از آن جایی که این بانوی بزرگ
به گزارش سیره نویسان، قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، با دو نفر دیگر ازدواج
کرد و از آن ها هم فرزندانی داشت.^۳ اهداف نگارنده شامل فرزندانی می شود که از
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره

منابع ذکر شده در این قسمت، براساس کتب سیره است که آمار و تعداد
فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب
تاریخی تنظیم و چینش شده است:

۱. قی، مفاتیح الجنان، ص ۷۹۱-۷۹۰.

۲. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۴-۱۲.

۳. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸ (فی النساء)، ص ۱۱؛ ابن حزم، جمهره الانساب العرب، ص ۱۴۳.

جدول ۱: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	السیره النبویه	أبی محمد عبدالمملک بن هشام المعافری ^۱	عربی	متوفی ۲۱۸ ق	سنی	۷	۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م ج ۱، ص ۱۵۵
۲	سیرت رسول الله	قاضی ابرقوه ^۲	فارسی	متوفی ۶۲۳ ق	سنی	۷	۱۳۸۱ ش، ص ۱۶۷-۱۶۸
۳	خلاصه سیرت رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	شرف الدین محمد بن عبدالله بن عمر ^۳	فارسی	قرن هفتم قمری	سنی	۷	۱۳۸۲، ص ۲۷-۲۸

۱. ابن هشام از سیره نویسان نیمه اول قرن سوم هجری بود. او که کتاب خود را براساس *السیره النبویه* ابن اسحاق نوشت و در مصروفات یافت. کتاب او چهار جلد است: جلد اول درباره حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندانش مطلب دارد. ابن هشام پسر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را قاسم نام برده که کنیه پیامبر ابوقاسم است. سپس طیب و طاهر که در جاهلیت مردند. دختران، زینب، رقیه، أم کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند. ابن هشام، از ابن اسحاق نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام سه پسر به نام‌های قاسم، طاهر و طیب داشتند.
۲. کتاب *سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم* مشهور به *سیره النبویه*، روایت عبدالمملک بن هشام از زیاد بن عبدالله بکائی از محمد بن اسحاق المطلبی است که فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این‌گونه آورده: «پسران: قاسم، طاهر و طیب و دختران: زینب و رقیه و أم کلثوم و فاطمه، بودند. پسران هر سه در دوران جاهلیت وفات یافتند.»
۳. در این کتاب به «قاسم، طاهر، طیب، رقیه، زینب، أم کلثوم و فاطمه» اشاره رفته که پسران در دوران جاهلیت درگذشتند و دختران اسلام را دریافتند. همه فرزندان از خدیجه بودند غیر از ابراهیم که مادرش ماریه قبطیه بود.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۴	السیره النبویّه	ابن کثیر ^۱	عربی	قرن ۸ هجری	سنی	۷	۱۴۰۳ هجری / ۱۹۸۳ م ج ۱، ص ۲۶۳- ۲۶۴
۵	السیره الحلبیّه	الحلبی الشافعی ^۲	عربی	متوفی ۱۰۴۴ ق	سنی	دو نفر را نام می برد	۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۲ م ج ۱، ص ۲۰۴

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

منابع ذکر شده در این قسمت، براساس کتب طبقات صحابه تنظیم گردیده و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

۱. إسماعیل بن کثیر، (۷۰۱-۷۴۷ ق)، از ابن اسحاق و ابن هشام نقل کرده که: همه فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه اند غیر از ابراهیم. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام هفت نفرند و عبارتند از: قاسم که کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست و بزرگترین آنهاست. طیب و ظاهر، زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه. از دختران رقیه بزرگترین آنهاست. دختران اسلام را درک کردند و به مدینه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله مهاجرت نمودند. روایت دیگری را ابن کثیر از مصعب بن عبدالله الزبیری و یونس بن بکیر نقل کرده که حضرت خدیجه شش فرزند، دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله داشته و زبیر بن بکار می گوید که عبدالله همان طیب و ظاهر است که بعد از نبوت به دنیا آمدند. او خبر واحدی را اختیار نکرده، بلکه اقوال را ذکر کرده است.

۲. حلبی وقتی از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از عتیق بن عابد سخن می گوید، در ادامه چنین می نویسد: «وأمی خدیجه، و اخی قاسم، و اختی فاطمه، ...» و از بقیه فرزندان آن حضرت سخن نگفته است.

جدول ۲: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	الطبقات الکبری	ابن سعد ^۱	عربی	قرن سوم قمری	سنی	۶	۱۴۱۸ قمری / ۱۹۹۷ م، ج ۸، ص ۱۳
۲	الاستیعاب	ابن عبدالبر التمری ^۲	عربی	متوفی ۴۶۳ ق	سنی	۶	۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۰۶
۳	اسد الغابه	عزالدين بن الاثیر ابن الحسن علی بن محمد الجزری ^۳	عربی	قرن هفتم قمری	سنی	۶	۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۹ م ج ۷، ص ۹۱-۹۲

۱. کتاب ابن سعد، نه جلد است، جلد هشتم در مورد زنان صدر اسلام است. او فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را «قاسم و عبدالله آورده که اسم او طاهرو طیب بود که در اسلام به دنیا آمدند. و دختران را زینب و رقیه، أم کلثوم و فاطمه» نام برده است: «فولدت قاسم و عبدالله، و هو طاهرو الطیب، ستمی بذلک لأنه ولد فی الاسلام».

۲. ابی عمر یوسف بن عبد البر التمری القرطبی، در جزء دوم کتاب خود، یک صفحه در مورد فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه بحث می کند. به نظر وی اجماع اکثر انساب نویسان بر این است که خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چهار دختر داشته اند که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند: زینب، فاطمه، رقیه و أم کلثوم و دو پسر که بزرگ ترین آن قاسم بود و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست. او راه می رفت که فوت کرد. عبدالله که صغیر بود، در مکه درگذشت و به گفته زبیر، عبدالله را طیب و طاهر هم می گفتند. او سه اسم داشت. و بعد از نبوت به دنیا آمد. اما ابن اسحاق طیب و طاهر را دو پسر جدا نام برده است.

۳. ابن اثیر در *اسد الغابه* نقل قول هایی را از ابن هشام، ابن شهاب زهری، قتاده، زبیر و علی بن عبدالعزیز جرجانی را آورده است. زهری از پسران، به قاسم و طاهر اشاره کرده و قتاده هم از پسران قاسم و عبدالله را نقل کرده که در کودکی مردند. زبیر و جرجانی هم قاسم و عبدالله را نام برده اند و عبدالله را طیب و طاهر، گفته اند و این درست تر است و دیگران خلط کرده اند. و به نقل از کلی، عبدالله در اسلام به دنیا آمد و همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از اسلام به دنیا آمدند. ابن اثیر شش فرزند را نام برده است.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

منابع ذکرشده در این قسمت، براساس کتب انساب است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

جدول ۳: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	انساب العرب	ابن حزم اندلسی ^۱	عربی	متوفی ۴۵۶ ق	سنی	۶	۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م ص ۱۶-۱۷
۲	تهذیب الأنساب	العبدلی ^۲	عربی	متوفی ۴۳۵ ق	شیعه	۶	۱۳۸۱ ق، ص ۳۱

۱. ابن حزم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را به ترتیب پسران قاسم و دیگری که در اسم او اختلاف است و گفته شده طاهر و یا طیب و یا عبدالله و از او امامه و علی متولد شد. علی در کودکی مرد و امامه بعد از درگذشت خواهرش فاطمه، با علی بن ابی طالب ازدواج کرد. رقیه دومین دختر با عثمان ازدواج کرد و عبدالله را برای او آورد و در شش روزگی مرد. و فرزندی از او باقی نماند. ام کلثوم سومین دختر که بعد از مرگ خواهرش رقیه، با عثمان بن عفان ازدواج کرد. فرزندی نداشت و در مدینه درگذشت و فاطمه با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و برای او حسن و حسین و محسن را به دنیا آورد. محسن در کوچکی مرد و زینب و ام کلثوم و رقیه -رضی الله عنهم- که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند و سه ماه و گفته شده شش ماه بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله فاطمه وفات یافت و سنش از سی و پنج سالگی تجاوز نمی کرد و به روایتی بیست و پنج ساله بود.
۲. ابی الحسن محمد بن ابی جعفر شیخ الشرف العبدلی در باب ذکر ولد رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نوشته است: «قاسم و به کان یکنی، عبدالله طاهر الطیب، فاطمه تزوجها علی بن ابی طالب، زینب تزوجها، ابوالعاص بن الربیع فولدت له علیا و امامه، رقیه تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبدالله دراج، ام کلثوم تزوجها عثمان، امهم خدیجه بنت خویلد».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۳	المجدی	العمری ^۱	عربی	متوفی ق ۴۶۶	شیعه	۶	۱۳۸۰ ش/ ۱۴۲ ق، ص ۱۸۷
۴	الفخری	المروزیّ الازورقانی ^۲	عربی	متوفی ق ۶۱۴	شیعه	۶	۱۴۰۹ ق، ص ۸
۵	الانوار	الجزیّ الکلبی الغرناطی ^۳	عربی	متوفی ق ۷۵۸	شیعه	۷	۱۴۳۱ ق/ ۲۰۱۰ م/ ۱۳۸۸ ش ص ۲۲
۶	تحفه الطالب	الحسینی السمرقندی المدنی ^۴	عربی	متوفی ق ۹۹۶	شیعه	۶	۱۴۳۲ ق/ ۲۰۱۱ م/ ۱۳۸۹ ش ص ۱۸

۱. العمری نسابه چنین گزارش داده است: «قاسم و به یکنی صلوات الله علیه و آله، و طاهر، و الطیب هو عبدالله، و البنات: فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین، رقیه، أم کلثوم، زینب».
۲. المرزویّ الازورقانی چنین نوشته است: «و أما اولاده صلوات الله علیه: فهم قاسم، زینب، عبدالله الطیب طاهر، أم کلثوم آمنه، فاطمه الزهراء البتول، رقیه، أمهم خدیجه خویلد بن اسد ابن عبد العزی بن قصى و ابراهیم أمه ماریه القبطیه. و لم یعقب منهم العقب الباقی الی الیوم غیر فاطمه علیها السلام».
۳. الغرناطی چنین گزارش داده است: «و أولادها منه علیها السلام: قاسم، و الطیب، و طاهر عبدالله - رضی الله عنهم - ، و من البنات: رقیه، و زینب، أم کلثوم، کلهم انقضوا إلا السیده فاطمه علیها السلام و تزوج غيرها إحدى عشری».
۴. المدنی چنین نوشته است: «و أولاده علیها السلام: قاسم و به کان یکنی، و عبدالله و یقال له: الطیب، و طاهر، و قیل: الطیب غیر طاهر، و رقیه و زینب، و أم کلثوم، و فاطمه الزهرا و مات البنون قبل النبوه أطفالاً و البنات أدرکن الاسلام و أسلمن و هاجرون و کل اولاده من خدیجه - رضی الله عنها - ولد و ابیکه».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۷	المعقبون من آل ابی طالب	الرجائی الموسوی ^۱	عربی	معاصر	شیعه	۷	۱۴۲۷ ق/ ۱۳۸۵ ش ج ۱، ص ۳۴

فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

منابع ذکرشده در این قسمت، براساس کتب تاریخی، حدیثی و غیره است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

جدول ۴: فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	تاریخ یعقوبی	یعقوبی ^۲	فارسی	متوفی ۲۹۲ ق	شیعه	۶	۱۳۷۱ ش ج ۱، ص ۳۷۵

۱. «كان الرسول الله ﷺ عده بنین و بنات، أما البنون، فهم: ۱- قاسم و به کان یکنی. ۲. و عبدالله هو الطیب و طاهرو أمهم خدیجه بنت خویلد و أم البنات، فهن: فاطمه تزوجها ابن عتها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و زینب تزوجها أبو العاص بن الربیع، فولدت له علیاً و أمامه و رقیه، تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبد الله درج، و أم کلثوم تزوجها عثمان و أمهم خدیجه بنت خویلد».

۲. زبان اصلی کتاب عربی است، مترجم آن دکتر محمد ابراهیم آیتی است. در این کتاب از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، قاسم، رقیه، زینب، و ام کلثوم پیش از بعثت و عبدالله که طیب و طاهر هم سواست در اسلام ولادت یافته و فاطمه پس از بعثت متولد شدند.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۲	تاریخ طبری	محمد بن جریر طبری ^۱	فارسی	۳۱۰ ق	سنی	۷	۱۳۶۲ ش ج ۳، ص ۸۳۴-۸۳۳
۳	خصال	شیخ صدوق ^۲	فارسی	قرن چهارم	شیعه	۶	بی تا، ص ۳۰۸
۴	دلایل النبوه	بیهقی ^۳	عربی	قرن چهارم	سنی	۶	۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۷۰
۵	مجمل التواریخ	نامعلوم ^۴	فارسی	۵۲۰ ق	سنی	۸	۱۳۰۹ ش/ ۱۳۴۹ ق، ۲۶۲-۲۶۱

۱. *تاریخ طبری*: زبان اصلی کتاب عربی است. در این کتاب آمده: «به جز ابراهیم دیگر فرزندان پیغمبر، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه، قاسم و طیب و طاهر از خدیجه بودند و کنیه از قاسم گرفت و او را ابوقاسم گفتند. همه پسران پیغمبر در جاهلیت بمردند و دختران به دوران اسلام رسیدند و مسلمان بودند و با پیغمبر هجرت کردند».

۲. شیخ صدوق در کتاب خود فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را شش تن می‌داند: (۱. قاسم، ۲. عبدالله ملقب به طاهر، ۳. ام‌کلثوم ۴. رقیه ۵. زینب ۶. فاطمه مادر ایشان خدیجه دختر خویلد بود).

۳. از ابن عباس گفته که حضرت خدیجه علیها السلام دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد (قاسم، عبدالله، فاطمه، ام‌کلثوم، زینب، و رقیه)، بیهقی در *دلائل النبوه* نقل قول‌های متعددی در این زمینه آورده است.

۴. در *مجمل التواریخ* می‌نویسد: «از خدیجه هشت فرزند، چهار پسر قاسم، طاهر، طیب و عبدالله و چهار دختر زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۶	المناقب	ابن شهر آشوب ^۱	عربی	۵۸۸ ق	شیعه	۷	۱۴۲۱ ق/۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۲۰۹
۷	تاریخ الائمه	ابن خشاب ^۲	عربی	متوفی ۵۶۷ ق	شیعه	۸	۱۳۸۹/م ۲۰۱۱ ش، ص ۷۶-۷۲
۸	صفوه الصّفوه	ابن جوزی ^۳	عربی	متوفی ۵۹۷ ق	شافعی	۶	ج ۱، ص ۷۶

۱. *المناقب* چنین نقل می‌کند: «قاسم، عبدالله و هما: طاهرو الطیب، أربع بنات: زینب، رقیه، ام کلثوم و هی آمنه، فاطمه و هی أم ایها».

۲. ابن خشاب می‌نویسد: «ولد له من خدیجه ابنته قاسم و عبدالله و طاهرو الطیب و زینب و أم کلثوم و رقیه و فاطمه».

۳. ابن جوزی در *صفوه الصّفوه* از عروه و ابوبکر برخی نقل می‌کند: از دختران فاطمه، که پنج سال قبل از بعثت بدنیا آمد، زینب با ابوالعاص بن الربیع ازدواج کرد، رقیه با عثمان بن عفان و ام کلثوم بعد از مرگ رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد از پسران، قاسم، اولین فرزند پیامبر بود که در دو سالگی مرد. عبدالله (هو طاهرو الطیب) که در اسلام به دنیا آمد. ابن جوزی از عروه نقل می‌کند که خدیجه قاسم، طاهرو عبدالله و مطیب را به دنیا آورد و الی آخر».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۹	شرح حال و فضائل خاندان نبوت <small>علیهم السلام</small>	ابن جوزی ^۱	فارسی	متوفی ۶۵۴ ق	شافعی	۸	۱۳۷۹ ش، ص ۴۰۲
۱۰	تاریخ گزیده	مستوفی ^۲	فارسی	۷۳۰ ق	سنی	۷	۱۳۸۱ ش، ص ۱۵۹
۱۱	کاشف الغمه فی تاریخ الائمة <small>علیهم السلام</small>	میرزا محمد بن محمد رضا القمی ^۳	عربی	متوفی ۱۱۲۵ هجری	شیعه	۷	۱۴۱۹ ق ص ۲۷-۲۸

۱. یوسف بن قزاوغلی در تذکره خواص خود به نقل از ابن اسحاق چنین نوشته است: «پیامبر (از خدیجه) پسرانی داشت به نام‌های: قاسم که کنیه حضرت به نام وی بود و در مکه پیش از بعثت در دوسالگی از دنیا رفت، عبدالله و طیب که پیش از بعثت و به قولی یک سال پس از آن از دنیا رفتند و طاهر که پس از ظهور اسلام به دنیا آمد و از این رو او را طاهر گفتند و پس از بعثت نیز از دنیا رفت. بعضی گفته‌اند: طیب و طاهر دو لقبند. ولی قول اول صحیح‌تر است. و از قول ابن سعد آورده که دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه علیها السلام بودند».

۲. «پیغمبر سه پسر آوردند: قاسم و طیب و طاهر و هو عبدالله. قاسم و طاهر پیش از وحی متولد شدند و چهار دختر زینب و رقیه و ام‌کلثوم و فاطمه در زمان وحی متولد شد».

۳. مشهدی (قمی) چنین آورده: «اولاد علیهم السلام: قاسم، زینب، و رقیه قبل المبعث، و الطیب، و طاهر و مطهر و فاطمه بعد المبعث، و الكل من خدیجه».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱۲	زندگی دوازده امام <small>علیهم السلام</small>	حسنی ^۱	فارسی	۱۹۱۹ م	شیعه	۶	۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۵۷
۱۳	اعیان الشیعه	السید محسن الامین ^۲	عربی	معاصر	شیعه	۹	۱۴۲۰ هـ/ ۲۰۰۰ م ج ۱۰
۱۴	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله و آله</small>	محمد ابراهیم آیتی ^۳	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۶۹ ش، ص ۷۶-۷۷

۱. اصل کتاب عربی اثر هاشم معروف الحسینی است. ایشان چنین نقل می‌کند: «بانو خدیجه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و آله دو فرزند پسر به دنیا آورد: یکی قاسم که کنیه اش از وی گرفته شده بود و دیگری عبدالله ملقب به «طاهر» و «طیب» و گفته شده که طاهر و طیب دو فرزند خدیجه بوده‌اند که در کودکی فوت کرده‌اند. که میان مورخان و محدثان شهرت دارد، همان‌گونه که گفتیم، جز قاسم و عبدالله، پسری نداشته و قاسم تنها حدود دو سال و به روایتی دیگر بیش از دو سال زندگی کرد. در مورد فرزندان دختر آن چه میان مورخان شهرت دارد چهار تن بودند: زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت زهرا».

۲. علامه محسن امین در کتاب خود نظرات ابن عبدالبردر استیعاب، کلی و ابن عساکرا نقل کرده می‌گوید: «فتحصل من ذلك أقوال خمسة: ۱. إنه لم يولد لها من النبي صلی الله علیه و آله و آله ذكر الأقسام. ۲. إنها ولدت له قاسم و طاهر. ۳. إنها ولدت قاسم و عبدالله و الثاني يلقب بالطيب و طاهر. ۴. إنها ولدت قاسم و الطيب و طاهر. ۵. إنها ولدت عبدالله ثم زینب فقیهه فقاسم فطاهر فالمطهر فالطيب فالطيب و لا یبعد كون الطيب و المطهر و المطهر ألقاباً فظن البعض أنهما أسماء فعداهما من الأسماء».

۳. «مرحوم آیتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و آله سه پسر و چهار دختر نام برده که عبارتند از: قاسم، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه و عبدالله که پس از بعثت و در مکه متولد شد و طاهر لقب داشت و نام مادر آنان خدیجه علیها السلام است و ابراهیم که مادرش ماریه بود.»

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱۵	فروع ابدیت	جعفر سبحانی ^۱	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۵۱ ش، ج ۱، ص ۱۶۷
۱۶	درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام	سید هاشم رسولی محلاتی ^۲	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۳-۵۴

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب سیره به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب سیره نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته‌ایم:

۱. آقای سبحانی هم شش فرزند برای حضرت خدیجه علیها السلام نام برده: دو تا پسر که بزرگ‌تر آن‌ها قاسم و سپس عبدالله که به آن‌ها طاهر و طیب می‌گفتند و چهار تای آنان دختر بودند.»

۲. آقای رسولی محلاتی شش تن یعنی دو پسر و چهار دختر اسم برده به نام‌های قاسم، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه علیها السلام و عبدالله که طیب و طاهر لقب داشت.»

جدول ۵: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در منابع سیره

ردیف	فرزندان	السیره النبویه ابن هشام	سیرت رسول الله	خلاصه سیرت رسول الله	السیره النبویه ابن کثیر	السیره الحلییه
۱	قاسم	*	*	*	*	*
۲	عبدالله					
۳	طاهر	*	*	*	*	
۴	طیب	*	*	*	*	
۵	زینب	*	*	*	*	
۶	رقیه	*	*	*	*	
۷	ام کلثوم	*	*	*	*	
۸	فاطمه	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب طبقات به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب طبقات نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۶: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

ردیف	فرزندان	الطبقات الكبرى	الاستیعاب	اسد الغابه
۱	قاسم	*	*	*
۲	طاهر			

اسدالغابه	الاستیعاب	الطبقات الکبری	فرزندان	ردیف
			طیب	۳
*	*	*	عبدالله	۴
*	*	*	زینب	۵
*	*	*	رقیه	۶
*	*	*	ام کلثوم	۷
*	*	*	فاطمه	۸

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکرشده در کتب انساب به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب انساب نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته‌ایم:

جدول ۷: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در منابع انساب

ردیف	فرزندان	جمهره الانساب	تهذیب الانساب	المجدی	النوری	الانوار	تحفة الطالب	المعقبون من آل ابی طالب
۱	قاسم	*	*	*	*	*	*	*
۲	طاهر							*
۳	طیب					*		
۴	عبدالله	*	*	*	*	*	*	*
۵	زینب	*	*	*	*	*	*	*

اعیان الشیعه	*	۷	ام کلثوم
زندگانی دوازده امام	*	۸	فاطمه
کاشف الغمه	*	۹	مظهر
تاریخ گزیده	*	۱۰	مطیب
شرح خال و فضائل	*		
صفوه الصفوه	*		
تاریخ الاثمه	*		
المناقب	*		
مجمل	*		
دلائل النبوه	*		
خصال	*		
طبری	*		
یعقوبی	*		
فرزندان	*		

فرغ ابیت	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	فرزندان	ردیف
*	*	قاسم	۱
		ظاهر	۲
		طیب	۳
*	*	عبدالله	۴
*	*	زینب	۵
*	*	رقیه	۶
*	*	ام کلثوم	۷
*	*	فاطمه	۸

بررسی قدیم‌ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

در میان منابع موجود سیره، *السیره النبویه* ابن اسحاق نخستین و قدیم‌ترین سیره‌ای است که نام فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در آن ذکر شده، است که اکنون موجود نیست؛ ولی *السیره النبویه* ابن هشام (متوفی ۲۱۸ ق) برگرفته از *السیره النبویه* ابن اسحاق است و پس از آن سیره‌های دیگری وجود دارد که نام فرزندان ایشان را آورده‌اند. پنج سیره‌ای که بررسی گردیده، در مجموع هفت تن از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را نام برده‌اند. در تمام سیره‌ها، از *سیره ابن اسحاق* گرفته تا *السیره النبویه* حلبی (از سیره‌نویسان قرن یازدهم هجری)، به ترتیب نام‌های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این‌گونه گزارش داده‌اند:

القاسم، طیب، ظاهر، زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه. پس معلوم می‌شود که سیره‌ها در نقل اسامی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام اختلافی ندارند و یک خبر واحد را گزارش داده‌اند. اما فقط ابن‌کثیر علاوه بر نقل نظر ابن اسحاق و ابن هشام، دو نقل قول آورده یکی از مصعب بن عبدالله الزبیری مبنی بر دو پسر، قاسم و عبدالله و قول دوم از زبیر بن بگّار که می‌گوید عبدالله همان طیب و ظاهر است؛ اما سیره نویسان در گزارش خود، نامی از عبدالله نبرده‌اند که در عصر بعثت متولد شده است.

بررسی قدیم‌ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

در میان سه کتاب طبقاتی که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده‌اند، آمار و نام فرزندان ثابت و تعداد آن‌ها شش نفر است و نام‌هایشان عبارتند از: «قاسم و عبدالله که اسم او طاهر و طیب بوده، چون در اسلام به دنیا آمده است. از دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام». ابن عبدالبر نقل قول‌های متعددی آورده از جمله نقل زبیر که عبدالله همان طیب و طاهر است. ابن اثیر هم همین قول را از جرجانی آورده و صحیح می‌داند. در واقع *طبقات ابن سعد* منشأ *خبر اسد الغاب* و *استیعاب*، است که هر سه حرف واحدی دارند. در کتاب‌های

طبقات، تعداد فرزندان شش نفر و نام عبدالله آمده، ولی در سیره‌ها نام هفت فرزند، و طیب و طاهر آمده و نام عبدالله نیامده است.

بررسی قدیم‌ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

در میان هفت کتاب مورد استناد انساب در این پژوهش که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده‌اند، آمار فرزندان و حتی نامشان ثابت و تعداد آن‌ها شش نفر است که عبارتند از: «قاسم، عبدالله، زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه علیها السلام». به جز علامه جلیل‌القدر سیدمهدی رجایی موسوی از عالمان علم انساب معاصر، در کتاب *المعقبون من آل ابی طالب*، به «الطاهر» اشاره کرده و غرناطی از علمای علم انساب قرن هشتم هجری در کتاب *الانوار*، «الطیب» را در شمار فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام آورده و تعداد فرزندان را هفت تن نام برده‌اند.

بررسی قدیم‌ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

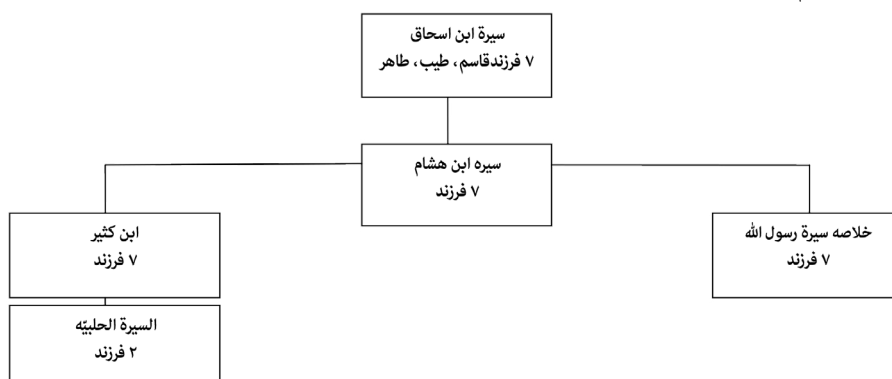
در میان شانزده کتاب مورد استناد در این مبحث، از منابع و مأخذی که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده‌اند، آمار فرزندان و حتی نام پسران متغیر است، ولی در نام دختران اختلافی نیست. *تاریخ یعقوبی* از قدیم‌ترین کتب است که به شش فرزند به نام‌های قاسم، رقیه، زینب، ام‌کلثوم و عبدالله که همان طیب و طاهر است و حضرت فاطمه علیها السلام اشاره می‌کند. شیخ صدوق، بیهقی، ابن جوزی، هاشم معروف الحسنی، دکتر آیتی، آیت‌الله سبحانی و آقای رسولی محلاتی از این دسته‌اند.

دسته دوم، متاریخ‌نگاران و نویسندگانی هستند که از هفت تا هشت تن از فرزندان یاد کرده‌اند، که سه تا چهار تن از آنان پسرند. نام پسران عبارتند از: قاسم، طاهر، طیب و عبدالله که نویسنده *مجموع التواریخ*، ابن خشاب، ابن جوزی در شرح *حال و فضائل خاندان نبوت علیهم السلام* و نویسنده *تاریخ گزیده* از این دسته‌اند. دسته سوم، تاریخ‌نگارانی چون طبری هستند که از عبدالله نام نبرده‌اند،

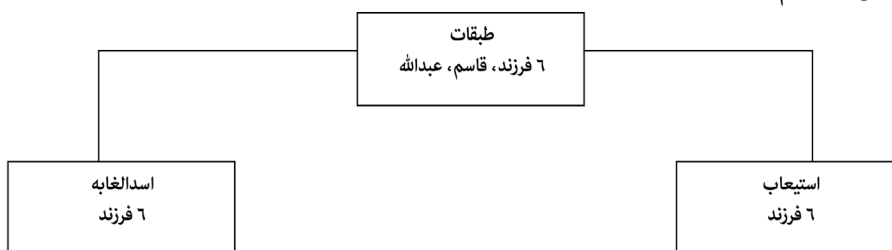
بلکه به قاسم و طیب و طاهر اشاره کرده‌اند. سید محسن امین نه تن از فرزندان را آورده و از پسران به قاسم، طاهر، عبدالله، طیب و مطهر اشاره کرده است. مشهدی قمی از پسران، قاسم، طیب و طاهر و مطهر را نام می‌برد. همگونی در دسته اول نسبت به دسته دوم و سوم بهتر است.

ارتباط درون‌گروهی نمودارها

منابع مورد بررسی در این بخش به چهار دسته تقسیم شدند:
 ۱. کتب سیره: نمودار (۱) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است.

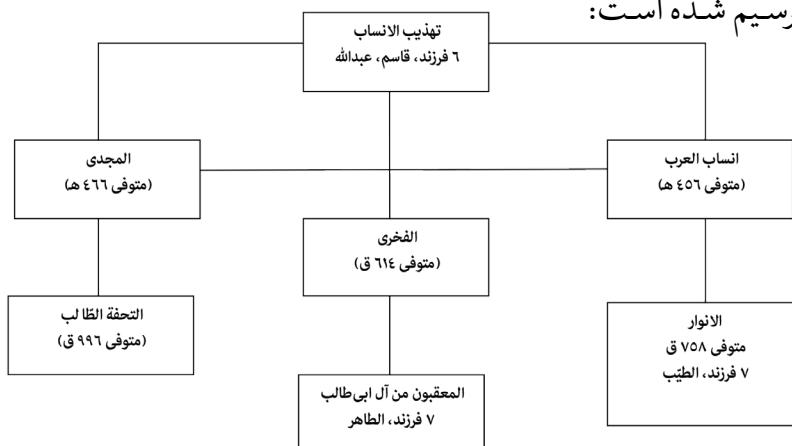


۲. کتب طبقات: نمودار (۲) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:



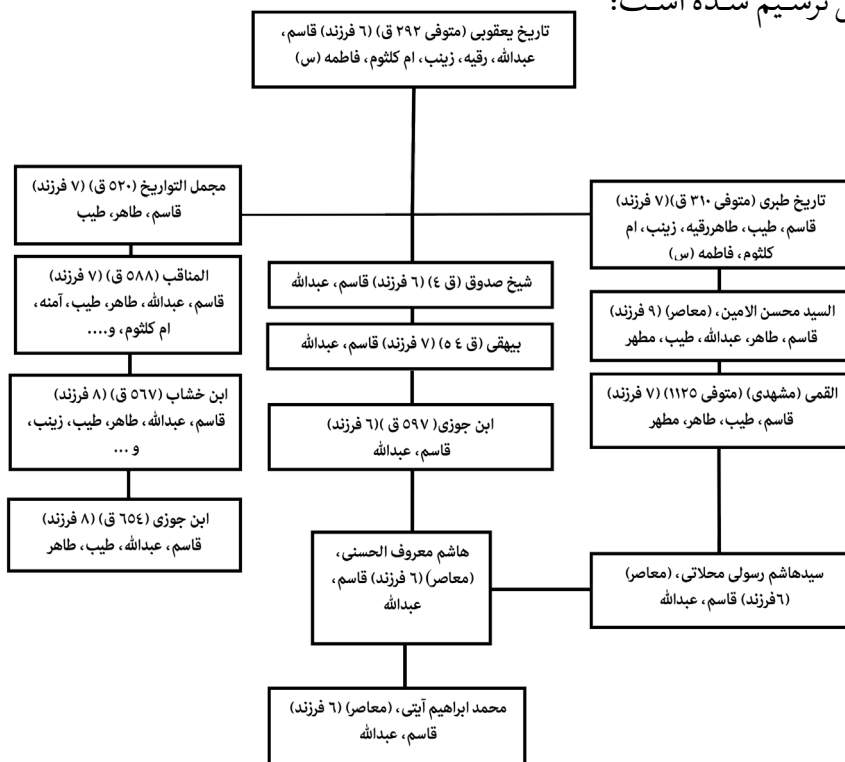
۳. کتب انساب: نمودار (۳) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه

ذیل ترسیم شده است:



۴. سایر منابع: نمودار (۴) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه

ذیل ترسیم شده است:



جدول (۹) فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند براساس کتب سیره

در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند براساس کتب سیره تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره
۱	طاهر	۴
۲	طیب	۴
۳	عبدالله	--
۴	قاسم	۵
۵	ام‌کلثوم	۴
۶	رقیه	۴
۷	زینب	۴
۸	فاطمه	۵

جدول (۱۰): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند براساس کتب طبقات

در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند براساس کتب طبقات تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب طبقات
۱	طاهر	همان عبدالله است
۲	طیب	همان عبدالله است

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب طبقات
۳	عبدالله	۳
۴	قاسم	۳
۵	ام‌کلثوم (دختران)	۳
۶	رقیه	۳
۷	زینب	۳
۸	فاطمه	۳

جدول (۱۱): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند براساس کتب انساب
 در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند براساس کتب انساب تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب انساب
۱	طاهر	شش مرتبه آمده که همان عبدالله است و یک مرتبه به عنوان نام به کار برده شده است.
۲	طیب	شش مرتبه آمده که همان عبدالله است. یک مرتبه به عنوان نام آمده است.
۳	عبدالله	۷
۴	عبدالعزی	۱ مرتبه، همان عبدالله است.
۵	قاسم	۷

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب انساب
۶	ام‌کلثوم (دختران)	۷
۷	رقیه	۷
۸	زینب	۷
۹	فاطمه	۷

جدول (۱۲): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند براساس سایر منابع
 در این قسمت، همه نام‌های حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند در تمامی منابع مذکور آمده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سایر کتب
۱	قاسم	۱۴
۲	عبدالله	۱۲
۳	ظاهر	۷
۴	طیب	۸
۵	مطهر	۲
۶	مطیب	۱
۷	رقیه	۱۵
۸	زینب	۱۵
۹	ام‌کلثوم	۱۵
۱۰	فاطمه	۱۵

جدول (۱۳): مقایسه فراوانی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام براساس منابع مورد استناد در این پژوهش در این قسمت، میزان فراوانی القاب امام نهم در منابع انساب را با میزان فراوانی القاب امام نهم در سایر کتب با هم مقایسه می‌کنیم و به میزان اختلاف وارده در دو دسته می‌پردازیم.

جدول مقایسه فراوانی

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره	میزان فراوانی در طبقات	میزان فراوانی در انساب	میزان فراوانی سایر منابع	میزان اختلاف فراوانی
۱	قاسم	۵	۲	۷	۱۵	--
۲	عبدالله	-	۳	۷	۱۳	۳ در سیره، ۲ در سایر منابع
۳	طاهر	۴	-	۱	۸	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۷ در سایر منابع
۴	طیب	۴	-	۱	۹	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۶ در سایر منابع
۵	مطهر	-	-	-	۲	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۱۱ در سایر منابع
۶	مطیب	-	-	-	۱	۵ در سیره، ۳ در طبقات، ۷ در انساب، ۱۵ در سایر منابع

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره	میزان فراوانی در طبقات	میزان فراوانی در انساب	میزان فراوانی در سایر منابع	میزان اختلاف فراوانی
۷	رقیه	۴	۲	۷	۱۵	۱ در سیره.
۸	زینب	۴	۳	۷	۱۵	۱ در سیره.
۹	ام‌کلثوم	۴	۳	۷	۱۳	۲ در سایر منابع
۱۰	فاطمه	۵	۳	۷	۱۵	--

۱۰ فرزند (مجموع کتب)	۷ فرزند (کتب سیره)	۶ فرزند (کتب طبقات)	۷ - ۸ فرزند (کتب انساب)	۶ - ۹ فرزند (در سایر منابع)
----------------------	--------------------	---------------------	-------------------------	-----------------------------

تجزیه و تحلیل

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در ۳۸ کتاب بررسی شده در این پژوهش که در پنج کتاب سیره، هفت تن به نام‌های قاسم، طیب، طاهر هستند که دو نفر اخیر در جاهلیت مردند و دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. تعداد فرزندان آن حضرت در سه کتاب طبقات مورد استناد در این پژوهش، شش تن به نام‌های قاسم، عبدالله که اسم او «طاهر و طیب» بوده، چون در اسلام به دنیا آمد و دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام ذکر

شده است. تعداد فرزندان در کتب انساب مورد استناد در این تحقیق هفت تن به نام‌های قاسم، عبدالله یا طیب و طاهر هستند که در کودکی مردند. دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع اعم از تاریخی، حدیثی و غیره به اختلاف بین هفت الی نه تن گزارش شده که در میان اسامی آنان به ترتیب از پسران قاسم، عبدالله، طیب، طاهر، مطهر و مطیب و از دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه گزارش شده است. در این مقاله اهداف و نتایج پژوهش بعد از تعیین فراوانی و مقایسه آماری آن‌ها این‌گونه استنتاج گردید:

۱. مشهورترین آمار و نام‌های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در مورد دختران همان شش تن «زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه» می‌باشند، که در تمام دسته‌بندی‌های منابع مورد استناد در این پژوهش مشترک و متفق‌القولند.

۲. مشهورترین آمار و نام‌های پسران حضرت خدیجه علیها السلام در تمام دسته‌بندی‌های منابع مورد استناد در این پژوهش از قرن سوم هجری تا به امروز چهار پسرند:

اول، قاسم که در تمام منابع بدون استثنا گزارش شده است.

دوم، عبدالله؛

سوم: طاهر؛

چهارم: طیب که در بیش‌تر کتاب‌ها آمده است.

مطهر که دو مورد یکی در کتاب *کاشف الغممه* قمی مشهدی قرن دوازدهم قمری آمده و دومی سید محسن امین در *درعیان الشیعه* آورده و بعد آن را لقب دانسته است.

مطیب نام دیگری است که سید محسن امین در *درعیان* نقل کرده و بعد آن را لقب دانسته است.

۳. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم هجری، نشان می‌دهد که سرمنشأ منابع برای اسامی قاسم و عبدالله، از کتاب *طبقات* است که اولین آن *طبقات*

الکبری اثر ابن سعد (قرن سوم هجری) و بعد/ستیعاب ابن عبدالبر و/سلسله الغابه ابن اثیر است. ابن سعد در طبقات، نخستین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را قاسم آورده که در مکه پیش از بعثت متولد شد و کنیه آن حضرت هم به نام اوست. قاسم هنگام مرگ دوساله بود. بعد به ترتیب فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت خدیجه رضی الله عنها را زینب، رقیه، فاطمه، ام کلثوم و عبدالله نام می‌برد. به گزارش ابن سعد، عبدالله بعد از بعثت به دنیا آمد و به همین دلیل به «طیب» و «طاهر» ملقب شد. عبدالله و قاسم هر دو در مکه از دنیا رفتند؛ به همین علت، عاص بن وائل سهمی گفت: نسل او قطع و بی عقب شد و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»^۱.

بیهقی چندین قول از جمله از ابن عباس و ابن هشام آورده است. قولی را که از ابن هشام گزارش می‌دهد، تعداد فرزندان حضرت خدیجه رضی الله عنها را هفت تن و پسران را «قاسم، طاهرو طیب آورده و نام عبدالله را نیاورده است. او می‌گوید:

هنگامی که خدا جان قاسم را گرفت، عمرو بن عاص گفت: «به درستی صبح شد و محمد از این پسرش ابتر گردید». پس خدا بر نبی اش سوره کوثر را فرستاد که ما عوض قاسم، کوثر را نصیب شما کردیم:^۲ «انا اعطیناک الکوثر عوضا یا محمد من نصیبک بالقاسم «فصل لربک و النحر...»^۳

به نظریه بیهقی دچار خلط مبحث شده است. پیش‌تر از وی ابن سعد گزارش داده بود که این آیه بعد از مرگ دومین پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی عبدالله نازل شده است نه قاسم. نیشابوری واحدی (متوقی ۴۶۸ ق) هم علت شأن نزول سوره کوثر را از ابن عباس روایت کرده که عاص بن وائل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عبور می‌کرد و می‌گفت: «خدا تو را ابتر کرده است». پس خدای تعالی فرستاد: «أَنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۴.

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶؛ سوره کوثر، آیه ۳.

۲. بیهقی، دلایل الانبیه، ج ۲، ص ۷۰.

۳. سوره کوثر، آیات ۱ و ۲

۴. واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ص ۳۹۹.

۴. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم قمری، نشان می‌دهد که منشأ منابع برای اسامی قاسم، طیب و طاهر از همان قرن سوم قمری در کتب سیره از جمله *سیره ابن اسحاق* و بعد *سیره ابن هشام* است.

۵. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم قمری، نشان می‌دهد که کتاب‌های *انساب* در اسامی قاسم، عبدالله، زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه مشترک و متفق‌القولند، ولی در یک مورد غرناطی از طیب و موسوی رجایی از طاهر نام برده‌اند.

۶. یکی دیگر از نتایج به دست آمده در منابع مختلف تا قرن پانزدهم قمری، این است که منابع تاریخی چون طبری، از گزارش ابن هشام مبنی بر نام‌های قاسم، طیب و طاهر از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نقل کرده‌اند. در پی آن، کتاب‌های دیگر نیز کم‌وبیش از *تاریخ طبری* آورده‌اند و بدین ترتیب آن‌ها هم‌نظر ابن هشام را از طریق طبری مبنی بر اسامی قاسم، طیب و طاهر به عنوان فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام گزارش کرده‌اند.

۷. در پایان، منابع مورد استناد این پژوهش را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

دسته اول، منابعی که پسران حضرت خدیجه علیها السلام را قاسم و عبدالله آورده‌اند. مانند نویسنده *طبقات، انساب و تاریخ یعقوبی*، هاشم معروف الحسینی، دکتر آیتی، جعفر سبحانی، رسولی محلاتی، نهلا غروی و علامه محسن امین در کتاب خود طی یک جمع‌بندی از قاسم و عبدالله نام برده‌اند که به طیب و طاهر ملقب است. هم‌چنین از طیب، مطیب، طاهر و مطهر نام برده که القابند و به گمان بعضی آن‌ها اسمائند. پس آن‌ها را در شمار اسامی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوشته‌اند. در واقع از دیدگاه علامه امین، پسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت خدیجه علیها السلام قاسم و عبدالله بودند و بقیه القاب هستند.

دسته دوم، منابعی که پسران را قاسم، طاهر و طیب دانسته‌اند؛ چون ابن اسحاق، ابن هشام و ابن کثیر.

دسته سوم، منابعی که شمار پسران دسته اول و دوم را با هم اختلاط کرده‌اند و نام پسران را قاسم، عبدالله، طاهر و طیب دانسته‌اند؛ مانند نویسنده‌های *مجموع التواریخ*، *تاریخ گزیده و تاریخ الاثمه*، ابن جوزی در *صنوه الصنوه* از عروه بن زبیر نقل می‌کند که پسران خدیجه قاسم، طاهر، عبدالله و مطیب بوده‌اند و یوسف ابن قزاوغلی در *تذکره خواص* از ابن اسحاق، و نویسنده *کشف الغمه* هم از ابن هشام نقل کرده است.

نتیجه

سیر اختلاف نظر در کتب سیره، طبقات، انساب، تاریخ و حدیث دو دلیل دارد:

اول، به دلیل داشتن تعصبات اعتقادی، بدون پالایش و بررسی نام‌های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، به ذکر اکثر القاب یاد شده در نقل قول‌های گوناگون و گذشته پرداخته‌اند. بیش تر مصادر سیره‌ها و تواریخ عمومی در مورد تاریخ صدر اسلام، از دو قول یکی از مصعب بن عبدالله الزبیری مبنی بر دو پسر، قاسم و عبدالله و قول دوم از زبیر بن بگّار آورده‌اند که می‌گوید عبدالله همان طیب و طاهر است. اما سیره‌نویسان در گزارش خود، نامی از عبدالله نیاورده‌اند که در عصر بعثت متولد شده، و طیب و طاهر هم بوده است؛ بلکه طیب و طاهرا دو پسر جدا نام برده‌اند و بدین ترتیب در خبر و نقل روایات خلط شده است. دسته دوم، برخی از نویسندگان، به منابع گذشته توجه نداشته و بر اساس سلیق فکری و اعتقادی خویش القاب افزوده‌اند.

در پایان این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که حضرت خدیجه علیها السلام دارای دو پسر به نام‌های قاسم (بزرگ‌تر) و عبدالله بوده است. قاسم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مکنی به او بودند. و قبل از بعثت در مکه متولد شد و فوت کرد. پسر دوم که عبدالله است و چون در عصر بعثت و اسلام در مکه متولد شد، به طاهر و طیب و مطهر و القاب دیگری ملقب گشت که تاریخ‌نگاران در اعصار بعدی به او داده‌اند.

با مرگ ایشان در عصر بعثت، مشرکان به واسطه بدطینتی، نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بلاعقب می دانستند و برای تحقیر و آزار و تمسخر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مشرکان به سرکردگی عاص بن وائل (بنا بر گزارش ابن سعد در *الطبقات*، بیهقی در *دلایل النبوه*، واحدی نیشابوری از علمای سنی شافعی قرن چهارم در *سبب نزول* خود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ابتر می نامیدند، لذا خداوند سوره کوثر را در شأن آن حضرت نازل فرمود. به روایت اکثر منابع مورد استناد در پژوهش، آخرین فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از عبدالله، حضرت فاطمه علیها السلام بودند که در سال پنجم بعثت به دنیا آمدند و در واقع ایشان «خیر کثیر» بودند که با مرگ عبدالله (دومین پسر حضرت خدیجه) خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عطا فرمود. به گزارش این منابع، همه فرزندان قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فوت کردند و آن حضرت فرزندان یا اعقابی از خود به جا نگذاشتند به جز حضرت فاطمه علیها السلام که در واقع نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این بانوی بزرگوار ادامه یافته است.

منابع

قرآن

۱. ابن اثیر، عزالدین أبی الحسن علی بن محمد الجزری، (متوفی ۶۳۰ هـ)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، الجزء السابع، (کتاب النساء)، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
۲. ابن جوزی، للامام العالم الدین أبی الفرج (۵۱۰ - ۵۹۷ هجرى)، *صفه الصحوه*، المجلد الاول، الجزء الاول، ضبطها و کتب هوامشها ابراهیم رمضان و سعید اللحسام، بیروت: منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
۳. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکر خواص بذکر خصائص الائمة*، شرح و فضایل خاندان نبوت، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد: شرکت به نشر آستان قدس، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن حزم اندلیسی، (۳۸۴ - ۴۵۶ هـ)، *لابی محمد بن احمد بن سعید، جمهره انساب العرب*، راجع انسخه و ضبط أعلامها لجنه من العلماء بإشراف الناشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۱ ق.
۵. ابن خشاب بغدادی، عبدالله بن احمد، *تاریخ الائمة و وفیاتهم*، محقق: د. ثامر کاظم الخفاجی، قم: الناشر مکتبه سماحه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، الخزانة العالمیه للمخطوطات الاسلامیه، ۱۴۳۲ ق.
۶. ابن سعد، لمحمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری المعروف بابن سعد، (متوفی ۲۱۸ ق) *الطبقات الکبری*، الجزء الاول و الجزء الثانی، السیده الشریفه، بیروت: دارالکتب المطبعه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۸ ق.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، أبی جعفر محمد بن علی، (متوفی ۵۸۸ هـ)، *مناقب آل أبی طالب*، جزء اول، تحقیق و فهرست: یوسف البقاعی، ذوی

- القربی، ۱۴۲۱ ق.
۸. ابن عنبه، جمال الدین احمد، *الفصول الفخریه*، به اهتمام سید جلال الدین محدث ارموی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
۹. ابن عنبه، عمده النسائین جمال الدین احمد بن علی الحسینی، *عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب*، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه سماحتہ آیت الله العظمی المرعشی النجفی، الخزانہ العالمیہ للمخطوطات الاسلامیہ، ۱۴۲۵ ق.
۱۰. ابن فندق، ابی الحسن علی بن ابی القاسم بن زید البیهقی، *لباب الانساب والاقاب والاعتقاب*، الجزء الاول، مع مقدمه ... المرعشی النجفی. تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه آیة العظمی المرعشی النجفی، الخزانة العالمیة للمخطوطات الاسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. ابن کثیر، للامام ابی الفداء إسماعیل (۷۰۱-۷۴۷ ق)، *السیرة النبویة*، الجزء الاول، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. ابن منظور الافریقی المصری، امام العلامة ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، المجلد الخامس، بیروت- لبنان: دارصادر، ۱۹۹۷ م.
۱۳. ابن هشام المعافری، أبی محمد عبدالملک، (المتوفی بمصر سنه ۲۱۸ هجری)، *السیرة النبویة*، المجلد الاول، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللّحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.
۱۴. امین، سید محسن، *أعیان الشیعه*، المجلد العاشر، حقه و أخرجه و علق علیه حسن الأمین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۰ ق.
۱۵. آیتی، دکتر محمد ابراهیم، *تاریخ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ*، تهران، سمت، ۱۳۶۹ ش.
۱۶. بیهقی، ابی بکر أحمد بن الحسین، (۳۸۴-۴۵۸ ق)، *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه*، المجلد الثانی، بیروت، لبنان، دارکتب العلمیة،

- منشورات محمد علی بیضون نشرکتیب السنه و الجماعه، ۱۴۲۳ ق.
۱۷. الجزی الکلبی الغرناطی، أبی عبدالله محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله (متوفی ۶۹۳ ق)، *الأنوار فی نسب آل النبی المختار*، محقق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه سماحته آیت الله العظمی المرعشی النجفی، الخزانة العالیة المحفوظات الاسلامیة، مرکز الدراسات الاسلامیة الانساب، ۱۴۳۱ ق.
۱۸. حسنی سمرقندی مدنی، سید حسین بن عبدالله حسینی، *تحفه الطالب بمعرفه من ینسب الی عبدالله و ابی طالب*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مکتبه سماحته آیت الله العظمی المرعشی النجفی، الخزانة، العالمیة للمخطوطات الاسلامیة ۱۴۳۲ ق.
۱۹. حسنی، هاشم معروف (۱۹۹۹)، *زندگی دوازده امام*، جلد اول، ترجمه محمد مقدس، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. حلبی الشافعی، ابی الفرج نورالدین علی بن ابراهیم بن احمد، (المتوفی ۱۰۴۴)، *السیره الحلبیة و هو الکتاب المسمی، إنسان العیون فی سیره الامین و المأمون*، الجزء الاول، ضبط و صححه عبدالله محمدا لخلیلی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۲۱. حنبلی، امام احمد، (۲۴۱ - ۱۶۴ ق)، *المسند*، الجزء الاول، منقحه و مصححه و صنع فهارسه صدقی محمد جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. رجائی موسوی، سید مهدی، *المعقبون آل ابی طالب، أعقاب الإمام الحسین علیه السلام*، الجزء الاول، قم: مؤسسه عاشوراء، ۱۴۲۷ ق.
۲۳. سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، جلد اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۵۱ ش.
۲۴. شرف الدین محمد بن عبدالله بن عمر (از علمای قرن هفتم هجری)، *خلاصه سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم*، با مقدمه و به تصحیح اصغر مهدوی و

- مهدی قمی نژاد، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، *خصال*، مترجم: مدرس گیلانی، تهران: جاویدان، بی تا.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، (متوفی ۳۱۰ ق)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲ ش.
۲۷. العبیدلی التّسابه، أبی الحسن محمد بن أبی جعفر شیخ الشرف، *تهذیب الانساب و نهایه الأعتاب*، تحقیق: شیخ محمد کاظم محمودی، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی النّجفی العامه، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. العمری، نجم الدین ابی الحسن علی بن محمد بن علی بن محمد العلوی، *المجدی فی انساب الطالبیین*، مع مقدمه المرعشی النجفی، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، اشرف محمود مرعشی، قم: مکتب آیت الله العظمی المرعشی النجفی ۱۴۲۲ ق.
۲۹. غروی نائینی، نهلا (۱۳۳۱)، *محدثات شیعه*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. قمی، شیخ عباس، *مفاتیح الجنان*، بخط شیرازی، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۱. قمی مشهدی، میرزا محمد بن محمدرضا، (متوفی ۱۱۲۵ ق) *کاشف الغمه فی تاریخ الأئمه*، تحقیق: قسم الکلام و الفلسفه، مشهد: ۱۴۱۹ ق.
۳۲. المروزی الازورقانی، التّسابه السیّد عزیزالدّین ابی طالب اسماعیل بن الحسین بن محمد بن الحسین بن احمد، *الفخری فی انساب الطالبیین*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی العامه، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. مستوفی، حمد الله، (متوفی ۷۳۰ ق)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
۳۴. التّمری القرطبی، للإمام العالم أبی عمر یوسف ابن عبد الله (المتوفی ۴۶۳ ق)، *الاستیعاب فی أسماء الأصحاب*، الجزء الاول و الجزء الثانی،

بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۳ ق.

۳۵. واحدی نیشابوری، الإمام الشیخ أبی الحسن علی بن احمد، (المتوفی ۴۶۸ ق)، *اسباب النزول*، بیروت: دار الکتب العربی، دراسه و تحقیق الدكتور السید الجمیلی، ۱۴۱۹ ق.

۳۶. وشنوی، شیخ محمد قوام، معاصر حیاة النبی صلی الله علیه و آله و سلم و سیرته، ج ۱، إشراف: رضا استادی، قم: دارالأسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۶ ق.

۳۷. همدانی، رفیع الدین اسحق بن محمد (قاضی ابرقوه) (ترجمه و انشاء) *سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشهور به سیره النبی*، نصف اول، با مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱ ش.

۳۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن واضح یعقوبی)، *تاریخ یعقوبی*، جلد اول، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.

بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی)

نعمت‌الله صفری فروشانی^۱

داوود کاظم پور^۲

چکیده

پژوهش‌گران و شرق‌شناسان درباره سن حضرت خدیجه حین ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ، از گذشته تاکنون اظهارنظر کرده‌اند. مشهور این است که ایشان موقع ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ چهل سال داشته‌اند. واکاوی‌های متعددی درباره این شهرت صورت گرفته و از زاویه‌های مختلفی درباره آن نقد شده است. نوشتار حاضر، با رویکرد تاریخی و با استناد به منابع کهن تاریخی، به نقد دیدگاه مشهور پرداخته و آن را رد کرده است.

واژگان کلیدی

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، سن حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ، رویکرد تاریخی، رسوم حجاز، سن یائسگی، همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ.

مقدمه

درباره زیست‌نامه حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ، خصوصاً زمان قبل از ازدواج او با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اطلاعات زیادی موجود نیست، اگرچه اطلاعات مربوط به زمان بعد از ازدواج هم نسبت به برخی از همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کم‌تراست. پرسش‌های متعددی درباره زندگی ام‌المؤمنین خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَآلِهَا وَسَلَّمَ مطرح شده که

۱. عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه.

۲. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل بیت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جامعه المصطفی العالمیه

مهم‌ترین آن، میزان سن ایشان موقع ازدواج با پیامبر ﷺ است. این نوشتار، کوشیده تا به این پرسش پاسخ دهد.

رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم

رویکردشناسی، از مقوله‌های جدید در دنیای علم و پژوهش به شمار می‌آید که عمدتاً از دنیای غرب وارد شده است. این بحث در میان دانشمندان علوم انسانی به شدت مطرح شده ولی در بین تاریخ‌نگاران، هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است. رویکردشناسی در بین تاریخ‌نگاران اسلامی، از این جهت مهم است که با تاریخ مقدس سروکار دارند و دارای رویکردهای مختلف هستند. رویکردشناسی ارتباط مستقیم با نتایج کارهای تاریخی دارد.

مؤلفه‌هایی در رویکردشناسی مطرح است، به عبارت دیگر، هر رویکردی، مؤلفه‌هایی دارد؛ از جمله: اهداف، مبانی، روش و منابعی که محقق به کمک آن‌ها به پژوهش تاریخی می‌پردازد. با شناخت مؤلفه‌های یادشده می‌توان رویکرد او را شناسایی کرد. مثلاً اگر هدف وی کشف باشد، یعنی در مقام کشف واقعیت برآمده و با روش تاریخی (بدون پیش‌فرض و عدم فرضیه‌محوری) و با تکیه بر منابعی که نویسندگان آن متخصص به شمار می‌آیند و فاقد گرایش‌های قومی، قبیله‌ای، مذهبی و منطقه‌ای باشند، در این صورت گفته می‌شود رویکرد تاریخی است؛ البته مبانی کلامی محقق هرگز نادیده گرفته نمی‌شود.

تعریف منابع متقدم

منظور از منابع متقدم (یا دسته اول)، منابع اصلی هستند. این منابع حکم سرچشمه را دارند و معدن آن چیزی هستند که ما به دنبال آن هستیم. واژه‌ای که غربی‌ها درباره منابع دسته اول به کار می‌برند، اصطلاح است. این عبارت یعنی سرچشمه^۱.

طبیعی است که منبع متقدم، نسبت به هر حادثه‌ای زمان خاص خود را دارد. مثلاً اگر کسی بخواهد درباره حمله چنگیز به ایران تحقیق کند، برای او کتاب *تاریخ جهان‌گشای جوینی* منبع متقدم است. در موضوع تحقیق ما، منابع تاریخی نزدیک به عصر قبل از بعثت و صدر اسلام، دست اول هستند. البته برای کشف دقیق سن حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منابع تا قرن چهارم هجری بررسی شده‌اند.

سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام

در میان منابعی که به تاریخ قبل از اسلام در شبه جزیره عربستان پرداخته‌اند، نمی‌توان کتاب یا پژوهشی یافت که مستقیماً به موضوع سن ازدواج خصوصاً در دختران پرداخته باشد، اما با بررسی موردی ازدواج‌های آن عصر، به نتایجی می‌توان دست یافت که برای این پژوهش مفید است:

اولاً دختران عرب وقتی به سن بلوغ می‌رسیدند، ازدواج می‌کردند. عدم ازدواج آن‌ها در سنین بلوغ، برای آنان و خانواده خوشایند نبود. این موضوع با اوضاع اقتصادی آن روز حجاز سازگار بود که عموم مردم با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کردند؛ زیرا با رفتن دختر به خانه بخت، هزینه‌های نگه‌داری او از عهده پدر ساقط می‌شد. از سوی دیگر، گرفتن مهریه توسط ولی او، کمک شایانی به بهبود وضع اقتصادی و معیشتی خانواده می‌کرد. در بسیاری از اوقات، اگرچه خانواده‌ای مشکلات مالی هم نداشت، دختران در سنین پایین ازدواج می‌کردند. این ازدواج زود هنگام، آثاری از جمله پیوند با سایر قبایل برای کم شدن دشمنی‌ها، عدم ورود و تمایل دوشیزگان به ورطه‌های فساد و تباهی و... داشت. از این رو، می‌توان با اطمینان گفت که سن ازدواج در عرب برای دختران غالباً نه سال بود. حسن ابراهیم حسن با بررسی موارد ازدواج از گونه‌های مختلف از قبایل متعدد عرب چنین نتیجه می‌گیرد:

حتى كان من النادر ان يري الانسان بنتا بالغة قد ادركت سن الزواج او

ازمله صغیره فی سن لم یتزوج.^۱

به ندرت اتفاق می افتاد که دختری به سن بلوغ برسد یا بیوه جوانی در عرب باشد و ازدواج نکرده باشد.

خصوصاً اگر پدر دختر از شخصیت‌های مطرح عرب بوده و یا خود آن زن بیوه، صاحب مال و شرافت به شمار می رفت، در این موارد، ازدواج دختران و زنان در سنین پایین موافق فرهنگ اجتماعی عرب بود.

اصل دیگری که بر سن ازدواج در مورد زنان عرب حاکم بود، اذن پدر در نکاح زوجه است. «ولی» باید به وصلت دختر اذن می داد، اما این اذن، برای دختران باکره و زنان بیوه جوان بود. زنان بیوه مسن برای ازدواج مجدد به اذن ولی نیازی نداشتند. ابن حبیب فهرستی از زنانی نام برده که در عصر جاهلی و صدر اسلام، به سبب داشتن شرافت مالی و اجتماعی، اختیار ازدواجشان با خودشان بوده است.^۲ برخی پژوهش‌گران معاصر، با بررسی موارد متعدد در تاریخ جاهلی، به این موضوع اذعان کرده‌اند.^۳ «ولی» در ازدواج دختران باکره و زنان جوان، سلطه و اختیار کامل داشت و لذا مرد و زن برای ازدواج با یک دیگر، می بایست به هر نحوی رضایت او را جلب می کردند.^۴ شواهدی بر این ادعا، در منابع متقدم تاریخی یافت می شود. بر اساس آن، می توان نتیجه گرفت که اگر زنی در چهل سالگی در صدد ازدواج مجدد بود، به اذن ولی خود نیازی نداشت. برای مثال، ابن سعد، مواردی را آورده که زنان بعد از ازدواج‌های اولیه، برای ازدواج مجدد، نیازی به اذن ولی نمی دیدند و حتی به ولی خویش گوشزد می کردند که بدون هماهنگی آنان، پاسخ مثبت به خواستگاران ندهند. برای نمونه، هند دختر عتبه (مادر معاویه و همسر ابوسفیان)، به پدرش که از شخصیت‌های ثروتمند بانفوذ قریش بود گفت:

من زنی هستم که مالک امر خویش شده‌ام؛ پس مرا به ازدواج هیچ مردی

۱. حسن ابراهیم حسن، تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۶۵.

۲. محمد بن حبیب، المحبر، ص ۳۹۸.

۳. ابراهیم فوزی، احکام الاسرة فی الجاهلیت و الاسلام، ص ۴۵.

۴. ترمذینی، الزواج عند العرب فی الجاهلیه و الاسلام، ص ۶۵.

درنمی‌آوری تا او را به من معرفی کنی و در صورت رضایت، به ازدواج با او اقدام خواهم کرد.^۱

هند قبل از ازدواج با ابوسفیان، دوبار ازدواج کرده بود. یک بار با حفص بن مغیره مخزومی و یک بار هم با فاکربن مغیره که به دست بنوکنانه کشته شد.^۲ هند وضع مالی خوبی داشت و اشراف زاده و ثروتمند بود.^۳ از این گزارش و امثال آن، برمی‌آید که زنان بیوه با سن بالا، برای عقد، خود را نیازمند رضایت ولی نمی‌دانستند. البته این منافاتی با حضور ولی در مراسم خواستگاری و عقد آنان نداشت. بنابراین آن چه برخی منابع از حضور پدر یا عموی خدیجه و نیازمندی شدید ایشان برای موافقت با ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده‌اند،^۴ با پایین بودن سن خدیجه می‌سازد و یک زن چهل ساله که تاجراست و مردان زیادی برای او کار می‌کنند، نیاز ندارد پدر یا عموی خویش را بی‌هوش و مدهوش سازد تا به امر ازدواجش راضی بشوند. توضیح این که برخی منابع گفته‌اند که خدیجه، به امر ازدواجش راضی بشوند. توضیح این که برخی منابع گفته‌اند که خدیجه، پدر خویش خویلد را بی‌هوش و مست کرد تا بعد از هوشیاری، به این وصلت رضایت دهد.^۵ البته به اعتقاد ابن سعد، خویلد در جنگ فجار قبل از واقعه خواستگاری پیامبر از خدیجه کشته شد^۶ و خدیجه عموی خویش را مست و خواب کرد تا مانعی برای ازدواجش نباشد!!^۷

سن یائسگی در زنان^۸

بر اساس برخی روایات، زنان در پنجاه سالگی یائسه می‌شوند و توانایی وضع

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۲۳۵.

۲. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۵، ص ۱۳.

۳. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۷، ص ۲۹۳.

۴. بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۲ ص ۶۹.

۵. ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱ ص ۱۹۰.

۶. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱ ص ۱۳۲.

۷. ابن حبیب، *المحبر*، ص ۷۸.

۸. مطالب این بخش از مقاله آقای سیدضیا مرتضوی منتشر شده در نشریه *تفه* ش ۱۸ با اندکی تصرف گرفته شده است.

حمل را از دست می دهند. مرحوم کلینی با سندی صحیح از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

حدّ الّتی قد یئست من المحیض خمسون سنه^۱

زن در پنجاه سالگی از دیدن خون حیض ناامید می شود و قادر به زایمان نیست.

در این روایت، راویانی چون فضل بن شاذان، صفوان بن یحیی و عبدالرحمان بن حجاج وجود دارند که در منابع رجالی شیعه ثقه هستند. عبدالرحمان در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می پرسد: «چه زنانی بدون عده و بلافاصله بعد از طلاق می توانند ازدواج کنند؟» آن حضرت سه دسته از زنان را واجد این ویژگی برمی شمارند که از جمله آنان، زنی است که از حیض ناامید شده است. راوی می پرسد: «حد یائسه چقدر است؟» امام می فرماید: «وقتی پنجاه سال او تمام شود»^۲.

این روایت نیز سندی صحیح دارد و در سه کتاب از چهار کتاب اصلی شیعه آمده است که برخی اعتبار کلی این کتب را پذیرفته اند^۳ و برخی دیگر، تمام روایان این کتب اربعه را معتبر و انتساب همه روایات آن ها را به معصومان قطعی دانسته اند^۴. نظرایچ در میان عالمان شیعی این است که آن دسته از روایات کتب اربعه حجتند که از نظر سند واجد شرایط اعتبارند^۵. سند روایت مذکور صحیح است؛ پس اگر در پذیرش روایات حداقلی کتب اربعه هم باشیم و فقط روایات موثق السند را حجت بدانیم، روایت محل بحث ما حجت است. در سند این روایت، به افرادی برمی خوریم که همگی ثقه هستند؛ مثل عبدالرحمان بن حجاج کوفی که نجاشی^۶، طوسی^۷ و دیگران او را توثیق کرده اند. صفوان بن یحیی بجلی کوفی، دیگر راوی در این سلسله است. او شاگرد عبدالرحمان و از

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۳، ص ۱۰۷.

۲. کلینی، همان، ج ۶، ص ۸۵.

۳. شیخ انصاری، *قواعد الاصول*، ج ۱، ص ۲۳۹.

۴. حر عاملی، *الوَسَائِل*، ج ۱۸، ص ۵۲.

۵. خوبی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۷، ص ۹۷-۸۷.

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۱۶۵.

۷. طوسی، *رجال*، ص ۳۵۳.

اصحاب اجماع بود^۱ (کسانی که علمای امامیه به روایاتی که از ایشان به طریق صحیح نقل شده بدون تردید اعتماد می‌کنند). نجاشی با الفاظی مثل ثقه و عین^۲ از او یاد می‌کند. شیخ طوسی او را موثق‌ترین اهل زمان خویش می‌داند.^۳ ابن ابی نجران دیگر راوی این حدیث، است که او نیز مورد اطمینان علما بود.^۴ سهل بن زیاد آخرین راوی در این روایت است. دو نوع نظر رجالی درباره او وجود دارد: عده‌ای مثل شیخ طوسی او را توثیق^۵ و برخی دیگر مثل نجاشی او را تضعیف می‌کنند.^۶ علت تضعیف او غلو بود و به همین جهت از قم اخراج شد. اگر روایت مورد نظر ما مدلول غالیانه داشت، از او نمی‌پذیرفتیم، ولی روایت صرفاً فقهی است که شخص غالی (به فرض اثبات اتهامش) از نقل آن بهره غالیانه نمی‌برد و اصولاً اگر شخصی روایتی نقل کرد و آن روایت ارتباطی با عقاید راوی نداشت، می‌توان از او پذیرفت. در این جا هم اگر سهل روایتی در مقام و منزلت ائمه علیهم السلام نقل کرده بود، نمی‌توانستیم بپذیریم، چون غالی بوده است؛ ولی در این روایت از سن یائسگی زن سؤال شده و امام علیه السلام هم پاسخ داده‌اند و ربطی به غلو ندارد. ضمن این‌که ادعای غلو در او را احمد بن محمد بن عیسی اشعری مطرح کرده و او را به اتهام غلو از قم بیرون رانده‌اند. دیگران اتهام غلو را برای او مطرح کرده‌اند. کشی درباره او می‌گوید: «به صرف اتهام به غلو از قم اخراج شد و غلو او ثابت نشده است».^۷ جالب است بدانیم احمد بن محمد، اشخاصی مثل محمد بن خالد برقی را نیز از قم به اتهام غلو بیرون کرد، ولی بعداً پشیمان شد.^۸ اصلی‌ترین دلیل تضعیف او، رفتار احمد با وی است. در حالی که وضعیت احمد که به سرعت

۱. کشی، رجال، ص ۵۰۲.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۹۷.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۲۴۱.

۴. قاموس الرجال، ج ۲، ص ۸۶.

۵. طوسی، رجال، ص ۳۸۷.

۶. نجاشی، رجال، ص ۱۸۵.

۷. کشی، رجال، ص ۵۱۲.

۸. ابن غضنیری، رجال، ص ۳۹.

از راویان سرزنش و نکوهش می‌کرد، برای اهل دانش رجال روشن است و به همین جهت اعتنایی به تضعیف‌های او نمی‌شود.^۱

سند و متن در این روایت، هیچ مشکلی ندارند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سن زن برای یائسگی پنجاه سال است و فرقی بین قریشی و غیرقریشی بودن زن نیست. اگر بین این دو فرق بود، حتماً امام علیه السلام اشاره می‌کردند و یا عبدالرحمان و صفوان که هر دو در محیط کوفه رشد کرده و اهل پرسیدن و اشکال کردن بوده‌اند، حتماً از امام علیه السلام می‌پرسیدند که آیا بین زن قریشی و غیرقریشی فرقی است یا نیست؟ از این‌که امام علیه السلام نفرموده‌اند و عبدالرحمان هم سؤال نکرده، به دست می‌آید که تفاوتی بین قریشی و غیرقریشی، حداقل در آن زمان نبوده است. علاوه بر این دو روایت، روایات دیگری هم داریم که تصریح کرده‌اند که زن در پنجاه سالگی یائسه می‌شود.^۲ در این روایات نیز اطلاق وجود دارد و فرقی بین زنان در این حکم نیست.

در مقابل این روایات، روایتی مرسل در *اصول کافی* آمده که بین زنان قریشی و غیرقریشی تفاوت قائل شده است:

إذا بلغت المرأة خمسين سنة لم تر حمرة الا ان تكون امراه من قریش.^۳

این روایت، اگرچه مرسل است و توان مقابله با روایات گذشته را ندارد، چون در سلسله سند آن محمد بن ابی عمیر (از اصحاب اجماع) وجود دارد، فقها به آن اعتماد کرده‌اند. در این روایت اگرچه زنان قریشی استثنا شده‌اند، مشخص نشده که زنان قریشی در چند سالگی یائسه می‌شوند و هیچ اشاره‌ای به شصت سالگی ندارد.

شیخ مفید درباره سن شصت برای یائسگی زنان قریشی می‌گوید:

وقد رویان القریشیه من النساء والنبطیه تریان الدم الی ستین سنة، فان

۱. بحرالعلوم، *فوائد الرجالیه*، ج ۳ ص ۲۳.

۲. مثلاً کلینی، *الکافی*، ج ۳، ص ۱۰۷؛ طوسی، *تهذیب*، ج ۱۱، ص ۳۹۷.

۳. کلینی، همان، ج ۳، ص ۱۰۷.

ثبت ذلك فعليها العده حتى تجاوز الستين^۱.

شیخ مفید علاوه بر این که روایت را بدون سند نقل کرده از کیفیت نقل روایت خصوصاً با وجود عبارت، «فان ثبت ذلك»، ضعف روایت آشکار می شود. از عبارت، «وقد روی»، نیز چنین برمی آید که شیخ مفید به روایت قبلی، مرسله ابن ابی عمیر، اعتماد نکرده است. این بی اعتمادی در کلام برخی دیگر از دانشمندان شیعی هم به چشم می خورد؛ مثلاً مجلسی اول در سن یائسگی در زنان قریشی می گوید:

اکثر علماء ذکر کرده اند که روایتی داریم ولی آن را ندیده ایم.

سید شمس الدین عاملی برای این ادعا نصی نیافته و می گوید:

شیخ مفید و کسانی که از او پیروی کرده اند، آن را آورده اند، ولی اعتراف

دارند که ظاهراً نصی وجود ندارد.^۲

درباره سن یائسگی زنان قریشی می توان گفت که این موضوع شهرت فتوایی دارد آن هم در بین متأخران و این شهرت در بین قدما نبوده است.^۳ از مجموعه آن چه ذکر شد می توان دریافت که روایات، ارشاد به این مطالب دارند که غالباً یائسگی در پنجاه سالگی اتفاق می افتد.^۴ البته روایات در مقام بیان نشانه یا بیان حدودی سن یائسگی هستند. با توجه به این مباحث، بعید است که حضرت خدیجه در سن شصت سالگی صاحب فرزند شده باشند. در صفحات بعدی خواهیم دید برخی تاریخ نگاران که سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر را چهل سالگی می دانند، به تولد دو فرزند (عبدالله و فاطمه) برای ایشان بعد از پنجاه سالگی او اشاره دارند و این موضوع با توجه به سن یائسگی زنان نمی سازد و به ناچار سن ایشان حتماً کم تر از چهل سال باید باشد.

۱. مجلسی، *لوامع صاحبقرایی*، ج ۱، ص ۶۳۶.

۲. سید شمس الدین عاملی، *مدارک الاحکام*، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳. حائری یزدی، *الوسیله*، ص ۵۶.

۴. بانو مجتهد زهره صفاتی، *احکام بانوان*، ص ۲۴.

واکوی امکان ازدواج برای پیامبر ﷺ قبل از بعثت

مقدمه دیگری که باید به آن پردازیم، این است که در مکه نیز زنانی صاحب‌نام و علاقه‌مند به پیامبر ﷺ وجود داشتند که خواستار ازدواج با حضرت بودند. هرگز چنین نیست که قبل از بعثت در مکه، امکان ازدواج برای پیامبر ﷺ فراهم نبوده و به سبب فقر شدید مالی و غیره مجبور شده با زن بزرگ‌تراز خود ازدواج کند. اصولاً ازدواج با زن بزرگ‌تراز خود برای مرد، مورد سؤال و انکار قرار می‌گیرد و غالباً این نوع ازدواج‌ها برای مردانی است که امکان هیچ‌گونه ازدواجی با همسران دلخواهشان را نداشته باشند. از این رو، کاملاً طبیعی است که شخصیتی مثل پیامبر ﷺ با آن نسب و قبیلۀ مطرح و معروف و صاحب جلال، از نوع این مردان نبوده‌اند. کفار قریش در مبارزه با رسالت پیامبر ﷺ، از هیچ‌گونه آزار جسمی و روحی ایشان دریغ نمی‌ورزیدند و او را دیوانه، ساحر، ابرو... می‌نامیدند ولی در هیچ منبع تاریخی نیامده که به پیامبر زخم‌زبان بزنند و او را سرزنش کنند که تو همان فقیر بی‌بضاعتی بودی که با یک زن بزرگ‌تراز خودت (عجوزه) ازدواج کردی؟!

تاریخ گواهی می‌دهد زنانی بوده‌اند که نسب و جایگاه عالی در قریش داشتند و به ازدواج با پیامبر ﷺ متمایل بودند؛ از جمله:

۱. فاخته دختر ابی طالب (ام‌هانی)

خواهر امام علی علیه السلام و از زنان صاحب شرف در مکه بود. گفته شده اولین چاه آبی که در مکه حفر کردند، در خانه او بود و این مسأله در میان عرب اهمیت زیادی داشت.^۲

در فتح مکه، کسانی چون حارث بن هشام و زهیر بن ابی امیه در خانه او امان گرفته بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنان را نبخشیدند.^۳ این که این اشخاص در منزل

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۸۷.

۳. ابن سعد، طبقات، ج ۲، ص ۱۱۰.

ام‌هانی رفتند (در حالی که خون آن‌ها هدر بود)، از شخصیت والای او در بین مردم حجاز نشان دارد. او در زمان جاهلیت، به عقد هبیره بن ابی وهب مخزومی درآمد. بنی مخزوم از قبایل معروف مکه بودند که یکی از درب‌های مسجد الحرام به نام آن‌هاست.^۱ ابوطالب به سبب مناسبات خانوادگی و قبیله‌ای که در عرب جاهلی بین قبایل رقیب مرسوم بود، مجبور به پذیرش خواستگاری هبیره شد.^۲ از دشمنی‌های افرادی از این قبیله مثل ابوجهل، خالد بن ولید و ولید بن مغیره با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به سبب رقابت و حسادت قبیله‌ای با بنی هاشم بود، به خوبی روشن می‌شود که چرا ابوطالب با آنان پیمان بست و قصد فامیلی با آنان را داشت. ام‌هانی، از دوشیزگانی بود که دل‌بستگی خاصی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت.^۳ وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه از او خواستگاری کردند، در پاسخ گفت:

من در زمان جاهلیت شیفته شما بودم و شما را از همه کس بیش‌تر دوست می‌داشتم اکنون که زمان اسلام رسیده، چگونه شما را دوست نداشته باشم. ولی من صاحب فرزندی هستم که نگه‌داریشان مانع شوهرداری من می‌شود.^۴

از این گزارش برمی‌آید که حتی زمان قبل از بعثت، دخترانی بوده‌اند که تمایل به ازدواج با پیامبر داشته‌اند.

۲. غزیه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از ازدواج با سوده، از عایشه خواستگاری کردند و در مکه با زنی به نام غزیه دختر دودان بن عوف آشنا شدند. او علاقه‌مند ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. ابن حبیب درباره او می‌نویسد:

غزیه قبلاً همسر ابوالعکر بن سمی بن الحارث الازدی بود و برای او فرزندی

۱. ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۶، ص ۱۶۳.

۲. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۲۰.

۳. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۲۴۲.

۴. ابن حبیب، *المحبر*، ص ۹۸.

به نام شریک آورد که به همین علت او را ام شریک می خواندند. در زمانی که پیامبر ﷺ در مکه بودند، بین زن های مکه می رفتند و آن ها را به اسلام دعوت می کردند. کفار قریش وقتی این وضعیت را دیدند، تصمیم گرفتند او را از مکه اخراج کنند؛ لذا حضرت را سوار بر شتر بدون جهاز نموده، به همراه تعدادی مرد ایشان را به بیابان های اطراف مکه تبعید کردند. سپس ایشان بدون آب و غذا رها ساختند. غزیه به صورت معجزه آسایی از این مخمصه نجات یافت و خود را به پیامبر ﷺ رسانید و خویش را به آن حضرت هبه کرد. پیامبر ﷺ با او ازدواج کردند، ولی بعد از مدت کوتاهی به سبب بالا بودن سنش او را طلاق دادند.^۱

از این گزارش، نکاتی به دست می آید مبنی بر این که هیچ دلیلی وجود نداشته که پیامبر اکرم ﷺ با زنی بزرگ تر از خودش ازدواج کرده باشد. این نکات عبارتند از:

الف) غزیه، پیرنموده بلکه فقط برای ازدواج مسن بود؛ زیرا قبلاً شوهر داشت و او هم فوت کرد و از او هم یک بچه بیش تر نداشت.

ب) او تا پای جان برای پیامبر ﷺ و دین خدا جان فشانی کرد، آن هم در سه سال پایانی حضور پیامبر در مکه که روزهای سختی بر آن حضرت بود. با این همه، پیامبر ﷺ به خاطر کبر سن، از ادامه زندگی با او منصرف شدند؛ البته به او عنایت و لطف داشتند. نکته جالب آن است که تمام همسران پیامبر ﷺ غیر از سوده (آن هم بر اساس یک احتمال) از پیامبر اکرم ﷺ کوچک تر بودند. با بررسی سن همسران پیامبر اکرم ﷺ، معلوم می شود که آن حضرت با زن بزرگ تر از خودش ازدواج نکردند و این همان رسم رایج در آن زمان بوده است. تنها موردی که در ازدواج های پیامبر ﷺ خلاف رسم فوق به نظر می رسد، ازدواج با سوده بوده که برای روشن شدن قضیه، ابتدا اصل قصه ازدواج پیامبر ﷺ با سوده را می آوریم و بعد نکاتی را یادآور می شویم:

خوله دختر حکیم همسر عثمان بن مظعون، بعد از وفات حضرت خدیجه

خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید و به ایشان پیشنهاد داد که ازدواج کند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او پرسیدند: «آیا شخص خاصی را سراغ داری؟» پاسخ داد: «هم دوشیزه برای شما در نظر دارم و هم بیوه؛ دوشیزه، عایشه دختر ابوبکر و بیوه سوده دختر زمه است.» خوله بعد از گرفتن رضایت به منزل سوده رفت و موضوع را با پدر او در میان گذاشت، زمه ضمن این که پیامبر را کفو کریم خواند، با این وصلت موافقت کرد.^۱

اگر کسی ادعا کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با سوده در پیری ازدواج کرده اند، در پاسخ باید گفت: اولاً ازدواج با سوده ازدواج اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبوده است. سوده بعد از مرگ همسرش بی پناه و بی سرپرست بوده و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم به تازگی خدیجه را از دست داده بودند، و برای نگره داری فرزندان و سامان دادن به امور منزل، با او ازدواج کردند. گواه بر این مطلب این است که هم زمان از عایشه (که هنگام عروسی با پیامبر در سال اول هجری نه ساله بود) خواستگاری کردند.^۲ ثانیاً سوده در سال ۵۴ هجری از دنیا رفته و هیچ کس او را از معمرین و عجزه‌ها ذکر نکرده است. معلوم می شود حداکثر سن او موقع ازدواج با پیامبر سی سال^۳ و از ایشان کوچک تر بوده است؛ ضمن این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنوز در مکه بودند و شوکت و اقتدار حضور در مدینه را نداشتند و از همسر قبلیشان، شش فرزند داشتند. با این توصیفات، نمی توان پذیرفت که در عنفوان جوانی با زنی چهل ساله ازدواج کرده باشند.

نکته مهم دیگر این که در میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط سن عایشه و خدیجه مطرح شده و درباره دیگران بحث جدی صورت نگرفته است. از گزارش های فراوان در منابع تاریخی و روایی، چنین به دست می آید که عایشه حساسیت خاصی به خدیجه داشت. تا جایی که از او چنین نقل کرده اند: ماغرت علی امراه ما غرت علی خدیجه مما کنت اسمع من ذکر رسول الله

۱. بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۸، ص ۴۱، ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۲۶.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۶۵۵.

۳. دانشنامه آزاد، سوده.

لها!

به هیچ‌یک از زنان به اندازه خدیجه حساس نبودم خصوصاً وقتی پیامبر از او یاد می‌کرد.

در جای دیگر می‌گوید:

كان رسول الله اذ ذكر خديجه لم يكد يسام من ثناء عليها واستغفار لها فذكرها يوماً فحتملتنى الغيره فقلت، لقد عوضك الله من كبيره السن...؛^۱ وقتی پیامبر از خدیجه یاد می‌کرد، همواره برای او استغفار و دعا می‌نمود. روزی از ثنای پیامبر ﷺ بر او ناراحت شدم و گفتم: خدا در ازای آن پیرزن، یک جوان به شما عطا کرده است.

بر همین اساس، عده‌ای سعی در تقدم عایشه بر خدیجه و عده‌ای نیز بالعکس عمل کرده‌اند؛ مثلاً این‌کثیر بعد از نقل روایت ذیل از عایشه، نتیجه می‌گیرد که او بهتر از خدیجه بوده است:

ما تذكرونا من عجز من عجوز من عجائز قریش حمرا الشدقین هلکت فی الدهر، ابدلک الله خیرامنھا.

سپس ادامه می‌دهد: «این روایت سند خوبی دارد و به اعتقاد من عایشه از خدیجه بهتر است».^۲

دقت در این گزارش، دو نکته را روشن می‌سازد: اولاً کسی قبل از عایشه نسبت عجز به حضرت خدیجه نداده و از زمان عایشه به بعد مسأله سالمندی خدیجه مطرح گردیده است. همان‌طور که در مباحث آینده روشن خواهد شد، منسوبان به عایشه و مخالفان امام علی علیه السلام، به این موضوع دامن زده‌اند. نکته ظریف‌تر و جالب‌تری که در این متن و دیگر گزارش‌های شبیه آن به دست می‌آید، آن است که عایشه می‌گوید: «خدیجه در حالی مرد که عجز بود». این نقل دلالت التزامی دارد به این‌که خدیجه موقع ازدواج با پیامبر ﷺ پیرنیده است.

۱. ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۸۵.

براساس گزارش‌های تاریخی، ازدواج با زن مسن در میان اعراب جاری نبوده است؛ برای مثال، وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ از ام سلمه خواستگاری کردند، با این‌که او زن شایسته‌ای در عرب بود، امتناع ورزید و گفت: «من شایستگی همسری شما را ندارم زیرا سن من زیاد است»^۱. در حالی که ام سلمه سابقه درخشانی در یاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ داشت: شوهر اولش بر اثر جراحت در جنگ احد شهید شد و خودش نیز در غزوه‌ها و سربیه‌ها کنار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ بود.^۲ پس از نظر علاقه به پیامبر و خدمت به اسلام در میان زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ دارای رتبه والایی است.^۳ اگرچه از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست؛ به گفته تاریخ‌نگاران در سال ۶۲ قمری از دنیا رفته است.^۴ ابن سعد از قول پسرعموی ام سلمه آورده که او در هنگام وفات ۸۴ سال داشته است.^۵ اگر سال ازدواج او با پیامبر را سال چهارم هجری بگیریم،^۶ می‌توان نتیجه گرفت که او موقع ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ فقط هیجده سال داشته و سنش کم‌تر از پیامبر بوده ولی با این حال سن خود را برای ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ بالا می‌داند. این گزارش‌ها و امثال آن، ما را به فرهنگ حاکم بر سنت اجتماعی عرب رهنمون می‌سازد. البته با یکی دو مورد نمی‌توانیم به فرهنگ اجتماعی آن عصر دست یابیم، ولی از آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بعید است پیامبر با زنی ازدواج کرده باشند که پانزده سال از خودش بزرگ‌تر بود.

فرزندان پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا وَسَلَّمَ

همه فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه و ماریه قبطیه هستند. پیامبر از ماریه فقط یک فرزند به نام ابراهیم داشتند که در دوران کودکی از دنیا رفت.^۷ بقیه

۱. آب حبيب، همان، ص ۸۴.

۲. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۳. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۱۹.

۴. ذهبی، سیره اعلام النبلا، ج ۲، ص ۲۱.

۵. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۹۶.

۶. ذهبی، همان، ج ۲، ص ۴۱۹.

۷. ابن حبيب، المحبر، ص ۹۸.

فرزندان پیامبر ﷺ از خدیجه بودند و این موضوع مورد اتفاق تاریخ‌نگاران است. اما پژوهش‌گران درباره دو موضوع اختلاف دارند:

اول این‌که برخی گفته‌اند پیامبر ﷺ از خدیجه دارای هفت فرزند بودند به نام‌های قاسم، طاهر، طیب، زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه علیها السلام که قاسم، طیب و طاهر در جاهلیت از دنیا رفتند ولی دختران ایشان اسلام را درک کردند و با پیامبر به مدینه هجرت نمودند.^۱ برخی دیگر گفته‌اند که تعداد فرزندان خدیجه و پیامبر ﷺ شش تن بودند: دو پسر و چهار دختر. پسران قاسم و عبدالله نام داشتند. عبدالله چون در اسلام به دنیا آمده، به او طیب و طاهر لقب دادند.^۲ عبدالله دوماهه بوده که از دنیا رفته و حضرت خدیجه علیها السلام موقع وفات او ۵۶ سال و بنابر قول درست‌ترین‌جاه سال داشته‌اند.^۳ نکته قابل تأمل و بعید در این گزارش، این است که یک زن از چهل تا ۵۱ سالگی بتواند شش یا هفت فرزند به دنیا بیاورد و حداقل یکی از آن‌ها بعد از پنجاه سالگی او باشد.

دومین اختلاف در فرزندان حضرت خدیجه، سال تولد حضرت زهرا علیها السلام است که قریب به اتفاق اهل تسنن آن را پنج سال قبل از بعثت می‌دانند،^۴ ولی علمای شیعه و برخی از اهل تسنن آن را پنج سال بعد از بعثت دانسته‌اند؛ مثل مرحوم کلینی که طی روایتی صحیح‌السند از قول امام سجاد علیه السلام چنین آورده است:

سعید بن مسیب می‌گوید از امام سجاد سؤال کردم: «چه زمانی پیامبر ﷺ، فاطمه علیها السلام را به عقد امام علی علیه السلام درآورد؟» امام پاسخ دادند: «در مدینه، وقتی که فاطمه نه سال داشت».^۵

از این روایت و امثال آن، سال پنجم بعثت برای تولد حضرت زهرا علیها السلام ثابت می‌شود. در منابع دیگری هم بدان اشاره شده است.^۶ یکی از پژوهش‌گران معاصر،

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۲، ص ۷۰.

۳. بیهقی، همان، ج ۲، ص ۷۱.

۴. الدیاری بکری، *تاریخ الخمیس*، ج ۱، ص ۲۷۷.

۵. کلینی، *کافی*، ج ۸، ص ۳۴۰.

۶. الدیاری بکری، *تاریخ الخمیس*، ج ۱، ص ۲۷۸.

تمام اقوال درباره سال تولد حضرت زهرا علیها السلام را جمع آوری کرده و سال پنجم بعثت را برگزیده است.^۱ لذا ازدواج ایشان با امام علی علیه السلام در هیجده یا نوزده سالگی اتفاق افتاده و این امر بعید به نظر می‌رسد، زیرا نمی‌توان قبول کرد که حضرت فاطمه علیها السلام تا نوزده سالگی مجرد بمانند. با توجه به موقعیت والای ایشان از جهت نسب و تعدد خواستگاران او و نیز رسم عرب که معمولاً دختران را در سن پایین شوهر می‌دادند، می‌توان به راحتی ضعف قول مذکور را به دست آورد. اگر تولد حضرت زهرا علیها السلام را در سال پنجم بعثت بگیریم، در این صورت سن حضرت خدیجه (بنابر قول چهل سالگی موقع ازدواج با پیامبر) شصت سال می‌شود و این کاملاً بعید و غیر معقول است که زن در شصت سالگی بتواند بچه‌ای به دنیا بیاورد و در بحث‌های گذشته، ضعف سن شصت برای یائسگی مشخص شد.

بعد از ذکر این مقدمات، سخن تاریخ‌نویسان تا قرن چهارم هجری درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام موقع ازدواج با پیامبر را می‌آوریم و احیاناً نقدهای روش‌مند تاریخی نیز درباره نظر ایشان خواهیم داشت.

۱. سیره ابن هشام (م ۲۱۳ ق)

ابن هشام درباره ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه می‌گوید:

فلما بلغ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خمسا و عشرين سنة تزوج خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصى بن كلاب بن مره، فیما حدثنی غیر واحد من اهل العلم عن ابی عمرو المدنی.^۲

وی این مطلب را از قول خودش نقل می‌کند لذا با عبارت «قال ابن هشام» شروع می‌نماید و در ادامه از قول ابن اسحاق می‌گوید:

و كانت خدیجه بنت خویلد امراه تاجرہ ذات شرف و مال، تستاجر الرجال فیما لها و تضاربهم ایاها بشيء تجعله لهم، فلما بلغها عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من صدق حدیثه و عظم امانته و کرم اخلاقه بعثت الیه فعرضت علیه عن

۱. انصاری، الموسوعة الکبری، ج ۴، ص ۱۲۱.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۸.

یخرج فی مال لها الی الشام تاجرا... فلما اخبرها میسره بما اخبرها به بعثت الی رسول الله ﷺ فقالت له فیما یزعمون: یابن عمانی قدر غبت فیک... و کانت خدیجه یومئذ اوسط نساء قریش نسبا و اعظمهن شرفا و اکثرهن مالا، کل قومها کان حریصا علی ذلک منها لویقدر علیه. فلما قالت ذلک لرسول الله ﷺ ذکر ذلک لاعمامه فخرج معه عمه حمزه بن عبدالمطلب، حتی دخل علی خویلد بن اسد فخطبها الیه فتزوجها.^۱

ابن اسحاق از تاریخ نگارانی است که درباره اش گفته اند که برای تکمیل گزارش خود، از هر شاهی بهره می گرفت.^۲ این ویژگی در گزارش فوق درباره او کاملاً مشهود است؛ زیرا از ذکر هیچ زاویه ای در ازدواج پیامبر و خدیجه دریغ نکرده ولی سن حضرت خدیجه را نیاورده است. این دو معنا دارد: یا او این موضوع را از قلم انداخته و یا خبر مربوط به سن حضرت خدیجه را ندیده است. هر دو احتمال باطل است؛ زیرا نقل انبوه حواشی پیرامون یک حادثه از ویژگی های اوست.^۳ پس نمی توان پذیرفت که به سن حضرت خدیجه دست نیافته و یا آن را نیاورده باشد. بنابراین احتمال سوم این است که حتماً خبر چهل سالگی خدیجه را دیده و چون آن را نپسندیده نیاورده است. جالب است که ابن هشام سن حضرت رسول ﷺ را ذکر کرده، ولی به سن حضرت خدیجه ﷺ اشاره نکرده؛ لذا معلوم می شود او هم اعتقادی به چهل سالگی نداشته است.

۲. محمد بن سعد (۲۳۰ق)

ابن سعد درباره سن حضرت خدیجه می گوید:

اخبرنا محمد بن عمر، اخبرنا مغیره بن عبدالرحمان الاسدی عن اهله قالوا: سالنا حکیم بن حزام ایهما کان اسن رسول الله ﷺ او خدیجه؟ فقال: کانت خدیجه اسن منه بخمسة عشرة سنة...^۴

۱. ابن هشام، همان، ج ۱ ص ۲۰۱-۱۹۹.

۲. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱ ص ۴۴.

۳. برکلمان، تاریخ الأدب العربی، ج ۳، ص ۱۱.

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸ ص ۱۵.

این روایت نشان می‌دهد که مبدع چهل سالگی برای خدیجه در زمان ازدواج با پیامبر، قول حکیم بن حزام است که در سطور بعدی درباره شخصیت و تقابل او با خاندان پیامبر بحث خواهیم کرد. نکته ظریف در روایت آن است که از حکیم پرسیده می‌شود: «کدام یک از آن دو بزرگ‌تر هستند؟» این سؤال بدان معناست که فاصله سنی میان آن دو زیاد نبوده که این‌گونه سؤال می‌کند؛ وگرنه اگر اختلاف سنی پانزده سال بود، هرگز معنا نداشت پرسند که کدام بزرگ‌ترند، اصولاً وقتی می‌پرسیم کدام یک بزرگ‌ترند که تفاوت سنی آن‌ها کم باشد و این را عرف تأیید می‌کند.

در جای دیگر می‌گوید:

اخبرنا هشام بن محمد بن السائب عن ابيه عن ابي صالح عن ابن عباس قال: كانت خديجه يوم تزوجها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ابنة ثمان و عشرين سنة...^۱

با دقت در این دو روایت، به نکته‌ای برمی‌خوریم که چهل سالگی خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم را کاملاً تضعیف می‌کند. حکیم بن حزام همان است که مسأله تولدش در کعبه را مصعب بن زبیر مطرح نمود.^۲ این موضوع را برخی از عالمان اهل سنت و همه علمای شیعه رد کرده‌اند، زیرا برای تحت تأثیر قرار دادن تولد امام علی علیه السلام در کعبه و به جهت رقابت و دشمنی آل زبیر با علویان ساخته شده است.^۳ وقتی بدانیم که حکیم بن حزام در خلافت امام علی علیه السلام با اکراه با حضرت بیعت کرد و عثمانی متصلبی بود،^۴ به خوبی روشن می‌شود که در رقابت و حسادت عایشه نسبت به خدیجه به نفع عایشه و در دشمنی با آل علی علیه السلام نقش بازی می‌کرد. لذا در این میدان رقابت، به نفع عایشه، سن خدیجه را بالا ذکر می‌کند تا عجزه بودن او را اثبات کند که عایشه مطرح ساخته بود. از

۱. زرکلی، الاعلام، ج ۲، ص ۲۶۹.

۲. حاکم، المستدرک، ج ۲، ص ۵۵۰.

۳. عقاد، عبقریه الامام علی، ج ۷ ص ۴۲.

۴. ابن سعد، الطبقات الصغیر، ج ۱ ص ۱۳۵.

سوی دیگر، او دانشمند نبود و شغل تجارت داشت^۱ و قول او در مقایسه با قول یک نسب‌شناس یا یک مفسر و تاریخ‌نگار اعتبار و وزنی ندارد.

از سوی دیگر، در روایت دوم ابن سعد دو شخصیت علمی وجود دارند: یکی هشام بن محمد و دیگری ابن عباس. درباره هشام باید بدانیم که علما و تاریخ‌نگاران زیادی به علم و فضل او اعتراف دارند و او را عالم‌ترین فرد به علم انساب و اخبار جاهلیت و ایام العرب می‌دانند.^۲ ذهبی درباره او می‌گوید: «کان راسا فی الانساب»^۳ ابن عباس هم بیش‌تر یک شخصیت علمی بود تا یک فرد سیاسی و وابسته به مذهب و جناح خاص که زندگی او این موضوع را تایید می‌کند. او امیرالحاج در دستگاه خلافت عثمان بود^۴ و در حکومت امام علی ع نیز نقش فعال داشت.^۵ در دوران خلفای هم عصرش نیز دارای موضع معتدلی بود. روایات بی‌شماری از او در منابع شیعه و سنی نقل شده که آن‌ها را با پرسش از صحابه ثبت کرده است و هر دو فرقه به اعتبار علمی او معترف هستند. حال باید پرسید: اگر امر دایر شود بین پذیرفتن حرف یک عالم و متخصص در اخبار جاهلیت و نسب‌شناس مثل هشام بن محمد و یک تاجر که اتفاقاً در میدان رقابت بین علوی و زبیری بازی می‌کند، حرف کدام یک از آن دو پذیرفته می‌شود؟ بی‌شک تخصص و جایگاه علمی غلبه می‌یابد و این یعنی موافقت با روش در مطالعات تاریخی. وقتی با یک گزارش تاریخی و یا یک منبع تاریخی برخورد می‌کنیم، نخست به جایگاه علمی نویسنده یا گزارش‌دهنده به دقت توجه می‌شود. بعد به تخصص او توجه می‌کنیم که آیا در حوزه‌ای که حرف زده، تخصص لازم را دارد یا خیر؟ و سرانجام گرایش و تمایل او بررسی می‌گردد. و این گرایش ممکن است دینی، مذهبی، قومی، قبیله‌ای و منطقه‌ای باشد. طی

۱. همان، ج ۴ ص ۶۵.

۲. یاقوت حموی، معجم‌الادب، ج ۵ ص ۵۹۶.

۳. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۶ ص ۲۴۸.

۴. اسد الغابه، ج ۳ ص ۱۰۹.

۵. همان، ج ۳ ص ۱۸۸.

این مراحل در مطالعات تاریخی، ضروری است و روشمند بودن در تاریخ آن را اقتضا می‌کند. با این توضیحات، پذیرش نظر هشام و ابن عباس ضروری و رد نظر حکیم بن حزام آسان‌تر خواهد بود.

دلیل دیگری که قول حکیم را رد می‌کند، این است که ابن سعد در اخبار مربوط به مغازی و جنگ‌ها، قول واقدی را می‌آورد و می‌پذیرد و در نسب‌ها و اخبار مربوط به افراد و اطلاعات فردی آنان، به هشام بن محمد سائب کلبی استناد می‌کند. مثلاً وقتی اختلاف موجود درباره زمان شهادت سائب بن مظعون را می‌آورد، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا در بدر کشته شده یا در احد؟ سپس به قول محمد بن هشام اعتماد می‌کند و او را از شهدای بدر محسوب می‌دارد^۱ و زمان شهادت او را سال دوم هجری ذکر می‌کند. چون وی در مباحث اطلاعات مربوط به اخبار جاهلیت و تاریخ عرب خصوصاً اطلاعات فردی به قول هشام اعتماد می‌کرده، دلیلی ندارد که در این جا هم که بحث به گزارش‌های زمان جاهلیت و اطلاعات فردی اشخاص مربوط است، از موضع خود عدول کند.

۳. بلاذری (۲۷۹ق)

بلاذری تأکید می‌کند که خدیجه به پیامبر پیغام داد که «به همراه عموهایت برای خواستگاری من نزد عمویم عمرورفته، مرا از او خواستگاری کنید. من او را راضی خواهم کرد». ابوطالب او را از عمویش خواستگاری نمود و خدیجه با صدق دوازده اوقیه (هر اوقیه معادل چهل درهم)، به عقد رسول خدا درآمد.^۲ او در ادامه، موضوع سن حضرت خدیجه را مطرح می‌سازد و احتمالات مختلف را می‌آورد:

وتزوج رسول الله ﷺ خدیجه وهو ابن خمس وعشرون سنة وهی اربعین سنة وذلك الثبت عند العلماء ويقال تزوجها وهی ابنة ثمان وعشرین سنة وحدثنی الولید بن صالح، ثنا الواقدی عن المنذر بن عبد الله عن موسی بن عقبه قال، قال حکیم بن حزام تزوج رسول الله عمتی خدیجه و

۱. ابن سعد، *طبقات*، ج ۳ ص ۴۰۲.

۲. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱ ص ۱۰۷-۱۰۶.

هی ابنة اربعین ورسوال الله ﷺ ابن خمس و عشرین^۱.

وی در این جا، درباره سن حضرت خدیجه با تردید روبه رو شده، لذا وقتی چهل سالگی را ذکر می کند و می گوید که این نزد علما ثابت است، بلافاصله با کلمه «یقال»، به اختلاف موجود در مسأله می پردازد. البته «یقال» اشعار به ضعف قول مقابل است. اصولاً در *انساب الاشراف*، وقتی موضوعی اختلافی باشد، از اظهار نظر صریح خودداری می شود، مثلاً درباره جانشینان پیامبر ﷺ در مدینه هنگام رفتن پیامبر ﷺ برای صلح حدیبیه، بین تاریخ نویسان اختلاف است که ابن ام مکتوم بوده یا ابورهم. بلاذری در بیان ماجرا به این اختلاف اشاره و اقوال متفاوت را ذکر می کند.^۲ از این موارد در *انساب الاشراف* به وفور دیده می شود. علت این امر هم این است که بلاذری، با روش تاریخی و نه حدیثی، به نوشتن کتاب پرداخته است. تاریخ نویسان در روش تاریخی، گزارش های متعدد را می بینند، نقد متن می کنند و نه صرفاً نقد سند، آن وقت به تبیین حادثه می پردازد. از سوی دیگر، وقتی از تعبیر «یقال» استفاده می کند، این بدان معنا نیست که این قول، مطلقاً ضعیف است، بلکه به منزله اشکال و نقضی است که بلاذری به حرف مشهور می زند؛ زیرا از منابع متعدد و راویان متفاوت در اظهار نظر خویش بهره برده است؛ از جمله:

۱. محمد بن مسلم شهاب زهری (۱۲۴ق)؛

۲. عوانة بن حکیم (۱۴۷ق)؛

۳. ابومخنف (۱۵۷ق)؛

۴. هشام بن محمد بن سائب کلبی (۲۰۴ق)؛

۵. محمد بن عمرو واقدی (۲۰۷ق)؛

۶. هیثم بن عدی (۲۰۸ق)؛

۷. علی بن محمد مدائنی (۲۲۵ق).

۱. همان، ص ۱۰۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۴۱.

همان طور که از این اسامی برمی آید، گرایش‌ها و تخصص‌های مختلف در افراد یاد شده وجود دارد. ممکن نیست بلاذری در نقل‌هایش به آنان اعتماد نکند و اختلاف آرا بین ایشان را نادیده بگیرد. اصولاً برای شخصیتی مثل بلاذری که در محیط عراق و خصوصاً کوفه نمو علمی داشته^۱ و کاملاً پرسش‌مدارانه رفتار می‌کند، به راحتی حرفی را نمی‌پذیرد و تسلیم قولی نمی‌شود. شاید به همین علت، در نقل حوادث سال دهم بعثت وقتی به فوت ابوطالب و خدیجه اشاره می‌کند، سن ابوطالب را موقع مرگ بیان می‌نماید (بضع و ثمانون سنه)؛ ولی از ذکر سن حضرت خدیجه خودداری می‌کند.^۲ این می‌تواند قرینه‌ای باشد که چهار سالگی خدیجه را نپذیرفته است. اصولاً بلاذری در گزارش تاریخی، مورد اختلاف، به اظهار اختلاف می‌پردازد؛ مثلاً درباره زمان حضور مسلمانان در مدینه و هجرت آنان از مکه می‌گوید:

فیقال انه كان بين اولهم وآخرهم اكثر من سنه.^۳

«یقال» در این عبارت، به معنای ضعف قول نیست بلکه بر اختلافی بودن قضیه دلالت می‌کند و با مراجعه به منابع تاریخی، می‌بینیم که موضوع اختلافی است، وگرنه در جاهایی که به اطمینان رسیده، با قاطعیت سخن گفته است؛ مثلاً در قضیه هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به یثرب و همراهی ابوبکر با او، به نکته جالبی اشاره می‌کند که نشان از دقت او در امر تاریخ‌نگاری است. وی می‌گوید: موقعی که ابوبکر قصد هجرت نمود، با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشورت کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او خواستند که فعلاً موضوع را مخفی نگه دارد و او چهار ماه به مرکبش برگ سمور خوراند.^۴

این‌که بلاذری زمان چهار ماه را آورده و نوع علفه اشاره کرده، از دقت او حکایت می‌کند که موضوع با همه جزئیات آن برای وی محرز شده است. وقتی

۱. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۲ ص ۲۶۹.

۲. بلاذری، همان، ج ۱، ص ۲۷۳.

۳. همان، ص ۳۰۳.

۴. همان، ص ۳۰۶.

این نکات را کنار اشکالاتی مثل عدم سرزنش قریش از پیامبر ﷺ برای ازدواج با خدیجه چهل ساله و امکان ازدواج پیامبر ﷺ با دوشیزگان در مکه حتی در سه سال پایانی حضور حضرت در آن شهر (سال‌های ۱۰ تا ۱۳ بعثت) قرار می‌دهیم، نتیجه می‌گیریم که بلاذری در سن خدیجه موقع ازدواج، دچار تردید است. ایراد اساسی تربه قول اول (چهل سالگی)، این است که وی می‌گوید: «این قول نزد علما ثابت است». اولاً در صفحات گذشته، دیدیم که موضوع چهل سالگی حضرت خدیجه در بین علما کاملاً اختلافی است. ثانیاً بلاذری بر اساس روایت حکیم بن حزام می‌گوید که علما گفته‌اند سن حضرت خدیجه در موقع ازدواج چهل سال بوده است. منشأ قول چهل سالگی، روایتی از حکیم است که طی آن، سال تولد خدیجه پانزده سال قبل از عام الفیل ذکر شده است.

۴. یعقوبی (۲۸۴ق)

یعقوبی درباره سن ازدواج خدیجه عليها السلام چنین می‌گوید:

وتزوج رسول الله ﷺ خدیجه بنت خویلد و له خمس وعشرون سنة و قيل: تزوجها و له ثلاثون سنة، و ولدت له قبلان يبعث القاسم ورقيه و زينب و ام كلثوم و بعد ما بعث عبدالله و فاطمه.^۱
وی در این گزارش، به سن حضرت خدیجه اشاره نکرده و فقط اختلاف موجود در سن پیامبر ﷺ را بازگونی نموده، اما در بیان وفات حضرت خدیجه به سن او اشاره کرده است:

و توفيت خدیجه بنت خویلد فی شهر رمضان قبل الهجرة بثلاث سنين و لها خمس و ستون سنة...^۲

با این عبارت اخیر، مشخص می‌شود که خدیجه هنگام ازدواج چهل ساله بوده است. در نقد نظر یعقوبی، به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۳۵.

اولاً گزارش‌های وی بدون سند ذکر شده و مشخص نیست از چه منابعی استفاده کرده؛ چون مقدمه جلد اول *تاریخ یعقوبی* به دست ما نرسیده است. در روش مطالعات تاریخ، باید دید که کتاب از چه منابعی استفاده کرده، بعد دید مطالب آن منابع در منابع دیگر تاریخی، آمده یا خیر. کتاب *یعقوبی*، سند ندارد؛ پس امکان نقد سندی برای گزارش‌های او ممکن نیست.

ثانیاً وقتی امکان نقد سندی برای کتابی وجود نداشت به نقد متنی می‌رسیم. با حفظ مقدمه فوق، دو اشکال اساسی به *یعقوبی* درباره سن حضرت خدیجه در زمان ازدواج وارد است:

۱. وی به استخدام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای خدیجه در سفرهای تجاری اعتقاد ندارد و آن‌طور که از کلامش برمی‌آید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خدیجه رغبت داشته است.^۱ اگر می‌گفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقرمالی داشته و در کار کردن برای خدیجه توانسته علاقه او را جلب کنند، شاید بتوان قول چهل سالگی را پذیرفت، ولی بر اساس مبنای *یعقوبی*، چه ضرورتی داشت که نوه عبدالمطلب که صاحب ارج و قرب والایی در مکه و در میان قریش بود^۲ و امکان ازدواج با دختران و دوشیزگان عرب را داشت و حتی برخی زنان خود را به آن حضرت هبه می‌کردند.^۳ با زنی ازدواج کند که حداقل ده سال از خودش بزرگ‌تر بود (اگر قول سی سالگی پیامبر در حین ازدواج را بپذیریم *یعقوبی* آورده که در منابع دیگر نیست و خلاف مشهور است).

۲. *یعقوبی* آورده که دو تن از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (عبدالله و فاطمه) بعد از بعثت به دنیا آمدند.^۴ این قول درباره تولد حضرت زهرا علیها السلام که موافق با قول علمای شیعه است.^۵ با سن بالای حضرت خدیجه موقع تولد حضرت زهرا علیها السلام نمی‌سازد؛ زیرا زایمان زن در سن حدود شصت سالگی، بعید و غیرعادی

۱. همان، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۱۹.

۳. همان، ص ۸۴.

۴. همان، ص ۲۰.

۵. طبری، *اعلام‌الواری*، ج ۱ ص ۲۹۰.

است.^۱ این که می‌گوییم، خدیجه در حدود شصت سالگی، فاطمه ع را به دنیا آورد، چون خود یعقوبی در وفات خدیجه گزارش کرده که حضرت فاطمه ع در مرگ مادرش گریه می‌کردند و از رسول خدا می‌پرسیدند: «مادرم کجاست؟» و رسول خدا ص دخترش را دل‌داری می‌دادند.^۲ از این گزارش تاریخی برمی‌آید که حضرت زهرا ع در حین وفات مادرش حداقل سه یا چهار سال داشته‌اند.

۵. محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق)

طبری درباره ازدواج خدیجه با پیامبر ص ابتدا به چهل سالگی خدیجه تصریح می‌کند:

نكح رسول الله خدیجه و هو ابن خمس و عشرون سنة و خدیجه يومئذ ابنة اربعین سنة.^۳

در جای دیگر، به اختلاف نظر در ازدواج پیامبر ص با خدیجه اشاره نموده می‌گوید در این باره اختلاف اقوالی نیز وجود دارد.^۴ چند نکته در این اظهار نظر جلب توجه می‌کند:

اول این که قول به چهل سال را بدون ذکر سند آورده که البته در روش تاریخی اکتفا به سند در ارزیابی‌ها کافی نیست.^۵ بلکه به نظر می‌رسد نقد متنی بر نقد سندی مقدم است و اولویت دارد خود طبری در گزارش‌های فراوانی که در کتابش آورده، به ذکر سند پرداخته است و اگر مواردی مثل سن حضرت خدیجه را بدون سند آورده، خلاف روش خویش رفتار کرده است.

دوم، برخی گفته‌اند ویژگی دیگر طبری آن است که در نقل روایی، نقل‌های مختلفی را از یک حادثه می‌آورد. این شیوه، فرصت لازم را در اختیار محقق قرار

۱. شهید صدر، الفتاوی الواضحه، ج ۱ ص ۱۳۸.

۲. یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۳۵.

۳. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۱، ص ۵۲۱.

۴. همان، ص ۵۲۳.

۵. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱ ص ۱۲۶.

می‌دهد تا دیدگاه‌های معارض را درباره یک حادثه به دست آورد و با توجه به روش‌های علمی، درباره آن‌ها به تحقیق پردازد.^۱ براساس نکته اخیر، این‌که طبری اختلاف اقوال را در مورد سن حضرت خدیجه می‌آورد، در واقع راه را برای قضاوت محقق باز می‌کند. براساس گزارش او، می‌توان قول دوم را تقویت کرد. توضیح این‌که طبری در رد این مطلب که خدیجه پدرش را مدهوش ساخته تا با نارضایتی او در ازدواج خللی ایجاد نشود، می‌گوید:

در آن زمان پدر او مرده بود و خدیجه به اذن عمویش به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآمد و عمویش را خوابانید تا بدون مزاحمتی به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآید. وقتی عمویش بیدار شد در مقابل کار انجام شده قرار گرفت.^۲

اگر این گزارش را بپذیریم، باید گفت که ممکن نیست زن چهل ساله‌ای که صاحب‌مال و مکنت فراوان و نیزیوه است، برای ازدواج نیاز به اجازه عمویش داشته باشد. این گزارش با کم‌سن بودن خدیجه سازگارتر است.

۶. مسعودی (۳۴۶ ق)

مسعودی سن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در حین ازدواج با خدیجه ۲۶ سال می‌داند و درباره سن خدیجه علیها السلام، به اقوال مختلف اشاره می‌کند:

وفی سنة ست وعشرين كان تزويجه بخديجه بنت خويلد وهي يومئذ بنت اربعين وقيل في سنها غير هذا.^۳

در این گزارش، به سن حضرت خدیجه علیها السلام اطمینان ندارد. درباره مسعودی باید بدانیم که او علاوه بر علم تاریخ، به علت مسافرت‌های فراوان، یک جامعه‌شناس و فرهنگ‌شناس هم بود.^۴ لذا در گزارش‌های تاریخی، بسترشناسی هم می‌کند. به همین جهت، برخی تاریخ‌نگاران می‌گویند: کتاب *مروج الذهب*

۱. همان، ص ۱۲۵.

۲. طبری، همان، ج ۱، ص ۵۲۳.

۳. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۲۹۴.

۴. جعفریان، همان، ج ۱ ص ۱۳۵.

تنها بر اخبار تاریخی مشتمل نیست، بلکه بسیاری از مسائل فرهنگی و... نیز در آن منعکس شده است.^۱ از سوی دیگر، گفته‌اند که منابع مورد استفاده او در *سراج الذهب* فراوان بوده است و او مهم‌ترین کتب تاریخی موجود زمانش را دیده است.^۲ پس حتماً چهل سالگی خدیجه، اخبار معارضی داشته که مسعودی به آن تکیه نکرده است.

نتیجه

از بررسی منابع تاریخی تا پایان قرن چهارم هجری، با کمک روش تاریخی، درباره سن حضرت خدیجه ع.ا.س. در موقع ازدواج با رسول خدا ص.ا.ع. نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. چهل سالگی ایشان، حین ازدواج، کاملاً مورد اختلاف و تردید، تاریخ‌نگاران مقدم است، به طوری که هیچ‌یک از آنان، با قطعیت، متعرض به آن نشده‌اند.
۲. روایات و گزارش‌های چهل سالگی دارای اشکالات متعدد سندی و متنی است که هرگز نمی‌توان به آن اعتنا کرد. از جمله این اشکالات، می‌توان به مواردی مثل مخالفت با فرهنگ و رسوم ازدواج در عرب قبل از بعثت، عدم امکان تولد هفت الی هشت فرزند توسط یک زن چهل ساله، آن‌هم تولد برخی از آنان در سن یائسگی، عدم ازدواج مردان با زنان بزرگ‌تراز خود درحالی‌که امکان ازدواج با دوشیزگان برای آن‌ها فراهم باشد.
۳. به نظر می‌رسد موضوع عجزه بودن حضرت خدیجه به عنوان ابزاری برای تخریب شخصیت ایشان و افراد منسوب با ایشان از جمله امام علی ع.ا.س. در منازعات قومی - قبیله‌ای و جناحی، در دست قرار گرفته است.
۴. سن حضرت خدیجه ع.ا.س. در موقع ازدواج با پیامبر ۲۶ و نهایتاً ۲۸ سال بوده و نسب‌شناسانی مثل هشام بن محمد کلبی به آن اقرار کرده‌اند.

۱. همان، ص ۱۳۹.

۲. همان، ص ۱۳۸.

منابع

قرآن مجید.

١. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن الکرّم الشیبانی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٩٩٤ م.
٢. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن محمد الجزری، *اسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابہ*، بیروت، دارالفکر، ١٩٨٩ م.
٣. ابن حبیب، ابی جعفر محمد بن حبیب، *المحبر، تصحیح دکتر ایلزه لیختن شتیث*، بیروت، دارالافاق الجدیدہ، بی تا.
٤. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فی تمییز الصحابہ*، تحقیق الشیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ١٩٩٥ م.
٥. ابن خیاط، خلیفہ بن خیاط بصری، *تاریخ خلیفہ*، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ١٣٨٧ هـ.
٦. ابن سعد، محمد بن سعد الکاتب، *الطبقات الصغیر*، تونس، دارالغرب الاسلامی، ٢٠٠٩ م.
٧. ابن سعد، محمد بن سعد الکاتب، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارصادر، ١٣٧٧ هـ.
٨. ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبداللہ، *الاستیعاب فی معرفۃ الاصحاب*، بیروت، دارالجمیل، ١٩٩٢ م.
٩. ابن عساکر، الحافظ، *تاریخ مدینہ دمشق*، تحقیق سکینے السہابی، سوریه، دارالفکر، بی تا.
١٠. ابن کثیر، ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر، *البدایہ والنہایہ*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
١١. ابن ہشام، عبدالملک بن ہشام، *السیرۃ النبویہ*، تحقیق مصطفی السقا، بیروت، داراحیاء، التراث ١٩٣٦ م.
١٢. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، *کشف الغمہ فی معرفۃ الائمہ رضی اللہ عنہم*،

- تصحیح سید ابراهیم عیانجی، قم، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۴ ش.
۱۳. امین، سید محسن، *اعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. انصاری، اسماعیل، *الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء*، قم، دلیل ما، ۱۴۲۸ ق.
۱۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی، *دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة*، تحقیق دکتور عبدالمعطی قلجی، بیروت، ۱۹۸۵ م.
۱۶. ترماتینی، *الزواج عند العرب فی جاهلیة و الاسلام*، دمشق، بی تا.
۱۷. حافظ، احمد بن عبدالله، *ذخائر العقبی*، مصر، مکتبة الدین حسام الدین، ۱۳۵۶ هـ .
۱۸. حسن ابراهیم حسن، *تاریخ الاسلام، السیاسی و الدینی و الشفافی*، قاهره، چاپ هفتم، ۱۹۹۴ م.
۱۹. الدیاربکری، حسین بن محمد بن الحسن، *تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۲۰. ذهبی، شمس الدین، محمد بن احمد بن عثمان، *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق دکتر محمد عبدالاسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۹۴ م.
۲۱. صدر، سید محمد باقر، *الفتاری الواضحه*، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب، ۱۹۷۷ م.
۲۲. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، *تاج الموالید فی موالید الائمة الطیبة و وفياتهم*، مکتبة بصیرتی، بی تا.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۹۳۹ م.
۲۴. عقاد، عباس محمود، *عقبریة الامام علی*، بیروت، ۱۹۶۷ هـ.
۲۵. فوزی، ابراهیم، *احکام الاسرة فی الجاهلیة و الاسلام*، بیروت، دارالکلمه

- لنشر، ۱۹۸۳ م.
۲۶. کلینی، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۱ هـ.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعه*، قم، کنگره بزرگداشت، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. مقدسی، احمد، *ملاک المطهر*، بیروت، دار صادر، ۱۹۸۸ م.
۳۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق بغدادی، *تاریخ یعقوبی*، بیروت ۱۹۶۰ م.
۳۲. یوسفی غروی، محمدهادی، *موسوعة التاریخ الاسلامی*، قم مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

حسین تهرانی

موضوع سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، از جمله مسائلی است که صاحب نظران درباره آن اختلاف نظر داشته اند و هریک با استشهاد به دلایل روایی و تاریخی، برای اثبات یا نفی آن تلاش کرده اند. در این مقاله، دیدگاه‌های اندیشه‌وران نقد و بررسی گردیده و قول صحیح در این باره تبیین شده است.

در منابع مختلف، درباره سن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ازدواج چهار قول ذکر شده که عبارتند از: ۲۱، ۲۳، ۲۵ و سی سال که در میان آن‌ها، قول ۲۵ سال مشهور است. در واقع، پانزده سال قبل از بعثت و روایات متعدد این قول را تأیید می‌کند؛ از جمله:

... زَوْجُ بِهَا وَهُوَ بِنِ خَمْسٍ وَعَشْرِينَ سَنَةً، قَبْلَ أَنْ يَبْعَثَهُ اللَّهُ نَبِيًّا بِخَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً؛^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و ۲۵ سال داشتند و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری برسند.

در مورد سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام پیوندش با والاترین جوان روزگاران، دیدگاه‌ها یکسان نیست و تاریخ‌نگاران سن ایشان را بین ۲۵ تا ۴۶ سال بیان نموده‌اند؛ به شرح ذیل:

الف) ۲۵ سال که بیهقی آن را درست دانسته است. وی بر این قول صحه

۱. أبو الفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، *البدایه والنهایه*، ج ۲، ص ۲۹۵؛ نورالدین علی بن ابراهیم الحلبي، *السیرة الحلبيیه*، ج ۱، ص ۲۲۷.

می‌گذارد و می‌گوید:

... ثم بلغت خدیجه خمساً وستین سنه، ويقال خمسين سنه وهو أصح؛^۱
 می‌گویند که حضرت خدیجه علیها السلام، در ۶۵ یا پنجاه سالگی وفات یافت، در
 حالی که پنجاه سالگی درست تر است.

بنابراین، اگر حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از بعثت^۲ با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
 ازدواج کرده که بیهقی نیز آن را تأیید می‌کند، یعنی هنگام ازدواج ۲۵ سال
 داشته^۳ و سال وفات ایشان هم سال دهم بعثت است. در میان معاصران نیز
 برخی از علما تصریح کرده‌اند که حضرت خدیجه علیها السلام در زمان بعثت، بانویی
 چهل ساله بوده‌اند. حال با توجه به این که در زمان بعثت، ۱۵ سال از ازدواج
 ایشان گذشته، پس هنگام ازدواج، ۲۵ سال داشته‌اند.

(ب) ۲۸ سال که بیش تر آن را ترجیح می‌دهند. ابن عماد حنبلی، به نقل از

صحیح بخاری می‌نویسد:

وتزوج خدیجه و هو ابن خمس و عشرين سنة، وهی بنت اربعین علی
 الصحیح فیهما؛

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و ۲۵ سال داشتند و
 حضرت خدیجه علیها السلام، به احتمال قوی دختری چهل ساله بودند.

سپس در رد این نظریه می‌گوید:

ورجح كثیرون أنها ابنة ثمان و عشرين و...؛^۴

۱. ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، ج ۲، ص ۷۱؛ ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر،
 السیره النبویه صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۲۶۴؛ همو، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۴.

۲. ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، ج ۲، ص ۷۲:
 ... زوجه بها و هو ابن خمس و عشرين سنه، قبل أن یبعثه الله نبیا بخمس عشره سنه؛
 پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با حضرت خدیجه علیها السلام در ۲۵ سالگی ازدواج کردند و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری
 رسند. «سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۲، ص ۱۱۰ و ۱۱۶.

۳. ابوالحسن بلاذری، انساب الأشراف، ص ۹۸؛ شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، سیر اعلام النبلاء،
 ج ۲، ص ۱۱۱؛ نورالدین علی بن ابراهیم الحلبي، سیره الحلبيه فی سیره الأمیین و المؤمنین، ج ۱، ص ۱۴۰؛ ابن
 عساکر، مختصر تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۲۷۵.

۴. شهاب الدین ابوالفلاح عبدالحی ابن العماد الحنبلی دمشقی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۱،

در حالی که بسیاری از تاریخ نگاران این دیدگاه را ترجیح داده اند که، حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، دوشیزه ای ۲۸ ساله بوده است.

بلاذری نیز ضمن بحث در این مورد می نویسد:

... تزوجها و هوا بن ثلاث و عشرين سنة و هی ابنة ثمان و عشرين سنة^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام، جوانی ۲۳ ساله و حضرت خدیجه علیها السلام، دختری ۲۸ ساله بوده اند. ابن عساکر، به نقل از ابن عباس می گوید:

کانت خدیجه یوم تزوجها رسول الله صلی الله علیه و آله ابنة ثمان و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقیة و كذلك کانت مهر نساءه^۳ روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری ۲۸ ساله بودند و مهریه آن بزرگوار، دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود که با مهریه دیگر زنان برابری می کرد.

ابن کثیر، می نویسد:

حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ارتحال، پنجاه ساله بود که ۲۵ سال آن را در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سپری کرده بود.^۴ کلبی، از شیعیان امیرمؤمنان علی علیه السلام به نقل از ابن عباس می گوید: انّ التّبی [صلی الله علیه و آله] تزوجها بنت ثمان و عشرين سنة^۵ پیامبر صلی الله علیه و آله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و او دختری ۲۸ ساله بود.

ص ۱۳۴، در رویدادهای سال یازده قری؛ ابن اثیر، جامع الأصول، ج ۵، ص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرو التّبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۱۶.

۱. ابن عماد حنبلی (متوفی در قرن ۱۱ق) در کتاب خود به معرفی ۴۵ نفر از تاریخ نویسان سال اول تا هزارم هجری پرداخته و ضمن بیان حوادث مهم و وقایع و تراجم اعلام، کوشیده بی طرفی خویش را حفظ کند، اما گاه به نقد و تحلیل منابع فراوانی می پردازد که در نگارش بر آن ها تکیه داشته است.

۲. ابوالحسن بلاذری، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۹۸.

۳. ابوالقاسم بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۹۳.

۴. ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، البدایه و النّهایه، ج ۲، ص ۳۵۹.

۵. شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

حاکم نیشابوری قول ۲۸ سال را به نقل از ابن اسحاق روایت می‌کند:

وكان لها يوم تزوجها ثمان وعشرون سنة؛^۱

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد، ۲۸ ساله بود.

وی به طور واضح سن حضرت خدیجه علیها السلام را روشن نساخته، اما آن جا که از هشام بن عروه نقل می‌کند که گفت:

توفیت خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها و هی ابنة خمس وستین سنة؛

حضرت خدیجه علیها السلام، در ۶۵ سالگی وفات یافته است.

می‌گوید:

هذا قول شاذ فإن الذی عندی آن ها لم تبلغ ستین سنة؛

این سخن نادر و شاذی است و به نظر من، ایشان به ۶۰ سالگی نرسیدند».

بنابراین، ایشان برآنند که سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج، کم‌تر از

سی سال بوده است.

ابن عباس نقل می‌کند:

أنه تزوجها صلى الله عليه وآله و هی ابنة ثمانی و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقية

و كذلك كانت مهور نساءه؛^۲

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلى الله عليه وآله ازدواج کرد، دختری ۲۸ ساله

بود و مهریه آن بزرگوار، دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود که با مهریه دیگر

زنان برابری می‌کرد.

ابن حماد می‌گوید:

بلغنی أن رسول الله صلى الله عليه وآله تزوج خدیجه علی اثنتی عشرة أوقية ذهباً و هی

یومئذ ابنة ثمانی و عشرين سنة؛^۳

به من خبر دادند که پیامبر صلى الله عليه وآله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و

مهریه اش، دوازده اوقیه طلا و حضرت خدیجه علیها السلام، ۲۸ ساله بود.

۱. حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲. محمدباقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱۶، ص ۱۰.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۱۲.

نویری، قول به ۲۸ سال را پذیرفته و در مورد چهل سال می‌گوید: «قیل»؛ یعنی از نظروی، سند مشخص و معلومی برای قول چهل ساله بودن حضرت خدیجه علیها السلام وجود ندارد:

فتزوّجها [صلی الله علیه و آله] و هو ابن خمس و عشرين سنة و شهرين و عشرة أيام، و خدیجه یومئذ بنت ثمان و عشرين سنة، و قیل: بنت أربعين سنة؛^۱
پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و ۲۵ سال و دو ماه و ده روز داشتند و حضرت خدیجه علیها السلام ۲۸ ساله بود و گفته‌اند که چهل سال داشت.

ابن سعد با اسناد خود، به نقل از ابن عباس می‌گوید:

أخبرنا هشام بن محمد بن السائب عن أبيه عن أبي صالح عن ابن عباس قال: كانت خدیجه یوم تزوّجها رسول الله [صلی الله علیه و آله] ابنة ثمان و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقیة؛^۲

ابن عباس گفت: روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری ۲۸ ساله بودند و مهریه اش، دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود.

پس بی‌شک سن مبارک حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کم‌تراز سی سال بوده و تاریخ‌نگارانی که بیش‌تر از سی سال را مطرح نموده‌اند، دلیلی برای قول خود ذکر نکرده‌اند. مطلب دیگر این‌که با توجه به فرزندان‌ی که حضرت خدیجه علیها السلام بعد از ازدواج به دنیا آورده، با چهل ساله بودن ایشان مناسبتی نداشته و نمی‌تواند، مطابقتی با واقع داشته باشد! از طرفی، وجود خواستگاران زیاد و استنکاف از پذیرش آنان،^۳ خود مطلبی است که وضعیت

۱. شهاب الدین احمد التویری، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، ج ۱۶، ص ۹۸.

۲. ابو عبد الله محمد ابن سعد (کاتب واقدی)، *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۳؛ علی بن عیسی اربلی، *کشف الغمّه فی معرفه الأئمه علیهم السلام*، ج ۱، ص ۵۱۰ و ۵۱۳:

وقال ابن حماد بلغنی أن رسول الله تزوج خدیجه علی اثنتی عشرة أوقیه ذهباً و هی یومئذ ابنة ثمانی و عشرين سنه؛

ابن حماد گفت: خبرم کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله، با مهریه دوازده اوقیه طلا با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد و حضرت خدیجه علیها السلام، ۲۸ سال داشتند.

۳. محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱۶، ص ۲۲ و ۲۳.

سنی مناسبی را برای یک زن آشکار می‌کند. وضعیت سنی مناسب، یکی از جاذبه‌های طبیعی زن است که از کثرت خواستگاران حکایت می‌کند؛ زیرا همه کسانی که اخباری نقل کرده‌اند و روایاتی از آنان برجای مانده - از شیعه و اهل سنت - اجماع دارند، مردی از اشراف قریش و رؤسای آنان نمانده بود که به خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام نرود و یا درصدد آن برنیاید؛ از جمله عقبه بن ابی معیط؛ صلت بن ابی یهاب، ابوجهل بن هشام و ابوسفیان. حضرت خدیجه علیها السلام از پذیرش استنکاف می‌نمود تا جایی که وقتی به همسری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآمد، زنان قریش براو خشم گرفتند و از او کناره‌گیری کردند و گفتند: بزرگان و اشراف قریش، از تو خواستگاری کردند و به همسری هیچ‌یک درنیامدی و به همسری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - یتیم ابوطالب که مردی فقیر است و مالی ندارد - درآمدی!

حال چرا لازم است این همه اختلاف، درباره سن این بانوی بزرگ هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شود؟ آیا این تعمدی و براساس سیاست پنهان بوده است؟ آیا می‌خواهند انتخاب شایسته حضرت خدیجه علیها السلام را زیر سؤال ببرند که اگر بانویی به بالای سن چهل برسد، تن به ازدواج با هرشرایطی خواهد داد و انتخاب حضرت محمدامین صلی الله علیه و آله و سلم برای ایشان در این سن، فضیلت نبوده است؟ آیا هدف، کاستن مقام و منزلت و ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده که به ازدواج با بیوه چهل ساله‌ای تن داده‌اند، تا به مال و ثروت او دست یابند؟ لازم است گفته شود این دسیسه‌ای از طرف دشمنان اسلام، یهود و پیروان بنی‌امیه، به منظور کاستن شخصیت و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام بوده است.

خطبها عقبه بن ابی معیط والصلت بن ابی یهاب و کان لکل واحد منهما أربعمائة عبد و أمه و خطبها أبو جهل بن هشام و أبو سفیان و خدیجه لا ترغب فی واحد منهم و کان قد تولع قلبها بالنبی صلی الله علیه و آله و سلم؛ عقبه بن ابومعیط و صلت بن ابویهاب که هر کدام چهارصد غلام و کنیز داشتند، از حضرت خدیجه علیها السلام خواستگاری کردند. هم چنین ابوجهل و ابوسفیان از او خواستگاری نمودند و حضرت خدیجه علیها السلام هیچ رغبتی به آنان نداشت و قلبش فقط برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌تپید!

حضرت خدیجه علیها السلام، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد

عده‌ای برآنند که حضرت خدیجه علیها السلام، هنگام مفتخر شدن به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله، بانویی بودند که چیزی حدود چهار دهه زندگی شایسته و مترقی داشته و هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، صاحب فرزند بوده است! این دیدگاه، سست و ناشی از اشتباه تاریخ‌نگاران و یا به هر دلیل دیگر است! گفته شده که پیامبر صلی الله علیه و آله، با دوشیزه‌ای جز عایشه ازدواج نکرده و درباره حضرت خدیجه علیها السلام می‌گویند که قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو نفر دیگر ازدواج کرد و از آنان فرزندان نیز داشت و آن دو عتیق بن عائذ بن عبدالله مخزومی و ابوهاله تمیمی بوده‌اند.

این ادعا مخدوش و از ساخته‌های دشمنان است. سید مرتضی در *الشفافی* و شیخ طوسی در *تلخیص الشافی*، همین دیدگاه را آورده و چنین تصریح کرده‌اند:

حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دوشیزه بود.^۱

بلاذری نیز در این باره می‌نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام، جوانی ۲۳ ساله و

حضرت خدیجه علیها السلام دوشیزه‌ای ۲۸ ساله بودند.^۲

علامه مجلسی در این باره می‌نویسد:

آن‌چه این نکته را تأیید و به آن تأکید می‌کند، این است که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، دوشیزه بود و رقیه و زینب، دختران او نبودند، بلکه دختران خواهرش، هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مراقبت او قرار گرفتند؛ این تأکیدی در دو کتاب *البدع* و نیز

۱. *بحار الأنوار*، ج ۲۲، ص ۱۹۹؛ محمد باقر مجلسی، *حیوه القلوب*، ج ۲، ص ۵۹۵؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۳۸؛ عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۳، ص ۷۷؛ ذبیح الله محلاتی، *ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه*، ج ۲، ص ۲۶۹؛ *الصحیح من سیره النبی الأعظم* صلی الله علیه و آله، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. *أنساب الأشراف*، ج ۱، ص ۹۸.

الأنوار آمده است.^۲

ابن حمّاد حنبلی، دانشمند معروف اهل سنت در این باره می نویسد:
 بسیاری از تاریخ نگاران، این دیدگاه را ترجیح داده اند که حضرت
 خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ۲۸ ساله بوده است.^۳
 ابن شهر آشوب، حدیث نگار نام دار شیعه در این باره می نویسد:
 انّ النّبی قد تزوّج خدیجه وهی عدراء؛^۴
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در حالی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند که او
 دوشیزه بود.

واقدی می گوید:

وكانت خدیجه وهی بکر...؛^۵

حضرت خدیجه علیها السلام (به هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم)، باکره بوده
 است.

عمادالدین طبری، در این باره می نویسد:

در کتب تاریخ آمده، حضرت خدیجه علیها السلام باکره بود که به عقد رسول
 خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآمد و رؤسای عرب و اشراف، از او خواستگاری نمودند و او
 هیچ کدام را اجابت نکرد! حال چگونه او به ابی هند که از لشام بنی تمیم
 بود، پاسخ مثبت داده است؟!^۶

اسماعیل بن محمد بن فضل اصفهانی در این باره می نویسد:

لما بلغ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خمساً و عشرين سنة و لیس له بمکة إسم إلاّ الأمین،

۱. الأنوار، از تألیفات ابوالحسن البکری، و «البدع» همان کتاب «الإستغاثه فی بدع الثلاثه» است که از
 تألیفات ابوالقاسم کوفی (۳۵۲ هـ. ق) بوده؛ عالم امامیه ای که نسبش از طریق امام حسین علیه السلام به امام
 امیرمؤمنان علی علیه السلام می رسد.

۲. نك: مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱.

۳. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴.

۴. سید جعفر مرتضی، نبات النبی أم ربانیه، ص ۷۵-۱۲۴.

۵. شمس الدین ابوالمظفر ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۷۱؛ حسین بن حمدان الخصبی، الهدایه الکبری،

ص ۴۵؛ اصفهانی، دلایل النبوه، ص ۱۷۸؛ شیرازی، تمهات المؤمنین، ص ۹۰.

۶. عماد الدین طبری، کامل بیهانی، ج ۱، ص ۲۶۸.

لَمَّا تَكَمَلَتْ فِيهِ خِصَالُ الْخَيْرِ، قَالَ لَهُ أَبُو طَالِبٍ: يَا بْنَ أَخِي! خَدِيجَةُ تَبْعَتْ رِجَالًا مِنْ قَوْمِكَ فِي عَيْرَانِهَا، فَيَتَجَرَّوْنَ... وَكَانَتْ خَدِيجَةُ إِمْرَأَةً بَاكِرَةً، ذَاتَ شَرَفٍ وَمَالٍ كَثِيرٍ^۱

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ۲۵ سالگی رسیدند، تمامی اهالی مکه، آن حضرت را به نام امین می شناختند. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به کمال رسیدند و تمامی خصلت های خوب و پسندیده در آن حضرت جمع شد، حضرت ابوطالب علیه السلام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام را پیشنهاد داد و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: "پسر برادرم! حضرت خدیجه علیها السلام عده ای از اقوام و مردان قبیله ات را برای تجارت می فرستد... حضرت خدیجه علیها السلام، در آن زمان باکره و از جایگاه شریف و ثروت زیادی برخوردار بود.

به نظر می رسد ادعای مسن بودن حضرت خدیجه علیها السلام، از دروغ های هشام بن عروه باشد! وی معتقد بود که حضرت خدیجه علیها السلام، هنگام رحلت (سال دهم بعثت) ۶۵ سال داشته اند. حاکم نیشابوری این مطلب را از هشام نقل کرده و این قول را شاذ دانسته، می نویسد.

به نظر من، سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام رحلت، کم تر از شصت سال بوده است.^۲

در کتاب تاریخ سیستان آمده است:

حضرت خدیجه بنت خویلد علیها السلام، اندر زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله، بکرو باخرد و کمال و جمال بود.^۳

در روایت دیگری آمده است:

۱. دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۲۲۷.

۲. «عن هشام بن عروه: توفیت خدیجه و هی ابنه خمس و ستین سنه. هذا قول شاذ، فانّ الذی عندی أنّها لم تبلغ ستین سنه.» (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۱)

۳. نویسنده گمنام، تحقیق ملک الشعراى بهار، تاریخ سیستان، ص ۵۲.

حضرت خدیجه علیها السلام، خواهری به اسم هاله داشت که با مردی مخزومی ازدواج کرد و از او دختری متولد شد. بعد از مرگ همسرش، مردی از تمیم که او را ابوهند می نامیدند و دو فرزند به نام های رقیه و زینب از همسر اولش - که مُرده بود - داشت، با هاله، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام هند شد. بعد از مردن مرد تمیمی، هند به طایفه پدرش ملحق شد و هاله با فرزندان دیگرش باقی ماند و حضرت خدیجه علیها السلام آنان را نزد خود گرد آورد؛ بعد از ازدواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بچه ها در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه علیها السلام باقی ماندند و عرب می پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی، فرزند توست^۱ و به همین سبب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده شدند.^۲

احمد بن ابی یعقوب، در *تاریخ یعقوبی* و شیخ ذبیح الله محلاتی، در *ریاحین الشریعة* در این باره می نویسند:

حضرت خدیجه علیها السلام، خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بی سرپرست نهاد! آن حضرت که دارای ثروتی بسیار و درایت

۱. از سنت های جاهلیت این بود که هرگاه شخص یتیمی را تحت تکفل قرار می گرفت، او را به آن شخص منتسب می دانستند، هم چون زید بن حارثه. زید از بزرگانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را آزاد ساختند و فرزند خویش خواندند. از آن زمان او را زید بن محمد رضی الله عنه می گفتند. زید در دوران کودکی همراه مادرش سعیده، دختر ثعلبه بن عبد عامر به دیدن بستگانش رفت. طایفه «بنی قین»، به بستگان مادرش حمله کردند و آنان را غارت نمودند. زید نیز جزو اسیران بود. او را به بازار مکه آوردند و در معرض فروش قرار دادند. حکیم بن حزام او را برای حضرت خدیجه علیها السلام خرید و آن حضرت نیز او را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخشید. پدر زید و عمویش کعب خبدرار شدند و به مکه نزد ابوطالب رضی الله عنه آمده و گفتند: «فرزند ما نزد برادرزاده شماست، به او بگویند یا او را بفروشد و یا آزادش کند!»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من او را آزاد گذاشتم، اگر خواسته باشد، بیاید!» آنان خوشحال شدند، هنگامی که زید را احضار نمودند، حضرت به زید فرمود: «آنان را می شناسی؟» گفت: «آری! پدر و عموی من هستند!» فرمود: «مرا هم می شناسی، اگر می خواهی، با آنان برو و اگر مایلی، پیش من باش!» زید گفت: «با ایشان نمی روم و هیچ کس را بر شما ترجیح نمی دهم؛ شما جای پدر و عموم هستید!» حارثه ناراحت شد و گفت: «مردم شاهد باشید که زید، فرزند من نیست!» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که چنین دیدند، او را کنار حجر اسماعیل رضی الله عنه در «مسجد الحرام» برده، فرمودند: «مردم گواه باشید که زید، فرزند من است! بدین جهت به عنوان زید بن محمد رضی الله عنه مشهور شد. (سوره احزاب، آیه ۳۸)

۲. *الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم*، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ *تنقيح المقال*، ج ۳، ص ۷۷؛ *شوستری*، *قاموس الرجال*، ج ۱۰، ص ۴۳۱.

و هوش و عاطفه‌ای سرشار بود، سرپرستی خواهر و خواهرزاده‌های خود را به عهده گرفت و پس از امضای پیمان زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله، خواهرزاده‌ها هم چنان مورد مهر و محبت و در قلمرو سرپرستی و مراقبت مادرانه و آموزگارآن‌هاش بودند؛ به همین جهت، برخی از مردم، آنان را دختران حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌پنداشتند، نه هاله!^۱

محمد دُخَیْل، در این باره می‌نویسد:

زینب ورقیه، خلاف پندار برخی از تاریخ‌نگاران و آورندگان حدیث، دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرش حضرت خدیجه علیها السلام نبودند، بلکه خواهرزاده‌های حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان هاله بودند؛ اما به جهت گمنامی هاله و شهرت جهانی حضرت خدیجه علیها السلام، به ایشان نسبت داده شده‌اند.^۲

علامه خبیر ابوالقاسم علی بن احمد بن موسی بن الإمام جواد علیه السلام، مشهور به ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۲ ق)، می‌گوید:

رقیه و زینب (همسران عثمان)، دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام نیستند و این شبهه‌ای است که مردم عوام، به دلیل عدم معرفت و فهمشان در مورد انساب ایجاد کردند.^۳

سپس به بررسی نسب رقیه و زینب می‌پردازد. برخی محققان و اندیشه‌وران، پژوهش‌های گسترده، تحلیلی، مستند و جالبی در مورد دختران پیامبر صلی الله علیه و آله نموده‌اند و نظر آنان در این باره چنین است:

پژوهش گسترده‌ای که در مورد دختران ارجمند پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شده، می‌توان چنین دریافت که ازدواج رقیه و ام‌کلثوم با پسران ابولهب و هم چنین جدایی از آنان، به سبب تاریک‌اندیشی و یک‌دندگی شوهرانشان

۱. احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲. محمد دُخَیْل، خدیجه علیها السلام، ۱۱.

۳. ابوالقاسم علی بن احمد الكوفی، الإستیعانه فی بدع الثلاثه، ج ۱، ص ۱۱ و ۶۴:

(«زینب و رقیه به خاطر گمنامی هاله و علو درجه حضرت خدیجه علیها السلام، به آن حضرت نسبت داده شده‌اند»)

در دشمنی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سپس ازدواج عثمان با آن دو، یکی پس از دیگری واقعیت ندارد.^۱

پس در واقع، سه دختر با نام زینب، رقیه و کلثوم فرزندان هاله، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بوده‌اند و درست این است که بگوییم، حضرت خدیجه علیها السلام (بنت خویلد)، خواهری با نام هاله داشته که با مردی از بنی مخزوم ازدواج کرد. هاله از این مرد، فرزندان آورد و وقتی همسرش از دنیا رفت؛ پریشان شد! چون خواهرش، حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمند بود، خواهر و فرزندان را تحت کفالت خود قرار داد و پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فرزندان در حجرایشان ماندند و به آن حضرت منسوب گردیدند.^۲

از این رو، برخی پژوهش‌گران معتقدند که جز حضرت فاطمه علیها السلام بقیه دختران، خواهرزاده‌های حضرت خدیجه علیها السلام بودند که سال‌ها، تحت سرپرستی خاله خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفتند.^۳ اجماع عام و خاص راویان اخبار بر آن است که همه اشراف، سادات و ثروتمندان قریش، از طاهره قریش خواستگاری کردند و آهنگ ازدواج با او را داشتند، ولی او امتناع و مخالفت می‌کرد. هنگامی که با حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج نمود، زنان قریش بر او خشم گرفتند و او را ترک کردند و گفتند:

اشراف و بزرگان قریش از تو خواستگاری کردند، ولی تو با هیچ‌کدام ازدواج

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱.

۲. ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۶۹؛ سید محمد حسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۷، ص ۴۱۴. «ربیبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خواهرزاده حضرت خدیجه علیها السلام بوده‌اند.» (سید امیر محمد قزوینی، آلوسی و التشیع، فصل ۱۱، پاورقی ص ۲۳۱).

قیل إن رقیه و أم کلثوم کانتا ابنتی هاله أخت خدیجه رضی الله عنها من ذلک یقوی القول إنهما لیستا بناته، و قال جماعه آخرون کانتا ربیبته من جحش؛

گفته‌اند که رقیه و ام کلثوم، دختران هاله بودند و هاله، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بود. از این رو، چنین می‌نماید که آن دو دختر، از آن حضرت خدیجه علیها السلام نیستند. برخی نیز گفته‌اند که آن دو دختر، فرزندان جحش بوده‌اند.

۳. أعلام النساء المؤمنات، ص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۹.

نکردی و با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، یتیم ابوطالب - که فقیر است و مالی ندارد - ازدواج کردی!^۱

با این اوصاف، کسی که اهل دانش و بصیرت باشد، چگونه می تواند بپذیرد، حضرت خدیجه علیها السلام با اعرابی از قبیله بنی تمیم ازدواج کرده و از ازدواج با سروران قریش، خودداری نموده باشد و چطور سروران قریش - که از ایشان خواستگاری کردند و حضرت خدیجه علیها السلام آنان را رد کرد - او را به عیب و عار متهم نساختند که چرا با وجود این همه خواستگار، با یک اعرابی ازدواج کرده است؟! آیا می توان پذیرفت که حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از ناحیه قریش ملامت نگردیده، اما در ازدواج با یک اعرابی هیچ سرزنشی نشده باشد؟! پس با توجه به آن چه نقل نمودیم، شایعه ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو تن دیگر و پیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تحریف عمدی تاریخ برای طرح عایشه به عنوان تنها دختری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کردند؛ چنان که طرح دامادی عثمان و ملقب کردن او به «ذوالنورین»، منحصرأً برای تراشیدن رقیب سیاسی در برابر مولای متقیان، امیرمؤمنان علی علیه السلام است.

مؤید این مطلب، روایتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند:

یا علی! اوتیت ثلاثاً لم یؤتھن أحدٌ ولا انا: اوتیت صھراً مثلی، ولم اوت انا مثلی...^۲

ای علی! در زندگی، سه امتیاز و ویژگی به تو ارزانی گردید که به هیچ کس دیگر از مردم، حتی به من، ارزانی نشد: به توافختار دامادی من داده شد، در حالی که من پدر همسری بسان توندارم! به تو همتا و همسری، مانند دخت فرزانه ام (حضرت فاطمه علیها السلام) عنایت شد، در حالی که به من همتا و همدمی، بسان تو ارزانی نگردید! به تو بدون واسطه، پسرانی ارجمند و تاریخ ساز مانند حضرت حسن و حسین علیهما السلام عنایت گردید، اما به من

۱. الصحیح من سیرہ النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ج ۲، ص ۱۲۳؛ علی ابوالقاسم کوفی، الإستغاثہ فی بدع الثلاثہ، ج ۱، ص ۷۰.

۲. احقاق الحق وازھاق الباطل، ج ۵، ص ۷۴؛ عبدالله شافعی، مناقب، ص ۵۰.

عنایت نشد؛ اما شما از من هستید و من از شما.

این روایت می‌فهماند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، دختری جز حضرت فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا و دامادی جز امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ نداشته‌اند.

دشمنان، چون تحمل این همه فضایل و مناقب را برای حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا نداشتند و از طرف دیگر می‌خواستند عایشه را مقابل آن حضرت، عَلم نمایند، به دو کار اقدام نمودند:

۱. فضایل حضرت خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا را انکار و از کتب خود حذف کردند.

۲. با جعل روایت و تحریف تاریخ، آن حضرت را به گونه‌ای معرفی نمودند که عایشه بتواند مقابل ایشان قد عَلم کرده، سرفرازی کند. این شگرد آنان بود و از قبل نیز برای جا انداختن خلافت خلفای سه‌گانه توجیه انتساب آنان به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با عنوان «خليفة الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» نزد مردم و بستن دهان عوام برابراشتباهات و اعمال خلاف دین و شرع، به جعل روایات و حکایات تاریخی دست زدند و به واسطه آن، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را - نعوذ بالله - به عنوان مسلمانی بی‌قید و بند و متمایل به لهو و لعب معرفی کردند تا اگر فردی به خلفا خرده گرفت که هر روز، حکمی از احکام الهی را عوض می‌نمایند و یا حکم تازه‌ای جعل می‌کنند و یا دستور به قتل بی‌گناهان می‌دهند و یا منافقان طرد شده - در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - را نزد خود راه داده، به آنان منصب و مقام می‌دهند و در عوض، یاران واقعی ایشان را طرد و تبعید کرده و یا دستور قتل آنان را صادر می‌کنند؛ در جواب، پیامبری را معرفی می‌سازند که به مراتب از خلفایش پُراشتباه‌تر و به دنیا متمایل تر است؛ پیامبری که نه تنها مصداق «ما ينطق عن الهوى» نیست، بلکه پیوسته در تصمیم‌گیری‌ها اشتباه می‌کند و برای موضع‌گیری‌ها و برخوردهای خود برابر افراد، اعتباری قائل نیست و دائم می‌گوید: «من فردی مانند شما هستم که ممکن است در جذب و یا طرد افراد و قضاوت درباره آنان اشتباه کرده باشم!» آنان این‌گونه پیامبری را به پیروان خودشان معرفی کرده‌اند، اما حاشا و کلا! اگر آیات تَمْرِنَ و روایات وارده از ائمه اطهار صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمُ - در تبیین مقام و

شخصیت رسول گرامی اسلام ص نبود و برای شناخت آن حضرت فقط به تعاریف دشمنان درجه یک ایشان، یعنی کفار قریش و یهودیان ساکن در مدینه و مسیحیان نجران و دیگر دشمنان اکتفا می‌شد، در شناخت عظمت وجودی ایشان و میرا بودن ساحت مقدسشان از بافته‌های منافقان، کافی بود.

پس ملاحظه می‌کنید که این روش، یعنی پایین آوردن مقام بزرگان دین در انظار مردم، برای رسیدن به اهداف پلیدی که در دستور کار خود داشتند، شگرد آنان بود؛ شگردی که به واسطه آن، فقط خدا می‌داند چقدر مردم را از وصول به حقیقت، دور و سمت آنان جذب نمود.

نسبت چهل ساله بودن حضرت خدیجه ع، هنگام ازدواج با رسول خدا ص و هم چنین بیوه بودن ایشان نیز از نتایج همین شگرد منافقان است. اما این تهمت، با واقعیت زندگی حضرت خدیجه ع فاصله بسیاری دارد؛ زیرا این نسبت، با عقاید حقه ناسازگاری و منافات دارد و از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجهت و اعتبار کافی است که در ادامه به تفصیل این دو می‌پردازیم:

ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه ع، با مبانی اعتقادی تشیع

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقه جعفری عصمت پیامبر اکرم ص و اهل بیت ایشان است. معنای اولیه‌ای که از این کلمه در ذهن انسان وارد می‌شود، دوری از گناه و اشتباه و فکر آن است. این معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادی است، دربرگیرنده تمام مفهوم آن نیست. کامل‌ترین معنای عصمت، در *قرآن مجید* و در آیه تطهیر^۱ وارد شده است. خداوند در این آیه، اهل بیت ع را از هرگونه پلیدی مبرا گردانیده و دارای مقام تطهیر دائم معرفی فرموده است.

عصمت از گناه، فکر آن و اشتباه، دربرگیرنده یک قسمت از معنای آیه تطهیر است، اما این آیه، نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می‌کند.

۱. «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (سوره احزاب، آیه ۳۳).

اغلب در بیان معنای عصمت غفلت می‌شود، یعنی دوری از هرگونه ناپاکی. این ناپاکی، دارای مصادیق بسیاری است؛ یکی از آن مصادیق، آلودگی آبا و اجداد معصومان علیهم السلام به انجاس زمان جاهلیت است و در این آیه، به طور کلی این مسأله نفی شده است. مؤید ما بر اثبات این مطلب، عباراتی است که در اغلب زیارت‌نامه‌های وارده از معصومان علیهم السلام آمده که فرموده‌اند:

كنت نوراً فی الأصلاب الشامخه والأرحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة
بأنجاسها؛^۱

شما نوری در صلب‌های مردان بلندمرتبه و در رحم‌های زنان پاک بودید
که جاهلیت، شما را با آلودگی‌های خود نیالود.

حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران، عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت است در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته، از دایره دین خارج می‌گردد. حال با این مقدمه، دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام با مبانی اعتقادی تشیع، آشکار می‌شود؛ زیرا بنا بر آن چه در کتب تاریخی تحریف شده در مورد ایشان آمده، آن حضرت قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، با دو نفر کافرت پرست به نام‌های عتیق بن عائد مخزومی و ابوهاله ازدواج نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند. این درست خلاف مبانی اعتقادی شیعه است. ازدواج آن حضرت با دو کافر بت پرست، ایشان را از دایره طهارت خارج و قابلیت مادری برای حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام را از وی سلب می‌کند؛ زیرا معصومان علیهم السلام، از مصادیق «آیه تطهیر» هستند و باید از هرگونه ناپاکی مبرا باشند؛ یکی از آن ناپاکی‌ها، غرقه شدن پدران و مادران ایشان به آلودگی‌های جاهلیت است.

حضرت خدیجه علیها السلام، موحد و تابع شریعت حضرت عیسی علیه السلام بوده‌اند. طبق شریعت‌های توحیدی، ازدواج موحد با کافر مشرک حرام است و اگر چنین

۱. زیارت اربعین امام حسین علیه السلام.

ازدواجی خلاف دستور دین صورت گیرد، باطل محسوب می‌شود. با این حساب، ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با عتیق و ابوهاله، از لحاظ دینی، حرام است و در صورت وقوع آن، ازدواجی غیرشرعی محسوب شده و این خود، با طهارت منافات دارد.

حال در این جا افرادی که با توجه به تاریخ تحریف شده، ازدواج‌های حضرت خدیجه علیها السلام با عتیق و ابوهاله را تأیید می‌کنند، مقابل دو قضیه متناقض قرار می‌گیرند:

۱. ادعای تاریخی مبنی بر ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو کافر که با قبول آن، باید معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومان علیهم السلام باشند، حال آن‌که حضرت خدیجه علیها السلام، در واقع مادر این بزرگواران بوده‌اند.

۲. اصل اعتقادی عصمت برای معصومان علیهم السلام که به واسطه آن، باید به پاکی پدران و مادران ایشان معتقد باشند. بنابراین با قبول قضیه اول، اصل اعتقادی عصمت که از ضروریات دین است، زیر پا گذارده می‌شود و با قبول اصل عصمت، مسأله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال می‌گردد. آن‌چه در این دو مسأله متناقض برای ما روشن است: این‌که ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، مسأله‌ای تاریخی است که به خودی خود، دارای هیچ‌گونه اعتبار و حجیت شرعی نیست؛ یعنی نه در کتاب خداوند و نه در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام، برای آن مویدی یافت نمی‌شود که به واسطه آن، دارای اعتبار و حجیت شود؛ به ویژه این‌که تاریخ صدر اسلام، مملو از تحریف است؛ با توجه به این مطلب، دیگر هیچ‌وجه عقلایی برای اتکا به آن تاریخ تحریف شده یافت نمی‌شود.

دوم این‌که طهارت آبا و اجداد معصومان علیهم السلام، اصل ضروری دین است که اعتقاد به آن، واجب و اعتقاد نداشتن به آن، موجب خروج از دین می‌گردد. پس با این حساب، در مواجهه با این دو قضیه و موارد مشابه آن، آن‌چه پذیرفته می‌شود، اصل اعتقادی است و آن‌چه طرد می‌گردد، مسائل تاریخی متناقض با

آن است و این - نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام - تنها راه فهم تحریفات تاریخ و فرار از انحرافات عقیدتی است. زیرا هدف دشمنان دین در مسأله تحریف تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی و دور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده است.

عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ

بنابرآنچه گذشت، اعتقاد به ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو نفر کافر بت پرست، با اصول اعتقادی شیعه مغایرت دارد و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت، اما نکته جالبی که لازم است در این جا به آن اشاره نمود، منابع اولیه‌ای است که به این نکته پرداخته‌اند. این مطالب، برگشت به اهل سنت دارد و به طور حتم می‌توان گفت که در هیچ‌یک از کتب روایی و تاریخی شیعه، ردپایی از این ادعا یافت نمی‌شود و این خود، جای تأمل بسیاری دارد. اگر شخصی به کتب تاریخی و روایی اهل سنت اندک مراجعه‌ای داشته باشد، متوجه می‌شود که این کتاب‌ها، دارای موارد متضاد و متناقض بسیاری هستند که اعتبار آن‌ها، نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل سنت نیز مورد خدشه است. برای مثال، در بین کتب روایی اهل سنت، *صحاح شش‌گانه* از اعتبار خاصی برخوردار است و در بین این کتب، *صحیح بخاری* بیش‌تر اعتبار دارد، طوری که اگر ادعا شود، اهل سنت بعد از *قرآن* به هیچ کتابی به اندازه *صحیح بخاری* توجه ندارند، ادعای گزافی نیست؛ با این حال، کتب زیادی در تنقیح احادیث *صحیح بخاری* نوشته شده که به بسیاری از احادیث، آن خدشه وارد کرده‌اند؛ زیرا احادیث ساختگی و نیز نقل‌های تاریخی تحریف شده فراوانی در این کتاب وجود دارد که تعصب و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را می‌توان از مهم‌ترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل‌های تاریخی به این کتاب دانست. حال با اوضاع وخیمی که کتب روایی و تاریخی اهل سنت دارد، نقل این

مسأله آن‌هم فقط از طریق اهل سنت، قابل تأمل است؛ زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت، برای اثبات موضع خود در بین مردم، به جعل و تحریف تاریخ دین دست زدند که نتیجه آن را امروز می‌توان در کتب روایی و تاریخی بقایای آنان، یعنی اهل سنت مشاهده نمود.

ممکن است این اشکال مطرح شود که این مسأله، در بعضی کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده که در جواب می‌گوییم:

اولاً نقل‌های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل سنت، فاقد وجاهت و اعتبار است.

ثانیاً بزرگان علمای شیعه، مانند سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالقاسم کوفی، ابن شهر آشوب، علامه مامقانی و... در کتب خود، زیر بار این مسأله نرفته‌اند و به «عذراء» بودن حضرت خدیجه علیها السلام تأکید کرده‌اند. علامه مجلسی نیز در کتاب شریف *بحار الأنوار* با ذکر روایتی، سن ازدواج ایشان را ۲۸ سال بیان کرده است.^۱

در نتیجه باید گفت: نقش عایشه، در تخریب شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام و نیز با توجه به تصریح تاریخ‌نگاران به این‌که ایشان هنگام ازدواج دختری بکر بودند، هر محققى را وادار می‌کند که به موضوع ازدواج‌های حضرت خدیجه علیها السلام با دیده تردید بنگرید. با اندکی تدبیر، هم به ۲۸ ساله بودن ایشان هنگام ازدواج، هم به نخستین ازدواج ایشان و هم به داشتن تنها یک فرزند، آن‌هم دختری با فضیلت، یعنی حضرت زهرا علیها السلام می‌توان پی برد. از این رو، حضرت ابوطالب علیه السلام در خطبه عقد ازدواج ایشان فرمود:

برادرزاده‌ام از دختر شما که بانویی با فضیلت، مشهور به عفت و سخاوت و

دوشیزه‌ای بلند جایگاه هستید، خواستگاری می‌کند.^۲

مرحوم آیت الله نمازی شاهرودی می‌نویسد:

۱. *بحار الأنوار*، ج ۱۶، ص ۱۲.

۲. همان، ج ۲۲، ص ۲۱۶.

إِنَّ زَيْنَبَ وَرُقِيَةَ كَانَتَا رَيْبِيَتَاهُ مِنْ جَحْشٍ وَأَمَهُمَا زَيْنَبُ؛^۱

زینب و رقیه، دختران جحش بودند و مادرشان، زینب بود.

حضرت خدیجه علیها السلام، سرپرستی این دورا به عهده داشت. بدین ترتیب، یکی دیگر از فضایل این بانوی بزرگ آشکار می‌گردد که، ایشان علی‌رغم مجرد بودن و مشکلاتی که در امر تعلیم و تربیت وجود داشته، سرپرستی فرزندان خواهر خویش را نیز پذیرفته است.

ناقلان ازدواج‌های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام

راویان ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سه نفر هستند:

۱. هشام بن محمد بن سائب کلبی

علمای علم رجال قائلند به این‌که وی مبتلا به مرضی شد و همه چیز را فراموش کرد.^۲ حال با وجود این فراموشی، چگونه می‌توان به گفته او در این باره اطمینان نمود؟!

۲. زبیر بن بکار

محمد بن اسحاق خراسانی، درباره وی می‌گوید:

از علی بن محمد نوفلی شنیدم که بین قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که باغی از باغ‌های بهشت است، مردی از «بنی هاشم»، زبیر بن بکار را درباره موضوعی قسم داد! زبیر، قسم دروغ خورد؛ بلافاصله به مرض برص مبتلا شد.

پدر زبیر بر امام رضا علیه السلام درباره چیزی ستم کرد! حضرت، او را نفرین نمودند؛ بلافاصله از قصر سقوط کرد و گردنش کوبیده شد. پدر بکار (عبدالله)، نیز سابقه خوبی نداشت. او عهدنامه بین هارون الرشید و یحیی بن عبدالله بن حسن را پاره کرد و به هارون گفت که یحیی را بکشد؛ زیرا دیگر امان نامه‌ای وجود ندارد.

۱. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، ج ۲، ص ۳۹۶.

۲. ابوالعباس احمد التّجاشی کوفی اسدی، رجال، ص ۴۳۴.

یحیی به هارون گفت:

این مرد دیروز با برادرم، در قیام علیه تو شرکت داشت و حتی اشعاری را در این زمینه سرود!
عبدالله، منکر شد! یحیی او را قسم داد! عبدالله قسم دروغ خورد و حاشا کرد و بعد از سه روز مُرد! چندین مرتبه او را دفن کردند، ولی قبر او را نپذیرفت!^۱
زبیر بن بگّار، در مکه قاضی بود و در سال ۲۶۵ قمری و در ۸۴ سالگی از دنیا رفت. وی کتابی درباره *انساب قریش* نیز نگاشته است. او را در روایتی مذمت کرده‌اند، همان طور که پدر و جدش نیز مذمت شده‌اند.^۲
شیخ محمد تقی شوشتری درباره *قاموس الرجال* وی می‌نویسد:

زبیر بن بکار هذا معلوم حاله و عدائه لأهل البيت علیهم السلام وکان يعرف بالوضع والكذب حتی عند العامة؛^۳

حال زبیر بن بکار معلوم است که از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده، به دروغ‌گویی و جعل احادیث، نزد علمای عامه معروف است.

شیخ مفید نیز درباره وی می‌گوید:

اعتمادی به گفته‌های زبیر بن بکار نیست؛ زیرا در آنچه نقل کرده، به دشمنی با حضرت علی علیه السلام متهم است.^۴

۳. قتادة بن دعامة

ابوحمزه ثمالی نقل می‌کند:

در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم که مردی وارد شد و گفت: «آیا اباجعفر محمد بن علی علیه السلام را می‌شناسی؟ گفتیم: «آری! چه حاجت داری؟!» گفت: «چهل مسأله دارم، می‌خواهم از او بپرسم...» حرفش تمام

۱. محمد بن علی الازدبیلی الغروی الحائری، *جامع الترواح*، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. شیخ موسی زنجانی، *الجامع فی الرجال*، ص ۷۸۶؛ شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، باب ۴۸، ص ۲۲۶.

۳. *قاموس الرجال*، ج ۴، ص ۴۰۸.

۴. عباس قی، *سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار*، ج ۱، ص ۵۴۲.

نشده بود که امام باقر علیه السلام وارد شدند؛ اطراف ایشان را عده‌ای از خراسانی‌ها و غیره گرفته بودند و از مناسک حج می‌پرسیدند. چیزی نگذشت که حضرت نشستند. و از او پرسیدند: «کیستی؟» گفت: «قتاده بن دعامه بصری». حضرت پرسیدند: «توفقیه اهل «بصره» هستی؟» جواب داد: «آری!» حضرت فرمودند: «وای بر تو! خدا انسان را خلق کرد و بر آنان حجت قرار داد و آنان پایه‌های استوار زمین و قائمین به علم خدایند. خداوند آنان را پیش از ایجاد خلق، برگزید و انوارشان در طرف راست عرش خدا قرار دارد». پس مدتی ساکت ماندند! قتاده گفت: «به خدا قسم! نزد فقهای زیادی نشسته‌ام، حتی نزد ابن عباس؛ آن چنان‌که اکنون قلبم به تپش و لرزه درآمده، نزد آنان چنین حالتی نیافتم!» حضرت فرمودند: «وای بر تو! آیا می‌دانی این‌جا کجاست؟» «فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ، یسبح له فیها بالغدو و الاصل، رجال لاتلهیهم تجارة و لایبع عن ذکر الله و اقام الصلاة و ایتاء الزکاة فانتم ثم ونحن اولئک»؛ «این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اجازه داده دیوارهای آن را بالا برند تا از دست رس شیاطین و هوس‌بازان در امان باشند؛ خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح و شام در آن‌جا تسبیح گویند؛ مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا، برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌نماید! تو در چنین مکانی هستی و ما از آن‌جا هستیم...»^۱.

ابن حجر عسقلانی از اسماعیل قاضی نقل می‌کند که وی در *احکام القرآن* گفته است:

از علی بن مدائنی شنیدم که می‌گفت: آن‌چه او (قتاده بن دعامه) نقل می‌کند، ضعیف است.^۲

حنظله بن ابی سفیان نیز می‌گوید:

طاووس یمانی از قتاده فرار می‌کرد و حاضر به ملاقات با او نبود، چون او را

۱. شیخ حرّ عاملی، *اثبات الهداه*، ج ۳، ص ۴۲.

۲. ابن حجر عسقلانی، *تهذیب التهذیب*، ج ۸، ص ۳۵۶.

قَدْرِي مذهب می دانست.^۱

شمس الدین ذهبی در این باره می نویسد:

قتادة بن دعامة الدوسی، مدلس^۲ و فریب کار است و می گفتند عقیده
قَدْرِيه^۳ دارد.^۴

باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام

از احادیثی که درباره مادران بافضیلت ائمه علیهم السلام وارد شده، به دست می آید که برخی از آنان کنیز بوده اند، اما تا زمانی که به همسری امام علیهم السلام درآمده اند، دست هیچ انسانی به آنان نرسیده است. این مطلب، گویای این حقیقت است که اراده پروردگار درباره آنان تعلق گرفته که به صورتی پاک، نزد همسر خودشان رسند و ظرفی که نور مقدس امام علیهم السلام در آن قرار می گیرد؛ از هر پلیدی و آلودگی منزّه باشد.

اکنون به زندگی نامه چند تن از مادران ائمه علیهم السلام اشاره می شود، تا تأییدی بر مدعای ما، درباره حضرت خدیجه علیها السلام باشد:

۱. همان، ج ۸، ص ۳۵۳.

۲. «مدلس»، به کسی گفته می شود که حدیث ضعیف روایت می کند. *(الرائد، ذیل کلمه «مدلس»)*

۳. طبق اخبار و روایات، به کسانی که به «جبر» قائل می باشند، «قَدْرِيه» گفته می شود. اما مطابق بعضی از روایات دیگر، مراد از «قَدْرِيه» معتقدان به «تفویض» هستند. (عباس قی، *سَمِيه الجار، ذیل کلمه «قدر»*) «قال النبی صلی الله علیه و آله: القَدْرِيه مجوس هذه الأمة؛ قَدْرِيه مجوس ابن امت هستند»

در روایت دیگر فرمود:

القَدْرِيه خصماء الله في القدر؛ قَدْرِيه، دشمنان خدا درباره مقدرات الهی هستند. (عبدالکریم شهرستانی، *الملل و التنحل، ج ۱، ص ۴۳*)

سید بن طاووس نقل می کند که جماعتی از علمای اسلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده اند:

لعنه القَدْرِيه علی لسان سبعین نبیا، قیل و من القَدْرِيه یا رسول الله؟ فقال: قوم یزعمون الله سبحانه قدر علیهم المعاصی و عدّ بها علیها؛

هفتاد پیامبر قَدْرِيه را نفرین کرده اند. گفته شد: ای رسول خدا! قَدْرِيه چه کسانی هستند؟ فرمود: جماعتی هستند که می پندارند، خداوند بر آنان گناه و معصیت را تقدیر نموده و با این حال، آنان را بر این گناه عذاب می نماید.

۴. شمس الدین ذهبی، *میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۸۵*.

۱. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام

جابر به نقل از امام باقر علیه السلام بیان می‌دارد:

وقتی دختر یزدگرد (آخرین پادشاه ساسانی) را به مدینه و نزد عمر آوردند، مردم مدینه گرد او جمع شدند؛ عمر، تصمیم گرفت که او را بفروشد! امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «دختر پادشاهان را نباید فروخت، اگرچه کافر باشند. ولی او را مخیر کن تا از مسلمانان مردی را به عنوان شوهر برگزیند. سپس او را به ازدواج آن مرد دریاور و مهریه اش را از بیت المال ده!» عمر گفت: «انجام دهید!» شهربانو آمد و دست برشانه امام حسین علیه السلام گذاشت. امیرمؤمنان علی علیه السلام به فارسی فرمود: «چه نام داری؟» گفت: «جهان شاه!» امیرمؤمنان علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمودند: «او را نگه داری کن و به او احسان نما؛ زیرا فرزندى به دنیا می‌آورد که بهترین اهل زمان بعد از تو باشد و او مادر اوصیا و ذریه طیبه است». پس از مدتی، امام زین العابدین علیه السلام را به دنیا آورد و به روایتی، در مرض نفاس از دنیا رفت.

علت این که شهربانو، امام حسین علیه السلام را اختیار کرد این است که پیش از اسارت به دست لشکر اسلام، در عالم رؤیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دید و به دست ایشان مسلمان شد. خودش در این باره می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به خانه ما آمدند، در حالی که امام حسین علیه السلام همراه او بود. به دست ایشان مسلمان شدم و مرا به ازدواج او درآوردند! شب بعد، حضرت فاطمه علیها السلام را در خواب دیدم که به من فرمودند: «به همین زودی مسلمانان غلبه می‌کنند و به وصال فرزندم حسین علیه السلام خواهی رسید، در حالی که صحیح و سالم بوده و از جانب مسلمانان، هیچ بدی به تو نخواهد رسید.» تا به حال که به مدینه رسیدم، دست هیچ انسانی به من نرسیده است.^۱

۲. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام

وقتی حمیده بربریه، مادر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را نزد امام

۱. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۱۱.

باقر علیه السلام آوردند، حضرت فرمودند: «نام تو چیست؟» جواب داد: «حمیده». حضرت فرمودند: «حمیده فی الدنیا و محمودة فی الآخرة؛ یعنی ستوده در دنیا و آخرت.» سپس حضرت پرسیدند: «باکره هستی یا بیوه؟» جواب داد: «باکره هستم!» حضرت فرمودند: «برده فروشان کنیزی را به دست نمی آورند، مگر این که او را فاسد می کنند!» جواب داد: «آری! اما هرگاه مولای من قصد مرا می کرد، مردی که سرو محاسن او سفید بود، می آمد و سیلی محکمی به او می زد تا از جای خود حرکت می کرد و این موضوع چند بار تکرار شد»^۱.

معلى بن خنیس به نقل از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

حمیده، از هر آلودگی پاک است، مانند طلای گداخته شده که ناخالصی آن را گرفته باشند. همواره ملائکه از او محافظت می کردند تا این که وی را به من رساندند. اگر کرامتی از ناحیه خداست، بر من و حجت بعد از من (موسی بن جعفر علیه السلام) است.^۲

۳. مادر گرامی امام رضا علیه السلام

هشام بن احمد می گوید:

ابوالحسن اول (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) به من فرمودند: «می دانی از اهل مغرب کسی آمده است؟» (منظور حضرت، برده فروشان بود) گفتم: «نه!» فرمود: «چرا! مردی سرخ روی آمده، با من بیاید!» با حضرت رفتیم تا آن مرد را ملاقات کردیم؛ مردی از اهل مغرب بود و کنیزهایی به همراه داشت. حضرت فرمود: «کنیزها را ببینم!» مغربی، نه کنیز را نشان داد. حضرت آنان را نپسندیدند و کنیز دیگری خواستند! گفت: «ندارم! تنها کنیزی مریض نزد من هست» و از فروش او سرپیچی کرد. به اتفاق حضرت برگشتیم. فردای آن روز، حضرت به من فرمودند: «برو و همان کنیز را خریداری کن!» رفتم و آن کنیز را خریدم. مرد مغربی به من گفت: «آن آقایی که دیروز در خدمت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۶؛ اثبات الوصیه، ص ۱۸۵.

۲. حاج علی فضل بیرجندی، حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ، ص ۶۵.

او بودی، چه کسی است؟» گفتم: «مردی از «بنی هاشم» گفت: «بیش تر توضیح بده!» گفتم: «بیش از این نمی دانم!» گفت: «ویژگی های این کنیز را برتومی گویم. من او را از دورترین نقطه مغرب خریدم.» زنی از اهل کتاب او را دید و گفت: «چرا این کنیز با تو است؟» گفتم: «برای خودم خریده ام» گفت: «سزاوار نیست که این کنیز، نزد تو و امثال تو باشد، بلکه شایسته است که نزد بهترین خلق روی زمین باشد که پس از مدت کوتاهی از او فرزندی به دنیا آید که شرق و غرب عالم مقابل او گردن نهند.» پس از مدتی، امام رضا علیه السلام از این مادر به دنیا آمدند.^۱

علی بن میثم از پدرش نقل کرده:

وقتی مادر حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام، مادر گرامی امام رضا علیه السلام را خرید، حمیده گفت: «در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که فرمود: حضرت نجمه علیها السلام را به فرزندت حضرت موسی علیه السلام هبه کن؛ زیرا به همین زودی بهترین اهل زمین از او به دنیا خواهد آمد.» سپس او را به فرزندم حضرت موسی علیه السلام هبه کردم. وقتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از او به دنیا آمدند، نامش طاهره گذاشته شد.^۲

پدر علی بن میثم از مادرش نقل کرده:

وقتی حضرت حمیده علیها السلام، حضرت نجمه علیها السلام را خرید او باکره بود.^۳

زیارات وارده هم مؤید این مسأله است.

صفوان جمال بیان می دارد که امام صادق علیه السلام فرمود:

چون به در حائر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام رسیدی، بایست و بگو: - الله أكبر کبیرا و الحمد لله کثیراً - وقتی، کنار قبر مبارک رسیدی، بگو: - السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله - تا این جملات - یا مولای یا اباعبدالله، أشهد أنك نوراً فی الأصلاب الشامخه، والأرحام المظهرة، لم تنجسک

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۴.

۲. همان.

۳. همان.

الجاهلیة بأنجاسها ولم تلبسک من مدلهّمات ثیابها؛ «گواهی می‌دهم که شما در صُلب‌های (پشت‌های) فرزند و رحم‌های پاک و برازنده بودید؛ به پلیدی‌های دوران جاهلیت آلوده نگشتید و از جامه‌های درهم و برهم آن نپوشیدید»^۱.

صفوان بیان می‌دارد که امام صادق علیه السلام فرمودند:

در روز اربعین و وقتی آفتاب بلند شده، حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام را با این عبارات زیارت کن: السلام علی ولی الله و حبیبه، السلام علی خلیل الله و نجیبه... أشهد أنك كنت نوراً فی الأصلاب الشامخة والأرحام المطهرة...؛ «گواهی می‌دهم که شما در صلب‌های (پشت‌های) فرزند و رحم‌های پاک و طاهره بودید...»^۲.

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمودند:

لم یزل ینقلنی الله من أصلاب الظاهرین إلى أرحام المطهّرات حتی أخرجنی من عالمکم هذا لم یدنّسنی بدنس الجاهلیة؛^۳
«همواره خداوند مرا از صُلب پدران پاک به رحم‌های مادران پاک منتقل می‌ساخت، تا زمان شما و هرگز مرا به آلودگی‌های دوران جاهلیت آلوده نساخت».

بیان عایشه درباره حضرت خدیجه علیها السلام

شعبی از مسروق و او به نقل از عایشه بیان می‌دارد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه خارج نمی‌شد، مگر این‌که نام حضرت خدیجه علیها السلام را به نیکی یاد می‌نمود! روزی نام او را بر زبان جاری کردند و از او تجلیل فرمودند. به غیرتم برخورد! گفتم: «او فقط پیرزنی بود! خدا، بهتر از او به شما داده است!» رسول خدا صلی الله علیه و آله آن چنان خشمگین شدند، که موهای جلوسرشان به حرکت درآمد! (بعد از فرونشاندن غضب) فرمودند:

۱. عبّاس قمی، *مفاتیح الجنان*، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام.

۲. محمّدباقر مجلسی، *زاد المعاد*، زیارت امام حسین علیه السلام.

۳. لأبی الفضل بن الحسن طبرسی، *تفسیر مجمع البیان*، ج ۷، ص ۲۰۷.

«خدا، بهتر از او به من نداده است»^۱.

در حقیقت نظر عایشه از بیان این مطلب، سرزنش و به سُخره گرفتن حضرت خدیجه علیها السلام بوده است. او نهایت دشمنی را با بیان کلمه «پیرزن» به ظهور می‌رساند. حال اگر حضرت خدیجه علیها السلام پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرده بود، آیا بیوه بودن او، برای سرزنش و مسخره کردن سزاوارتر نبود؟!

کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام

مرحوم مجلسی روایتی را در این باره نقل می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با گروهی از افراد، همچون حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام، حضرت حمزه رضی الله عنه؛ عمار یاسر، عباس، منذر بن ضحاح، ابوبکر و عمر در ابطح نشسته بودند. جبرئیل امین نازل شد و گفت: «پروردگار عالم تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: "لازم است تا چهل شبانه‌روز از حضرت خدیجه علیها السلام جدا شوی!" این دستور، کمی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دشوار آمد، زیرا نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام، محبت فراوان داشتند! پس چهل شبانه‌روز را به عبادت سپری کردند و روزها روزه گرفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عمار یاسر را نزد حضرت خدیجه علیها السلام فرستادند و فرمودند: «به حضرت خدیجه علیها السلام بگو: دستور پروردگار است و گمان مبرکه جدایی من به واسطه پدید آمدن کدورتی از توست! به راستی پروردگار عالم، روزی چندین مرتبه به تو، بر فرشتگان مقرب خود مباحثات می‌کند. من اکنون در خانه حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام هستم!»^۲

حضرت خدیجه علیها السلام می‌گوید: «روزی چندین مرتبه از دوری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مرا حزن و اندوه می‌گرفت!» چون چهل شبانه‌روز گذشت، جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: «ای رسول خدا! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید: "برای تحیت و تحفه خدا مهیا باش!"» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تحیت و تحفه خدا

۱. ابن اثیر، *أسد الغابه*، ج ۵، ص ۴۳۸.

۲. *بحار الأنوار*، ج ۱۶، ص ۷۹.

چیست؟» جبرئیل علیه السلام گفت: «یا رسول الله! پروردگار امر کرده که امشب افطار شما از این غذا باشد!» حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام گفت: «چون پیامبر صلی الله علیه و آله در شب های گذشته قصد افطار داشتند، می فرمودند: در خانه باش و هرکس مایل است، بیاید و با من افطار کند!» اما چون شب چهلم فرارسید، فرمودند: «این غذا، بر غیر من حرام است؛ پس در خانه نشستم و کسی را به خانه راه ندادم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله، سرپوش را از طَبَق برداشتند. خوشه ای از رطب و خوشه ای از انگور دیدند. پس از آن ها تناول کردند و از آب بهشتی که همراه آن ها بود، آشامیدند. سپس جبرئیل علیه السلام آب ریخت و میکائیل علیه السلام دست مبارکش را شست. سپس اضافه غذا به آسمان رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستادند تا نماز بخوانند. جبرئیل علیه السلام گفت: «از نماز (مستحبی) صرف نظر نما و نزد حضرت خدیجه علیها السلام برو؛ زیرا اراده خداوند تعلق گرفته که امشب از صلب تو، فرزند پاکي خلق نماید».

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله، به خانه حضرت خدیجه علیها السلام رفتند. حضرت خدیجه علیها السلام می گوید: «همه شب، درهای خانه را بسته، پرده های اتاق را آویخته، چراغ را خاموش می کردم و تنها می خوابیدم». چون شب چهلم فرارسید، بین خواب و بیداری بودم که در خانه زده شد. گفتم: کیست کوبنده در؟ صدای مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنیدم که با شیرینی گفتار همراه بود: «خدیجه! در خانه را باز کن!» با خوش حالی، حرکت کردم و در خانه را باز نمودم. هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله داخل خانه می شدند، آب می طلبیدند و وضو می گرفتند، سپس دو رکعت نماز می خواندند و در پی آن، داخل فراش خودشان می شدند. اما آن شب، چنین نکردند، بلکه بازوی مرا گرفتند و داخل بستر شدند. به آن خدایی که آسمان را برافراشت و از زمین آب جاری نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله از من جدا نشدند، مگر این که حمل حضرت فاطمه علیها السلام را در خود حس کردم!»^۱

حال این سؤال مطرح می شود که چطور ممکن است، نطفه برترین زنان

عالم که با این تشریفات ویژه منعقد شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طرف خداوند مأموریت می‌یابند، چهل شبانه روز از حضرت خدیجه علیها السلام فاصله گیرند و روزها را روزه گرفته، شب‌ها به عبادت پردازند و در شب چهلیم هم با طعام بهشتی افطار کنند؛ اکنون این نطفه، در رحم بانویی قرار گیرد که باکره نبوده و دو نفر کافر که از پست‌ترین طوایف عرب بودند، پیش از این با آن حضرت ازدواج نموده باشند؟!!

سؤال دیگر این‌که بزرگان قریش و عرب، برای خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام مراجعه کردند و او حاضر به ازدواج با آنان نشد؛ حال چگونه ممکن است که حاضر به ازدواج با دو نفر از پست‌ترین قبایل عرب، یعنی بنی تمیم شده باشد و سپس نطفه حضرت فاطمه علیها السلام در چنین رحمی قرار گیرد و نشو و نما کند؟!!

۱. اهل سیر و ارباب تواریخ آورده‌اند که «بنی تمیم» مسکین و فقیر و احمق و اجهل بطون عرب و اسقط در جاهلیت بودند. ایشان را قدر و جاهی نبود.
دغفل نسابه می‌گوید: «در ایشان (بنی تمیم) هرگز سیدی مشهور و تاجری معروف و جوادی مذکور نبود». ابوالعباس می‌گوید: «حجر بن جوین به پدرش گفت: "جمله قبایل عرب را هجو کردی، جز بنی تمیم را؟ سبب چه بود که ایشان را هجو نکردی؟" گفت: "پسرم! برای آنان حسبی نیافتم که او را ضایع، و نه خانه‌ای که آن را منهدم و خراب کنم!"» (عمادالدین، کامل بیہائی، ج ۲، ص ۳۴).

منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه‌های حج

محمد رضا خادمیان

چکیده

خدیجه بنت خویلد، متولد دهم ماه رمضان سال دهم بعثت، از بانوان تأثیرگذار و جریان‌ساز در تاریخ صدر اسلام است. حمایت مادی و معنوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دامن پرمهر مادرانه وی در پرورش اول بانوی اسلام، حضرت فاطمه صدیقه علیها السلام که زمینه‌ساز ظهور یازده حجت الهی شد، همگی دال بر ضرورت تکریم و تجلیل از شخصیت والای این بانوی بزرگوار است. لذا به نظر می‌رسد تحدید و تبیین آثار منتسب به ایشان، موجب نکوداشت و ثبات نام و خاطره این بانوی فداکار در اذهان خواهد شد.

براین پایه، در این مختصر، اشاره‌ای گذرا و کوتاه به بازشناسایی موقعیت منزل و مقبره این بانوی فداکار خواهد شد که سالیان متمادی مزار حاجیان بود، اما با افسوس فراوان، امروزه به بهانه مبارزه با شرک، اثری از آن‌ها باقی نیست. تحقق این امر، ما را بر آن داشت تا با مراجعه گذرا به سفرنامه‌های نگاشته شده در زمان بقای اماکن منتسب به حضرت خدیجه علیها السلام، تصویری اجمالی از آن‌ها ترسیم نماییم. از این رو، از سفرنامه‌های حاجیان در عهد قاجار سود جسته‌ایم.^۱

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، سفرنامه، مقبره، اتاق، بقعه.

۱. سفرنامه‌های حج قاجاری (پنجاه سفرنامه)؛ به کوشش: رسول جعفریان، چاپ اول، ۸ جلد، ۱۳۸۹ ش.

الف) منزل حضرت خدیجه علیها السلام

سفرنامه‌هایی که به این موضوع اشاره کرده‌اند عبارتند از:

۱. *تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت‌الله العتیق* از حافظ محمد عبدالحسین

کرزانی هندی در ۱۲۳۰ قمری

«وقت عصر بعد رفتن به حرم، به مولود [کذا، ظ: مولد] النبی و به مولود حضرت سیده نساء العالمین و به خانه حضرت خدیجه الکبری و به خانه حضرت امیر صلی الله علیه و آله رفته، زیارت کرده، نماز مغرب به حرم کرده، به خانه آمدم»^۱.

۲. *سفرنامه مکه*، از میرزا علی اعتماد السلطنه در ۱۲۶۰ قمری

«مقام ابراهیم و جبرائیل و حجر اسماعیل علیهم السلام فخر کائنات صلی الله علیه و آله و خدیجه الکبری و فاطمه زهرا علیهما السلام نیز از مقامات جلیله این بلده معظمه [مکه مکرمه] است»^۲.

۳. *هدایة الحجاج*، از محمد رضا ابن عبدالجلیل حسینی طباطبایی تبریزی

در ۱۲۹۶ قمری

«امکنه شریفه به غیر مسجد الحرام و صفا و مروه که ذکر آن‌ها مستغنی از بیان است، در مکه بسیار است که زیارت آن‌ها مستحب است. اول.... چهارم خانه خدیجه کبری است که مهبط وحی نیز بوده»^۳.

۴. *دلیل الأنام فی سبیل زیارة بیت‌الله الحرام و القدس الشریف و مدینه السلام*، از

سلطان مراد حسام السلطنه فرزند عباس میرزا در ۱۲۹۷ قمری

«شنبه شانزدهم به زیارت مولود [کذا] خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشرف شده.... مولد حضرت فاطمه علیها السلام نیز در همان محله، در خانه خدیجه کبری است. خانه کوچکی است؛ بیوتات آن در سمت یمین آن واقع است. به دهلیز بیوتات که داخل می‌شوند، در سمت ایسر دهلیز، اتاق کوچک گودی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت نزول وحی در آن جا می‌نشستند، محرابی هم دارد

۱. همان، ج ۱، ص ۴۴۴.

۲. همان، ص ۷۴۵.

۳. همان، ج ۳، ص ۷۰۸.

که می‌گویند حضرت جبرئیل در آن جا نزول می‌نمود و در ابتدای اتاق نیز جایی است که محل وضوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و در سمت ایمن دهلیز، اتاقی است مستطیل که مولد حضرت فاطمه علیها السلام است. ضریح کوچک دارد و آسیای حضرت فاطمه هم در آن اتاق است؛ آسیای کوچکی است. اتاق حضرت خدیجه هم محاذی در دهلیز واقع است. اتاق مربعی است، محراب دارد. با آن کوچکی فضا و بیوتات، چنان روحانیتی از آن خانه نمودار است که گویا یکی از غرفات جنان است»^۱.

۵. *سفرنامه مکه*، از نویسندگانی ناشناخته در ۱۲۹۹ قمری

«روز چهارشنبه نوزدهم: مکه ... رفتیم خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، نزدیک خانه شریف است. صحن خانه تقریباً سه زرعاً کذا، ظ: زرع [در چهار زرع است و چهار اتاق دارد... اتاق دست راست است و اتاق روبه‌رو اتاقی هست منزل حضرت رسول و حضرت خدیجه است]»^۲.

۶. *حج‌نامه منظوم*، از سراینده‌ای ناشناخته در عهد ناصرالدین شاه قاجار^۳

«زیارت منزل حضرت خدیجه علیها السلام»

از آنجا برفتیم با یاوران	سراییی که بودی خدیجه در آن
نهاده چو در هشت آن خانه پا	نشسته همه خادمان جا به جا
از آنجا سه پله برفتیم زیر	حیاطی بسی دلکش و دلپذیر
زمرمر همه فرش گشته زمین	در آنجا اتاقی چو خلد برین
میانش یکی قبه‌ای همچوماه	تولدگه جای خیرالنسا
همه پرده مخمل آویخته	به زر سرو و گل اندر دوخته

۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۲. همان، ص ۷۷۸.

۳. این بیت از حج‌نامه منظوم استفاده شده:

«جهان جمله گردد به آیین ما / بده فتح بر ناصر دین ما».

به حسرت نشستیم در آنجا همه
 در این خانه حوا رسید از بهشت
 به دامن نهادند تن انورش
 از آنجا برفتیم اتاق دگر
 اتاق دگر بود آنجا عیان
 چورفتیم در آن بیت عنبر سرشت
 بگفتند این جای آن سرور است
 یکی شیرآبی به دیوار او
 دگر حوض پاکیزه در زیر شیر
 همی بوسه کردیم آن خانه‌ها
 از آنجا نهادیم رو در حرم
 کشیدیم زد دل ناله الفراق
 که اینجا بشستند تن فاطمه
 دگر مریم پاک نیکو سرشت
 نمودند لباس بهشتی برش
 خدیجه نشستی و خیرالبشر
 درخشنده چون انجم آسمان
 همه محو گشتیم از بوی مشک
 عبادتگه خاص پیغمبر است
 از آنجا گرفتی پبمبر وضو
 در آنجا نشستی بشیر نذیر
 بسی گریه کردیم چو دیوانه‌ها
 طواف همان خانه محترم
 برفتیم بردل نهادیم داغ

۷. سفرنامه مکه، از ملا ابراهیم کازرونی در ۱۳۱۵ قمری

«روز جمعه چهاردهم... در این روز مسرت افروز، در خانه حضرت خدیجه رفتیم. این خانه نیز از اول درب دالان چند پله می خورد. بعد از پایین آمدن از پله‌ها و داخل در فضا، ایوانی رو به قبله مشاهده شد. در این ایوان، سه اتاق دیده شد، هر سه مقفل. به خادم گفتیم: "یا شیخ فکّ الباب" گفت: "لا أفکّ حتی تعطینی لحرمة الرسول" گفتیم: "فکّ عطیتک بعد" دری که در طرف راست بود گشود. بعد از تقبیل عتبه علیه داخل شدیم. در آن ضریحی است و در داخل ضریح گودی بود از سنگ مثل اجانه و آن محل تولد حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراست و در پشت ضریح متصل به دیوار محل دستاس حضرت زهراست و سنگ بزرگی مدور در آن موضع است... از طرف دست چپ روبه روی این اتاق، اتاق دیگر بود. در آن رانیز گشود و این اتاق معبد و محل عبادت حضرت خاتم انبیا بوده است. در طرف راست این اتاق، چیزی از تخته ساخته اند و در کف

و ته آن یک پارچه سنگ سفید صافی است و سرپوشی نیز داشت؛ جویا شدم. خادم گفت: "این محل وضوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است." و در طرف چپ اتاق، محرابی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن نماز می کردند... در آخر ایوان مذکور که میانه دو اتاق مذکورین باشد، اتاق دیگری بود. بعد از گشودن آن داخل شدیم. خادم گفت که این منزل حضرت خدیجه است و دو محراب در طرف راست و چپ در، واقع بود^۱.

۸. سفرنامه مکه، از ایازخان قشقایی در ۱۳۴۱ قمری

«ورود به کعبه - بیست و نهم ذی قعدة الحرام... ظهور وضو ساخته با جناب حاج و چند نفر حاجی همراه رفته در خانه تولد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و معجری بود که می گفتند محل مولود [کذا] آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و در همان بقعه مبارکه، طرف دیگر دو باب زره دار خوش طرح و خوش ترکیب بود، می گفتند که این خانه، خانه ملکی علیا جنابه و المخدره خدیجه علیها السلام بود و عروسی و شب زفاف حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در همان خانه شده. و محراب سبز هم بود، زیارت کرده و زیارت نامه خوانده»^۲.

ب) مقبره حضرت خدیجه

سفرنامه هایی که به این موضوع اشاره کرده اند، عبارتند از:

۱. *تحفه الحرمین*، از محمد رحیم الدین قادری در ۱۲۰۴ قمری

«در مکه دو ملکه جهانند نامش گویم که آن کیانند

ام قاسم خدیجه کبری خوابید به جنت المعلا...»^۳.

۲. *تذکره الطریق فی مصائب حجج بیت الله العتیق*، از مرحوم حافظ محمد هندی

در ۱۲۳۰ قمری

«شانزدهم ذی حجه روز پنجشنبه: ... عصر به حرم رفته، نماز و طواف کرده،

۱. همان، ج ۶، ص ۲۶۱-۲۶۲.

۲. همان، ص ۴۱۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۹۹.

به جنت المعلی رفتیم. زیارت حضرت خدیجه الکبری^۱».

۳. *هدایة السبیل و کفایة الدلیل*، از فرهاد میرزا معتمدالدوله در ۱۲۹۲ قمری

«از مکه معظمه که بیرون می آیی، هنوز بیوتات مکه تمام نشده؛ در طرف چپ مقبره حجون- به تقدیم الحاء علی الجیم- است که در آن جا قبر حضرت خدیجه علیها السلام و سایر اجداد رسول صلی الله علیه و آله و سلم است»^۲.

۴. *هدایة الحجاج*، از محمدرضا بن عبدالجلیل حسینی طباطبایی تبریزی در

۱۲۹۶ قمری

«قبرستان مکه، متصل به کوه، در شعب النور، در سمت شمال آبادی واقع شده. در انتهای این قبرستان مقبره حجون- به تقدیم الحاء علی الجیم- است که قبور آبا و اجداد حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله و سلم در آن جا هست ... پنج تن از اجداد و عشیره آن حضرت در این موضع مدفون است: عبدمناف، عبدالمطلب، جناب ابوطالب والد حضرت ولایت مآب، آمنه بنت وهب والده حضرت رسول (ص [جناب خدیجه زوجه مکرمشان])»^۳.

۵. *دلیل الأنام فی سبیل زیاره بیت الله الحرام و القدس الشریف و مدینه السلام*، از

سلطان مراد حسام السلطنه فرزند عباس میرزا در ۱۲۹۷ قمری

«جمعه پانزدهم، عزیمت زیارت شعب ابی طالب نمودم. قبور آن بزرگواران در مقبره حجون واقعدند و حجون در اواخر آبادی شهر مکه، در طرف ایسرواقع شده است. قبرستان وسیعی است؛ حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و عبدمناف و حضرت آمنه بنت وهب مادر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه کبری زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در این قبرستان مدفونند. حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و عبدمناف در یک محوطه هستند و در آن محوطه دو بقعه است؛ در بقعه اول در سمت ایمن، عبدالمطلب و عبدمناف مدفونند و هریک ضریح علی حده [کذا، ظ: علی حده (بدون تشدید)] دارند و بقعه دیگر، ابی طالب است که ضریح

۱. همان، ص ۴۵۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۷۹.

۳. همان، ص ۶۹۶.

مخصوص دارد. حضرت آمنه و حضرت خدیجه نیز در قرب آن محوطه هریک بقعه و ضریح علی حده [کذا] دارند»^۱.

۶. *منازل قمریه در سوانح سمریه*، از علی حسین بن خیرات در ۱۲۹۸ قمری

«و به تاریخ شانزدهم ذی الحجّه روز جمعه، وقت عصر باری زیارت قبور به مقام جنت معلی که بیرون شهر مکه معظمه مقصد و جایی بزرگ است و برکه و اشجار سبز دارد... رفتیم. اول به زیارت قبر حضرت خدیجه - رضی الله عنها - مشرف شدیم. بر قبر آن معظمه، حظیره چوبی و بالای آن شبکه آهنی درست کرده‌اند. تکلفات ظاهریه از فروش و آلات شیشه و نقوش آن جا زیاد است. مقابل قبر حضرت خدیجه، قبر محمد یکی از فرزندان جناب امام زین العابدین علیه السلام است»^۲.

۷. *سفرنامه مکه معظمه*، از میرزا عبدالحسین خان افشار رومی در ۱۲۹۹ قمری

«جمعه چهاردهم ذی حجه الحرام: صبح از خواب بیدار شده... عزم زیارت حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام نمودیم... از خانه‌های شریف گذشته، دست چپ وارد قبرستان جنت المعلات شدیم. حضرت عبدالمطلب و حضرت ابوطالب و آمنه را زیارت کردیم... از آن جا به مقبره خدیجه علیها السلام وارد شده، زیارتی به عمل آوردم»^۳.

۸. *سفرنامه مکه*، از نویسنده‌ای ناشناخته در ۱۲۹۹ قمری

«روز جمعه هفتم: مکه معظمه - ... بعد، از دم قبرستان ابوطالب گذشتیم. خیلی بزرگ است و قبر ابوطالب و خدیجه و عبدالمطلب آن جاست»^۴.
هم چنین در گزارش دیگری می‌نویسد:

«روز جمعه چهاردهم: مکه - صبح برخاستم... به قبرستان قریش رفتیم، زیارت خدیجه و آمنه و عبدالمطلب و ابی طالب و عبدمناف. بقعه خدیجه بهتر

۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۰۵. وی هم چنین از بارگاه حضرت خدیجه علیها السلام در موضع دیگری از سفرنامه اش خبر می‌دهد: (نک: ج ۲، ص ۷۱۷).

۳. همان، ج ۴، ص ۵۸۰-۵۸۱.

۴. همان، ص ۷۶۵.

از همه بود و صندوق خوبی داشت، و بقعه آمنه بهتر از سایرین بود، و این دوجا راستی [ها] هم زیارت می آیند»^۱.

۹. *تحفة الحرمین و سعاده الدارین*، از محمد معصوم نایب‌الصدر شیرازی در

۱۳۰۵ قمری

«اول آفتاب به عزم زیارت قبور اجداد حضرت ختمی مرتبت و جناب ابوطالب علیه السلام رفتیم به سمت حجون که اسم کوه و دره‌ای می باشد و از طرف منی که بروند به سمت دست چپ راه است و از صفا تا حجون، ثلث فرسخ است... بقعه متبرکه علیا حضرت خدیجه علیها السلام و بقعه مکرمه آمنه، مادر جناب رسول صلی الله علیه و آله و سلم، قدری به فاصله روبه روی یک دیگر واقع شده، زیارت شد. روپوش ضریح این دو منخدره، بسیار ممتاز است، ولی روپوش ضرایح آن بزرگواران پارچه بی قیمتی بود»^۲.

۱۰. *سفرنامه مکه و عتبات*، از میرزا عبدالحمید محمود بن عبدالکریم سقزی

مجدی در ۱۳۰۵ قمری

چهارشنبه چهارده ذی حجه: به حرم رفته، طواف الافاضه و سعی را به عمل آورده و حلق کرده، از احرام بیرون آمدیم... حضرت آمنه و حضرت خدیجه الکبری علیهما السلام و سایر صلحا را که در جنت المعلى [مَعَلات] هستند زیارت نمودیم»^۳.

۱۱. *سفرنامه مکه*، از محمد رضا ظهیرالملک در ۱۳۰۶ قمری

«پنج‌شنبه هیجدهم: امشب که جمعه و شب عید غدیر است، رفتیم به زیارت مقابر که در بیرون شهر و جنب راهی است که به منی و عرفات می رود؛ چندان فاصله‌ای با شهر ندارد. عبدمناف و عبدالمطلب در یک بقعه بودند، ابوطالب، خدیجه، آمنه بنت وهب، هرکدام در یک بقعه علی حده بودند»^۴.

۱. همان، ص ۷۷۵.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۲۵-۴۲۶.

۳. همان، ص ۵۹۱-۵۹۲.

۴. همان، ص ۶۷۸.

۱۲. *سفرنامه مکه، شام، مصر و عراق*، از سیدفخرالدین جزائری در ۱۳۳۰ قمری «... صبح‌ها گاهی حرم مطهر مشرف و گاهی مقبره حضرت ابوطالب و عبدمناف و آمنه و خدیجه علیها السلام مشرف می‌شدیم که در کنار شهر واقع شده و هرکدام، بقعه مخصوص دارند و مخصوصاً بقعه حضرت خدیجه، خیلی مزین و کاشی‌کاری ظریف قشنگی دارد»^۱.

۱۲. *سفرنامه حج*، از سیداحمد هدایتی در ۱۳۳۸ قمری «امروز دوشنبه پانزدهم ذی‌الحجه مطابق هشتم سنبله... طرف عصر رفتیم به حج چون که به قبرستان ابی‌طالب مشهورتر است و تا شهریک میدان فاصله است. اول حضرت عبدمناف و حضرت عبدالمطلب را که در یک بقعه مدفونند و هریک صندوق علی‌حدّه [کذا] دارند، زیارت کردیم و بعد به زیارت حضرت آمنه و حضرت خدیجه که در بقعه جداگانه مدفونند رفتیم. واقعاً کاشی‌های دو بقعه اخیره قابل توجه و تماشا بود و چشم را از خوبی و ظرافت خیره می‌کرد. هم‌چنین در اطراف بقاع مزبوره، سنگ قبرهای مرمر خیلی عالی و قشنگ و قیمتی موجود بود»^۲.

۱۳. *سفرنامه مکه*، از محمدحسین منشی‌زاده در ۱۳۳۹ قمری «به زیارت مدفن حضرت عبدالمطلب و ابوطالب و خدیجه و آمنه رفتیم. سوای مدفن حضرت عبدالمطلب و عبدمناف که در یک بقعه و دو ضریح بودند، سایرین بقعه جداگانه داشتند. اطراف بقاع بعضی خطوط و اسماء و قطعات قابل تماشا داشت»^۳.

منبع

جعفریان، رسول، سفرنامه‌های حج قاجار (پنج‌جاه سفرنامه)، ۸ جلد، چاپ اول، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ ش.

۱. همان، ج ۸، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۶۶۷-۶۶۸.

۳. همان، ص ۴۰.

کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب‌ها و راه‌کارها

مهدیه چیت‌ساز^۱

احمد عابدی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت کتاب‌شناسی‌های موجود در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، و ارائه کتاب‌شناسی موضوعی، مطابق با الگوها و استانداردهای استنادی موجود است. روش پژوهش، کتابخانه‌ای است و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتاب‌شناسی‌های موجود در این حوزه موضوعی و تمام منابع فارسی موجود با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» اعم از کتاب‌ها و مقالات ادواری‌ها بررسی گردید. برای این منظور، کلیدواژه‌های «حضرت خدیجه»، «خدیجه بنت خویلد»، «خدیجه کبری»، «خدیجه» و «ام‌المؤمنین»، در پایگاه‌های اطلاعاتی مگ‌ایران،^۳ ایرانداک،^۴ نورمگز،^۵ پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی،^۶ پرتال جامع علوم انسانی^۷ و کتابخانه ملی ایران^۸ و موتورهای جست‌جوی علمی گوگل اسکالر^۹ و

۱. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علم سنجی دانشگاه تهران.

3. www.magiran.com.
4. irandoc.ac.ir.
5. www.noormags.com.
6. www.sid.ir.
7. www.ensani.ir.
8. www.nlai.ir.
9. www.scholar.google.com.

علم‌نت^۱ جست‌جو شد. جامعه مورد بررسی، تنها منابع فارسی‌زبانی است که اطلاعات آن‌ها تا سال ۱۳۹۵ از طریق وب‌گاه‌های اشاره شده قابل‌بازرسی و دسترسی است. نتایج بررسی، نشان می‌دهد کتاب‌شناسی‌های موجود در حوزه موضوعی «حضرت خدیجه علیها السلام» فاقد به‌روزرسانی منظم، تفکیک قالب آثار، الگوی استاندارد شیوه‌نامه نگارشی، نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) و جامعیت است. اطلاعات کتاب‌شناسی پیش‌رو، مسائل و موانع اشاره شده را مرتفع نموده که شامل ۲۴۸ اثر است: ۹۸ مورد از آن کتاب فارسی و ۱۵۰ مورد مقالات موجود در ادواری‌ها هستند.

واژگان کلیدی

کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب‌نامه حضرت خدیجه علیها السلام، مقاله‌نامه حضرت خدیجه علیها السلام، خدیجه کبری علیها السلام، ام‌المؤمنین خدیجه علیها السلام، خدیجه بنت خویلد.

مقدمه

آشنایی با منابع اصلی و هسته در یک حوزه موضوعی و استفاده از آن در پیشینه تحقیق، از جمله ملزومات هر پژوهش علمی است؛ به قدری که در عصر حاضر هیچ پژوهش‌گری بی‌نیاز از آن نیست.

این مهم در عصر انفجار اطلاعات و با وجود حجم وسیعی از منابع و مکتوبات علمی و هم‌چنین تعدد و پراکندگی نویسندگان، با دشواری‌هایی برای پژوهش‌گران روبه‌رو است. حل این مسأله، پژوهش‌گران را به این سمت سوق می‌دهد که از منابع ردیف دوم^۲ از جمله «کتاب‌شناسی‌ها» و «مقاله‌نامه‌ها» بیش‌تر استفاده کنند.

1. www.elmnet.ir.

۲. منابع دسته دوم یا منابع ردیف دوم، عبارتند از منابعی که به جای پاسخ‌گویی مستقیم به سؤال، مراجعه‌کننده را به منابع نوشتاری، دیداری و شنیداری در آن موضوع ارجاع می‌دهند. (نورالله مرادی، مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶).

تعاریف مختلفی از واژه «کتاب‌شناسی» در منابع آمده است از جمله:

۱. «کتاب‌شناسی یا کتاب‌نامه، عبارت است از فهرست کتاب‌ها و دیگر مواد خواندنی. به فهرستی که معمولاً در آخر کتاب به عنوان منابع و مآخذ می‌گذارند، کتاب‌نامه می‌گویند»^۱.

۲. «کتاب‌شناسی سیاهه منابع یا مدارک در زمینه موضوعی خاص، درباره افراد و غیره، بررسی کتاب‌ها به عنوان اشیای مادی، مطالعه نظام‌یافته مشخصه‌ها و ویژگی‌های مادی و متنی کتاب‌ها و سایر موارد خاص مربوط به انتقال فنون و متون چاپ و نشر»^۲.

۳. «کتاب‌شناسی، سیاهه و یا فهرستی نظام‌مند از مواد گونه‌گون اطلاعاتی چون کتاب، مجله، روزنامه، به صورت CD و یا در اینترنت است که مراجعه‌کننده یا کاربر، برای به دست آوردن بخشی از اطلاعات مورد نیاز خود بدان مراجعه می‌کند»^۳.

۴. «کتاب‌شناسی، فهرستی سازمان‌یافته از منابع ردیف اول یا دیگر منابع مربوط به موضوع‌ها یا شخص مفروض است. کتاب‌شناسی عبارت است از سیاهه‌ای از نام و مشخصات مواد کتابی که به روش خاصی از جمله الفبای نام پدیدآور یا زمان و موضوع تنظیم شده است. کتاب‌شناسی می‌تواند جامع یا گزیده باشد و گاهی ممکن است با توضیحات ارائه شود. کتاب‌شناسی می‌تواند به عنوان بخشی از یک اثر بزرگ‌تر یا به عنوان اثری جداگانه منتشر شود. هدف اساسی یک کتاب‌شناسی، کمک به استفاده‌کننده در تشخیص، وجود یا شناسایی یک کتاب یا هر ماده دیگر است که ممکن است مورد توجه شخص باشد. وظیفه اصلی کتاب‌شناسی، ثبت پیشینه‌های دانش بشری است»^۴.

لوئیس جاکوب دو سنت چارلز اصطلاح «کتاب‌شناسی» را نخستین بار در

۱. پوری سلطانی، و فروردین راستین؛ «دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی».

۲. کینان، استل، «فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه و تدوین فاطمه اسدی گرگانی.

۳. مهردخت وزیرپور کشمیری، مرجع‌شناسی عمومی لاتین.

۴. زاهد بیگدلی، مرجع‌شناسی عمومی لاتین. تهران: سمت.

کتابی با عنوان *بیبلیوگرافی* به کار برد و در قرن هجدهم رایج شد. این عبارت از دو کلمه یونانی «بیبلیون» به معنای کتاب و «گرافین» به معنای نوشتن است؛ بنابراین کتاب‌شناسی از نظر ریشه‌شناسی لغت، یعنی نوشتن کتاب، فرهنگستان سابق ایران هم واژه کتاب‌شناسی را معادل «Bibliography» شناخته است.^۲

بیان مسأله

بی‌تردید یکی از آسیب‌های بزرگ در حوزه پژوهش، ناآگاهی از پیشینه پژوهش‌های انجام شده در هر حوزه موضوعی است که به انجام دادن کارهای تکراری و ناقص می‌انجامد. از جمله راه‌حل‌های موجود می‌تواند آشنایی با آثار و منابع تدوین شده در زمینه موضوعی تحقیق مورد نظر باشد که به محقق کمک می‌کند از پژوهش‌های تکراری به دور باشد و با بینشی وسیع و منابع کافی و غنی، در مسیر پژوهش روبه جلو گام بردارد. در وضعیت کنونی و با وجود گستردگی، تنوع و حجم وسیع کتاب‌ها، «کتاب‌شناسی»، امکان دسترسی آسان به بازار نشر را فراهم می‌کند. هر پژوهشی اگر بخواهد در مسیر حل مسأله، رفع ابهام و حتی خلق نوآوری گام بردارد، بی‌شک باید وام‌دار آثار پیشینیان باشد. بنابراین شناخت اولیه آثار و منابع موجود در هر حوزه موضوعی در قالب کتاب‌شناسی، کمک شایانی به پژوهش‌گران می‌کند تا با منابع حوزه موضوعی خود بیش‌تر آشنا شوند و سیر پژوهشی خود را طی کنند.

اهمیت پژوهش

الف) هدف اصلی

هدف از پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت کتاب‌شناسی‌های موجود در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، و ارائه کتاب‌شناسی موضوعی (منابع

۱. کریشین کومار، ترجمه زاهد بیگدلی، *خدمات مرجع*، ج ۱.

۲. حسین مسرت، *کتاب‌شناسی رشیدالدین میبیدی*.

فارسی زبان، کتاب و مقاله)، مطابق با الگوها و استانداردهای استنادی موجود است.

ب) هدف فرعی

۱. تعیین تعداد منابع فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال ۱۳۹۵ (زمان نگارش مقاله)؛
۲. تعیین تعداد کتاب‌های فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال ۱۳۹۵ (زمان نگارش مقاله)؛
۳. تعداد مقالات موجود در ادواری‌های فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال ۱۳۹۵ (زمان نگارش مقاله).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای است و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، تمام منابع فارسی موجود (چاپی و الکترونیک) با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» اعم از کتاب‌ها و مقالات ادواری‌ها^۱ بررسی شدند. برای این منظور، کلیدواژه‌های «حضرت خدیجه»، «خدیجه بنت خویلد»، «خدیجه کبری»، «خدیجه» و «ام‌المؤمنین»،^۲ در پایگاه‌های اطلاعاتی مگ‌ایران،^۳ ایران داک،^۴ نورمگز،^۵ پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی،^۶ پرتال جامع علوم انسانی^۷ و کتابخانه ملی ایران^۸

۱. ادواری‌ها موادی هستند که انتشار آن‌ها از یک زمان خاص شروع شده است و با یک فاصله زمانی مشخص تا یک زمان نامشخص ادامه خواهد یافت. مجله‌ها، نشریه‌های تخصصی و روزنامه‌ها، به دسته ادواری‌ها متعلق هستند.

۲. با توجه به حساسیت موتورهای جست‌جو در بازیابی نتایج، این کلیدواژه با دو املا «ام‌المؤمنین» (با فاصله بین دو کلمه) و «ام‌المؤمنین» (با نیم‌فاصله) جست‌جو گردید که نتایج بازیابی شده متفاوت بود.

3. www.magiran.com.

4. irandoc.ac.ir.

5. www.noormags.com.

6. www.sid.ir.

7. www.ensani.ir.

8. www.nlai.ir.

و موتورهای جست‌جوی علمی گوگل اسکالر^۱ و علم‌نت^۲ جست‌جو گردید. هم‌چنین کتاب‌شناسی‌های موجود با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام نیز که پیش از این منتشر شده، از دیگر منابع مورد بررسی است.

پیشینه پژوهش

پیش از این، کتاب‌شناسی‌های مختلفی در فضای وب، به صورت اینترنتی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده است که با یک جست‌جوی ساده با کلیدواژه «کتاب‌شناسی حضرت خدیجه» می‌توان به این منابع دست یافت. از جمله کتاب‌شناسی‌های موضوعی حضرت خدیجه می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان. ۱۳۹۱. کتاب‌شناسی حضرت

خدیجه علیها السلام. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

این کتاب‌شناسی در سال ۱۳۹۱ منتشر شده است. از نظر پوشش زمانی، آخرین به‌روزرسانی آن مربوط به این سال و مجموع منابع فارسی موجود در آن ۱۲۶ اثر است. عدم تفکیک قالب منابع (کتاب، مقاله و ...)، از مهم‌ترین مشکلات این کتاب‌نامه است. به همین دلیل، چنین استنباط می‌شود که همه آثار موجود در این کتاب‌شناسی، در قالب کتاب است، در حالی که طی بررسی‌های انجام شده، قالب آثار موجود در این کتاب‌شناسی کتاب، مقاله نشریات علمی، مقاله نشریات تخصصی و مقاله روزنامه‌هایی که بعضاً تک‌صفحه‌ای هستند. هم‌چنین به لحاظ نوع نگارش و تنظیم ساختار، کتاب‌شناسی از الگویی استاندارد پیروی نکرده، فاقد الگوی استاندارد شیوه‌نامه نگارشی، فاقد هرگونه نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) است و صرفاً یک برداشت کلی از ساختار فهرست‌نویسی شده منابع موجود در کتابخانه ملی ایران به چشم می‌خورد.

1. www.scholar.google.com.

2. www.elmnet.ir.

۲. فتحی، ریحانه. ۱۳۹۴. کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب‌سایت سازمان تبلیغات اسلامی به آدرس: <http://www.ido.ir/?id=pages/268908> با بررسی‌های صورت‌گرفته، کتاب‌شناسی حاضر به لحاظ زمانی، به‌روزرسانی نشده است. هم‌چنین به لحاظ ساختاری، فاقد تفکیک قالب آثار، فاقد الگوی استاندارد شیوه‌نامه نگارشی و فاقد هرگونه نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) است.
۳. طباطبایی، فائزه‌سادات. کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب‌سایت بینا نیوز به آدرس <http://www.binanews.ir/news/5832.html> با توجه به بررسی‌های انجام شده، در این کتاب‌شناسی، مشخص شد که نوع آثار مورد بررسی فقط کتاب‌های فارسی است. هم‌چنین نظم آن الفبایی عنوان کتاب بوده و بازه زمانی مورد نظر نیز در دو دهه اخیر (دهه ۸۰ و ۹۰) است. هم‌چنین به لحاظ ساختار نگارشی، اصول و قواعد فهرست‌نویسی رعایت شده، اما مشکل موجود در این کتاب‌شناسی، عدم جامعیت و به‌روزرسانی آن است.
- از دیگر کتاب‌شناسی‌های موجود در فضای وب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد که از جمله مشکلات این کتاب‌شناسی‌ها عدم به‌روزرسانی، تفکیک قالب آثار، الگوی استاندارد شیوه‌نامه نگارشی، نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) و عدم جامعیت آن‌هاست.
۴. کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب‌سایت جامع فرهنگی - مذهبی شهید آوینی به آدرس: <http://www.aviny.com/Occasion/KetabShenasi.aspx/87/ahlebeit/bastegan/khadijeh>
۵. کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب‌سایت دانش‌نامه زن مسلمان، بخش ویژه‌نامه حضرت خدیجه، به آدرس: <http://muslimapedia.com>
۶. کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب‌سایت تبیان در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۷ به آدرس: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx>

pid=934&articleID=819436? یک مورد کتاب فارسی نیز با مشخصات کتاب‌شناختی زیر در سال ۱۳۹۱ منتشر شده که با توجه به سال انتشار آن، فاقد آخرین به‌روزرسانی‌ها در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام است. ۷. ال‌ادینی، شیرین، و سیده‌مرضیه شفاپور. ۱۳۹۱. کتاب‌شناسی موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام (توصیفی-تحلیلی)؛ به سفارش امور بانوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ناظر فوزیه ناصرقرایی. تهران: شیرزاد.

یافته‌ها و نتایج

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، اثری وجود ندارد که به صورت جامع، مطابق با آخرین به‌روزرسانی‌ها، اطلاعات منابع فارسی با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» را دربرگیرد. از این رو، کتاب‌شناسی پیش‌رو با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام منابع فارسی‌زبان را در دو قالب اثر «کتاب فارسی» و «مقالات فارسی ادواری‌ها» (شامل مقاله نشریات علمی، نشریات تخصصی و مقالات روزنامه‌ها) شامل می‌شود. این کتاب‌شناسی، با نظم الفبایی «نام خانوادگی نویسنده» منظم شده، به لحاظ زمانی تا سال ۱۳۹۵ به‌روزرسانی گردیده و برای ساختار نوشتاری آن از شیوه‌استناددهی APA استفاده شده است. تعداد کل منابع فارسی موجود با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام، تا زمان نگارش مقاله، ۲۴۸ مورد است که از این تعداد ۹۸ اثر در قالب کتاب فارسی و ۱۵۰ اثر در قالب مقالات ادواری‌ها (۱۱۹ مقاله نشریات، ۷۴ مقاله با ذکر نویسنده؛ ۴۵ مقاله بدون ذکر نویسنده)؛ ۳۱ مقاله روزنامه (۲۲ مقاله با ذکر نویسنده؛ ۹ مقاله بدون ذکر نویسنده) است.

کتاب‌های فارسی

۱. ابوالمعاطی، مصطفی. ۱۳۹۵. *۵۱. قصه از زندگی ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام*. مترجم: جهانگیر تیموری. خواف: به دان.

۲. اسماعیل تبار، احمد، و محمدحسین مهوری. ۱۳۹۳. *صحابیات پیامبر ص*. تهران: فرهنگ سبز.
۳. الادینی، شیرین، و سیده مرضیه شفاپور. ۱۳۹۱. *کتاب‌شناسی موضوعی حضرت خدیجه ص*، (توصیفی - تحلیلی)؛ به سفارش امور بانوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ناظر: فوزیه ناصرقرایی. تهران: شیرزاد.
۴. انصاریان، حسین. ۱۳۸۸. *نگاهی به مقام حضرت خدیجه ص*. قم: دارالعرفان.
۵. انیسی، فریبا. ۱۳۸۶. *امین محمد: زندگی‌نامه حضرت خدیجه کبری ص*؛ به سفارش اداره کل امور بانوان شهرداری تهران. تهران: بروج.
۶. ایزدی، امیر. ۱۳۸۸. *ستاره‌های فروزان: مدح و مرثیه چهارده معصوم ص* و *ام‌المؤمنین خدیجه‌الغری ص*. قم: رسالت.
۷. آخوندی، محمد. ۱۳۸۵. *نمونه زن‌ها*. تهران: جوان امروز.
۸. بشارتی، علی محمد. ۱۳۹۲. *شایسته‌ترین همسر پیامبر ص*: تحلیل زندگی حضرت خدیجه ص. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۹. بهروش، آزاده. ۱۳۹۵. *حضرت خدیجه «همسرفداکار پیامبر»*. مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، ۵۹۳۱.
۱۰. بهروش، آزاده. ۱۳۹۰. *حضرت خدیجه «همسرفداکار پیامبر»*. مشهد: آیین تربیت: سنبله.
۱۱. پارسا، فاطمه. ۱۳۸۸. *ابوطالب و خدیجه*. تهران: شبرنگ.
۱۲. پاک‌نیا تبریزی، عبدالکریم. ۱۳۹۰. *آموزه‌هایی از حضرت زهرا ص برای خانواده‌های جوان: به همراه درس‌هایی از زندگی حضرت خدیجه ص*. قم: فرهنگ اهل بیت ص.
۱۳. پور حسینی، سیدعلی. ۱۳۹۰. *گذشت و صبر: حضرت خدیجه و حضرت زینب ص*. مشهد: ضریح آفتاب.
۱۴. تابش، مقداد. ۱۳۹۴. *ملیکه بطحاء: سلوک محمدی ام‌المؤمنین خدیجه*

- کبری علیها السلام. قم: بنیاد فقه و معارف اهل‌البيت علیهم السلام.
۱۵. تهرانی، حسین. ۱۳۹۴. *حامیه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: فضائل و مناقب ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام*. قم: طوبای محبت.
۱۶. تهرانی، حسین. ۱۳۹۳. *خصایص ام‌المؤمنین خدیجه‌الکبری علیها السلام: ویژگی‌های حضرت خدیجه کبری علیها السلام شامل اعره و ویژگی*. قم: طوبای محبت.
۱۷. جانفدا، هادی. ۱۳۹۵. *خدیجه کبری علیها السلام: سوگواره شعر*. تهران: شاعران اهل بیت علیهم السلام.
۱۸. جلال‌زاده میبیدی، سیدمحمد حسین. ۱۳۹۴. *ام‌المؤمنین خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت*. قم: انتشارات مشهور.
۱۹. جلیل‌زاده، الهام. ۱۳۹۳. *خدیجه کبری علیها السلام صحابه پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم*. تهران: هفت اختراندیشه.
۲۰. حاتم‌پوری، محمدرضا. ۱۳۹۰. *حکایت عاشقی*. تهران: زعیم.
۲۱. حائری قحطانی، محمد. ۱۳۹۱. *خواستگاری ماه از آفتاب*. قم: دارالطب.
۲۲. حسینی، هاشم معروف. بی‌تا. *زندگی‌نامه خدیجه کبری و فاطمه زهرا علیها السلام*. تهران: بی‌نا.
۲۳. حسینی هرنندی، سیدمحمد حسین. ۱۳۹۲. *پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام*. قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۲۴. خدامیان آرانی، مهدی. ۱۳۹۲. *بانوی چشمه زندگی خدیجه علیها السلام (همسر پیامبر اسلام)*. قم: وثوق.
۲۵. داوری، محمود. ۱۳۸۴. *حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر پیامبر*. اصفهان: نوراسلام.
۲۶. دخیل، علی محمد علی. ۱۳۶۳. *زنان بزرگ اسلام*. مترجم: فیروز حریریچی (جلدهای ۱، ۲، ۳ و ۴). تهران: امیرکبیر.
۲۷. دخیل، علی محمد علی. ۱۳۶۳. *زنان بزرگ اسلام*. مترجم: صادق آئینه‌وند (جلدهای ۲، ۵ و ۶). تهران: امیرکبیر.

۲۸. دخیل، علی محمد علی. ۱۳۹۱. *طاهره قریش: نگاهی محققانه به زندگانی ام‌المؤمنین بانو خدیجه کبری علیها السلام*، همسر وفادار رسول خدا. مترجم: اکرم السادات هاشمی نژاد؛ ویراستار: محمد علی لسانی. تهران: پارسیا: نوآور.
۲۹. دخیل، علی محمد علی. ۱۳۶۱. *حضرت خدیجه علیها السلام*. ترجمه فیروز حریرچی. تهران: امیرکبیر.
۳۰. دخیل، علی محمد علی. بی‌تا. *حضرت خدیجه علیها السلام*. ترجمه فیروز حریرچی. تهران: بی‌نا.
۳۱. درفشی، مینا، خدیجه مهدوی مقدم، و اکرم کلاته. ۱۳۸۸. *مآخذشناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام*؛ کاری از واحد پژوهش مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، مرکز نشرهاجر.
۳۲. درفشی، مینا، خدیجه مهدوی، و اکرم کلاته. ۱۳۸۸. *هنگامه وصل: سروده‌های منتسب به حضرت خدیجه علیها السلام در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم*. کاری از واحد پژوهش مدرسه حضرت خدیجه علیها السلام. مترجم امید مجد. مصحح محمد علی آذرشب. تهران: کتاب نیستان.
۳۳. دهنادی، محمد صادق. ۱۳۸۷. *یادگاران روزهای سرخ: یادنامه‌ای از زندگی راحلان رمضان حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیها السلام*. تهران: مؤسسه نشرشهر.
۳۴. رضایی سرشت، مریم. ۱۳۸۷. *فعالیت‌های مردمی در سیوه نبوی*. تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
۳۵. رضایی، اسماعیل، مریم نجفی و حجت‌الله نجفی. ۱۳۹۱. *آرام جان پیامبر پیامون حضرت خدیجه علیها السلام*. تهران: کاتبان وحی.
۳۶. رهگذر، رضا. ۱۳۹۴. *از دواج با خدیجه*. تهران: قدیانی، کتاب‌های بنفشه.
۳۷. رهگذر، رضا. ۱۳۸۰. *خورشیدی در خانه خدیجه (داستان جوانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)*. تهران: پیام آزادی.
۳۸. زارع، محبوبه. ۱۳۸۵. *کاروانی با سیزده کجاوه: تجلی‌گاه سیزده‌گانه مادران*

- عروج: آمنه، خدیجه، فاطمه بنت اسد، زهرا، شهریانو... . قم: بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۹. زواریان، زهرا. ۱۳۹۵. *قصه‌های دخترانه: فرازهایی از زندگی سه بانوی صدر اسلام*. تهران: قدیانی، کتاب‌های بنفشه.
۴۰. زواریان، زهرا. ۱۳۹۴. *عروس و کاروانش: فرازی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام*. تهران: قدیانی.
۴۱. سلیمانی، روشن. ۱۳۹۲. *نگار محمد: حضرت خدیجه علیها السلام*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۴۲. سیلوی، غالب. ۱۳۹۳. *انوار درخشان ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام*. مترجم عباس حاجیانی. قم: موعود اسلام.
۴۳. شریعتی، عفت، سکینه مهدیان‌پور، سهیلا کیاسی، منیر حسینی، و فوزیه ناصرقرایی. ۱۳۹۱. *آثار جشنواره فرهنگی- بصیرتی بانوی فضیلت، حامی رسالت حضرت خدیجه علیها السلام*. تهران: شیرزاد.
۴۴. شیرازی، رضا. ۱۳۷۵. *تورا می‌خواهم: داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام*. تهران: پیام نور.
۴۵. شیرازی، رضا. ۱۳۹۱. *تورا می‌خواهم: داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام*. تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.
۴۶. شیرازی، رضا. ۱۳۸۷. *به نام زنده حضرت خدیجه علیها السلام*. کتاب همشهری؛ ۷۷. تهران: همشهری.
۴۷. شیرازی، رضا. ۱۳۸۷. *مونس رسول*. کتاب همشهری؛ ۷۷. تهران: همشهری.
۴۸. صادقی اردستانی، احمد. ۱۳۸۵. *حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خدیجه علیها السلام*. قم: فجرقرآن کریم.
۴۹. طالبی مازندرانی، صادق. ۱۳۹۲. *شاهزاده قریش*. قم: بهار دل‌ها.
۵۰. طاهری، حسین‌علی. ۱۳۸۴. *بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام و تفسیر*

- «مخزن العرفان» بانو مجتهده امین. قم: صبح صادق.
۵۱. طهماز، عبدالحمید محمود. ۱۳۹۲. حضرت ام المؤمنین خدیجه طاهره الگویی وارسته برای بانوان. مترجم: عبدالجلیل براهویی زاهدی. مشهد: نسیم حجاز.
۵۲. عبادی فرد، عزیز. ۱۳۸۵. خدیجه کبری علیها السلام همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم. سراب: عزیز عبادی فرد.
۵۳. عرب، عبدالرضا. ۱۳۸۷. تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دائره المعارف اسلام. قم: انتشارات شیعه شناسی.
۵۴. علی بخشی، عبدالله. ۱۳۹۱. خدیجه علیها السلام برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر.
۵۵. عمادزاده، حسین. ۱۳۸۱. زندگانی حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام و خدیجه کبری علیها السلام. تهران: اسلام.
۵۶. عمیدزاده، هادی. ۱۳۹۲. تاریخ زندگانی ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. تهران: انتشارات منیر.
۵۷. فضل بیرجندی، علی. ۱۳۹۱. حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ. مشهد: منتظران ظهور.
۵۸. فضل بیرجندی، علی. ۱۳۸۸. حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ ویراستار: حسن فضل. مشهد: محقق.
۵۹. قاسمی، ابراهیم، و رضا فلاح. ۱۳۹۱. مرورید حجاز. قم: علامه بهبهانی.
۶۰. قیدی، حمید. ۱۳۹۱. الهی ترین ازدواج (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه علیها السلام) با تأکید بر نقش حمایت گری حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: میراث اهل قلم.
۶۱. کرمی فریدنی، علی. ۱۳۸۲. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: حاذق.
۶۲. کرمی فریدنی، علی. ۱۳۸۳. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار.
۶۳. کرمی فریدنی، علی. ۱۳۸۵. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار.

۶۴. کرمی فریدنی، علی. ۱۳۹۰. *نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام*.
قم: نسیم انتظار.
۶۵. کرمی فریدونی، علی. ۱۳۸۵. *نگاهی نوبه‌زندگی درخشان خدیجه علیها السلام*. قم:
نسیم انتظار.
۶۶. کرمی، علی. ۱۳۸۳. *جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه علیها السلام*.
قم: دلیل ما.
۶۷. کمالی‌نیا، محمدتقی. بی‌تا. *شکوه‌زندگی: سیر و تأملی در زندگانی سراسر
شور و حماسه «خدیجه کبری»*. تهران: امید.
۶۸. کمالی‌نیا، محمدتقی. ۱۳۸۱. *خدیجه علیها السلام شکوه‌زندگی*. قم: نور السجاد.
۶۹. گروه تألیف و تحقیق دارالصادقین. ۱۳۹۰. *خدیجه علیها السلام بانوی مکه. تهران:
دارالصادقین*.
۷۰. گروهی از نویسندگان، تهیه شده در مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۳۸۵. *همسر آفتاب*. قم: کتاب طه.
۷۱. ماجراجو، محسن، مصطفی صمدیان. ۱۳۹۲. *داستان مادران امت، خدیجه
و فاطمه بنت اسد علیها السلام*. ویراستار فاطمه حبیبی. قم: اصباح.
۷۲. شیدایی‌پور، محسن. ۱۳۹۴. *داستان مادران امت، خدیجه علیها السلام و فاطمه بنت
اسد علیها السلام*. مشهد: دیانت؛ قم: اصباح.
۷۳. محدثی، جواد. ۱۳۹۰. *بانوی حجاز: آشنایی با شخصیت حضرت
خدیجه کبری علیها السلام*. قم: معروف.
۷۴. محمدزاده، مرضیه. ۱۳۹۳. *زنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زنان با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*.
تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان چاپ و انتشارات.
۷۵. محمدزاده، مرضیه. ۱۳۹۵. *زنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زنان با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*.
تهران: امیرکبیر.
۷۶. محمدی اشتهاردی، محمد. ۱۳۷۷. *حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره‌اشار و
مقاومت*. تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.

۷۷. محمدی اشتهاردی، محمد. ۱۳۹۲. *حضرت خدیجه علیها السلام / اسطوره ایشار و مقاومست*. تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.
۷۸. مخابری، زهرا. ۱۳۸۹. *بررسی زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام (ام الکوثر)*. تهران: چوک آشیان.
۷۹. مرادی نسب، حسین. ۱۳۸۹. *خدیجه علیها السلام: همسرگرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم*. تهران: مشعر.
۸۰. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان. ۱۳۹۱. *کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۸۱. مکتب‌دار، زینب. ۱۳۸۴. *خدیجه مادر اسلام*. قم: بخشایش.
۸۲. مهاجرانی، سیدمحمد. ۱۳۹۵. *خدیجه علیها السلام مادر فاطمه علیها السلام*. تهران: مدرسه.
۸۳. مهدی پور، علی اکبر. ۱۳۸۷. *سرچشمه کوثر: ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام*. قم: سیمای آفتاب.
۸۴. مهدی پور، علی اکبر. ۱۳۸۵. *سرچشمه کوثر: ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام*. کرج: راه وداد.
۸۵. موسوی، سیداحمد. ۱۳۷۳. *خدیجه کبری علیها السلام*. تهران: دانشنامه مکتب اهل بیت علیهم السلام.
۸۶. میانجی، محمد. بی تا. *نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم*. بی جا: بی نا.
۸۷. نصیرزاده، قاسم. ۱۳۹۱. *سرچشمه کوثر ولایت: نگاهی گذرا به زندگانی سراسر ایشار و ایمان حضرت خدیجه علیها السلام*. تهران: سیب سبز.
۸۸. نصیری، بدرالدین. بی تا. *زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم*. تهران: بی نا.
۸۹. نصیری، بدرالدین. ۱۳۸۵. *زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام و زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام*. تهران: اردیبهشت.
۹۰. نظری مؤمن‌آبادی رفسنجانی، علی. ۱۳۹۱. *بزرگ بانوی اسلام: سیری در زندگی*

- بیرترین حامی پیامبر حضرت خدیجه کبری علیها السلام. اصفهان: کانون پژوهش.
۹۱. نیک‌پی ام، محمد علی. ۱۳۹۴. *زندگی‌نامه خاتم‌النبین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم* و اجدادش و حضرت خدیجه کبری علیها السلام. گرگان: انتشارات نوروزی.
۹۲. هادی‌منش، ابوالفضل. ۱۳۹۳. *تصویرگر احسان سلیمانی. حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت فاطمه علیها السلام*. قم: حدیث نینوا.
۹۳. هاشمی‌نژاد، اکرم السادات. ۱۳۸۸. *سرور زنان جهان ام‌المؤمنین خدیجه کبری*. تهران: نوآور.
۹۴. هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق. ۱۳۵۸. *نخستین ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم*. قم: مؤسسه در راه حق.
۹۵. وحیدی‌صدر، مهدی. ۱۳۸۵. *سایه محبت بانو خدیجه دختر خویلد*. تهران: مجمع جهانی اهل بیت، معاونت امور فرهنگی.
۹۶. وطن‌دوست، سینا. ۱۳۹۵. *ضیافت الهی (بهمراه مختصری از زندگینامه حضرت خدیجه علیها السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام)*. قم: صالحان.
۹۷. یمانی، محمد عبده. ۱۳۸۹. *ام‌المؤمنین خدیجه بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم*. مترجم محمد ابراهیمی. شیراز: ایلاف.
۹۸. یوسفی، دینا. ۱۳۸۷. *بانوی مکه*. سبزوار: امید مهر.

مقالات فارسی

۱. ابوسلیمان، عبدالوهاب ابراهیم و سیدمرتضی حسینی فاضل. پاییز ۱۳۸۸. *خانه حضرت خدیجه علیها السلام بهترین مکان مکه پس از مسجدالحرام*. میقات حج ۶۹: ص ۱۲۱-۱۳۶.
۲. استویانف، لودمیل. خرداد ۱۳۸۲. *خدیجه*. ادبیات داستانی ۶۹: ص ۵۰-۵۵.
۳. اسفندیار، سرور. شهریور ۱۳۸۶. *وفات حضرت خدیجه علیها السلام*. ماهنامه گلبرگ ۹۰: ص ۱۰۳.
۴. اعتمادی، منصوره. بهار ۱۳۸۷. *خدیجه علیها السلام یگانه انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*

- زمان وفات. دو فصلنامه بانوان شیعه ۱۵: ص ۱۳۷-۱۶۴.
۵. اعتمادی، منصوره. پاییز و زمستان ۱۳۸۶. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. دو فصلنامه بانوان شیعه ۱۳ و ۱۴: ص ۱۷۳-۲۰۰.
۶. افراسیابی، غلامرضا. بهار ۱۳۸۳. بنیان کعبه. آینه میراث ۲۴: ص ۷-۱۷.
۷. اکبرزاده، امیر. مهر ۱۳۸۴. وفات حضرت خدیجه: هجرت نابه هنگام. فصلنامه اشارات ایام ۷۷: ص ۱۲۰.
۸. امامی، علی. مهر و آبان ۱۳۸۳. فضائل حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه مبلغان ۵۹: ص ۱۶-۲۲.
۹. امامی، علی. مهر و آبان ۱۳۸۴. مقام حضرت خدیجه در پیشگاه خدا و رسول اکرم. ماهنامه مبلغان ۷۱: ص ۸۹-۹۹.
۱۰. آهنگر، محمدجواد. اسفند ۱۳۸۶. ازدواج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه گلبرگ ۹۶: ص ۹۷.
۱۱. بادی، زهت. آبان ۱۳۸۲. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. چشم‌هایت را به فاطمه علیها السلام ببخش! فصلنامه اشارات ایام ۶۶: ص ۵۴.
۱۲. بدرالدین، محمد کاظم. مهر ۱۳۸۴. وفات حضرت خدیجه: پرواز روح عقیق. فصلنامه اشارات ایام ۷۷: ص ۱۱۱.
۱۳. پاک‌نیا، عبدالکریم. تیرو مرداد ۱۳۹۳. حضرت خدیجه علیها السلام. الگوی عفت و پاک‌دامنی. ماهنامه مبلغان ۱۷۹: ص ۱۳.
۱۴. پاک‌نیا، عبدالکریم. ۱۳۸۵. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام. کوثر، علوم اسلامی، ص ۲۰.
۱۵. پاک‌نیا، عبدالکریم. آذر ۱۳۸۱. نگاهی به آموزه‌های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه مبلغان ۳۵: ص ۳۷ تا ۴۸.
۱۶. پناهی، عباس. ۱۳۹۴. نقش مدیریتی حضرت خدیجه علیها السلام در توسعه دین اسلام. ماهنامه صف ۸۹.

۱۷. پنجی، خدیجه. مهر ۱۳۸۴. *وفات حضرت خدیجه: بانوی خردمند حجاز*. فصلنامه اشارات ایام ۷۷: ص ۱۱۸.
۱۸. تاج‌دینی، فرهاد. اردیبهشت ۱۳۶۶. *فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام*. تربیت ۸: ص ۳۴-۳۵.
۱۹. جزایری، سید محمد علی. ۱۳۸۸. *شمه‌ای از فضایل خدیجه علیها السلام*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱. *حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی نمونه اسلام*. ماهنامه راه قرآن ۴۱.
۲۱. حجتی کرمانی، علی. آبان ۱۳۶۷. *مرگ ابوطالب و خدیجه*. درس‌هایی از *مکتب اسلام* ۷: ص ۲۵-۲۹.
۲۲. حر، سید حسین. بهار ۱۳۸۵. *هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام*. فصلنامه قرآنی کوثر ۲۰: ص ۲۴-۳۰.
۲۳. حسینی، سید جواد. شهریور ۱۳۸۸. *پیوند آگاهانه و معنوی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*. ماهنامه پاسدار اسلام ۳۳۳: ص ۲۳-۲۵.
۲۴. حسینی، سید جواد. مرداد و شهریور ۱۳۸۹. *خدیجه علیها السلام اسوه فضیلت*. ماهنامه مبلغان ۱۳۱: ص ۷۰-۸۱.
۲۵. حسینی، سید جواد. شهریور ۱۳۸۷. *کجا مثل خدیجه می‌توان یافت*. ماهنامه پاسدار اسلام ۳۲۱: ص ۱۴-۱۷.
۲۶. حمیدزاده، اکبر. بهار ۱۳۸۴. *نقش طاهره قریش خدیجه در زندگی و پیروزی حضرت محمد*. فصلنامه یاد ۷۵: ص ۸۷-۱۰۰.
۲۷. خیراتی، اعظم. ۱۳۹۲. *حقیقت زن بودن با بررسی زندگی و منش حضرت خدیجه علیها السلام*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.
۲۸. داودی، رضا. مرداد ۱۳۹۱. *خدیجه گوهری که در مکه درخشید*. ماهنامه پیام زن ۲۴۵: ص ۳۶.
۲۹. دژم، محمد جواد. مهر ۱۳۸۴. *وفات حضرت خدیجه: پیش از پرواز*. فصلنامه

- اشارات ایام ۷۷: ص ۱۱۳.
۳۰. رسولی محلاتی. سال چهارم. سن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه در هنگام ازدواج. ماهنامه پاسدار اسلام ۴۸.
۳۱. رسولی محلاتی. سال پنجم. تا خدیجه زنده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زن دیگری اختیار نکرد. ماهنامه پاسدار اسلام ۴۹.
۳۲. رسولی محلاتی. سال هشتم. وفات ابوطالب و خدیجه. ماهنامه پاسدار اسلام ۹۲.
۳۳. رشیدپور، مجید. آبان ۱۳۷۳. خانواده خوشبخت. پیوند ۱۸۱: ص ۴۲-۴۶.
۳۴. رضایی، حمیده. مهر ۱۳۸۴. وفات حضرت خدیجه: خدا حافظ، خدیجه. فصلنامه اشارات ایام ۷۷: ص ۱۱۴.
۳۵. زارع، محبوبه. اسفند ۱۳۸۶. ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه علیها السلام. اولین جرقه عشق. فصلنامه اشارات ایام ۱۰۶: ص ۱۱۵.
۳۶. زارع، محبوبه، زیتا نعمتی، محمدکاظم بدرالدین، روح الله حبیبیان، سودابه مهیجی، بهزاد پودات، محمدعلی کعبی، سعیده خلیل نژاد. شهریور ۱۳۸۶. وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام: تجارت، بهانه بود / خدیجه حامی رسالت / اندوه پیامبر / اندوه و اشک آخرین فرستاده ...، فصلنامه اشارات ایام ۱۰۵-۱۱۳.
۳۷. سبحانی تبریزی، جعفر. آذر ۱۳۳۹. تجزیه و تحلیل در تاریخ اسلام / خدیجه ملکه اسلام / درس هایی از مکتب اسلام، ۱۱: ص ۱۶-۲۱.
۳۸. سعادت شایسته، علی. آبان ۱۳۸۲. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: بانوی مکه. فصلنامه اشارات ایام ۶۶: ص ۵۷.
۳۹. شایسته خو. ۱۳۹۲. خدیجه در خانه پیامبر زن و تعالی خانواده. فصلنامه شمیم نرجس ۲۵.
۴۰. صبوری، سمیه. آذر ۱۳۸۰. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام. گلستان قرآن ۹۵: ۳۰-۲۹.

۴۱. صفراآبادی فراهانی، معصومه. مرداد و شهریور ۱۳۸۹. *فرشته مهر: به مناسبت دهم ماه رمضان، سالروز رحلت حضرت خدیجه علیها السلام. پیام زن* ۲۲۱-۲۲۲: ص ۵۰-۵۳.
۴۲. صمدی، علی‌اکبر. بهمن ۱۳۷۶. *پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام / ادب و عاطفه*. پیام زن ۷۱: ۱۲-۱۵.
۴۳. طاهری، سید محمود. مهر ۱۳۸۴. *وفات حضرت خدیجه: عام‌الحرزن*. فصلنامه اشارات ایام ۷۷: ص ۱۱۵.
۴۴. طبسی، محمد محسن. دی ۱۳۷۸. *حضرت خدیجه علیها السلام. مادر امت*. ماهنامه فرهنگ کوثر ۳۴: ص ۵۲-۵۵.
۴۵. عابدی، محمد. دی ۱۳۷۹. *حضرت خدیجه، اولین شیعه علی علیه السلام: به مناسبت دهم رمضان، سالروز وفات حضرت خدیجه*. مبلغان ۱۱: ص ۸-۱۸.
۴۶. عابدی، محمد. فروردین ۱۳۷۶. *... و کجاست مثل خدیجه*. ماهنامه فرهنگ کوثر ۱: ص ۲۴-۳۱.
۴۷. عادل حسینی، سیدجعفر. ۱۳۹۴. *تقش حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام*. منتشر شده در سایت <http://www.adeli-af.com>.
۴۸. علوی طالقانی، علاءالدین. ۱۹ آبان ۱۳۲۳. *خدیجه یا همسر محمد صلی الله علیه و آله و سلم*. آیین اسلام ۳۴: ص ۴.
۴۹. فولادی، فضل‌الله. مرداد ۱۳۹۰. *خدیجه؛ همسری فداکار و مشاور امین*. درس‌هایی از مکتب اسلام ۶۰۳: ص ۵۸-۶۹.
۵۰. قاسمی، علیرضا. آذر ۱۳۸۰. *خدیجه طاهره، به روایتی دیگر*. گلستان قرآن ۹۵: ص ۳۱-۳۲.
۵۱. کامرانی، اکرم. آبان ۱۳۸۲. *وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تمامت خوبی و بردباری*. فصلنامه اشارات ایام ۶۶: ص ۵۵.
۵۲. کرمی، علی. بهار ۱۳۸۶. *تقش خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام و انسان*.

- فصلنامه فرهنگ جهاد ۴۷: ص ۱۷۹.
۵۳. کرمی، علی. زمستان ۱۳۸۵. *ویژگی نواندیشی و نوگرایی خدیجه علیها السلام*.
- فصلنامه فرهنگ جهاد ۴۶: ص ۱۴۴.
۵۴. کنانی، تقوا و معصومه گل گلی. مرداد و شهریور ۱۳۸۷. *خدیجه علیها السلام بانوی خوبی‌ها: فضایل معنوی حضرت خدیجه کبری (به مناسبت هفتم رمضان، ...). آفاق مهر: ص ۶۸-۷۱.*
۵۵. کامرانی، اکرم. *وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تمامت خوبی و بردباری*. ماهنامه مبلغان ۵۹.
۵۶. کرمی، علی. ۱۳۸۶. *نقش خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام و انسان* (قسمت سوم). فرهنگ جهاد، علوم اسلامی ۴۷.
۵۷. کرمی، علی. ۱۳۸۵. *ویژگی نواندیشی و نوگرایی خدیجه علیها السلام (۲)*. فرهنگ جهاد ۴۶.
۵۸. گلی زواره، غلامرضا. رمضان ۱۴۳۳. *برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام*. ماهنامه مبلغان ۱۵۵: ص ۳۷-۵۸.
۵۹. گلی زواره، غلامرضا. مرداد ۱۳۹۱. *خدیجه بانوی کارآفرین*. ماهنامه پیام زن ۲۴۵: ص ۴۲.
۶۰. لقمانی، احمد. فروردین ۱۳۸۰. *شخصیت‌شناسی فاطمه علیها السلام*. پیام زن ۱۰۹: ص ۴۲-۴۷.
۶۱. لک‌زایی بهادری، خدارحم. ۱۳۹۰. *بزرگ بانوی تاریخ اسلام و مادر مؤمنان حضرت خدیجه طاهره*. فصلنامه ندای اسلام ۴۶.
۶۲. محدثی، جواد. تابستان ۱۳۸۷. *خدیجه کبری علیها السلام نخستین زن مسلمان*. معارف اسلامی ۷۲: ص ۷۸-۸۲.
۶۳. محقق (م. آتش)، جواد. آذر ۱۳۵۸. *خدیجه ای همه خوبی*. پیام اسلام ۶: ص ۲۳۲-۲۳۵.
۶۴. محیطی اردکانی، احمد. آذر ۱۳۷۸. *اولین بانوی اسلام (به*

- مناسبت دهم ماه مبارک رمضان سالروز رحلت حضرت خدیجه). فصلنامه فرهنگ کوثر ۳۳: ص ۵۸-۶۰.
۶۵. مهدی نژاد، امید. آبان ۱۳۸۲. *وفات حضرت خدیجه علیها السلام: دریای سخاوت*. فصلنامه اشارات ایام ۶۶: ص ۵۳.
۶۶. مهدی پور، علی‌اکبر. شهریور و مهر ۱۳۸۷. *صدف کوثر*. ماهنامه مبلغان ۱۰۷: ص ۳۵-۵۰.
۶۷. موسوی، سیدعلی اصغر. مهر ۱۳۸۴. *وفات حضرت خدیجه: بانوی سخاوت عشق*. فصلنامه اشارات ایام ۷۷: ص ۱۱۷.
۶۸. میانجی، محمد. رمضان ۱۴۲۲. *نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم*. ماهنامه مبلغان ۲۳: ۳۹-۴۹.
۶۹. میرزایی، محمدسعید. آبان ۱۳۸۲. *وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تا آخرین نفس*. فصلنامه اشارات ایام ۶۶: ص ۵۴.
۷۰. ناصری، فهیمه. ۱۳۸۷. *همسر رسالت / به مناسبت سالروز وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام*. ماهنامه زائر ۶.
۷۱. نصیری، عبدالله. ۱۳۷۵/۰۹/۲۱. *به مناسبت سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام حامی بزرگ اسلام*. ایران: ص ۱۰.
۷۲. هاشمی پور، اکرم سادات. تیر ۱۳۹۳. *خدیجه! شب پرواز می‌رسد*. ماهنامه پیام زن ۴ (۲۶۸): ص ۳۳.
۷۳. هاشمی نژاد، اکرم سادات. ۱۳۸۹. *اولین بانوی آینه‌ها*. شمیم یاس ۸۹.
۷۴. هراتیان، علی. پاییز ۱۳۸۵. *خدیجه علیها السلام بزرگ بانوی جهان*. فصلنامه بهروز ۶۸: ص ۴۰.
۷۵. نویسنده نامشخص. *الگوی زن مسلمان؛ خدیجه در آینه زار توحید / حضرت خدیجه کبری علیها السلام*. ماهنامه طوبی ۳۴.
۷۶. نویسنده نامشخص. *آیا حضرت خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با فرد دیگری ازدواج کرده بود؟* منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

۷۷. نویسنده نامشخص. *برکرانه فضائل خدیجه علیها السلام*. ماهنامه نسیم وحی ۳۱.
۷۸. نویسنده نامشخص. آذر ۱۳۷۶. *به پیشگاه مادر والد، ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام*. تحول اداری ۱۷: ص ۳-۴.
۷۹. نویسنده نامشخص. ۱۳۹۴. *بی‌تابی فاطمه علیها السلام در وفات مادر و بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وی*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.
۸۰. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۸. *پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام / دب و عاطفه*.
۸۱. نویسنده نامشخص. آذر ۱۳۸۰. *تأثیر حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*. گلستان قرآن ۹۵: ص ۱۹-۲۱.
۸۲. نویسنده نامشخص. تیر ۱۳۹۳. *حضرت خدیجه علیها السلام، الگویی در ایشار / اقتصادی*. ماهنامه اندیشه و راهبرد ۹: ص ۸۰.
۸۳. نویسنده نامشخص. *حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.
۸۴. نویسنده نامشخص. *حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام اییها*.
۸۵. نویسنده نامشخص. *حضرت خدیجه، رحمتی از رحمت واسعه خدا بر پیامبر بود*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.
۸۶. نویسنده نامشخص. *خدیجه علیها السلام از اسلام آوردن تا وفات*. ماهنامه گنجینه ۷۲.
۸۷. نویسنده نامشخص. مهر ۱۳۸۵. *خدیجه بانوی بزرگ کرامت*. ماهنامه اندیشه دانشجو ۸۲: ص ۹.
۸۸. نویسنده نامشخص. *خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*.
۸۹. نویسنده نامشخص. تیر ۱۳۹۳. *خدیجه، یاور راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*. ماهنامه سرباز ۲۱۳: ص ۳۲.
۹۰. نویسنده نامشخص. تابستان ۱۳۹۰. *خدیجه؛ همسر نبوت و مادر عصمت*. ماهنامه گنجینه مجمع ۵۲-۵۴: ص ۴۴.
۹۱. نویسنده نامشخص. *در سوگ مادرم خدیجه*. ماهنامه دیدار آشنا ۱۱۸.
۹۲. نویسنده نامشخص. ۱۳۹۳. *در وصف حضرت خدیجه کبری علیها السلام*. منتشر

- شده در سایت <http://www.sibtayn.com>
۹۳. نویسنده نامشخص. آبان ۱۳۶۴. *درس‌هایی از تاریخ تحلیلی / ازدواج با خدیجه*. پاسدار اسلام ۴۷: ص ۲۶ - ۳۰.
۹۴. نویسنده نامشخص. ۱۳۹۴. *دوشیزه حجاز حضرت خدیجه کبری علیها السلام* / *ام‌المؤمنین*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>
۹۵. نویسنده نامشخص. *زندگانی حضرت خدیجه کبری علیها السلام*.
۹۶. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۹. *سال روز وفات حضرت خدیجه علیها السلام*. ماهنامه گلبرگ ۱۲۱.
۹۷. نویسنده نامشخص. خرداد ۱۳۸۶. *شمیم یار / ازدواج امین قریش با خدیجه / قرآن و زندگی شاد و هدفمند / پیام آور نینوا ... ماهنامه پیام زن ۱۸۳: ص ۹۷ - ۱۱۷*.
۹۸. نویسنده نامشخص. *عهد حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام وفات با اسما در مورد شب عروسی فاطمه علیها السلام*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>
۹۹. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۸. *فضائل خدیجه علیها السلام*.
۱۰۰. نویسنده نامشخص. آذر ۱۳۸۰. *فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان*. دو هفته‌نامه گلستان قرآن ۹۵: ص ۳۳ - ۳۵.
۱۰۱. نویسنده نامشخص. ۱۳۹۳. *فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>
۱۰۲. نویسنده نامشخص. *گریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فراق خدیجه پس از سال‌ها*. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>
۱۰۳. نویسنده نامشخص. نیمه اول آبان ۱۳۸۳. *گزارش بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام در بخش بانوان*. دو هفته‌نامه گلستان قرآن ۱۸۷: ص ۳۸.
۱۰۴. نویسنده نامشخص. آبان ۱۳۸۱. *معارف: خدیجه علیها السلام و خانه‌ای در بهشت*. ماهنامه شاهد جوان ۳۳۰: ص ۷.

۱۰۵. نویسنده نامشخص. نام پرافتخار خدیجه. ماهنامه پرسمان ۱۱۵.
۱۰۶. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۸. نسب او خدیجه علیها السلام.
۱۰۷. نویسنده نامشخص. ۱۳۹۰. نقش حضرت خدیجه علیها السلام در پیشبرد و توسعه اسلام کلیدی بود. ماهنامه گنجینه مجمع ۵۲-۵۴.
۱۰۸. نویسنده نامشخص. نقش طاهره قریش خدیجه در زندگی و پیروزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.
۱۰۹. نویسنده نامشخص. آذر ۱۳۸۰. نگاه اول / منزلت حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام. دو هفته نامه گلستان قرآن ۹۵: ص ۲.
۱۱۰. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۵، نگاهی نوبه زندگی یار و مشاور پیامبر، خدیجه علیها السلام. فرهنگ جهاد ۴۳-۴۴.
۱۱۱. نویسنده نامشخص. هم سفر خورشید. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.
۱۱۲. نویسنده نامشخص. ۱۳۹۳. وصیت های حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.
۱۱۳. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۹. وفات حضرت خدیجه. فصلنامه اشارات ایام ۱۳۵.
۱۱۴. نویسنده نامشخص. آبان ۱۳۸۳. وفات حضرت خدیجه علیها السلام - (۸۳/۸/۴) - دهم رمضان). ماهنامه گلبرگ ۵۶: ص ۲.
۱۱۵. نویسنده نامشخص. آبان ۱۳۸۳. وفات حضرت خدیجه علیها السلام - (۸۳/۸/۴) - دهم رمضان). ماهنامه گلبرگ ۵۶: ص ۱۰۶.
۱۱۶. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۸. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. بهترین زنان / خدیجه در آینه معراج پیامبر / بانوی دو جهان / همسری که پیامبر شد / زن ثروتمند / ثروت با برکت / خدیجه علیها السلام / نگاه پیامبر. ماهنامه قاصدک ۴۷.
۱۱۷. نویسنده نامشخص. ۱۳۹۴. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. فصلنامه اشارات ایام ۱۵۹.

۱۱۸. نویسنده نامشخص. مهر ۱۳۸۵. **وفات حضرت خدیجه عليها السلام**. ماهنامه قاصدک ۲۲: ص ۴۴.
۱۱۹. نویسنده نامشخص. **ویژگی‌های رفتاری حضرت خدیجه عليها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم**، منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

مقالات روزنامه‌ها

۱. اقبالیان، ابوالقاسم. ۱۳۸۴/۰۷/۲۱. مناقب و فضایل حضرت خدیجه عليها السلام. **مردم‌سالاری**: ص ۵.
۲. آزاد، مهرداد. ۱۳۷۴/۱۱/۱۱. خدیجه شریک مصائب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. **کیهان**: ص ۱۴.
۳. بختیاری، اکبر. ۱۳۸۲/۰۸/۱۵. مادر بی‌همتای عشق. **جام‌جم**: ص ۹.
۴. ترکاشوند، علی. ۱۳۸۶/۰۵/۲۲. خدیجه، باتوی شفیق محمد صلی الله علیه و آله و سلم. **حمایت**: ص ۶.
۵. توانا، صدیقه. ۱۳۷۸/۰۹/۲۸. هم‌نشین آفتاب. **کیهان**: ص ۶.
۶. جعفری، مهدی. ۱۳۷۹/۰۹/۱۶. خدیجه همسر و یاور پیامبر. **جام‌جم**: ص ۸.
۷. حر، سید حسین. ۱۳۸۵/۰۷/۰۶. غم‌های پیامبر در دل بانوی بهشت: به انگیزه دهم رمضان سالروز وفات حضرت خدیجه عليها السلام. **دیدار جام‌جم**: ص ۱۰.
۸. خادیمیان نوش‌آبادی، حسین. ۱۳۸۸/۰۶/۰۹. حضرت خدیجه، بانی کاخ بندگی و سخاوت: امروز سالروز وفات بانوی منحصر به فرد اسلام، والده ماجده و بزرگوار... **بیرن**: ص ۱۴.
۹. خسروانی، عباس. ۱۳۸۴/۰۷/۲۳. خدیجه عليها السلام اولین صدیقه اسلام، گفتگوی: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر داوود مختاری. **رسالت**: ص ۷.
۱۰. خوش‌عمل، عباس. ۱۳۸۰/۰۹/۰۵. نخستین بانوی رستگار اسلام. **جام**

جم: ص ۸.

۱۱. سلیمانی، نجیبه. ۱۳۸۵/۰۶/۰۲. غمگسار پیامبر: به مناسبت ۲۹ رجب سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام. دیدار جام جم: ص ۱۳.
۱۲. سیاح سینا، ایران. ۱۳۸۶/۰۶/۳۱. غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: به مناسبت وفات حضرت خدیجه علیها السلام. هم‌شهری: ص ۲۱.
۱۳. صاحبی مفرد، تقی. ۱۳۷۹/۰۹/۱۷. القاب و فضایل حضرت خدیجه (علیها السلام). کیهان: ص ۶.
۱۴. قنبرپور، مصطفی. ۱۳۷۷/۱۰/۰۹. بانوی فداکار اسلام. ابراز: ص ۲.
۱۵. قنوات، عبدالرحیم. ۱۳۷۳/۰۹/۲۴. انتخاب علی علیه السلام و جهت‌گیری اجتماعی اسلام. هم‌شهری: ص ۱۱.
۱۶. گیلانی، حامد. ۱۳۸۴/۰۷/۲۱. بخشی از موفقیت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرهون خدمات خدیجه علیها السلام است. قدس: ص ۱۴.
۱۷. محمدی اشتهاوردی، محمد. ۱۳۸۴/۰۷/۲۱. حضرت خدیجه علیها السلام الگویی تکرارناپذیر. قدس: ص ۱۴.
۱۸. محمودی، عباس علی. ۱۳۸۳/۰۸/۰۳. خورشید همیشه درخشان اسلام. حضرت خدیجه کبری. جام جم: ص ۸.
۱۹. محیطی اردکانی، احمد. ۱۳۸۶/۰۶/۳۱. اولین بانوی اسلام: به مناسبت سالروز رحلت حضرت خدیجه علیها السلام. ضمیمه اطلاعات: ص ۲.
۲۰. ناصری فرد، منوچهر. ۱۳۸۴/۰۷/۲۳. خدیجه همسر بی بدیل پیامبر. جمهوری اسلامی: ص ۳.
۲۱. ناصری فرد، منوچهر. ۱۳۸۴/۰۸/۱۱. ام‌المؤمنین جهان اسلام. شرق: ص ۱۸.
۲۲. نساجی زواره، اسماعیل. ۱۳۸۱/۰۸/۲۳. یار مهربان رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم. کیهان: ص ۶.
۲۳. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۱/۰۸/۲۳. بانوی صبور، خدیجه علیها السلام. رسالت: ص ۱۳.

۲۴. نویسنده نامشخص. ۱۳۷۸/۰۹/۲۷. بانویی در سنگر عدالت اجتماعی. جبهه: ص ۱۰.
۲۵. نویسنده نامشخص. ۱۳۷۸/۰۹/۲۸. حضرت خدیجه عليها السلام اسوه اخلاص. کار و کارگزار: ص ۳.
۲۶. نویسنده نامشخص. ۱۳۷۵/۱۱/۰۱. حضرت خدیجه عليها السلام اسوه اخلاص. جمهوری اسلامی: ص ۳.
۲۷. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۱/۰۸/۲۵. حضرت خدیجه عليها السلام، اسوه اخلاص. جمهوری اسلامی: ص ۳.
۲۸. نویسنده نامشخص. ۱۳۷۸/۰۹/۲۸. در نهانخانه دل هرزن خدیجه‌ای هست... آفرینش: ص ۱.
۲۹. نویسنده نامشخص. ۱۳۷۳/۱۰/۲۰. همسر همراه. جمهوری اسلامی: ص ۱۵.
۳۰. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۳/۰۷/۳۰. آرام جان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. شما ۳۸۴: ص ۸.
۳۱. نویسنده نامشخص. ۱۳۸۴/۰۷/۲۱. حضرت خدیجه عليها السلام یاور همیشگی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ مختصری از زندگی حضرت خدیجه عليها السلام به مناسبت سالروز وفات ایشان در ۱۷ رمضان. رسالت: ص ۱۹.

منابع

۱. بیگدلی، زاهد، ۱۳۸۶. *مرجع شناسی عمومی لاتین*، تهران: سمت.
۲. خسروی، فریبرز، ۱۳۸۵. *دائرةالمعارف کتاب‌داری*؛ ج ۲، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
۳. روغنی، شهره، ۱۳۹۲، *کتاب‌شناسی گزیده توصیفی تاریخ و تمدن ملل اسلامی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۴. سلطانی، پوری، و فروردین راستین، ۱۳۷۹، *دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، تهران: فرهنگ معاصر.
۵. کومار، کریشین، ۱۳۸۷، *خدمات مرجع*، ترجمه زاهد بیگدلی؛ ویرایش ۵، ج ۱. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
۶. کینان، استلا، ۱۳۷۸، *فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه و تدوین فاطمه اسدی گرگانی، تهران: نشر کتابدار.
۷. مرادی، نورالله، ۱۳۷۲، *مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع*، تهران: فرهنگ معاصر.
۸. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱، *کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام*، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۹. مسرت، حسین، ۱۳۷۴، *کتاب‌شناسی رشیدالدین میبدی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۰. وزیرپور کشمیری، مهرداد، ۱۳۸۶، *مرجع شناسی عمومی لاتین*، تهران: کتابدار.

کتاب‌شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام

سیدرضا هاشمی شاه‌قبادی^۱

این نوشتار، کتاب‌شناسی توصیفی از منابعی است که به زندگانی و سیره خدیجه کبری علیها السلام می‌پردازد. کتاب‌های معرفی‌شده در دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که صرفاً به موضوع پرداخته و مطالب در چارچوب زندگی و سیره این بانوی بزرگ اختصاص یافته است. دسته دوم که در ضمن بحث‌های خود، به موضوع خدیجه کبری علیها السلام نیز پرداخته و قسمتی مهم و قابل توجه از کتاب و نوشته خویش را به ایشان اختصاص داده‌اند؛ اما با نگاهی دقیق‌تر، می‌توان این کتاب‌ها را در قالبی تفصیلی‌تر نیز تقسیم‌بندی نمود. کتاب‌های ادبی، حدیثی، تاریخی و شخصیت‌نگاری، از مجموعه کتاب‌هایی هستند که به این موضوع پرداخته‌اند که در ذیل نمونه‌ای از هرکدام معرفی شده است. در پایان باید اذعان داشت که کتاب‌های معرفی‌شده، یقیناً همه کتاب‌هایی نیست که در این موضوع نگاشته شده بلکه با توجه به محدود بودن وقت و دست‌رسی بدان‌ها، به تعدادی اشاره شده است.

۱. خدیجه امین محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فریبا انیسی، به سفارش اداره کل امور بانوان شهرداری، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۸۶، فارسی، وزیری، ۱۱۴ صفحه.
کتاب در قالب داستانی برای مخاطب جوان نگاشته شده است. نویسنده سعی کرده زندگانی حضرت خدیجه کبری علیها السلام را در قالب داستانی بلند، با قلمی روان و ملموس بیان کند. منابع بسیار محدودی دارد. تمامی منابع از

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل بیت، مجتمع امام خمینی (ره).

کتاب‌های عصر حاضر هستند. نویسنده متأسفانه برای داستان پردازی، دست به سوی هرگزارشی دراز کرده و سره و ناسره را درهم آمیخته و گاه خودش بر آن افزوده تا داستان یکپارچه و پیوسته‌ای را پردازد. از همین رو، به منابع در متن اشاره نشده است و فهرست موضوعی نیز ندارد. در مجموع، هرچند متنی زیبا و شیوا عرضه شده، به صحت و سقم آن اعتمادی نیست.

۲. مثلهن الاعلی؛ السیده خدیجه علیها السلام، الشیخ عبدالله العلالی، بیروت، دارالحدید، ۱۹۹۲ م، عربی، وزیری، ۱۲۰ صفحه.

کتاب با زبانی ادبی، به زندگانی و زوایای حیات خدیجه کبری علیها السلام پرداخته است. متنی که به عربی جدید نگاشته شده و از کنایات و تمثیل‌ها، فراوان بهره برده است. این کتاب برای مخاطب دانشجو و اهل ادب نگاشته شده و فاقد روش علمی تحقیق است؛ لذا برای مطالب خویش به صورت مرتب، منبعی ذکر نکرده و اگر منبعی معرفی کرده بسیار کم است. کتاب فاقد کتاب‌نامه است و در متن هم گاهی برای شاهد مطالب، به روایاتی در پاورقی اشاره شده و غیراز این‌ها منابعی برای کتاب نمی‌توان یافت. کتاب در نه بخش سامان داده شده است: «رجع حکایه لداعیه التألیف»، «مقدمه»، «فی مدینه الاوثان»، «علی شفاء الزهر»، «امراه تخمر الطیب»، «یوم لاقت الملائک»، «فی مرکبه الفجر»، «حبات ضوء» و «قاروره المعبد».

۳. همسر آفتاب، گروهی از نویسندگان، تهیه شده در مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، چاپ اول، تهران، نشر کتاب طه، پاییز ۱۳۸۵، فارسی، وزیری، ۶۳ صفحه.

همسر آفتاب شماره اول از مجموعه کتاب‌های **با پیامبر است** که مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما به مناسبت سال پیامبر اعظم منتشر کرده است. این کتاب، به زندگانی حضرت خدیجه کبری اختصاص دارد و مطالب آن در چهار فصل چینش شده است: فصل اول: «خدیجه در تاریخ»، فصل دوم: «خدیجه نخستین بانوی مسلمان»، فصل سوم: «ویژگی‌های نخستین خانواده اسلامی»، فصل چهارم: «برگزیده متون ادبی».

کتاب در فضای فرهنگی جامعه شیعی، نگاشته شده است. کتاب بیش‌تر بر منابع شیعی تکیه دارد و از منابع اهل سنت کم‌تر استفاده نموده است. کتاب‌نامه پایان کتاب نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ زیرا از بیست‌وهفت منبع درج شده، فقط هفت منبع از اهل سنت است و باقی منابع شیعی هستند. کتاب از نظر متن، نوشته‌ای سلیس و روان دارد که سعی نموده از خدیجه کبری علیها السلام شخصیتی شایسته و بایسته را به خوانندگان معرفی کند. فصل چهارم کتاب با عنوان «برگزیده متون ادبی»، برگی متفاوت از زندگانی خدیجه کبری در مقایسه با دیگر تک‌نگاری‌ها در این موضوع است. این فصل با بهره بردن از متون ادبی در مورد زندگانی و شخصیت ایشان، قالبی زیبا و ادبی را برای خوانندگان و به خصوص نسل جوان عرضه می‌دارد که بسیار جذاب و زیباست. کتاب در حین اختصار، سعی نموده با قلمی شیوا و گیرا، به تمامی زوایای زندگی آن بانوا اشاره کند و در این مسیر موفق بوده است.

۴. جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه علیها السلام، علی کرمی فریدنی، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما، پاییز ۱۳۸۳، فارسی، وزیری، ۱۳۵ صفحه.

کتاب هرچند فهرست تفصیلی دارد، اما فاقد کتاب‌نامه است. آدرس‌ها به صورت پاورقی و مختصر در ذیل متن آمده است. نویسنده از منابع متعدد شیعی و سنی، جدید و قدیم بهره برده است. مخاطب آن زنان و دختران امروز جامعه ایران هستند. و لذا نویسنده قلمی نوهمراه با اصطلاحات و عبارات امروزی در آن به کار برده است. بیش‌تر سعی گشته برویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آن بانو تأکید شود تا الگوی عملی زنان امروز جامعه قرار گیرد. نویسنده از کنار بحث‌های تحلیلی و نقد تاریخی و متنی عبور کرده و بیش‌تر به «تحلیل رفتار» روی آورده است. کتاب در مجموع، با ادبیات قوی و قلمی روان، با رویکرد تربیتی برای استفاده جامعه مخاطب عام نگاشته شده است. همین کتاب را انتشارات نسیم انتظار در قالبی با اندک تفاوت، با نام *نگاهی نوبه زندگی درخشان خدیجه* نیز به چاپ رسانده است.

۵. حیاة ام المؤمنین خدیجه علیها السلام، محمود شلبی، طبع الاولی، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۰۹ ق ۱۹۸۹ م، عربی، وزیری، ۳۶۶ صفحه.

نویسنده به ترتیب تاریخی، زندگانی خدیجه کبری را از منابع روایی مهم اهل سنت استخراج و دسته بندی کرده و گاه توضیحات مختصری در مورد روایت داده است. کتاب در مجموع، جمع آوری احادیث در مورد حضرت خدیجه علیها السلام از منابع مهم یعنی صحاح و مسانید اهل سنت است که به ترتیب تاریخی منظم شده است. نقد و تحلیل و نظری در آن دیده نمی شود. فاقد کتاب نامه و منابع است و فقط به «اخرجه فلان» بسنده کرده؛ لذا فاقد روش علمی است و رویکردی کاملاً اهل حدیثی دارد.

۶. الحبیبة اولی المومنین؛ السیده خدیجه بنت خویلد، محمد علی صالح قزنی، تحقیق: شیخ طه عبدالرئوف سعد از علما الازهر، القاهرة، دار جوامع الکلم، عربی، وزیری، ۲۳۴ صفحه.

نویسنده کتاب را در ذی الحجه ۱۴۲۸ قمری به اتمام رسانیده است. کتاب فهرست تفصیلی دارد و مطالب آن را در چند بخش می توان خلاصه کرد: بخش اول که شامل مقدمه و اهداء است و سپس به جایگاه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می پردازد و به احکام خاص ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حکمت تعدد ازدواج های ایشان اشاره می کند. بخش دوم به تفصیل، به زندگانی خدیجه کبری علیها السلام پرداخته است. بخش سوم به اختصار زندگانی و جایگاه دیگر امهات مؤمنین را بررسی می کند. بخش چهارم، به ماجرای زنانی پرداخته که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط آن ها را به عقد خود درآوردند، ولی با آنان هم بسترنشدند. این بخش بیش تر برگرفته از منابع تاریخی اهل سنت است که محققان به خصوص در مورد تعداد آن ها به طور جدی بحث کرده اند. نویسنده در این بخش دوازده نفر را نام برده و وقوع عقد را در تمامی موارد پذیرفته است. بخش پنجم، در مورد هشت نفر از زنان صحبت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنان خواستگاری کردند اما آنان نپذیرفتند. در پایان این بخش، دو نفر از زنانی را نام برده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می خواستند با آن ها

ازدواج کنند و یا به حضرت پیشنهاد ازدواج با آن‌ها داده شده اما مانع شرعی وجود داشته است. بخش پایانی، به همسرانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند که با ایشان در جنگ‌ها حضور داشته‌اند. احکامی نیز درباره زمان ازدواج و یا بعد از آن از طرف خدا آمده، مانند آیه حجاب بحث کرده است.

نویسنده کتاب در فضایی کاملاً روایی، به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسران ایشان و به خصوص خدیجه پرداخته است. رویکرد وی بر مبنای احادیث و فقه اهل سنت است. وی تأکید می‌کند که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آیند و آیات و روایات در این مورد ایشان را نیز شامل می‌گردد. تأکید نویسنده بر جایگاه صحابه و به خصوص خلفا و عایشه، اعتقاد سنتی و مذهبی وی را نشان می‌دهد. تندی قلم نویسنده در مورد کسانی که شأن و جایگاه عایشه و صحابه و به خصوص خلفا را رعایت نمی‌کنند، از دیدگاه وی نسبت به عدالت صحابه خبر می‌دهد. وی مواردی را که منشأ کوچک‌ترین بدگمانی به صحابه و به خصوص افراد خاص و یا روایت‌گر کوچک‌ترین خطایی از سوی ایشان باشد، حذف کرده و یا به شکلی بسیار لطیف از کنارشان رد شده است. تمامی منابع کتاب، از منابع مشهور اهل سنت است و شاید بتوان گفت که نویسنده دل‌داده مکتب حدیثی اهل سنت بوده و عقایدی نزدیک به وهابیت داشته است. در مجموع، دیدگاه نویسنده نسبت به جایگاه پیامبر اسلام و همسرانش، برگرفته از روایات اهل سنت بدون هیچ‌گونه جرح و تعدیل است و تمامی روایات وارده را بدون هیچ‌گونه نقد و تحلیلی، صرفاً جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده و باید متذکر شد که همین نقل و دسته‌بندی نیز کاملاً جانب‌دارانه و گزینشی صورت گرفته است.

۷. ام‌المؤمنین خدیجه بنت خویلد، عبدالمنعم الهاشمی، طبع الاولی، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۴۲۱ ق ۲۰۰۰ م، عربی، وزیری، ۱۲۰ صفحه.

کتاب فاقد مقدمه، کتاب‌نامه و فهرست مطالب است. اسنادات به صورت پاورقی و بدون ترتیب خاصی بیان شده است. گهگاهی انتشارات ذکر گردیده و در بیش‌تر مواقع به صورت بسیار موجز آدرس دهی شده است. سرفصل‌های

اصل کتاب به قرار ذیل است: «خدیجه بن خویلد»، «خطبه مبارکه»، «فی بیت الزوجیه»، «فی بیت خدیجه»، «خدیجه و بشائر النبوه»، «نزول الوحی»، «فی سبیل الدعوه»، «المقاطع»، «فی وداع خدیجه» و «ریحانه التاریخ و السیره». کتاب با رویکردی تاریخی - حدیثی در فضای فکری اهل سنت نگاشته شده است. در مجموع گزارش‌های کتاب، تنزیه و بزرگداشت شخصیت‌های مشهور صحابه را به دفعات می‌توان دید که نزد اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارند. نگاه نویسنده با تعصب مذهبی خاصی همراه است و در نوشته خویش، بدون ذکر علت، به یاد خلفا پرداخته و سعی در پررنگ نشان دادن نقش ایشان در اسلام دارد.

۸. خدیجه ام المؤمنین نظرات فی اشراق فجر الاسلام، عبدالمنعم محمد عمر، الطبعه الثالثه، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۴۴ م. عربی، وزیری، ۵۰۸ صفحه.

نویسنده مدیرکل خانه کتاب و فرهنگ قومی، وکیل وزارت فرهنگ و رئیس احیاء میراث اسلامی مجلس اعلاست. کتاب فهرست مفصل و کاملی دارد، اما در متن کتاب از عناوین فهرست استفاده نشده است. نوشته کتاب نامه ندارد و منابع را در پاورقی به صورت مختصر آورده است. اصل کتاب در سال ۱۴۰۲ ق ۱۹۸۱ م نگاشته شده و هر بار با اضافات و اصلاحاتی به چاپ مجدد رسیده است. کتاب رویکردی حدیثی - تاریخی دارد و به گفته نویسنده، سعی شده از منابع صحیح استفاده شود که در نظری صحاح و مسانید و تاریخ‌های مشهور اهل سنت است. تنها کاری که در نقد و شاید به صورت دقیق‌تر تأیید منابع و روایات شده، استفاده از تفاسیر روایی و فقهی اهل سنت و گاهی استفاده از شواهد تاریخی است. به تعبیری روشن‌تر، یعنی بازگشت و عرضه دوباره گزارش‌ها به روایات و دیدگاه بزرگان اهل سنت. تفاوتی که در این نوشته دیده می‌شود، دقت در زوایای تاریک تاریخ است؛ آن‌جا که هیچ محدث و مورخ به آن نپرداخته، نویسنده سعی کرده با تکیه بر شواهد تاریخی و روایی و گاهی با تکیه بردانسته‌های خود از فرهنگ و بایدها و نبایدهای اجتماعی، آن را روشن

کند. مثلاً شرکت زینب و ام‌کلثوم در عروسی حضرت فاطمه علیها السلام و رد شرکت اسماء بنت عمیس. او این مسأله را این‌گونه پاسخ می‌دهد که تاریخ از زنده بودن این دو خواهر در زمان عروسی خبر می‌دهد، پس حتماً آن دو در عروسی خواهر کوچک‌تر خود شرکت داشته و کارهای فراوان برایش کرده‌اند و اسماء در هجرت به سر می‌برد؛ پس روایاتی که از حضور اسماء می‌گویند مردود است. در مجموع رویکرد حاکم بر کتاب، همان رویکرد مشهور جامعه اهل سنت با تکیه بر عدالت صحابه و جایگاه رفیع ایشان در فهم و انتقال سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جامعه اسلامی است.

۹. حیاة السیة خدیجه بنت خویلد من المهد الی اللحد، حسین علی الشرهانی، طبع الاولی، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۵ م، عربی، وزیری، ۳۲۰ صفحه.

کتاب بیش‌تر از منابع اهل سنت بهره برده، اما از منابع شیعی معروف نیز غافل نبوده است. این بهره بردن از منابع شیعی، به معنای تأیید دیدگاه‌های شیعی نیست و نویسنده در مجموع، سعی نموده با توضیح و تحلیل روایات مختلف، به دیدگاه درست دست یابد. الشرهانی با روش علمی پیش‌رفته و این روش و رویکرد منصفانه و عقلایی وی، اثر او را دارای ویژگی و فضیلت نموده است. کار وی علمی است. او با بهره بردن از ۱۶۴ نویسنده و رجوع فراوان و تحلیلی به منابع مختلف روایی، تاریخی، تراجم، تفسیر، طبقات و حتی ادبی، به کار خود قوت بخشیده است. وی در مقدمه مفصل خود، به معرفی و پیشینه موضوع به خوبی اشاره نموده و به نقدها، اشکالات و مزایای کارهای گذشتگان توجه کرده است. هم‌چنین به اعتبارسنجی منابع، توجه وافر نموده و محدثان و راویان موضوع را به خوبی معرفی و نقد نموده است. وی کتاب خویش را در شش فصل و یک مقدمه و خاتمه سامان داده که از قرار ذیل است:

مقدمه به تبیین موضوع، ضرورت، پیشینه و شناخت و نقد منابع موضوع پرداخته است. فصل اول، نسب‌شناسی و معرفی خانواده خدیجه کبری است و سعی در معرفی جایگاه اجتماعی و مذهبی خانواده این بانو دارد؛ از همین رو، به

اوضاع اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام جزیره اشاره می‌کند و به تأثیر و تأثر آن در شخصیت و خانواده خدیجه کبری، اهتمام دارد. فصل دوم، به بررسی زندگی و ازدواج‌های خدیجه کبری قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تعداد فرزندان و نقد گزارش‌های آن پرداخته است. فصل سوم، به سیره و منابع اقتصادی آن بانو پرداخته و بسیاری از گزارش‌ها را که نقش درایت و مدیریت خدیجه را نادیده گرفته‌اند، نقد قرار داده و به معرفی ویژگی‌ها و علم اقتصادی ایشان توجه داده است. فصل چهارم، به ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به نقد و بررسی گزارش‌های مراسم و موارد و الزامات این واقعه می‌پردازد. فصل پنجم، به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام اختصاص دارد و سرگذشت کاملی از ایشان به صورت مختصر آمده است. فصل ششم (فصل پایانی کتاب)، به حیات خدیجه کبری و نقش ایشان در پیشبرد اسلام و جایگاه ایشان در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فرهنگ اسلامی پرداخته است.

یادآوری می‌شود که نویسنده براین موضوع تأکید دارد که ملاک برای پذیرش و رد گزارش‌های تاریخی و روایی، عقل و منطق و سپس روایات موثق است. مسلمات قرآنی و سیره نبوی دیگر معیار پذیرش و رد گزارش‌هاست که باید متناسب با شأن و جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسر ایشان باشد؛ به همین جهت، در بسیاری از گزارش‌ها و روایاتی که با این معیارها تناسب ندارد، شک باید کرد و با نگاهی علمی، به نقد و تحلیل آن‌ها باید پرداخت. نویسنده در خاتمه، نتایج بحث خویش را در ۱۲ مورد خلاصه کرده است. بیش‌ترین موارد با مشهورات سازگاری دارد، اما باید گفت که وی در مورد سن خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج به ۲۸ سال رسیده و در مورد تعداد فرزندان ایشان، به نتیجه مشخصی نرسیده و آن را به دیگر پژوهش‌گران حواله داده است. گزارش‌هایی را که به نقش خدیجه علیها السلام در شناخت وحی و رفت‌وآمد ایشان نزد علمای یهود اشاره دارد، از اساس نمی‌پذیرد و آن‌ها را ساختگی و مخالف با جایگاه و شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند. در مجموع، کتاب علمی و روشمند است که با رویکردی عقلانی به موضوع پرداخته و از نقد و تحلیل به وفور استفاده کرده است.

۱۰. خدیجه بنت خویلد؛ أمه جمعت فی إمرأه، السيد نبیل الحسنی، اصدار قسم الشؤون الفكریه و الثقافیه فی العتبه الحسينیه المقدسه، كربلا المقدسه، العتبه الحسينیه المقدسه، طبع الاولى، ۱۴۳۲ ق ۲۰۱۱ م، ۴ جلد، عربی، وزیرى، ۱۲۳۰ صفحه.

این مفصل‌ترین کتابی است که در ۴ جلد با حجم ۱۲۳۰ صفحه، با چاپ و کاغذی بسیار مرغوب در این زمینه نگاشته شده است. سرفصل‌های اصلی کتاب عبارتند از: فصل اول: «سیده القریش»، فصل دوم: «زواجها من رسول الله»، فصل سوم: «اولاد السیده خدیجه»، فصل چهارم: «بنات النبى بين النقل و العقل»، فصل پنجم: «القرآن یفسر بعضه بعضاً» (پایان جلد اول)؛ فصل ششم: «انها من عبادالله المخلصین و خیرزوجه لرسول رب العالمین»، فصل هفتم: «منزله خدیجه فی القرآن و السنه» (پایان جلد دوم)؛ فصل هشتم: «خصایص دار خدیجه فی مکه»، فصل نهم: «حملها بفاطمه و اولادها» (پایان جلد سوم)؛ فصل دهم: «اخوه خدیجه و ارحامها»، فصل یازدهم: «وفاه خدیجه» و در پایان، فهرست‌ها آمده است.

کتاب با تفصیلی که دارد، سعی نموده در قالبی نو و امروزی، به زوایای مختلف زندگانی خدیجه کبری بپردازد. این تفصیل، علاوه بر این‌که در مواردی باعث خستگی خواننده می‌شود، در برخی موارد که تعداد آن‌ها هم کم نیست، به خروج از موضوع منتهی شده است؛ مثلاً در مورد زیارت قبرایشان، به آراء فرق مختلف اهل سنت در مورد زیارت قبور پرداخته و سعی کرده در پایان، نظریه شیعه را اثبات کند و یا در برخی موارد، وارد بحث‌های اختلافی و اعتقادی بین شیعه و اهل سنت شده و به پاسخ‌گویی و دفع شبهات پرداخته که گرچه مفید هستند، در قالب موضوع کتاب به سختی می‌توان آن‌ها را سامان داد. نیمی از جلد چهارم کتاب را فهرست‌های متنوع و مفصل در برگرفته و نویسنده از منابع متعددی (به نقل از کتاب‌نامه، بیش از ۴۵۰ عنوان کتاب) استفاده کرده است. کتاب در مجموع در فضایی شیعی نوشته شده و کوشیده شخصیت شیعی و

ارجمندی از خدیجه کبری به خواننده عرضه دارد.

۱۱. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، علامه محمد باقر مجلسی، الطبعة الثانية، بیروت، موسسه الوفاء، المصححه، ۱۴۰۳ ق ۱۹۸۳ م، ۱۱۰ جلدی، عربی، وزیری.

علامه مجلسی در جلد شانزدهم، باب پنجم را به زندگانی و سیره خدیجه کبری با این عنوان اختصاص داده است: «تزوجہ صلی اللہ علیہ و آلہ بخدیجہ رضی اللہ عنہا و فضائلها و بعض احوالها». این باب، برگرفته از کتب مختلف روایی با روش اخباری است که نویسنده به جمع‌آوری روایات مختلف در مورد زندگانی و سیره و فضایل خدیجه کبری پرداخته است. این باب که حدود ۸۰ صفحه را در برمی‌گیرد، منبع بسیاری از تحقیقات بعد از مجلسی در مورد آن بانوست؛ هرچند علامه مجلسی، ذکر احوال فرزندان خدیجه کبری را به باب «احوال اولاد النبی» حواله داده و بابتی مستقل در مورد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص داده است.

۱۲. الصحيح من سیره النبی الاعظم، سید جعفر مرتضی عاملی، الطبعة الاولى، قم، دارالحدیث للطباعة والنشر، ۱۴۲۶ ق ۱۳۸۵ ش، ۳۵ جلدی، عربی، وزیری.

علامه عاملی در حدود ۳۵ صفحه از باب دوم کتاب با عنوان «از میلاد تا بعثت پیامبر» را به خدیجه کبری اختصاص داده است. این مطالب با عنوان «خدیجه فی بیت النبی» در فصل دوم این باب (ص ۱۸۹-۲۲۵) آمده است. این فصل را در جلد دوم **الصحيح** از انتشارات یاد شده می‌توان یافت. عناوین ذیل، مباحثی است که نویسنده بدان پرداخته است: «السفر الثاني الى الشام»، «زواجه بخدیجه»، «خطبه ابی طالب»، «نظره فی کلمات ابی طالب و دین شائع»، «مهر خدیجه»، «عمر خدیجه حین زواج»، «یتیم قریش اكدوبه مفضوحه»، «هل تزوج خدیجه طمعا فی مالها»، «خدیجه مثل أعلى»، «خدیجه بین نساء قریش»، «هل تزوجت خدیجه بأحد قبل النبی»، «زوجتا عثمان هل هما ابنتا النبی»، «هل زینب بنت الرسول ام ربیته»، «منافسون لعلی» و «خووله هند بن ابی هاله»

للامام الحسن».

۱۳. حضرت خدیجه همسر پیامبر اسطوره ایثار و مقاومت، محمد محمدی اشتهاردی، چاپ دوم، موسسه انتشارات نبوی، بهار ۱۳۸۴، فارسی، وزیری، ۲۸۷ صفحه.

محمد محمدی اشتهاردی این کتاب را در تابستان ۱۳۷۷ شمسی با قلمی شیوا و گیرا نوشته است. نویسنده بیش‌تر به بیان مطالب و دسته‌بندی آن‌ها پرداخته و از تحلیل بهره نبرده است. شاید بتوان گفت که در تمامی موارد و زوایای زندگانی خدیجه کبری به آرا و اقوال مشهور اعتماد نموده و این گفته فقط در مواردی که بین دیدگاه شیعیان و اهل سنت اختلافی باشد، استثناپذیر است. در این موارد، نویسنده به دیدگاه شیعی نظر دارد. از آن جایی که کتاب، برای عموم نگاشته شده، در موارد فراوانی از شعر نیز بهره برده و از کنایات و تشبیهات نیز استفاده کرده که به شیوایی و روانی متن کمک فراوانی نموده است. این اثر کتاب‌نامه ندارد و منابع به صورت پاورقی و مختصر ذکر شده است. وی از منابع شیعی متقدم و متأخر استفاده کرده، اما در مورد منابع اهل سنت، تأکید بر منابع مشهور و متقدم آن‌هاست. کتاب فهرست نیز ندارد، اما می‌توان آن را بر اساس مقدمه کتاب، در سه فصل از زندگانی آن بانو تقسیم بندی نمود: فصل اول: «حضرت خدیجه علیها السلام از آغاز ولادت تا آغاز بعثت (پنجاه و پنج سال)»؛ فصل دوم: «خدیجه نخستین بانوی مسلمان و فداکاری‌های او در راه اسلام (ده سال)»؛ فصل سوم: «فضایل خدیجه، فرزندان او، وصیت و رحلت جان‌سوز و مقامات او».

۱۴. نقش ام‌المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، محمد محمود پورپشته، علیها السلام پایان‌نامه ارشد رشته تاریخ دانشگاه تهران، به راهنمایی هادی عالم‌زاده، مشاوره: حسین قره‌چانلو، نیمسال دوم ۱۳۷۷-۷۸. فارسی، رحلی، ۱۶۲ صفحه.

پایان‌نامه با ادعای روش تاریخی به این موضوع پرداخته، اما متأسفانه فقط

به جمع‌آوری گزارش‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بسنده نموده و از نقد و تحلیل آن‌ها به سادگی عبور کرده است. نکته‌ای جدید در آن دیده نمی‌شود. این پایان‌نامه در شش بخش تنظیم شده است: بخش اول: «عربستان پیش از اسلام»، بخش دوم: «زندگانی خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر»، بخش سوم: «خدیجه همسر پیامبر»، بخش چهارم: «فرزندان خدیجه»، بخش پنجم: «فضائل خدیجه»، بخش ششم: «دیگرزنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم».

۱۵. ام‌المؤمنین الکبری خدیجه بنت خویلد، تألیف مؤسسه البلاغ، طبع الاولی، تهران، انتشارات مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۲ ق ۲۰۰۱ م، عربی، قطع جیبی، ۱۰۰ صفحه.

این کتاب، از مجموعه کتاب‌های *عالم‌المراه* است که جلد اول آن، به خدیجه کبری اختصاص داده شده و جلد دوم با عنوان «زینب و فاجعه‌الکربلاء»، جلد سوم با عنوان «المراه بین واقع‌التاریخ و دور‌المغیب» و جلد چهارم با عنوان «نساء هن مثل الاعلی» چاپ شده است. کتاب به زبان عربی نگاشته شده و به تعداد فراوان، برای جامعه خارج از ایران به چاپ رسیده است. مؤسسه بلاغ در نظر داشته با انتشار کتاب‌های این‌چنینی، به تبلیغ اسلام و فرهنگ اسلامی کمک نماید. این کتاب، مخاطب عام و به خصوص جامعه زنان است. سرفصل‌های اصلی کتاب شامل عناوین ذیل است:

«المراه و الدعوه الالهیه»، «المراه فی الاسلام»، «سیده قریش»، «البدایه و المسار»، «الخطبه و الزواج»، «بیت خدیجه»، «فی انتظار الوحی»، «فی مرفأ النور»، «اسلام و تصدیق»، «فی اول الساجدین»، «تحیه السلام و بشری الخلود»، «خدیجه فی شعب الحصار»، «أبناء خدیجه»، «وداعا یا رسول الله» و «انی لاحب حبیبها».

کتاب با متنی شیوا و زیبا، بیش‌تر بر جنبه‌هایی از زندگانی خدیجه کبری تأکید دارد که الگویی برای جامعه اسلامی است. از حواشی و مطالب زاید تاریخی و غیرلازم پرهیز نموده اما متأسفانه فاقد کتاب‌نامه است و سعی شده در

متن، آدرس‌ها به صورت پاورقی و مختصر بیان شود. نویسندگان یا نویسندگان، از منابع جدید و قدیم اهل سنت و شیعه توأمان استفاده نموده‌اند. کتاب در فضای علمی نگاشته نشده، به همین جهت منابع از نظر صحت و قوت ناسنجیده است. در مجموع، کتاب در جهت هدف فرهنگی و اشاعه فرهنگ اسلامی موفق عمل نموده و متنی خواندنی و وزین را به جامعه تقدیم داشته است.

۱۶. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام، احمد صادقی اردستانی، انتشارات فجر قرآن، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۵ هجری قمری به مناسبت سال پیامبر اعظم، فارسی، وزیری، ۱۷۴ صفحه.

بیشتر حجم کتاب به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص دارد. تنها فصل دوم کتاب با عنوان «خدیجه، همسر پیغمبر» در ۳۸ صفحه (ص ۳۸ - ۷۶)، به زندگانی این بانوی بزرگ پرداخته است. این فصل شامل عنوان‌های ذیل است: «ازدواج با پیامبر»، «تاریخ ازدواج»، «در آغوش اسلام»، «شریک سختی‌ها»، «در محاصره اقتصادی»، «ثروت خدیجه و شمشیر علی»، «فرزندان خدیجه»، «وفات خدیجه» و «[خدیجه] از نظر بزرگان و دانشمندان».

نویسنده با بهره‌گیری از منابع محدود فارسی و عربی قدیم و جدید (۳۶ منبع) سعی نموده در قالبی نو و گیرا و با ادبیاتی امروزی و به زبان فارسی به این موضوع بپردازد. قالب نوشتاری در فضایی معقول، به تحلیل فضای اجتماعی و اعتقادی آن زمان مکه پرداخته و سعی نموده خدیجه کبری و اقدامات ایشان را در این فضای اجتماعی تحلیل و معرفی نماید.

۱۷. نساء مبشرات بالجنه، احمد خلیل جمعه، بیروت، دار ابن کثیر، طبع الثانیه، ۱۴۱۲ ق ۱۹۹۱ م، عربی، قطع پالتویی، ۲۸۳ صفحه.

همان‌طور که از اسم کتاب پیداست، نویسنده سعی کرده در دو جلد کتاب، از زنانی صحبت کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را بشارت به بهشت داده است. جلد اول این کتاب (ص ۱۳ - ۵۳) به ام‌المؤمنین خدیجه کبری اختصاص دارد. نویسنده با مراجعه به منابع روایی، تفسیری و تاریخی اهل سنت، بیش‌تر

به ویژگی‌های اخلاقی و فردی این بانو پرداخته است. در مجموع می‌توان گفت که نوشته مذکور، نشان دهنده دیدگاه اهل حدیثی اهل سنت بوده، متأسفانه از هرگونه نقد و تحلیل روایات به دور است. نویسنده گاه با منابع تاریخ و مغازی نیز مانند متون حدیثی برخورد کرده و هرآنچه را در جهت هدف نوشتار بوده، بدون هیچ کم و کاستی پذیرفته و گزارش کرده است. کتاب دارای کتاب‌نامه و فهرست است و ادبیات نوشتاری نسبتاً خوبی دارد.

۱۸. أعلام النساء، علی محمد علی دخیل، طبعه الاولى، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۲ ق ۲۰۰۱ م، عربی، وزیری، ۴۰۶ صفحه.

نویسنده در این کتاب، به زندگانی زنان الگوپرداخته است. این زنان شامل خدیجه کبری، فاطمه بنت اسد، فاطمه الزهرا، ام سلمه، ام کلثوم بنت امیرالمؤمنین، السیده زینب بنت امیرالمؤمنین، السیده سکینه بنت الحسین و السیده فاطمه بنت الحسین است. ۳۴ صفحه اول کتاب، به خدیجه کبری اختصاص دارد و سعی شده با مراجعه به منابع اصلی اهل سنت از حدیث و تاریخ، به گزارشی از زندگانی ایشان دست یابد. هرچند *اعلام النساء* کتاب‌نامه ندارد، منابع را به صورت مختصر در پاورقی آورده است. در پایان، فهرست تفصیلی مطالب کتاب آمده است. این بخش در عین اختصار، شامل مباحث ذیل در مورد خدیجه کبری می‌شود: «خدیجه [فی سطور]»، «اسلامها»، «فی عهد الرساله»، «سیرتها»، «مکانتها عند الرسول الاعظم»، «فی احادیث الرسول الاعظم»، «کلمات العلماء و العظماء»، «نهایه المطاف». کتاب در اوج اختصار نگاشته شده و به نقل قول بزرگان بسنده کرده است. بیش‌تر به وجوه اخلاقی و سیره فردی آن بانو توجه داشته و از بحث و ذکر گزارش‌های متناقض و ضعیف خودداری نموده است.

۱۹. اسوه‌های جاویدان سیری در زندگانی اصحاب وفادار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، چاپ اول، سیدرضی سیدنژاد، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، زمستان ۱۳۸۹، فارسی، وزیری، ۷۶۰ صفحه.

همان‌طور که عنوان کتاب نشان می‌دهد، نقدی است بر دیدگاه عدالت صحابه. نویسنده کوشیده تا با تکیه بر دو بازوی عقل و نقل و با استفاده از قرآن و روایات صحیح، به نقد عملی دیدگاه عدالت صحابه و برخی آراء اهل سنت در مورد اطرافیان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بپردازد. وی در مقدمه‌ای سی صفحه‌ای، به معرفی مبانی تحقیق خویش پرداخته و سعی نموده به مفهوم‌شناسی درست از اصحاب و دیگر واژگان مربوط به موضوع بپردازد. کتاب در قالبی روشمند و علمی، در حدود ۴۰ صفحه، به زندگانی و سیره خدیجه کبری (ص ۱۴۰-۱۷۹) پرداخته است. این بخش به بحث درباره شرح حال، خاندان و القاب خدیجه کبری، ویژگی‌های فردی و اجتماعی ایشان، ازدواج، اسلام، دفاع و فعالیت‌های آن بانو از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در پایان، رحلت و مقام ایشان نزد پیامبر پرداخته است. نویسنده سعی کرده با متنی کلامی و علمی و با بهره‌گیری از منابع فراوان و دسته اول شیعی و سنی، به موضوع بپردازد. هرچند کتاب فاقد نقد و تحلیل جدی گزارش‌هاست، گزینش و دسته‌بندی خوب آن به اثر قوت بخشیده و سعی شده از ذکر موارد ضعیف و ناسازگار با مبانی که در مقدمه آمده پرهیز شود.

۲۰. همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (پرسش‌ها و پاسخ‌ها)، حسن عاشوری لنگرودی، چاپ اول، تهران، تهیه و تنظیم: مرکز پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۸۶، فارسی، وزیری، ۳۴۴ صفحه.

کتاب شماره چهارم از مجموعه کتاب‌های پرسش‌ها و پاسخ‌هاست که مرکز پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی تهیه کرده است. نویسنده کوشیده در قالب سؤال و پاسخ، به زوایای مختلفی از زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسران وی بپردازد. تعدد زوجات، احکام و اخلاق همسررداری، زندگی‌نامه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیدگاه قرآن در مورد ازدواج و همسررداری، از مهم‌ترین موضوعات این کتاب است. نویسنده در بخش زندگی‌نامه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ۲۵ صفحه، به سؤال‌هایی در مورد خدیجه کبری و زندگانی و سیره ایشان، پاسخ داده است. قالب نوشتاری «پرسش و پاسخ»، به این نوشته جذابیت خاصی

بخشیده به ویژه که این نوشته از نظر متنی هم بسیار روان نگاشته شده است. نویسندگان از منابع متعدد تاریخی، روایی، تفسیری و فقهی اهل سنت و شیعه بهره برده و هرچند در برخی موارد به پاسخ دقیقی نرسیده، اما در مجموع تصویر قابل قبولی از مباحث عرضه داشته است. با توجه به این که مخاطب کتاب عموم مردم هستند و کتاب برای هدف مشخصی نگاشته شده، می توان نویسندگان را در این مسیر موفق دانست.

۲۱. ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، ذبیح الله محلاتی، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بهار ۱۳۷۰، در ۶ جلد، فارسی، وزیری. جلد اول به زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص دارد. در مجلد دوم این مجموعه که به ادامه مباحث حضرت زهرا علیها السلام می پردازد از صفحه ۲۰۲ تا ۲۷۳ به زندگانی خدیجه کبری، مادر فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص دارد.

نویسنده در ذیل سرفصل آتی، به زندگانی ام المؤمنین خدیجه کبری می پردازد؛ فضایل این بانو در کتب اهل سنت، کمال ایمان خدیجه و پاره ای از شئون خاصه ایشان، اطلاع خدیجه به احوال پیغمبر از علمای یهود، خواب دیدن ایشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را، ورود اعمام النبی در خانه خدیجه علیها السلام به جهت سرمایه برای تجارت، آمدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خانه خدیجه، بار بستن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر شتر در محضر خدیجه، رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جانب شام برای تجارت، نزول قافله به وادی امواء و جریان سیل، نزول قافله بر سرچاه و پر کردن ابو جهل آن چاه را، رسیدن قافله به وادی ذبیان و قصه ازدها و قصاید بنی هاشم در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن وادی، ایجاد نخلستان در وادی بی آب، نزول قافله به عقبه ایله و قصه راهب با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ورود قافله به شام و قصه سعید بن قمطور با آن حضرت، مراجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از سفر شام و دیدن خدیجه قبه نورا، استقبال خدیجه از رسول خدا و مراجعت دادن او را به سوی قافله، ورود رسول خدا به خانه خدیجه و مکالمات ایشان، وارد شدن صفیه دختر عبدالمطلب بر خدیجه برای تحقیق مطلب، وارد شدن ورقه بر خدیجه و

مکالمات ایشان در باب مزاجت، کیفیت عروسی خدیجه کبری، بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و تسلیت دادن خدیجه آن حضرت را، سلام آوردن جبرئیل از جانب حق تعالی برای خدیجه، حامله شدن خدیجه به حضرت زهرا علیها السلام و مسألت او از خدای تعالی، اضطراب خدیجه در مسأله شق القمر و تسلیت دادن فاطمه او را در رحم، اولاد ام‌المؤمنین خدیجه کبری، وفات خدیجه کبری و آوردن کفن از جانب حق تعالی و ضراء خدیجه کبری و زنان بهشتی رسول خدا.

نویسنده کتاب را به زبان فارسی قدیم در خردادماه سال ۱۳۴۹ شمسی به اتمام رسانیده است. مجموعه دارای کتاب‌نامه نیست و آدرس دهی مطالب به نقل در متن از فلان شخص بسنده کرده است. مثلاً احمد بن حنبل چنین می‌گوید. در مواردی نیز اسم کتاب و نویسنده باهم ذکر شده و در مواردی فقط به اسم کتاب کفایت کرده است. نقل‌ها و مطالب کاملاً سلیقه‌ای گزینش شده و تمامی منابع نزد نویسنده دارای رتبه اعتبار یکسانی هستند. در پایان هر نقل، سعی شده کلمات مبهم، معنا شود و در برخی موارد به توضیح مطلب نیز پرداخته شده و نویسنده سعی کرده از پیچیدگی متن جلوگیری نماید و آن را همه‌فهم سازد. هرچند نویسنده از کتب اهل سنت هم در زمینه حدیث و هم در بحث تاریخی بسیار بهره برده، اما کتاب در فضای فکری شیعی نوشته شده و در همه جای آن سعی گردیده نظر مخالفان نقد و رد شود. نویسنده از نظر دیدگاه اعتقادی، توجه خاصی به وجوه فرابشری و کرامات و معجزات داشته و تا توانسته از این اموریاد کرده و بهره برده است؛ مانند رؤیت فرشتگان و جبرئیل توسط خدیجه کبری و یا امتحان و اختبار نمودن جبرئیل با گشودن روی و موی خویش. ایشان از منابعی مانند *ناسخ‌التواریخ* و نظایر آن بسیار بهره برده که باعث ضعف علمی کتاب شده است. در مجموع، کتاب سعی داشته تا امکان دارد، مطالب را از منابع مختلف گردآوری نماید، اما متأسفانه منابع را از نظر اعتبار و وثاقت طبقه‌بندی ننموده و هر چه را که خوشایند طبع و عقیده‌اش بوده، گردآورده و هر چه را نبوده فرو گذاشته است. کتاب از نظر اعتبار و وزانت علمی،

در درجه ضعیفی قرار دارد، به خصوص که آدرس دقیق مطالب را نیز نیاورده و فاقد تحلیل و نقد علمی مطالب است.

۲۲. نساء حول الرسول تراجم و قصص، محمد علی القطب، محمد عمر الداوق، احمد عبدالجواد الدومی، صیدا بیروت، المكتبه العصریه، ۱۴۲۵ ق- ۲۰۰۵ م، عربی، وزیری.

کتاب همان طور که از اسمش پیداست، به زندگانی مادر، پرستاران و دایه پیامبر ص، همسران، دختران و برخی از نوه‌های دختر پیامبر ص و زنانی پرداخته که با آن حضرت تعاملی داشته‌اند. در بخش همسران پیامبر ص به زندگانی خدیجه به عنوان اولین همسر پیامبر ص در ۱۴ صفحه پرداخته است. سرفصل‌های این بخش عبارتند از: «توطئه» که مقدمه‌ای است که جامعه زنان مسلمان را مخاطب قرار داده و از آنان دعوت نموده که به سوی الگوی اسلامی زن مسلمان و سجایای اخلاقی بروند. «نسب حضرت خدیجه»، «ولادت»، «نشأت»، «ازدواج‌ها»، «تجارت»، «فضایل اخلاقی الطاهره سیده قریش»، سرفصل‌های بعدی هستند. نویسنده سعی کرده به زوایای زندگی خدیجه کبری با رسول خدا توجه نماید. از همین رو، در ادامه به سرفصل‌های ذیل می‌پردازد: «امین بر تجارت خدیجه»، «بازگشت»، «ازدواج»، «در خانه خدیجه»، «ریاحین قلب النبی» که به دختران پیامبر از خدیجه می‌پردازد، «الحکمه البالغه» که به فهم و علم خدیجه می‌پردازد، «فجر الاسلام» که به اسلام آوردن ایشان است، «الخلوه» که بیان صبر و تسلیم خدیجه در مواقع دوری و عزلت پیامبر در حراء است. «لیله القدر» که نقش خدیجه در فهم ليله القدر را به واسطه ورقه بن نوفل بیان داشته است که اشاره از ذکاوت ایشان برشمرده شده است، «المسلمه الاولى»، «الجهر بالدعوه»، «ایام الشدائد و المحن»، «الجزء»، فی شعب ابی طالب» سرفصل‌های بعدی است که به زندگانی مشترک خدیجه کبری با پیامبر و همراهی با ایشان پرداخته و در پایان، با سرفصل «عام الحزن»، به رحلت و جایگاه عاطفی خدیجه در نزد رسول خدا ص اشاره می‌کند.

با این‌که کتاب در زمان معاصر نگاشته شده، متأسفانه کتاب‌نامه ندارد و فقط به ذکر منابع در پاورقی، آن‌هم به صورت مختصر اکتفا شده است. کتاب با توجه به نویسندگان آن که اهل سنت و عرب هستند، بیش‌تر با روش حدیثی-تاریخی نگاشته شده و از منابع دسته اول حدیث و تاریخ اهل سنت بهره برده است. کتاب به صورتی مختصر و با رویکردی فرهنگی-اجتماعی نگاشته شده است. متن کتاب از ادبیات وزین و قوی عربی معاصر، بهره برده است. نوشته سعی نموده با مخاطبان کتاب صحبت کند که جامعه زنان امروز دنیای عربی اسلامی و به خصوص کشورهایمانند مصر، سوریه و لبنان هستند و آن‌ها را به سوی فرهنگ زن اسلامی سوق دهد و از فرهنگ غربی دور نماید.

۲۳. نساء حول الرسول و اهل البيت، فوزی آل سیف، بیروت، دارالصفوه، چاپ اول، ۱۴۳۲ ق ۲۰۱۱ م، عربی، وزیری، ۵۶۵ صفحه.

کتاب در سیزده فصل، به زندگانی زنانی پرداخته که با معصومان زیسته‌اند که به ترتیب از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا امام زمان (عج) است. در فصل اول که به زنان حول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته، بعد از فاطمه بنت اسد، به خدیجه بنت خویلد در ۱۲ صفحه می‌پردازد. (ص ۵۲-۶۴). «خدیجه الطاهره»، «خدیجه المومنه»، «المجاهده المنفقه»، «أم الذریه النبویه الطاهره» و «عام الحزن»، سرفصل‌های کتاب است. نویسنده سعی نموده در فضایی کاملاً علمی و منطقی، به تحلیل اجتماعی زندگانی خدیجه کبری با تکیه بر منابع اهل سنت و شیعه بپردازد و شخصیتی کاملاً منطقی و قابل پیروی و الگویی به جامعه عرضه کند. کتاب بیش از آن‌که به نقل قول بپردازد، سعی در تحلیل قضایا و مطالب دارد و با ادبیات عربی معاصر، به بیان این تحلیل‌ها پرداخته است. نویسنده به عنوان یک زن مسلمان، در همان سرفصل‌های معدود، سعی کرده شاکله تصویریک الگوی کامل زن را از خدیجه کبری و علت این انتخاب را توضیح دهد که به نظر موفق هم بوده است.

کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان‌های فارسی، عربی، اردو، ترکی، اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی)

مریم/اسماعیلی (سما)

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام در آغاز اسلام ایمان آورد. بزرگ‌ترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله انجام داد، نخستین ایمان آورنده به اسلام بود، ثروتش را در راه ترویج اسلام خرج کرد، تأثیراین کار را کسانی می‌دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک‌های مالی را به مبارزان تجربه کرده‌اند. اگر کمک‌های حضرت خدیجه علیها السلام نبود شاید در حرکت و پیشرفت اسلام اختلال و وقفه عمده‌ای به وجود می‌آمد. بعد هم با رسول خدا و همه مسلمین به شعب ابی طالب تبعید شدند و چند سال، دوسه سال زندگی دشوار و طاقت‌فرسارا در آن جا تحمل کرد و در همان شعب ابی طالب هم دعوت حق را لبیک گفت و در حال تبعید از دنیا رفت. (۱۶ تیر ۱۳۹۳)

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر ناصر رفیعی در دیدار با مقام معظم رهبری در خصوص همایش حضرت خدیجه علیها السلام تصریح کردند: رهبری فرمودند که خدیجه کبری مظلوم است و باید این حضرت از غربت و مظلومیت خارج شود. رهبری فرمودند که حضرت خدیجه مادر ۱۲ امام هستند زیرا حضرت علی علیه السلام را نیز ایشان پرورش دادند و بزرگ کردند. (<http://basijnews.ir>)

براین اساس، کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام انجام شد. تلاش شده است علاوه بر کتاب‌های فارسی، کتب عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، اسپانیولی،

ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی هم جمع‌آوری شوند. امید که مورد قبول واقع شود. در این راستا، از هم‌کاری خانم‌ها: فاطمه الغزوی (عربستان) زهرا آیت‌کین (ترکیه) شهناز صفی‌الدین (آمریکا و انگلیسی) طیبه ربانی (ایران و اسپانیولی)، ساداتی (ایران و ایتالیایی) مقدم (ایران و آلمانی) کریمی مهر (ایران و فرانسوی) تقدیر و تشکر شود. تعداد کتب و مقالات در این زبان‌ها بسیار محدود بود.

الف) فارسی

۱. *تورامی خواهم؛ داستان زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام*، رضا شیرازی، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۵ ش. رمانی است که زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام را به تصویر کشیده است.

۲. *فروع آسمان حجاز (خدیجه علیها السلام)*، علی کرمی، انتشارات نسیم انتظار، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.

در این کتاب درباره ویژگی‌های حضرت خدیجه علیها السلام (پیش‌گامی در ایمان، نماز، بیعت و حمایت پیامبر اکرم، حیا، اخلاص و شجاعت) و همراهی ایشان با پیامبر اسلام و نیز نقش ایشان در گسترش اسلام مطالبی آمده است.

۳. *نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام*، علی کرمی فریدنی، بی‌نا، بی‌تا.

از جمله خصوصیات حضرت خدیجه علیها السلام در فعالیت اقتصادی که در این کتاب بدان پرداخته شده، اندیشمندی، صاحب‌اعتبار بودن ایشان است. هم‌چنین ایجاد انگیزه، نظارت و کنترل، رعایت پاک‌روشی در مدیریت اقتصادی، جلب اعتماد بازارهای داخلی و خارجی، کارآفرین با معنویت از دیگر ویژگی‌های آن بانوی کریمه می‌باشد که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده است.

۴. *مآخذشناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام*، مینا درفشی، چاپ اول، انتشارات هاجر، ۱۳۸۸ ش.

واحد پژوهش مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام به ذکر ۲۰۸ عنوان کتاب به صورت توصیفی پرداخته است، که بیش تر کتاب های تاریخی - حدیثی و انساب هستند که در قسمتی از آن درباره این بانوی گرامی مطالبی آمده است. مانند *تاریخ کامل، نساء النبی، البدایة و النهایة، امالی، اعلام النساء، تاریخ سیاسی اسلام، کافی، احتجاج، اعلام الوری* و... کتاب *خدیجه الکبری* بعاج عبدالستار و *سیده خدیجه* عبدالحمید محمود طهماز از جمله کتبی است که به طور مستقیم با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام نوشته شده است.

۵. *پرتویی از زندگانی دو بانوی بزرگ اسلام خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام*، غلامعلی موسوی سیستانی، چاپ اول، انتشارات عصمت ۱۳۷۷ ش.

کشف علامات نبوت، کاروان بازرگانی به شام، پیشنهاد ابوطالب به حضرت خدیجه علیها السلام، ازدواج ایشان با پیامبر و نیز زندگی حضرت زهرا علیها السلام بعد از ایشان از جمله مطالب مطرح در این کتاب است.

۶. *همسر آفتاب*، گروهی از نویسندگان، انتشارات طه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

زندگانی این بانوی کریمه در دوران جاهلیت، ازدواج با پیامبر، زندگی در شعب ابی طالب و نیز خدمات ایشان به اسلام قبل و بعد از طلوع اسلام و مادر امامت بودن ایشان از جمله مطالب عنوان شده در این کتاب است.

۷. *حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام*، احمد صادقی اردستانی، چاپ اول، انتشارات فجر قرآن، ۱۳۸۵ ش.

۸. *حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایشار و مقاومت*، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات نبوی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۹. *خدیجه علیها السلام شکوه زندگی*، محمد تقی کمالی نیا، انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۱ ش.

۱۰. *خدیجه کبری علیها السلام*، احد موسوی، انتشارات نیک معارف، ۱۳۷۳ ش.

۱۱. *خصائص ام المومنین خدیجه الکبری؛ ویژگی های حضرت خدیجه کبری علیها السلام*

- (شامل اعه و بیوگرافی)، انتشارات طوبای محبت، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. سرور زنان جهان، ام‌المومنین خدیجه کبری علیها السلام، اکرم‌السادات هاشمی نژاد، انتشارات نوآور، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

مقالات فارسی

۱. «حضرت خدیجه علیها السلام، اولین شیعه علی علیه السلام»، محمد عابدی، مجله *میلغان*، ش ۱۱، دی ۱۳۷۹ ش.
۲. «تقدیراز پدید آورندگان اثر در خصوص حضرت خدیجه علیها السلام» مجله *گلستان قرآن*، ش ۱۸۷، نیمه اول آبان ۱۳۸۳ ش.
۳. «فضائل حضرت خدیجه علیها السلام»، علی امامی، مجله *میلغان*، ش ۵۹، مهر و آبان ۱۳۸۳ ش.
۴. «فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام»، فرهاد تاجدینی، مجله *تربیت*، ش ۸، سال دوم، اردیبهشت ۱۳۶۶ ش.
۵. «برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام» غلامرضا گلی زواره، مجله *میلغان*، ش ۱۵۵، رمضان ۱۴۳۳ ش.
۶. «تأثیر حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، نهله غروی نایینی، مجله *گلستان قرآن*، ش ۵۹، آذر ۱۳۸۰ ش.
۷. «نگاهی به آموزه‌های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام»، عبدالکریم پاک‌نیا، مجله *میلغان*، ش ۳۵، آذر ۱۳۸۱ ش.
۸. «اولین بانوی اسلام (به مناسبت دهم ماه مبارک رمضان سال‌روز رحلت حضرت خدیجه)»، احمد محیطی اردکانی، مجله *فرهنگ کوثر*، آذر ۱۳۷۸ ش.
۹. «به پیشگاه مادر والا، ام‌المومنین حضرت خدیجه علیها السلام»، مجله *تحول فارسی*، ش ۱۷، آذر ۱۳۷۶ ش.
۱۰. «فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان»، مجله *گلستان قرآن*، ش ۹۵، آذر ۱۳۸۰ ش.
۱۱. «بانوی نمونه تاریخ»، علیرضا قاسمی، مجله *گلستان قرآن*، ش ۹۵، آذر

۱۳۸۰ ش.

۱۲. «حضرت خدیجه علیها السلام مادر امت»، محمد محسن طبسی، مجله فرهنگ کوثر، ش ۳۴، دی ۱۳۷۸ ش.
۱۳. «مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، منصوره اعتمادی، مجله مباحث بانوان شیعه، ش ۱۳ و ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ ش.
۱۴. «مقام حضرت خدیجه در پیشگاه خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، علی امامی، مجله مبلغان، ش ۷۱، مهر و آبان ۱۳۸۴ ش.
۱۵. «فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام» سمیه صبوری، مجله گلستان قرآن، ش ۹۵، آذر ۱۳۸۰ ش.
۱۶. «هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام»، سید حسین حر، مجله کوثر، ش ۲۰، بهار ۱۳۸۵ ش.

ب) عربی

۱. السیده خدیجه علیها السلام أم المؤمنین و سابقه الخلق إلى الإسلام، عبدالحمید محمود طهماز الناشر: دارالقلم- دمشق سنة النشر: ۱۴۱۷ / ۱۹۹۶ رقم الطبعة: ۲ عدد المجلدات: ۱ عدد الصفحات: ۱۵۹. نبذة عن الكتاب: لكتاب مقسم لخمسة فصول: فی الفصل الأول وضح کیف كانت تتاجر خدیجة بمالها وإنها توکل الرجال علیه ولم تكن تسافر وتباشر تجارتها بنفسها، انما ترسل معهم مولی لها یدعی میسرة، ولذا اختارت النبی صلی الله علیه و آله و سلم و حدث بعدها أمر الخطبة والزواج فی الفصل التالی تحدث عن خدمتها بنفسها للنبی فی الفصل الثالث تحدث عن لحظة نزول الوحي لمحمد صلی الله علیه و آله و سلم مرة، ودهشته وخوفه ولجوءه لخدیجة دون غيرها من الناس وسرعة تطمينها وتخفيفها عن النبی أما الفصل الرابع فكان عن الدور الجديد فی حياة خدیجة ووقوفها بجانب النبی و

صبرها و تحملها للأذى الفصل الخامس عن ذكرى خديجة ووفاء النبي لذكراها.

گزارش: کتاب پنج فصل دارد، در قسمت اول توضیح می‌دهد چگونه حضرت خدیجه علیها السلام با ثروت خود تجارت می‌کردند و وکیل می‌گرفتند و خود به مسافرت نمی‌رفتند بلکه وکلارا می‌فرستادند (همراه کنیز خود به نام مسیره) به خاطر این پیامبر را انتخاب کرد که بعد از آن عقد و ازدواج حاصل شد. در فصل دوم درباره خدمت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در فصل سوم درباره نازل شدن وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رجوع به حضرت خدیجه علیها السلام برای آرام شدن آمده است. در فصل چهارم درباره نقش جدید زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و ایستادن آن حضرت و تحمل همه سختی‌ها و در فصل پنجم درباره سالگرد خدیجه و وفاداری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خدیجه سخن گفته است.

۲. *حياة السيدة خديجة بنت خويلد علیها السلام من المهد إلى اللحد*، حسین علی الشرهانی الناشر: دارومكتبة الهلال دار البحار، تاریخ النشر: ۱۲/۰۱ / ۲۰۰۵
الطبعة: ۱ الصفحات: ۳۲۰ المجلدات: ۱

نبذه عن الكتاب: الكتاب مقسم على ستة فصول كل قسم يروى سيرة عطرة عن حياة السيدة خديجة علیها السلام إنها بالفعل قدوة حسنة لفتياتنا في زمن اختلف على الناس معنى القدوة مايمسز هذا الكتاب هو اعتماده على عدد كبير من المراجع.

۳. *خديجة بنت خويلد أمة جمعت في امرأة*، السيد نبيل الحسنی طبعة: ط ۱ تاریخ النشر: العتبة الحسينية ۲۰۱۱ م الناشر: مكتبة العتبة الحسينية المقدسة.

نبذة عن الكتاب: يتناول هذا الكتاب حياة أم المؤمنين السيدة خديجة بنت خويلد علیها السلام ودراستها و ذکر الكثير من المسائل المتعلقة بحياة النبي صلی الله علیه و آله و سلم والسيدة خديجة علیها السلام ضمن الفترة المكية والتي قضاها النبي مع أم عياله خديجة علیها السلام فضلا عن الرد على كثير من المسائل العقائدية و مناقشة كثير

من المسائل التاريخية والأسرية وذلك أن بيت خديجة علیها السلام كان هو البيت الأنموذج في الإسلام إذ كانت أم العیال و خیر سند لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خلال ۲۵ فحظیت بما لم تحظى به امرأة في الإسلام.

۴. **خدیجه علیها السلام و دختر خویلد / متى جمع شده در یک زن**، سید نبیل الحسنی

گزارش: این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه علیها السلام؟ درس خواندن ایشان و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه علیها السلام در مکه صحبت می کند و نیز به بسیاری از مسائل اعتقادی پاسخ می دهد و در مورد بسیاری از مسائل تاریخی و خانواده بحث می کند؛ به طوری که خانه خدیجه علیها السلام را الگوی خانه در اسلام، به عنوان مادر و بهترین پشتیبان برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می داند.

۵. **خدیجه بنت خویلد علیها السلام**، سمیه عبدالحلیم الطبعة: ۱ تاریخ النشر:

۲۰۰۱/۱۱/۰۱ الناشر: مكتبة العبيكان، السلسلة: امهات المسلمين عدد

الصفحات: ۲۲ الطبعة: ۱ المجلدات: ۱.

نبذة عن الكتاب: يتحدث عن سيرة السيدة خديجة علیها السلام مبينا اسمها و نسبها و زواجها قبل النبي صلی الله علیه و آله و سلم و لقاءها معه و زواجها منه و إعلان اسلامها و جهادها مع الرسول صلی الله علیه و آله و سلم و اخيرا وفاتها و ينصح للأعمار ۱۸ - ۱۳ سنوات.

۶. **خدیجه و دختر خویلد**، سمیه عبدالحلیم رشته: مادران مسلمانان.

گزارش این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه علیها السلام، نام و نسب و ازدواج آن حضرت قبل از دیدار او به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم چنین درباره اعلام حضرت خدیجه علیها السلام به اسلام خود و جهادش با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در آخر درباره مرگ حضرت خدیجه علیها السلام صحبت می کند. این کتاب برای سنین ۱۸ - ۱۳ مناسب است.

۷. **حياة السيدة خديجة بنت خويلد**، الشيخ ماجد ناصر الزبيدي، الناشر:

دارالمحجة البيضاء - دارالرسول الاكرم الطبعة: الاولى ۲۰۰۴ م عدد

الصفحات: ۲۰۹، الموقع: مكتبة نرجس تاريخ النشر: ۲۰۰۴/۰۴/۰۱

المجلد: ۱.

نیزه عن النیل والفرات: يتحدث المؤلف عن سيرة السيدة خديجة وذلك في ٦ فصول، الفصل الأول احتوى على وصف الحياة التي سادت في الجاهلية وعن طريقه عبادتهم وكذلك القساوة التي كانت تملئ قلوبهم اما في الفصل الثاني ذكر بعض الافتراءات التي كانت تنتشر على أم المؤمنين خديجة اما الفصول الباقية فتحدثن عن حياة السيدة ولقاؤها بالرسول صلى الله عليه وآله وسلم وزوجها وسيرتها وولادتها بالطاهرة فاطمة ودعاء الحزن الذي فقد فيه النبي صلى الله عليه وآله وسلم أكبر دعامتين كان مستندا عليهما.

٨. صفات السيدة خديجة، سناء أيمن الموقع: موضوع 'تاريخ النشر: ٢٠١٦، السيدة خديجة هي من أشرف نساء مكة فهي بنت خويلد الأسدية و تلتقى مع النبي في النسب وقد كانت ارملة صاحبه مال وكان الكل يتمناها وعند رؤيتها للنبي ومدى صدقه و اخلاقه طلبت الزواج منه من خلال صديقه لها وتزوجها النبي صلى الله عليه وآله وسلم. صفات السيدة خديجة بنت خويلد، العفة والطهارة، الفطنة والذكاء والحكمة ومعرفة علوم الأديان السابق، الصبر وتحمل الصعاب. لقد تحمّلت السيدة خديجة مع النبي صلى الله عليه وآله وسلم؟ المصاعب المختلفة في سبيل تبليغ الرسالة السماوية، فعانت مما عاناه الرسول والصحابه في حصار قريش، وتحملت عندما تطلقت بناتها من أزواجهن الكفار ليضغطوا بذلك على النبي بالعودة عن الدعوة، بل دعت الله أن يبدلهن أزواجاً خيراً منهم ولم تحاول لوم النبي على رسالته. ولكنها توفيت رضى الله عنها قبل أن تنال من نعيم الدولة الإسلامية وتشاهد قوتها و ظهورها.

٩. سيرة المعصومين الاربعة عشر و أم المؤمنين خديجه، مرتضى عسكري، دانشكده اصول دين ١٤٢٢، ٤٤ صفحه.

نويسنده محترم به اختصار زندگى نامه ايشان را در کنار ساير معصومان عليهم السلام

نقل کرده است.

۱۰. *السيدة الخديجة بنت خويلد، من المهد الى اللحد، حسين علي شرهاني،* انتشارات دار و مكتبة الهلال دارالبحار، ۲۰۰۵، ۳۲۰ صفحه.

بررسی نسب حضرت خدیجه علیها السلام، ازدواج ایشان، اوضاع مالی، تجارت و انفاق و فرزندان ایشان و نیز موضع ایشان بعد از وحی و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایشان از جمله مباحث مطرح در این کتاب می باشد.

۱۱. *الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة خديجة بنت خويلد،* غالب سیلاوی، انتشارات غالب السیلاوی، ۱۴۲۱ ق، ۵۰۷ صفحه.

کتابی است که نسبت به دیگر کتب مفصل تر به موضوع حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته است و در بیان تاریخ نظرات متفاوت علمای شیعه و سنی را آورده و تحلیل کرده است. حتی در مورد موضع ایشان نسبت به حضرت علی علیه السلام هم اشاراتی دارد.

۱۲. *ام المومنین خديجة بنت خويلد،* عبدالمنعم هاشمی، انتشارات دارالبحار، ۱۳۷۹، ۱۱۹ صفحه.

مقالات عربی

۱. خدیجه بنت خویلد

هی اول زوجات النبی صلی الله علیه و آله و سلم و أمّ أولاده، و خیرة نساءه، و أول من آمن به و صدقه، أم هند، خدیجة بنت خویلد بن أسد بن عبد العزی بن قصى القرشیة الأسدیة، و أمها فاطمة بنت زائدة، قرشیة من بنی عامر بن لؤی. ولدت خدیجة رضی الله عنها بمكة، و نشأت فی بیت شرف و وجاهة، و قد مات والدها یوم حرب الفجار. تزوجت مرتین قبل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باثنین من سادات العرب، ... و تمّ الزواج قبل البعثة بخمس عشرة سنة و للنبی صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵ سنة، بینما كان عمرها ۴۰ سنة، و عاش الزوجان حياة کریمة هانئة، و قد رزقهما الله بستة من الأولاد و قد بین النبی صلی الله علیه و آله و سلم فضلها حین قال: (أفضل نساء أهل الجنة خدیجة بنت

خوید، وفاطمة بنت محمد، و آسفة بنت مزاحم امرأة فرعون، و مریم ابنة عمران رضی الله عنهن أجمعین) رواه أحمد، و بین أنها خیر نساء الأرض فی عصرها فی قوله: (خیر نساءها مریم بنت عمران و خیر نساءها خدیجة بنت خوید) متفق علیه... و دفنت بالحجون، لترحل من الدنيا بعدما تركت سيرة عطرة، و حياة حافلة، لا ينسها مرور الأيام و الشهور، والأعوام و الدهور، فرضى الله عنها و أرضاها. ٢. السؤال: لم تكن خدیجة متزوجة قبل رسول^ص مشهد محمد على، العراق فی الصحيح من سيرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم للسید جعفر مرتضى ج ٢ ص ١٢١ قال: هل تزوجت خدیجة بأحد قبل النبی صلی الله علیه و آله و سلم؟! ثم إنه قد قيل: إنه لم يتزوج بكرا غیر عائشة، و أما خدیجة، فيقولون: إنها قد تزوجت قبله برجلين، و لها منهما بعض الأولاد. و هما عتيق بن عائذ بن عبد الله المخزومي، و أبو هالة التميمي. أما نحن فنقول: اننا نشك فی دعواهم تلك، و نحتمل جدا أن يكون كثير مما يقال فی هذا الموضوع قد صنعته يد السياسة...

٣. وصية السيدة خدیجة بالزهراء المصدر: كتاب قصص فاطمة الزهراء، الشيخ ماجد ناصر الزبيدي، لما اشتد مرض خدیجة قالت يا رسول الله: اسمع وصاياي أولاً فإنی قاصرة فی حقك فاعفنى يا رسول الله، قال حاشا و كلاً ما رأيت منك تقصيراً، فقد بلغت جهدك و تعبت فی دارى غاية التعب و لقد بذلت أموالك و صرفت فی سبيل الله مالک. قالت: يا رسول الله الوصية الثانية أوصيك بهذه - و أشارت إلى فاطمة - فإنها غريبة من بعدى فلا يؤذيها أحد من نساء قريش و لا يلطمن خدّها و لا يصحن فی وجهها و لا يرينها مكروهاً. و أما الوصية الثالثة، فإنی أقولها لابنتى فاطمة و هى تقول لك فإنى مستحية منك يا رسول الله. فقام النبی و خرج من الحجرة فدعت بفاطمة و قالت: يا حبيبتي و قرّة عينى قولى لأبيك: إن أمى تقول: أنا خائفة من القبر أريد منك ردائك الذى تلبسه حين نزول الوحي تكفنتى فيه. فخرجت فاطمة و قالت لأبيها ما قالت أمها خدیجة فقام النبی و أعطى الرداء

1. <http://articles.islamweb.net/media/index.php?page=maincategory&lang=A&vPart=429>.

2. <http://www.omalmomnin.com/?page=articles&id=26>.

إلى فاطمة و جاءت به إلى أمها فسرت به سروراً عظيماً. و روى أنه لما توفيت خديجة عليها السلام أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في تجهيزها و غسلها و حنطها فلما أراد أن يكفنها هبط الأمين جبرائيل و قال: يا رسول الله إن الله يقرئك السلام و يخصك بالتحية و الإكرام و يقول لك: يا محمد إن كفن خديجة من و هو من أكفان الجنة أهدها الله إليها، فكفنها رسول الله بردائه الشريف أولاً و بما جاء به جبرائيل ثانياً، فكان لها كفنان كفن من الله و كفن من رسوله

٤. خديجة بنت خويلد عليها السلام الموقع: الألوكة الثقافية المؤلف: ايمان ثابت، تاريخ

النشر: ٢٠١٣/٣/٤

قال الرسول في حقها (كامل من الرجال كثير و كامل من النساء أربع: آسية بنت مزاحم و مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد)) هي خديجة زوجة الرسول ص و حبيبته و رفيقه جهادة و كفاحه من أجل إعلاء كلمة الله و تبليغ رسالته حيث كان و فيا محبها لها و يعظمها و لهذا غارت عائشه منها اقرأها جبريل السلام من ربها و بشرها بالجنة حيث قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم (هذه خديجة اقرأها السلام من ربها و امره ان يبشرها ببيت في الجنة من قصب لا صلب فيه و لا نصب) و هي تجتمع مع النبي في الجد الخامس و كان زواجها في الجاهلية مرتين و ثم تزوجت النبي صلى الله عليه وآله وسلم قبل البعثة توفيت في السنة ١٥ من البعثة و انجبت له عبدالله و القاسم و رقيه و زينب و ام كلثوم و فاطمة و حزن عليها كثيرا و هي اول من آمن به. كانت خديجة امرأة تاجرة شريفة تستأجر الرجال في مالها و كان الرسول صلى الله عليه وآله وسلم من بين هؤلاء حيث خرج إلى الشام مع غلامها ميسرة و كانت رحلته رابحة فحدثت نفسها بالزواج منه...

٥. السيدة خديجة / اسمها و شرف نسبها الدكتور راجب السرجاني الموقع: قصة

الإسلام، هي أم المؤمنين السيدة خديجة بنت خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي القرشية الأسدية، و أمها فاطمة بنت زائدة بنت جندب. ولدت بمكة سنة ٦٨ ق.هـ، و كانت من أعرق بيوت قريش نسباً و حسباً و شرفاً، و قد نشأت على التخلق بالأخلاق الحميدة، و كان من صفاتها الحزم و العقل و العفة. يلتقى

نسبها بنسب النبی فی الجد الخامس، فهي أقرب أمهات المؤمنین إلى النبی، وهي أول امرأة تزوّجها النبی صلى الله عليه وآله كانت السيدة خديجة عليها السلام امرأة ذات مال و تجارة رابحة، فكانت تستأجر الرجال لتجارتها وتبعثهم بها إلى الشام، ... إسلام السيدة خديجة كانت السيدة خديجة قد ألقى الله في قلبها صفاء الروح، ونور الإيمان، والاستعداد لتقبّل الحق، فحين نزل على رسول الله في غار حراء {اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ} [العلق: 1]، رجع ترجف بوادره وضلوعه، حتى دخل على السيدة خديجة فقال: «زملوني زملوني». فزملوه حتى ذهب عنه الروع. وهنا قال لخديجة «أى خديجة، ما لى لقد خشيت على نفسك». وأخبرها الخبر، فردت عليه السيدة خديجة بما يطيب من خاطره، ويهدئ من روعه فقالت: «كلاً أبشر، فوالله لا يخزيك الله أبداً، فوالله إنك لتصل الرحم، وتصدق الحديث، وتحمل الكل، وتكسب المعدوم، وتقري الضيف، وتعين على نوائب الحق». ثم انطلقت به رضى الله عنها حتى أتت به ورقة بن نوفل - وهو ابن عم السيدة خديجة وكان امرأ تنصّر في الجاهلية، وكان يكتب الكتاب العربي، ويكتب من الإنجيل بالعربية، وكان شيخاً كبيراً قد عمى - فأخبره النبی خبر ما رأى، فأعلمه ورقة أن هذا هو الناموس الذى أنزل على موسى. ومن ثمّ كانت السيدة خديجة أول من آمن بالله ورسوله وصدّق بما جاء به، فخفف الله بذلك عن رسول الله؛ لا يسمع شيئاً يكرهه من ردّ عليه وتكذيب له فيحزنه إلا فرّج الله عنه بها، إذا رجع إليها تثبته وتخفف عنه وتصدقته وتهوّن عليه أمر الناس.

٦. السيدة خديجة .. العفيفة الطاهرة، كان أول ما يبرز من ملامح السيدة خديجة الشخصية صفتى العفة والطهارة، هاتان الصفتان التى قلما تسمع عن مثلهما فى بيئة انتشر فيها الفساد وفى ذات هذه البيئة، ومن بين نساؤها انتزعت هذه المرأة العظيمة هذا اللقب الشريف، ولقبت بـ«الطاهرة»، كما لُقبت أيضاً فى ذات البيئة بـ«الصادق الأمين» السيدة خديجة .. الحكيمة العاقلة وتلك هى السمة الثانية التى تميزها شخص السيدة خديجة كيف لا وقد تجلت مظاهر حكمتها وعقلانيتها منذ أن استعانت به فى أمور تجارتها، وكانت قد عرفت

عنه الصدق و الأمانة. حب النبي لخديجة.. والوفاء لها فكان لها فضل كبير
عند النبي محمد صلى الله عليه وآله وسلم

۷. أم المؤمنين والجهر بالدعوة المصدر: كتاب التريه الإسلاميه، د. سفيان كبتها،
د. فائدة أبو مخ كانت السيدة خديجة رضى الله عنها أول من آمن بالرسول صلى الله عليه وآله وسلم
من النساء و أول من تعلم الوضوء والصلاة، و خرجت معه إلى الكعبة تصلى
خلفه أمام الناس، و قد آمن بالدين الجديد بعض كبراء مكة و كثير من الضعفاء
و المستعبدين، لأنهم وجدوا فيه منقداً لهم من الذل والاستعباد و وجدوا فيه
العدل والإحسان والمساواة والحرية. و بدأ رؤساء مكة يخافون من مبادئ هذا
الدين، و تنتهوا إلى أن عدد المؤمنين به يزداد يوماً بعد يوم، فأخذوا يعذبونهم
بأقسى ألوان العذاب، و يشعلون الفتنة بين صفوفهم، و كان على السيدة خديجة
«رضى الله عنها» أن تخفف العذاب عنهم و تعطيمهم من مالها بعد أن حرمهم
المشركون العمل، و تحرر العبيد الذين يسومونهم سوء العذاب....

ج) تركي

۱. *پایان / دریا، (deniz / Çöl)* نویسنده: سییل ارآسلان / *تشرارت: تیماش، این*
کتاب نگاهى متفاوت به زندگى همسر بزرگوار پیامبر حضرت خدیجه علیها السلام دارد
که حاصل تحقیقات طولانى سییل ارآسلان می باشد. ایشان زندگى همسرو فادار
پیامبر را با تمام جنبه های شناخته شده و شناخته نشده در این کتاب بیان
کرده است.

۲. *نام کتاب: حضرت خدیجه: مادر رسالت (Hazreti Hatice risalet davasının*
annesi)، محمد امین یلدرم / *تشرارت: انتشارت سیر، این کتاب اثری است که*
در آن با منابع و اطلاعات تاریخی به زندگانی این بانوی بزرگوار پرداخته است.
در پایان عکس هایی به نمایش گذاشته شده که فضای معنوی برای خواننده
ایجاد می کند. به عنوان مثال عکس تابلویی که شجره نامه آن حضرت را نشان
می دهد. یا عکس قبر آن حضرت در زمان قدیم و جدید.

۳. *اولین ایمان آورنده به آخرین پیامبرام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام* (son peygambere ilk inanan insan)، عمر سابونجو انتشارات: سمرقند، این کتاب اثری است که با دقت آکادمیک تهیه شده است و در آن مطالبی در مورد اجداد و فرزندان و نزدیکان حضرت خدیجه و حمایت‌های ایشان از پیامبر و اخلاق والای ایشان از منابع معتبر وجود دارد.

۴. *خدیجه کبری (Hatice-i Kübra)*، نجاتی بورسالی *انتشارات: چلیک*، این کتاب از زندگانی مادر اسلام مرواریدهایی را عرضه می‌کند. آن مادری که برای زن مسلمان بزرگ‌ترین الگوست. ایشان در دوره‌ای بزرگ شدند که دنیا در میان شعله‌ها می‌سوخت. بیابان، تشنگی و چشم‌ها پنجره‌هایی بودند که از آن‌ها خون می‌چکید. دنیا را سیاهی مشرکان پر کرده بود. گناه و بی‌اخلاقی مد شده بود و ناله مظلومان همه جا را گرفته بود.

۵. *حضرت خدیجه همسر وفادار پیامبرمان (Hz. Hatice peygamberimizin vefadar eşi)*، هلال چلیکل کارا انتشارات: نسل، حضرت خدیجه علیها السلام بانویی عاقل و با اخلاق، تاجری صادق و الگوبود. ایشان محبت و احترام اطرافیان را به خود جلب کرده و فرشته‌ها شیفته اخلاق و رفتار او بودند و به همین دلیل القاب زیبایی را از جمله طاهره به معنای بانوی پاک و ... را به او داده شد. حضرت خدیجه علیها السلام در کنار همه این صفات، مادری خوب و همسری فداکار بود. ایشان همیشه تسلی دهنده همراه و حامی پیامبر بود. او اولین کسی بود که به خدا و پیامبر ایمان آورد و در این راه همیشه حامی پیامبر بود و از هیچ فداکاری دریغ نکرد.

۶. *حضرت خدیجه علیها السلام (Hz. Hatice)*، آل حاج حسین ودات.

۷. *حضرت خدیجه علیها السلام (Hz. Hatice)*، احمد جمیل آکینجی *انتشارات: بهار*. نویسنده محترم آقای احمد جمیل آکینجی نویسنده ماهری است که این را در کتاب‌هایش مشاهده می‌کنیم. مباحث علمی را تبدیل به رمان کردن مسئولیت بزرگی به شمار می‌رود. ایشان در مورد حساسیت لازم را به خرج داده‌اند.

۸. *بهترین زن روی زمین حضرت خدیجه علیها السلام (Hz) yeryüzünün en hayırlı kadını*.
 Hatice) گلشن غزل انتشارات: موشتو، این کتاب برای سنین نوجوانان با هدف معرفی و محبوب کردن این شخصیت بزرگوار به نگارش درآمده است. زبانی روان و قابل فهم دارد که مخاطب از خواندن آن لذت می برد و از مطالب پر عبرت آن استفاده می کند.

۹. *زندگی فدایی عشق خدیجه (Aşka adanmış bir ömür hz.Hatice)*،
 نوردان داملا انتشارات: حیات، حضرت خدیجه علیها السلام گنج پنهانی است که باید سرگذشت او را در تاریخ جست و جو کرد. بعد از تحقیقات طولانی که در مورد حضرت خدیجه علیها السلام داشتم متوجه شدم که ایشان همه عمر خود را فدای رسالت پیامر نمودند. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مسلمان و اولین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند. در زمانی که زن دارای جایگاه بسیار پایینی بود ایشان اسوه زیبایی ها بودند. به همین دلیل زندگی ایشان باید به طور دقیق آنالیز شود. این کتاب به سبک رمان نوشته شده است و به دلیل ادبیاتی که دارد بسیار جوان پسند است.

(د) اردو

۱. *انی رزقت حبها: السيرة العطرة لأم المؤمنین خدیجة علیها السلام*، محمد سالم الخضر
 اصدار الكتاب: الطبعة الأولى عدد صفحات الكتاب: ۱۰۹، الناشر: دار عالم
 الفوائد للنشر والتوزيع.

نبذة عن الكتاب: السيرة العطرة لأم المؤمنین خدیجة علیها السلام: انی رزقت حبها،
 هو کتاب باللغة الأردیة یسررد فیہ الکاتب أهم ملامح شخصية أم المؤمنین
 خدیجة بنت خویلد علیها السلام

۲. *بیوگرافی معطر از مادر مؤمنان حضرت خدیجة علیها السلام نویسنده: محمد سالم
 الخضر.*

گزارش: این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه علیها السلام صحبت می کند

وبه زبان اردو است؛ نویسنده فهرستی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصی‌ام
المؤمنین خدیجه رضی الله عنها را آورده است.

۵) انگلیسی *Khadija Bint Khuwaylid*

1. *Khadijah Al-Kubra: The great lady and the first wife of the holy prophet*
by Syed A.A. Razwy
2. *Khadija Bint Khuwaylid (The Age of Bliss) Paperback – March 7, 2016*
by Mehmet Buyuksahin (Author)
3. *The Tale of Lady Khadijah Bint Khuwaylid Wife of Prophet Muhammad SAW Kindle Edition*
by Muham Taqra (Author)
4. *Khadijah bint Khuwaylid By: Abdullah, Dr. Daud*
Language: English
A beautiful summarized biography of the first wife of the Prophet (s), by Dr. Daud Abdullah
Other editions Enlarge cover
5. *Khadija: The First Muslim and the Wife of the Prophet Muhammad*
by Resit Haylamaz
6. *The Wives of the Prophet Muhammed (Ahmad Thomson)*
Wealth of knowledge for all Muslim women, both young and old, who wish to follow their example
7. *Khadija Paperback – November 1, 2007* by Resit Hayl-

amaz (Author)

8. Noble Women of Faith: Asiya, Mary, Khadija, Fatima Hardcover – April 16, 2012 by Shahada Sharelle Haqq (Author)
9. Untold: A History of the Wives of Prophet Muhammad Paperback – August 31, 2010 by Tamam Kahn (Author)
10. The Wives of the Prophet Muhammad (Blessing and Peace Be Upon Him) Hardcover – 2009 by Faridah Masood Debas (Author)
11. The Wives Of The Prophet Muhammad (SAAS) Dec 9, 2014 by Ahmad Thomson
12. The Wives of the Prophet Muhammad (Pbuh) 2009 by Faridah Mas'ood Debas
13. The Wives of the Prophet Muhammad ; A Complete Book on the Biographies of the Wives of Holy Prophet Muhammad 2003
14. The Tale of Lady Khadijah Bint Khuwaylid Wife of Prophet Muhammad SAW Jun 14, 2015 by Muham Taqra The Story of Khadijah (The First Muslim Women and the Wife of the Prophet Muhammad) 2013 by Saniyasnain Khan
15. The Days of Prophet Muhammad with His Wives
16. 2011 by Abdul-Munim al-Hashimi and Nour M. Jaffala
17. The Wives of Prophet Muhammad Dec 28, 2006 by Bint Al-Shati
18. The Wives of the Prophet Muhammad 1991 by Muhammad Fathi Musad

The Wives of the Prophet Muhammad
2007 by Shaykh Ashiq Ilahi Bulandshehri
20- The Wives of the Prophet Muhammad - (English/Ara-
bic) - (PB) 2012 by M. Ashiq Elahi

19. The Story of Khadijah (The First Muslim Women and the
Wife of the Prophet Muhammad) by Saniyasnain Khan
(2013-...1656 by Saniyasnain Khan

Online Books:

- <https://www.al-islam.org/khadijatul-kubra-sayyid-ali-asghar-razwy>

Articles

- <https://www.al-islam.org/articles/khadijah-daughter-khu-waylid-wife-prophet-muhammad-yasin-t-al-jibouri>
- <http://elhaam.org/?p=775>
- <http://www.islamicinsights.com/religion/lady-khadija-the-esteemed-wife-of-the-prophet-s.html>

(و) اسپانیولی

۱. خدیجه بزرگ همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

این کتاب یکی از آثار نویسنده محترم جناب آقای رضوی به زبان انگلیسی نوشته شده و مؤسسه اندیشه شرق (بزرگ‌ترین مؤسسه شیعی در خدمت تبلیغ اسلام به زبان اسپانیایی) آن را ترجمه نموده و انتشارات الهام شرق وابسته به مؤسسه مذکور آن را به چاپ رسانیده است. این کتاب وزین با قلمی بسیار شیوا به ابعاد گوناگون زندگی حضرت خدیجه رضی الله عنها بزرگ بانوی اسلام می‌پردازد.

نویسنده پس از ترسیم بسیار دقیق و جذاب از شرایط اجتماعی سیاسی و فرهنگی بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ترسیم شخصیت بانوی اسلام از لحاظ فردی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و عبادی ایشان پرداخته و خدمت این بانوی گرانقدر را به ساحت اسلام و فرهنگ اسلام به خوبی تبیین می‌نماید او نه تنها ثروت مادی خود را در اختیار اسلام گذاشت بلکه همه وجودش، ذوقش و استعدادهایش را در اختیار اسلام قرارداد.

نویسنده از منابع شیعی و سنی استفاده کرده و علاوه بر این به تعدادی از منابع مهم مستشرقین نیز ارجاع داده است و برخی از اشکالات آن منابع را مورد نقد علمی قرار داده است. گرچه این کتاب به جهت نقل مطالبی از کتب اهل سنت بی اشکال نیست اما در نوع خود یکی از بهترین‌هاست در ترجمه تلاش شده برخی از اشکالات با اضافه نمودن نکات مترجم رفع و تصحیح گردد.

جایگاه و مقام والای حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ، جایگاه ایشان و تصمیم قهرمانانه او در ایمان به اسلام و تبدیل شدن به اولین مسلمان زن در مجموعه مقالاتی در کوثر تحت عنوان جایگاه و حقوق زن در اسلام در مجله کوثر به زبان اسپانیایی تبیین شده است. به طور ویژه آن بخش از مقاله که به شخصیت ایشان می‌پردازد در شماره ۷۴ به چاپ می‌رسد که هم اکنون در حال تدوین است لازم به یادآوری است که این مجموعه مقالات در جشنواره بانو امین حائزرتبه مقالات برتر به زبان اسپانیایی گردید

Presentación del libro

Este libro escrito por A' Razauí y traducido al español por Fundación Cultural

Oriente es uno de los mejores libros escritos respecto a Jadiyah, la gran dama del Islam (la paz sea con ella). El autor luego de ofrecer un perfecto panorama de las circunstancias de Arabia en el tiempo de aparición del Islam describe con una atractiva pluma

los diferentes aspectos de la vida de Jadiya, aspectos individuales, sociales, devocionales y espirituales. El autor describe esta personalidad y da una admirable imagen de sus grandes servicios al Islam su pura intención, su gran fe y sus sacrificios por el querido Islam.

ز) فرانسوی

1. Khadija - La première musulmane et femme du Prophète Mohammed (PBSL) Broché – 2011

de Resit Haylamaz (Auteur)

خدیجه، نخستین پیامبر محمد، نویسنده: رسیت های لاماز (انتشارات بروشه) - تاریخ انتشار: ۲۰۱۱

2. Les femmes de l'islam, Tome 1: Khadija: L'épouse de Mahomet Broché – 27 mai 2015 de Marek Halter (Auteur)

زنان اسلام، جلد یک: خدیجه همسر محمد صلی الله علیه و آله و سلم، نویسنده: مارک هالتر، انتشارات بروشه - ۲۷ مه ۲۰۱۵

Ce titre fait partie de la promotion 2 livres J'ai Lu achetés = 1 livre offert (voir conditions sur la page de l'opération en cliquant ici)

3. L'histoire de Khadija, la première musulmane et femme du prophète Mohammad

Auteur : Saniyasnian Khan

Nombre de pages :64

Editeur : Goodword Books

داستان خدیجه، نخستین زن مسلمان و همسر پیامبر محمد (صلی الله علیه و آله)
نویسنده: سانی یاس نیان

ناشر: گود وردز بوکز

(ح) ایتالیایی

(1KHADIJA: LA PRIMA MOGLIE DEL PROFETA MUHAMMAD (SAW)

mondoislam la donna nell'Islam khadija, le mogli del profeta, mogli del profeta muhammad 0 Comments

Share: **Di Mamdouh AbdEl Kawi Dello Russo**

Quando il Profeta Muhammad (pace e benedizione su di lui) aveva venticinque anni, viaggiò ancora una volta verso Siria come mercante di una nobile e ricca vedova dei Quraishi di nome Khadijah bin Khuailid bin Assad, e diventò una persona fidata nel commercio e negli affari della donna, il Profeta Muhammad (pace e benedizione su di lui) fu presto ricompensato e chiese la sua mano per sposarla. Khadijah era molto più anziana del marito [più grande di lui di 15 anni], lui ne aveva 25 e lei 40 di anni, ma nonostante la differenza di età tra loro, fu un matrimonio fortunata e felice. Khadija era una donna molto innamorata ed era sempre pronta a consolarlo nei momenti difficili, come quando nessuno credeva in lui per esempio, e il mondo appariva cupo ai suoi occhi. ...

Tratto da “Mondo Islam” n. 17

il video: <http://www.youtube.com/watch?v=ixL8lgx-PRLk&list=UU4Ai3ps41GJOG-JqAS8tnTQ>

)2Esce in Francia «Khadija». Copie esaurite ma anche minacce ai librai che lo espongono

Lo scrittore franco-polacco denuncia le intimidazioni

La sposa di Maometto per Halter Secondo i musulmani è sacrilegio

PARIGI — «La sposa di Maometto era una donna ricca, bella e forte, più grande di lui di almeno 10 anni. È lei a farsi avanti per proporgli di sposarsi, ed è lei, moglie e figura materna, a incoraggiare quel ragazzo analfabeta dopo che

Allah gli ha parlato per la prima volta. Senza il suo “Io ti credo”, Maometto non avrebbe trovato la forza di diventare il Profeta e non ci sarebbe stato il Corano. Le donne sono figure centrali, determinanti, nella storia della fede musulmana. Che differenza con certo Islam oscurantista di oggi», dice Marek Halter, nella sua casa del Marais.

Lo scrittore ebreo, 78 anni, scampato al ghetto di Varsavia, cofondatore di Sos Racisme, ha già scritto una Bibbia al femminile e pubblica adesso in Italia Maria, la madre di Gesù (Newton Compton, pp. 328, e 12) e in Francia il primo volume di una trilogia dedicata alle donne dell’Islam: Khadija, la sposa di Maometto, che sarà seguita da Fatima (la figlia all’origine dello scisma degli Sciiti) e Aïcha, l’ultima sposa cara alla tradizione sunnita.

Un ebreo che scrive una storia dell’Islam dal punto di vista delle donne. Quali sono le reazioni?

«Da parte delle persone normali, positive. Ho fatto leggere il manoscritto in anteprima ad alcuni dei miei tanti amici musulmani, e non hanno trovato niente da ridire, tranne qualche consiglio peraltro benvenuto. Khadija è uscito solo venerdì scorso,

in 40 mila copie, e l'editore Robert Laffont lo sta già ristampando. Ma alcuni fanatici, come prevedibile, non hanno gradito».

Ha ricevuto minacce?

«A molte librerie che hanno messo il volume in vetrina sono già arrivate telefonate violente: ritirate subito quel libro blasfemo o distruggeremo il negozio. Poi in alcuni forum islamici è cominciata la litania di quanti non sopportano che io, da ebreo polacco che vive in Francia, osi parlare di Islam e delle donne che sono alla sua origine».

È sotto protezione della polizia?

«Il primo ministro Manuel Valls, che è mio caro amico da molti anni, mi ha già chiamato per offrirmi la scorta. Io penso, spero, che non ce ne sia bisogno. Vedremo nei prossimi giorni, quando i manifesti con il mio viso e la copertina appariranno ovunque, in metro, negli aeroporti, nelle stazioni».

Quali sono le librerie minacciate?

«Soprattutto nel Sud della Francia e nella zona di Roubaix, nel Nord».

Perché ha deciso di dedicarsi alle donne dell'Islam?

«È un'idea che mi è venuta anni fa, se i libri non sono usciti prima è anche perché il mio editore aveva paura delle possibili reazioni. Voglio mostrare che le donne sono al cuore dell'Islam».

Un possibile modello per le musulmane d'Occidente?

«Io lo spero, è il senso di questa trilogia. Khadija, e poi Fatima e Aïcha, fanno parte della tradizione delle donne che vivono oggi tra di noi. Possiamo continuare a suggerire loro Simone de Beau-

voir o Giovanna d'Arco, ma credo che tante musulmane francesi ed europee potrebbero amare piuttosto una eroina come Khadija: il mio libro è una storia romanzata ma vera, che dimostra come la sottomissione delle donne sia una costruzione artificiale dei secoli successivi. Khadija è tutto per Maometto. E non portava il velo. Mi piacerebbe che entrasse a fare parte del pantheon di un femminismo delle ragazze musulmane».

Ci sono passaggi controversi?

«A un certo punto nel manoscritto raccontavo che Khadija tocca Maometto, e gli dice: tu mi desideri. Il mio amico filosofo algerino Malek Chebelha ha detto che era troppo, e ho seguito il suo consiglio, togliendo la frase. Ho mantenuto invece altri passaggi garbatamente segnalati da Dalil Boubakeur, il rettore della Grande Moschea di Parigi, che mi chiama mio professore. L'ho ringraziato, ma li ho pubblicati. Che Allah ti protegga, ha detto sorridendo».

ADVERTISING inRead invented by Teads © RIPRODUZIONE RISERVATA

(ط) آلمانی

Vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh): Khadija

Sasati in Religie (Mens en Samenleving) op 23-01-2008 - 1 reactie
Facebook Google+ Twitter Whatsapp/ reageer / meld

Khadija en Aisha zijn de meest bekende vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh). Khadija was zijn eerste vrouw en de eerste die zich tot de Islam bekeerde. De eerste moslim was een vrouw.

Zakenvrouw

Khadija was een rijke zakenvrouw toen Mohammed (vz mh) haar leerde kennen. Haar vader, Khuwaylid, was een van de belangrijkste leiders van zijn stam, tot hij omkwam in een oorlog. Ook verloor Khadija haar eerste man, die haar vervolgens als een rijke weduwe achterliet. Mohammed (vz mh) ging werken voor Khadija, hij zou handel voor haar drijven in Syrië. Op dat moment was Mohammed (vz mh) al bekend om zijn betrouwbaarheid en eerlijkheid. Hij keerde terug uit Syrië met een grote winst.

Huwelijk en Kinderen

Na het relaas van zijn reis te hebben gehoord besloot Khadija dat Mohammed (vz mh) een goede echtgenoot zou zijn en ze vroeg hem ten huwelijk. Eerder hadden rijke, belangrijke mannen uit de stam der Quraish haar al ten huwelijk gevraagd, maar ze had hen afgewezen. Nu trouwde ze, na toestemming van de oom van Mohammed (vz mh) te hebben gekregen, met een man die vijftien jaar jonger was. Mohammed (vz mh) was 25, Khadija 40.

Khadija kreeg zeven kinderen van Mohammed (vz mh). Drie jongens, Qasim, Abdallah (die ook liefkozend Tayyib genoemd werd) en Tahir, die alledrie jong stierven. En vier dochters, Zaynab, Ruqqaya, Umm Khaltoum en Fatima.

Openbaring

Mohammed (vz mh) en Khadija leefden voor vijftien jaren samen, in relatieve rust. In deze tijd kwam Mohammed (vz mh) bekend te staan als 'Al-Amin' (de betrouwbare). Hij had de gewoonte om te vasten en zich dan terug te trekken in een grot in

de berg Hira, in de directe omgeving van Mekka. Tijdens een van die vastenperiodes, Mohammed (vz mh) was 40 en Khadija 55, kwam hij midden in de nacht thuis, trillend van angst. Khadija bedekte hem met een deken en vroeg, toen hij gekalmeerd was, wat er gebeurd was. Een engel, de engel Gabriël of Jibril, was aan hem verschenen en had gezegd ‘Lees!’. ‘Ik kan niet lezen’ had Mohammed (vz mh) hem geantwoord. De engel had hem vastgegrepen en opnieuw gezegd ‘Lees!’. Opnieuw zei Mohammed (vz mh) dat hij niet kon lezen. De engel herhaalde ‘Lees!’. ‘Wat moet ik dan lezen?’ vroeg Mohammed (vz mh) hem wanhopig. En toen citeerde de engel hem het eerste vers uit wat later de Koran zou worden: “Lees, in de naam van de Heer, uw schepper. Die de mens schiep uit een klompje bloed. Lees, uw Heer is de meest Eerbiedwaardige. Hij onderwees de mens door middel van de pen. Hij leerde de mens datgene wat hij niet kende.” (Soera 96, 1-6).

Mohammed (vz mh) wist aanvankelijk niet wat hem overkwam en wilde de grot ontvluchtte. Waar hij ook naar toe probeerde te rennen, overal stond de engel Gabriël tegenover hem. ‘Mohammed’, zei de engel, ‘Jij bent de boodschapper van Allah en ik ben de engel Gabriël’. Toen verdween de engel. Mohammed (vz mh) vreesde dat hij gek aan het worden was. Khadija echter, zag het als een moment van openbaring. Ze zei dat ze dacht dat hij de profeet van de Arabieren was. “Je bent een goed mens, je zorgt voor je familieleden, geeft hulp aan de armen, geeft je gasten te eten en luistert en helpt naar degenen die daar om vragen.”

Waraqa Ibn Nawfal

Khadija nam Mohammed (vzmh) mee naar haar neef, Waraqa Ibn Nawfal, een man die bekend stond om zijn wijsheid. Ibn Nawfal had de boeken van de Joden en de Christenen bestudeerd en wist dat er voorspeld was dat er nog een profeet zou komen. Hij kende de tekenen die de identiteit van de profeet moesten bevestigen wanneer hij zou verschijnen. Ibn Nawfal werd bevangen door opwinding en voorspelde dat de bewoners van Mekka hem de stad uit zouden verdrijven. Hij was er zeker van dat Mohammed (vzmh) de voorspelde profeet was. En hij begreep wie de engel was die aan hem was verschenen.

Geloofsgetuigenis

Er volgde een nieuwe openbaring door de engel Gabriël, waarbij hij Mohammed (vzmh) vroeg om zijn volk op te roepen om alleen tot Allah te bidden. Khadija sprak nu in het openbaar uit wat ze sinds kort als nieuwe waarheid zag: ‘Er is geen God behalve Allah. En Mohammed is de boodschapper van Allah’. Hiermee sprak ze als eerste de geloofsverklaring uit, die moslims tot op de dag van vandaag gebruiken.

Ballingschap

De jaren die volgden waren niet eenvoudig. Khadija gebruikte al haar geld in naam van de Islam. Geld om tot de Islam bekeerde slaven vrij te kopen, voor opvang van gelovigen die dat nodig hadden en in het algemeen om de boodschap te verspreiden. Zeven jaren na de eerste openbaring, Ibn Nawfal was al overleden, werden Mohammed (vzmh) en zijn volgelingen en stamgenoten, de Banu Hashim, inderdaad uit Mekka verdreven. Ze kampeerden

drie jaren in een ravijn in de omgeving van Mekka en het was een tijd van ontbering. Sympathisanten stuurden af en toe voedsel, maar in het algemeen volgden de mensen in Mekka het gebod om geen contacten te onderhouden. Het geloof van de moslims werd echter alleen maar sterker in deze periode. Een aantal volgelingen was naar Abbesinië gevlucht, wat geleid werd door een christelijke koning, Negus. Deze volgelingen keerden terug en vonden de situatie nog slechter dan tevoren, ze keerden terug naar Abbesinië, met een grotere groep mensen. In Mekka versoepelde men het regime en de moslims mochten terugkeren. Het ballingschap had echter een hoge tol geeïst, Abu Talib, de oom van Mohammed (vzmh) was overleden en ook Khadija stierf op 65-jarige leeftijd. Mohammed (vzmh) rouwde diep om haar, ze waren vijfentwintig jaar getrouwd geweest. Ook na haar dood en nadat hij vele andere vrouwen trouwde, bleef hij van haar houden. Hij sprak altijd met respect over haar en bleef voedsel en geschenken sturen naar de familieleden en vrienden van Khadija.

Lees verder

Vrouwen profeet Mohammed: Vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh) (special)

© 2008 - 2016 Sasati, het auteursrecht van dit artikel ligt bij de infoteur. Zonder toestemming

van de infoteur is vermenigvuldiging verboden.

Gerelateerde artikelen

...

Reageer op het artikel “Vrouwen van de profeet Mohammed

(vzmh): Khadija”

Plaats een reactie, vraag of opmerking bij dit artikel. Reacties moeten voldoen aan de huisregels van InfoNu.

Naam

E-mailadres

Reactie

Meld mij aan voor de tweewekelijkse InfoNu nieuwsbrief
PLAATS REACTIE

Reactie

Khadija, 18-10-2009 12:46 #1

Mag ik erop aanwijzen dat deze citaat verkeerd is: “Khadija kreeg zeven kinderen van Mohammed (vzmh). Drie jongens, Qasim, Tayyib en Tahir, die alledrie jong stierven. En vier dochters, Zaynab, Ruqqaya, Umm Khaltoum en Fatima.”

Khadija heeft 6 kinderen gebaar met De Profeet (Vrede zij met hem), Qasim, Abdoelaah, Zaynab, Ruqqaya, Umm Khaltoum en Fatima. Ik weet niet vanwaar jullie da namen Tahir en Tayyib hebben?

En Maria één van zijn andere vrouwen heeft één zoon met hem, genaamd Ibrahiem. De Profeet had 7 kinderen in totaal, 6 met Khadija en 1 met Maria
Reactie infoteur, 18-10-2009

1. <http://mens-en-samenleving.info nu.nl/religie/13897-vrouwen-van-de-profeet-mohammed-vzmh-khadija.html>